



«بِسْمِ اللَّهِ» دستخط مبارک حضرت امام خمینی علیه السلام



گزارش کمیتهٔ پیگیری سرنوشت:

# امام موسی صدر

ایده الله تعالی



کمیسیون اصل ۹۰  
مجلس شورای اسلامی ایران

سرشناسه: کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی  
عنوان و پدیدآور: گزارش کمیته پیگیری سرنوشت امام موسی صدر تدوین: کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی.  
مشخصات نشر: تهران: مجلس شورای اسلامی دوره هفتم، ۱۳۸۶.  
مشخصات ظاهری: ص.: مصور، نمونه، عکس

شابک: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۹۶۱۶۶ - ۶ - ۷  
وضعیت فهرست نویسی: فیپا. ISBN 978 - 964 - 96166 - 6 - 7

یادداشت: کتابخانه به صورت زیر نویس

یادداشت: نمایه ص ۲۸۱ - ۲۸۸

عنوان دیگر: پیشینه سی ساله مسئله امام موسی صدر و دادرسی بین المللی آن

موضوع: صدر، موسی، ۱۳۰۷ - سرگذشتنامه

موضوع: صدر، موسی، ۱۳۰۷ - تجدید حیات فکری.

موضوع: مفقودالاترها - لیبی.

موضوع: لیبی - سیاست و حکومت، ۱۹۶۹-م.

رده بندی کنگره: DS //

رده بندی دیویی: /

شماره کتابخانه ملی:

## گزارش کمیته پیگیری سرنوشت امام موسی صدر

- تدوین: کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی □
- موضوع: گزارش □
- قطع: وزیری □
- ناشر: کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی □
- نوبت چاپ: اول □
- محل چاپ: چاپخانه دفتر انتشارات اسلامی □
- تعداد مجلدات: یک جلد □
- تعداد صفحات: ۲۸۸ □
- تاریخ انتشار: بهار ۱۳۸۷ □
- شمارگان: ۵۰۰۰ □

## فهرست مطالب

۱۱	پیشگفتار
۱۵	مقدمه
۲۰ و ۱۹	فصل اول: نگاهی به زندگی امام موسی صدر
۲۰	☆ ولادت
۲۰	☆ حوزه علمی قم
۲۱	☆ دانشگاه تهران
۲۱	☆ ورود به حوزه علمی نجف
۲۲	☆ سفر به لبنان
۲۳	☆ بازگشت به ایران
۲۴	☆ هجرت به لبنان
۲۴	☆ اعتقاد به تشکیلات و هماهنگی
۲۵	☆ اقدامات امام موسی صدر
۲۵	۱. مؤسسه صنعتی جبل عامل
۲۶	۲. جمعیت خیریه احسان و نیکوکاری
۲۷	۳. رسیدگی به وضعیت زنان
۲۸	۴. خانه دختران
۲۸	۵. آموزشگاه پرستاری
۲۸	۶. درمانگاه و مراکز پزشکی

۲۸	..... ۷. کارگاه فالیبافی
۲۹	..... ۸. مرکز بررسیهای اسلامی
۲۹	..... ۹. مجلس اعلای شیعیان
۳۲	☆ اهداف مجلس اعلای شیعیان
۳۲	..... ۱۰. حرکت محرومین
۳۳	..... ۱۱. جنبش امل
۳۳	..... ۱۲. گفتگو، تفاهم و همزیستی
۳۶	☆ رفتار امام موسی صدر با بستنی فروش مسیحی
۳۶	..... ۱۳. حمایت از فلسطین و دفاع در برابر اسرائیل
۳۸	..... ۱۴. اعتصاب غذا
۴۱	☆ انقلاب اسلامی ایران
۴۴	☆ ربودن امام موسی صدر
۴۴	☆ نگاهی به منظومه فکری امام موسی صدر
۴۸ و ۴۷	■ فصل دوم: عوامل و زمینه‌های سفر امام موسی صدر به لیبی
۴۹	☆ آغاز سفر
۵۱	☆ قطع ارتباط با دنیای خارج
۵۱	☆ نخستین اقدامات
۵۶	☆ نخستین یافته‌ها
۵۶	☆ موضع مقامات لیبیایی
۵۶	☆ بیانیته رسمی وزارت امور خارجه لیبی
۵۹	☆ پاسخ جنبش امل به بیانیته وزارت امور خارجه لیبی
۶۵	☆ تظاهرات مردم لبنان به سوی دمشق
۶۷	☆ دیدار با قذافی
۷۱	☆ نامه سفارت لیبی

☆ نگاه‌هی به نامه سفارت لیبی .....	۷۱
☆ همزمانی و همسانی نامه سفارت لیبی و نامه سازمانی موهوم و تروریستی .....	۷۲
☆ اعلام نظر شرکت خطوط هوایی ایتالیا .....	۷۳
☆ هتل هالیدی این .....	۷۳
☆ گزارش تلویزیون ایتالیا .....	۷۴
☆ ویزای ثبت شده در گذرنامه‌ها .....	۷۵
☆ دیدگاه مقامات ایتالیا .....	۷۶
☆ نامه سفارت ایتالیا به نایب‌رئیس مجلس اعلای شیعیان لبنان .....	۷۷
☆ گفته‌های بعدی مقامات لیبی .....	۷۹
■ فصل سوم: تحقیقات مقامات امنیتی لبنان .....	۸۱ و ۸۲
☆ خلاصه گزارش هیأت امنیتی لبنان .....	۸۳
☆ گفته‌های کارکنان هتل .....	۸۸
۱. خانم زامبوکو مارگریتا؛ نظافتچی .....	۸۸
۲. آقای دوراتته جوزپه؛ باربر .....	۸۹
۳. آقای سدرونی آلبرتو؛ باربر .....	۹۰
۴. آقای کولانجلو پی یترو؛ کارمند پذیرش هتل .....	۹۰
۵. آقای نیکولوزی لئوناردو؛ کارمند پذیرش هتل .....	۹۱
۶. آقای هابر زیگفریدو؛ جانشین مدیر هتل .....	۹۱
☆ گزارش نیروهای اطلاعات و امنیت ایتالیا .....	۹۲
☆ گزارش سازمان امنیت لبنان به وزیر خارجه درباره مأموریت هیأت لبنانی .....	۹۴
■ فصل چهارم: نخستین تحقیق قضایی ایتالیا و دستاوردهای آن .....	۹۷ و ۹۸
☆ بررسی و رأی دادستان کل ایتالیا .....	۱۰۰
■ فصل پنجم: موضع مجلس اعلای شیعیان لبنان .....	۱۰۵ و ۱۰۶
☆ متن بیانیته رسمی مجلس شیعیان لبنان .....	۱۰۶
یکم: علل و شرایط سفر امام موسی صدر به لیبی .....	۱۰۶

- دوم: سفر امام موسی صدر به لیبی و قطع شدن اخبار وی ..... ۱۰۷
- سوم: بیانیته رسمی لیبی ..... ۱۰۹
- چهارم: تناقضات و نادرستیهای بیانیته رسمی لیبی ..... ۱۰۹
- پنجم: سخنان سرهنگ قذافی در حضور هیأت علما در دمشق ..... ۱۱۲
- ششم: بازپرسی قضایی ایتالیا و نتایج آن ..... ۱۱۷
- هفتم: تحقیق هیأت امنیتی لبنان ..... ۱۱۹
- هشتم: علت عدم شتاب در اعلام واقعیت ..... ۱۱۹
- نهم: آشفتگی لیبی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران ..... ۱۲۰
- دهم: آشفتگی لیبی در اظهارات و مواضع مسؤولان این کشور درباره مسئله ..... ۱۲۲
- فصل ششم: تحقیقات قضایی مجدد ایتالیا ..... ۱۲۷ و ۱۲۸
- ☆ رأی قاضی تحقیق پرونده ..... ۱۴۹
- فصل هفتم: دستگاه قضایی لبنان ..... ۱۶۹ و ۱۷۰
- ☆ ۱. دستور ریاست جمهوری لبنان ..... ۱۷۰
- ☆ ۲. دستور وزیر دادگستری لبنان ..... ۱۷۱
- فصل هشتم: حکم قاضی تحقیق لبنان ..... ۱۷۳ و ۱۷۴
- فصل نهم: ادامه پیگیری پرونده در لبنان ..... ۱۸۱ و ۱۸۲
- ☆ تشکیل نخستین جلسه دادگاه و حضور نیافتن قذافی ..... ۱۸۵
- ☆ صدور حکم در یک دادگاه در ایتالیا ..... ۱۸۶
- ☆ ادامه پیگیریها در لبنان ..... ۱۹۱
- فصل دهم: اقدامات انجام گرفته در ایران ..... ۱۹۳ و ۱۹۴
- ☆ اقدام امام خمینی علیه السلام ..... ۱۹۴
- ☆ تلگراف آیت الله العظمی مرعشی نجفی ..... ۱۹۸
- ☆ بیانیته آیت الله العظمی سید عبدالله شیرازی ..... ۱۹۸
- ☆ تلگراف آیت الله گلپایگانی به شاه اردن ..... ۲۰۰
- ☆ بیانیته آیت الله العظمی سید حسن طباطبایی قمی ..... ۲۰۱



- ☆ تلگراف آیت الله طالقانی ..... ۲۰۲
- ☆ تلگرافهای طلاب و فضلاء حوزه علمیه قم ..... ۲۰۳
- ☆ تعلیق روابط دیپلماتیک با لیبی ..... ۲۰۴
- ☆ نامه شیخ محمد مهدی شمس الدین به امام خمینی علیه السلام ..... ۲۰۷
- ☆ نامه آیت الله شمس الدین به رئیس جمهور وقت ایران ..... ۲۰۹
- ☆ نامه سید هادی خسرو شاهی به پاپ ..... ۲۰۹
- ☆ اعتقاد آقای هاشمی رفسنجانی ..... ۲۱۱
- ☆ پیگیری مجدد امام خمینی علیه السلام ..... ۲۱۱
- ☆ ممانعت از ورود قذافی به ایران از سوی مراجع تقلید ..... ۲۱۲
- ☆ سخنانی چند از امام خمینی علیه السلام در باره امام موسی صدر ..... ۲۱۲
- ☆ نامه و امضای نخبگان به آقای خاتمی ..... ۲۱۶
- الف. امضای علما و مدرّسین حوزه ..... ۲۱۷
- ب. امضای رؤسای دانشگاهها ..... ۲۱۹
- ج. امضای فعالان فرهنگی - سیاسی ..... ۲۲۰
- د. امضای حقوقدانان ..... ۲۲۲
- ☆ وعدهای پوچ ..... ۲۲۳
- ☆ انتخاب حجّت الاسلام فاکر به عنوان مسؤول کمیته پیگیری ..... ۲۲۳
- ☆ نامه تاریخی نمایندگان مجلس درباره پیگیری ..... ۲۲۳
- ☆ ملاقات سید صدرالدین صدر با دکتر احمدی نژاد ..... ۲۲۵
- ☆ موضع قاطع نمایندگان مجلس ..... ۲۲۸
- فصل یازدهم: نگاهی به اسناد ساواک ..... ۲۳۳ و ۲۳۴
- ☆ نامه شیخ عیسی خاقانی به معمر قذافی ..... ۲۴۱
- ☆ کوشش در جهت یافتن امام موسی صدر ..... ۲۴۴
- ☆ اعتراض رهبران مذهبی لبنان به ناپدید شدن امام موسی صدر ..... ۲۴۵
- ☆ سازمان اطلاعات و امنیت کشور ..... ۲۴۶

- ☆ جناب آقای ظلّی معاون سیاسی وزارت امور خارجه ..... ۲۴۷
- ☆ تلگرام برای کارتر ..... ۲۴۹
- ☆ موسی صدر ..... ۲۵۱
- ☆ اقدامات سوریه به نفع موسی صدر ..... ۲۵۲
- ☆ سازمان اطلاعات و امنیت کشور ..... ۲۵۳
- ☆ سید موسی صدر ..... ۲۵۴
- ☆ موسی صدر ..... ۲۵۵
- ☆ اعزام دو نفر از نزدیکان [امام] خمینی به لیبی ..... ۲۵۶
- فصل دوازدهم: بررسیهای سازمان عفو بین الملل ..... ۲۵۹ و ۲۶۰
- ☆ گزارشهای سازمان عفو بین الملل در باره لیبی ..... ۲۶۲
- الف. گزارش سال ۲۰۰۱ ..... ۲۶۲
- ب. گزارش سال ۲۰۰۲ ..... ۲۶۳
- ج. گزارش سال ۲۰۰۳ ..... ۲۶۴
- د. گزارش سال ۲۰۰۴ ..... ۲۶۵
- ☆ مسائل مربوط به حقوق بشر ..... ۲۶۶
- ه. گزارش سال ۲۰۰۵ ..... ۲۶۷
- فصل سیزدهم: نگاهی به سخنان قذافی در باره بودن امام موسی صدر . ۲۶۹ و ۲۷۰
- ☆ سخنان معمر قذافی در سال ۱۹۸۴ ..... ۲۷۱
- ☆ سخنان قذافی در سال ۲۰۰۲ ..... ۲۷۲
- ☆ سخنان قذافی در تاریخ ۳۱ اوت ۲۰۰۲ ..... ۲۷۳
- فصل چهاردهم: راهکارهای مجلس شورای اسلامی برای پیگیری قضیه امام  
موسی صدر ..... ۲۷۷ و ۲۷۸
- فهرست اعلام، اماکن، سازمانها و ..... ۲۸۱

## بیشگفتار

زمان و حافظه دو پدیدهٔ عجیب هستند و با هم نسبتی عکس دارند. هرچه زمان به پیش می‌رود و بر حجم تاریخ می‌افزاید، حافظه‌ها کمرنگ‌تر می‌شوند و امکان تحریف یا فراموشی حوادث، فزونی می‌یابد؛ تا بدان جا که از حساسیت جامعه و آحاد مردم نسبت به عزیزترین و مهمترین وقایع و موضوعات کاسته می‌شود. ظاهراً این فرآیند از طبیعت و سرشت آدمی سرچشمه می‌گیرد.

در این میان، پدیده‌های انسانی و تاریخی انگشت شماری را در قرن بیستم می‌توان یافت که گذشت زمان و رفت و آمد نسلیها هیچ‌گاه از اهمیت، حساسیت و گرانمایگی آنها نزد جوامع خودشان نکاسته است. اندک درنگی دربارهٔ علّت جاودانگی ارزش و عزّت این پدیده‌ها نشان می‌دهد پیوند ماندگاری همهٔ آنها نسبتی است که با حقیقت، جمال و کمال مطلق دارند.

پدیده‌هایی ماندگار می‌مانند که به اندازهٔ استطاعت و قابلیت خود، از جاودان مطلق یعنی «الله» - که ازلی و ابدی است - بهره‌ای داشته باشند؛ اینان به میزان بهره‌ای که می‌برند، ماندگارترند. امام موسی صدر، یک نمونهٔ روشن و معاصر این نسبت حقیقی و مصداق بارز این قانون طبیعی است.

بیست و نه سال از ربودن وی می‌گذرد و خانواده و هموطنان ایشان هنوز چشم به راه بازگشت او از لیبی هستند. بیش از ۲۹ سال است که رئیس مجلس اعلای شیعیان لبنان، امام موسی صدر، و دو همراه ایشان شیخ محمد یعقوب و استاد عباس بدرالدین - که به

دعوت رسمی دولت لیبی در ۲۵ اوت ۱۹۷۸ میلادی مطابق با ۳ شهریور ۱۳۵۷ هجری شمسی به این کشور سفر کردند - از میهن و خانواده به دور افتاده‌اند و از آن زمان تاکنون تمامی شواهد و قرائن حاکی از این است که ربودن امام و همراهانش در لیبی اتفاق افتاده و سران دولت لیبی به‌ویژه شخص قذافی مسؤول این حادثه هستند. اینها عیناً نتایجی است که سازمانهای امنیتی و قضایی ایتالیا و دستگاه امنیتی لبنان بدان دست یافته‌اند و پس از تحقیق و بررسی بسیار، بارها ادعای مقامات لیبیایی مبنی بر خروج امام و یارانش از لیبی به مقصد ایتالیا را تکذیب کرده‌اند.

بیست و نه سال از ربودن ایشان گذشته اما گذر ایام و بروز و ظهور حوادث متعدّد و متنوّع، گرد فراموشی بر حادثهٔ ربودن ایشان ننشاند است. اقران ایشان با دریغ و امید، همواره جویای بازگشت امام هستند و جوانان امروز نیز با کنجکاوی و اشتیاق این مسئله را پی می‌گیرند؛ اما افسوس که سیاست‌پیشگانی که حقیقت را در مسلخ مصلحت ذبح می‌کنند، با جنایت ربودن امام موسی صدر، چنین برخورد می‌کنند. مصالح مختلف که دیروز وجود داشتند، امروز نیز هستند و فردا نیز احتمالاً خواهند بود ...

سال ۱۹۷۴ بود که امام موسی صدر قسم خورد و مردم نیز با او هم‌قسم شدند که: «از هیچ کوششی در راه احقاق حق و نابود کردن باطل و طغیانگران فروگذار نخواهند کرد».

ایشان در کنفرانس مطبوعاتی در سال ۱۹۷۵ چنین گفت:

«ایستادن در برابر طاغوت هزینه دارد، با وجود این می‌دانم که رسالت من، همانا

امانت من و مفهوم زندگی من است».

آنچه امروز امام موسی صدر از ما انتظار دارد همین است: «احقاق حق».

آنچه باید بدان اشاره کرد این است که پیگیری مسئلهٔ ربودن امام، تنها به خاطر امام صدر نیست؛ بلکه به همان میزان تلاش برای حفظ و ارتقای فرهنگ پایداری است. پایداری حق در برابر باطل؛ حتی اگر همراهان و یاران اندک باشند. پیگیری این مسئله حفظ فرهنگ حقوق بشر است؛ همان بشری که خلیفهٔ الله روی زمین است. تلاشی است

برای حفظ آزادی و کرامت انسان در برابر طاغوتها. تلاشی برای قدرتمند کردن بازوان حق، برای انسان، انسانی که به تعبیر امام موسی صدر: «تنها ثروت میهن ماست». کتابی که پیش رو دارید، مجموعه‌ای از اسناد و گزارشها دربارهٔ ربودن امام موسی صدر در کشور لیبی و ذکر برخی دلایل و شواهد از حضور امام در آن کشور است. حدوداً دو سال پیش «کمیتهٔ پیگیری سرنوشت امام موسی صدر» در مجلس شورای اسلامی تصمیم گرفت همهٔ گزارشها و اسناد مربوط به ربودن امام موسی صدر را جمع آوری کند تا به صورت سندی ملی از سوی مجلس شورای اسلامی منتشر شود. این اسناد چندی پیش به صورت گزارش کمیسیون اصل نود در مجلس ارائه شد و اکنون مجموعهٔ این اسناد به صورت این کتاب پیش روی شماست.

باید به این نکته هم اشاره کرد که اگر همکاری و مساعدت مؤسسهٔ فرهنگی - تحقیقاتی امام موسی صدر نبود، این گزارش و کتاب هیچ‌گاه گردآوری، تنظیم و تدوین نمی‌شد. از فصل اول تا نهم این کتاب، گزارشی است مستند و جامع از علل سفر امام به لیبی و شرح وقایعی که در آن کشور رخ داده، سپس گزارشهای مفصل امنیتی مقامات لبنان و ایتالیا، گزارش مفصل جنبش امل و مجلس اعلای شیعیان که پاسخ به ادعاهای کذب مقامات لیبی است و در نهایت پیگیریهای انجام گرفته در لبنان و سپس بررسیها و صدور رأی دادگاه ایتالیا است.

فصل دهم به اقدامات صورت گرفته در ایران می‌پردازد. و فصل یازدهم نیز تعدادی از اسناد ساواک را شامل می‌شود. فصل دوازدهم گزارشهای سازمان عفو بین‌الملل را از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۵ در همین زمینه در بر می‌گیرد. و فصل سیزدهم چند سخنرانی از معمر قذافی در زمینهٔ ربودن امام موسی صدر است. در این سخنان به خوبی تناقضات موجود در گفته‌های مقامات لیبی و شخص قذافی آشکار می‌شود. فصل چهاردهم نیز راهکارهای ارائه شدهٔ مجلس شورای اسلامی برای پیگیری قضیهٔ آزادی امام موسی صدر را در بر می‌گیرد.

در این جا لازم است از همکاران گرامی و اعضای محترم کمیتهٔ پیگیری سرنوشت امام موسی صدر آقایان: حجّت الاسلام فاکر، ریاست کمیسیون اصل نود، حجّت الاسلام

ابوترابی، نایب رئیس دوم مجلس، دکتر محمود محمدی، رئیس کمیته سیاست خارجی، حجّت الاسلام مصباحی مقدم، ریاست کمیسیون اقتصادی، دکتر عماد افروغ، ریاست کمیسیون فرهنگی، دکتر پرویز سروری، عضو کمیسیون فرهنگی و سرکار خانم دکتر الهام امین زاده، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی - که در جلسات و پیگیریها تلاش فراوانی داشتند - نهایت تشکر و قدردانی را داشته باشیم.

بجاست که در همین جا از مسئولین محترم مؤسسه امام موسی صدر که در تدوین اوّلیه این اثر کوشیده‌اند مخصوصاً از جناب آقای علیرضا محمودی و جناب آقای مهدی سرحدی صمیمانه تشکر کنیم.

سعید ابوطالب

دبیر کمیته پیگیری سرنوشت امام موسی صدر

آبان ۱۳۸۶

## مقدمه

ربودن امام موسی صدر؛ رهبر شیعیان لبنان با توجه به شرایط بسیار حساس منطقه در سالهای پایانی دهه پنجاه قرن بیستم، آن هم طی یک سفر رسمی به دعوت مقامات لیبیایی، یکی از فجایع تاریخ معاصر خاورمیانه و نشانه دخالت مستقیم استکبار در سرنوشت منطقه است. نیز شاید مهمترین معمای جهان اسلام باشد که هنوز پس از سه دهه راز آن گشوده نشده و تجاهل، تغافل و سکوت سازمانهای بین‌المللی و مجامع جهانی مدافع حقوق بشر، نسبت به این آدمربایی قطعاً طراحان، آمران و عاملان آن را به مؤثرترین وجه مساعدت نموده است.

امام موسی صدر، علاوه بر این که مجتهدی زمان شناس است، تحصیلات دانشگاهی خود را نیز در دانشکده حقوق دانشگاه تهران به پایان رسانده است. ایشان بنا بر توصیه حضرت علامه سید عبدالحسین شرف‌الدین و حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی در سال ۱۳۳۸ به لبنان مهاجرت می‌کند و پس از ارتحال علامه شرف‌الدین، به رهبری همه‌جانبه شیعیان آن سامان انتخاب می‌گردد.

امام موسی صدر، در تاریخ ۹ شهریور ۱۳۵۷ تنها چند ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و در حالی که امید امام امت نیز به حضور ایشان بود، طی سفری رسمی به دعوت رهبر لیبی به آن کشور سفر کرد و ناباورانه در آن سرزمین ناپدید شد.

در طول سی سال سکوت، تجاهل و تغافل جهانی، تنها دو ملت و دولت جمهوری اسلامی ایران و لبنان قضیه ربودن امام موسی صدر و دو همراهشان را رسماً پیگیری کردند. هرچند که در یک بررسی کلی و منتقدانه نسبت به سه دهه گذشته باید اعتراف

کرد که روند پیگیری مذکور در هر دو کشور، به سبب حوادث گوناگون سیاسی و نظامی تحمیلی، دچار فراز و نشیبهایی بوده است. متقابلاً باید تصریح کرد که در سالهای اخیر، عزم جدی برای جبران مافات شکل گرفته است.

مجلس شورای اسلامی، پس از دریافت شکایت خانواده امام در شهریور ۱۳۸۳ و ارجاع آن به کمیسیون اصل نود، مجال مناسبی را ایجاد کرد تا بتواند به صورت قانونی پیگیری قضیهٔ ربودن امام را در دستور کار خود قرار دهد.

کمیسیون اصل نود قانون اساسی، بی‌درنگ از خانواده امام، نمایندگان عالی‌رتبهٔ وزارتخانه‌های ذیربط و کارشناسان مرکز پژوهشهای مجلس دعوت کرد و سرانجام پس از بررسیهای مختلف و همه‌جانبه به این نتیجه رسید که باید کمیتهٔ ویژه‌ای را تشکیل دهد تا اختصاصاً به امر پیگیری قضیهٔ مذکور پردازد؛ لذا مجلس شورای اسلامی، برای پیگیری قضیهٔ ربودن امام موسی صدر، کمیتهٔ ویژه‌ای را در اسفندماه همان سال و با عنایت به مبانی گوناگون قانونی، حقوقی، انسانی و دینی تأسیس کرد که مهمترین آن مبانی عبارتند از:

۱. ایرانی بودن امام موسی صدر.
۲. ضرورت و مسؤلیت دولتها در امر دفاع از حقوق شهروندان.
۳. وظیفهٔ انسانی در پیوند با حفظ آزادی انسانها و دفاع از عزت و حریم اندیشه و ایمان.
۴. ویژگی‌های کم‌نظیر شخصیتی امام موسی صدر و ضرورت نجات و بازگرداندن ایشان به جامعهٔ علمی و دینی، به ویژه در شرایط حساس جهان اسلام.
۵. ارزیابی ربودن امام موسی صدر به عنوان اقدامی علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران.

۶. وظایف و مأموریت‌های کمیسیون اصل نود قانون اساسی.

حاصل تحقیقات دو سالهٔ کمیتهٔ ویژهٔ مجلس شورای اسلامی برای پیگیری قضیهٔ ربودن امام موسی صدر و راهکارهای پیشنهادی اعضای محترم کمیته، گزارش جامع و مستندی است که اکنون پیش روی شماست. این گزارش روز نهم شهریور ماه ۱۳۸۶،



مقارن با بیست و نهمین سالگرد و آغاز سی‌امین سال ربودن امام موسی صدر در لیبی، تقدیم کمیسیون اصل نود شده است.

بی‌شک، برجسته‌ترین امتیاز این گزارش در عین جامعیت و مستند بودن مطالب، رعایت اختصار و پرهیز از حشو و زواید در نگارش آن است. این گزارش در عین حالی که بسیار جذاب و خواندنی است، تصویر کامل و روشنی از زمینه‌ها و عوامل این آدم‌ربایی و روند پیگیری و اقدامات صورت گرفته را به دست می‌دهد.

محمد رضا فاکر

رئیس کمیسیون اصل نود قانون اساسی



فصل اوّل:

نگاهی به زندگی امام موسی صدر

## نگاهی به زندگی امام موسی صدر

امام موسی صدر کیست؟

چه نقشی در منطقه ایفا و چه هدفی را دنبال می‌کرد؟

چرا وجود او ترس و دلهره در دل برخی افکند؟

چرا مرتکب چنین جنایتی در حق او شدند؟

چرا تا کنون که قریب سه دهه از ربودن او گذشته، پیگیری در خوری برای آزادی اش صورت

نگرفته است؟

چرا دولتمردان و سیاست پیشگان، سکوت پیشه کردند؟

سیر وقایع و حوادث پس از ربودن نشان می‌دهد که این عملیات با برنامه‌ریزی حساب شده

و مورد توافق در سطوح مختلف منطقه‌ای و بین‌المللی انجام گرفته است.

## ولادت

« موسی » فرزند چهارم آیت‌الله‌العظمی صدرالدین صدر، فقیه بزرگ، جزو مراجع

ثلاث قم و جانشین آیت‌الله‌العظمی شیخ عبدالکریم حائری یزدی، مؤسس حوزه علمیه قم است.

وی در ۱۴ خرداد ۱۳۰۷ ه. ش. در قم به دنیا آمد. پس از اتمام دوره ابتدایی

و فرا گرفتن مقدمات علوم حوزوی، در سال ۱۳۲۲ ه. ش رسماً وارد حوزه علمیه قم شد.

## حوزه علمیه قم

اساتید او در قم آیات عظام: سلطانی طباطبایی، محقق داماد، حجّت کوه کمره‌ای،

امام خمینی علیه السلام، سید احمد خوانساری در فقه و اصول، علامه طباطبایی و سید رضا صدر

در فلسفه بودند.

سید موسی صدر در فراگیری علم، بسیار کوشا و پرتلاش بود و ذهن فاعل و استعدادهای ذاتی اش هم برای درک سریع مسائل، بیشتر به وی کمک می‌کرد و این سبب شده بود تا خیلی زود نزد اساتید و سایر شاگردان، برجسته و شاخص شود.

آیت‌الله‌العظمی سلطانی طباطبایی درباره نحوه تحصیل وی چنین می‌گویند:

«آقا موسی خیلی زحمت می‌کشید. خیلی خوش فهم بود. اینها باعث شده بود تا

زود ترقی نماید. اگر الآن بود جزو مراجع بزرگ و مسلم تقلید بود».<sup>۱</sup>

او در همین دوران به تدریس کتب مطول، قوانین، رسائل و مکاسب می‌پردازد و از سرآمدان و اساتید برجسته دروس سطح در حوزه علمیه قم می‌شود و درس او به یکی از شلوغ‌ترین دروس سطح در حوزه علمیه تبدیل می‌شود.

از شاگردان ایشان در قم می‌توان به آیت‌الله شیخ یوسف صانعی، حجّت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، آیت‌الله بهجت و امام جمعه اردکان اشاره کرد.

دوستان نزدیک و هم‌بسته‌های اصلی ایشان در قم آیات عظام: سید موسی شبیری زنجانی، عبدالکریم موسوی اردبیلی، شهید بهشتی، سید مهدی روحانی، شیخ مجدالدین محلاتی و ناصر مکارم شیرازی بودند.

## دانشگاه تهران

سید موسی صدر، در سال ۱۳۲۹ وارد دانشکده حقوق، و در رشته اقتصاد از دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۲ فارغ‌التحصیل می‌شود. او اولین روحانی است که به دانشگاه وارد شده است. وی به زبانهای عربی، انگلیسی و فرانسه آشنایی کامل داشت. در همین سال بود که پدر بزرگوار او از دنیا می‌روند.

## ورود به حوزه علمیه نجف

سپس سید موسی صدر، به نجف می‌رود تا دوره جدید تحصیلات حوزوی خود را آغاز کند و تا سال ۱۳۳۷ در نجف می‌ماند و به تکمیل این تحصیلات می‌پردازد. در

۱. سید هادی خسروشاهی، امام موسی صدر، تاریخ و فرهنگ معاصر، چاپ اول، قم، مرکز بررسیهای اسلامی، ۱۳۷۵، ص ۵۱.

The image shows a document with a grid structure, likely a ledger or record book. The grid has several columns and rows, with handwritten entries in Persian/Arabic script. The document is titled "تصویر شناسنامه امام موسی صدر" (Image of the identification card of Imam Musa al-Sadr). The grid contains columns for dates and names, with handwritten entries in Persian/Arabic script. The document is titled "تصویر شناسنامه امام موسی صدر".

تصویر شناسنامه امام موسی صدر

این سالها نزد آیات عظام: سید محسن حکیم، شیخ مرتضی آل یاسین، سید عبدالهادی شیرازی و شیخ حسین حلی به فراگیری فقه و در محضر آیت الله العظمی سید ابوالقاسم خویی به فراگیری اصول می پردازد و فلسفه را نیز نزد آیت الله شیخ صدرا یادکوبه ای می آموزد. در نجف به عضویت هیأت امنای جمعیت «منتدی النشر» در آمد و در

حوزه نجف نیز رسائل (اصول)، مکاسب (فقه) و شرح منظومه (فلسفه) را تدریس کرد. هم بحثهای ایشان در نجف، آیت الله شهید سید محمد باقر صدر و مرحوم سید محمد علی موحد ابطنجی بودند.

### سفر به لبنان

در ایام اقامت در نجف، برای دیدار از بستگان به لبنان رفت و با رهبر شیعیان آن کشور آیت الله العظمی علامه شرف الدین، دیدار کرد. این دیدار از لبنان سبب علاقه فراوان علامه شرف الدین به آقای صدر و زمینه ساز دعوت برای هجرت سید موسی به لبنان شد. در همین ایام بود که آیت الله بروجردی از ایشان می خواهد که برای کارهای تبلیغاتی و ارشادی به ایتالیا برود، اما آقای صدر از ایشان عذرخواهی می کند و این درخواست را نمی پذیرد.

### بازگشت به ایران

آقای صدر در اوایل زمستان ۱۳۳۷ از نجف به ایران بازمی‌گردد و سردبیری اولین نشریه حوزة علمیه قم به نام «در سهایی از مکتب اسلام» را به همراه جمعی از روحانیون به عهده می‌گیرد. اعضای هیأت مؤسس و تحریریه آقایان: سید موسی صدر، علی دوانی، جعفر سبحانی، مجدالدین محلاتی، ناصر مکارم شیرازی، سید عبدالکریم موسوی اردبیلی، حسین نوری همدانی، محمود واعظزاده خراسانی و سید مرتضی جزایری بودند.

از جمله آثار قلمی ایشان سلسله مقالات مکتب اقتصادی اسلام است که در همین مجله منتشر شد. از دیگر کارهای فرهنگی او در این ایام گرفتن امتیاز و اداره یک دبیرستان ملی در قم بود.

همچنین با همفکری حضرات آیات دکتر بهشتی و مکارم شیرازی طرحی گسترده برای اصلاح نظام آموزشی حوزه‌های علمیه طراحی و تدوین کردند.



امام موسی صدر در اولین دیدار از لبنان در ملاقات با آیت‌الله شرف‌الدین

## هجرت به لبنان

اواخر سال ۱۳۳۸ است که سید موسی صدر به لبنان هجرت می‌کند. اگر به تاریخ لبنان نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که شیعیان آن کشور همواره از جانب حاکم مورد ظلم و ستم واقع می‌شدند. ابتدا به دست بنی‌امیه و بنی‌عبّاس و سپس سلسله‌ایویان و بعد نوبت به امپراتوری عثمانی می‌رسد. در زمان احمد پاشا جزار، حاکم لبنان بود که از جانب امپراتوری عثمانی فرمان قتل عام شیعیان صادر می‌شود. پس از عثمانی نیز، لبنان مستعمره فرانسه می‌شود و در تمام این سالها شیعیان، مظلوم‌ترین قشر جامعه لبنانی بودند. آقای صدر با آگاهی از این پیشینه و با تلاش برای زدودن این غبار و زنگار چند صد ساله، پس از ورود به لبنان، شهر صور را برای فعالیت برمی‌گزیند. وی با توجه به ویژگیهای جغرافیایی، تاریخی، فرهنگی و سیاسی لبنان و منطقه، اقداماتی را برای بهبود اوضاع شیعیان آغاز می‌کند. در این راه پر از رنج و سختی، لحظه‌ای آرام ننشست، تا به اهداف خود رسید.

ایشان با تلاش و کوشش شبانه‌روزی موفق می‌شود در لبنان (کشوری که بیش از هفده طایفه و مذهب را در دل خود جای داده است) منظومه‌ی منسجم فکری و آرمانهای والای خود را اجرا کند.

در ابتدای ورودش به لبنان جمله‌ای بر سر زبانها افتاده بود: «جاء شرف‌الدین شاباً»؛ یعنی علامه شرف‌الدین جوان نزد ما آمده است. چندی نگذشت که مردم لبنان سید موسی صدر را «امام موسی صدر» خطاب کردند.

## اعتقاد به تشکیلات و هماهنگی

امام موسی صدر، به داشتن تشکیلات منسجم و کار هماهنگ، بسیار اعتقاد دارد و کار خود را با ایجاد چنین ساز و کارهایی آغاز کرد. ایشان در این باره چنین می‌گوید: «در این دنیای سازمانی، اگر ما بخواهیم تک روی کنیم به نظر من نهایت سادگی است. ما اگر امروز عمل دسته جمعی نداشته باشیم کلاهمان پس معرکه است که هست. برای این که همه چیز منظم و تشکیلاتی و سازمانی است».<sup>۱</sup>

۱. علی حجتی کرمانی، نای و نی، در قلمرو اندیشه امام موسی صدر، چاپ اول، مؤسسه فرهنگی - تحقیقاتی امام موسی صدر، ۱۳۸۳، ص ۲۸۰.



امام موسی صدر، با یاری گرفتن از تحقیقات و بررسیهای عمیق میدانی که یا خود و همکارانشان در مناطق مختلف لبنان انجام دادند، یا از نتایج تحقیقات و بررسی هیأت‌های مختلف سازمان ملل برگرفتند، به درک کاملی از واقعیتها به اوضاع و ساختار اجتماعی و اقتصادی آن روز لبنان رسیدند.

وی در مصاحبه‌ای گفته است:

«کیلومتر شمار ماشین فولکس واگن کوچک من سالانه حدود صد و پنجاه هزار

کیلومتر کار می‌کند و این به سبب گشت و گذار در کوهها و راههای لبنان است»<sup>۱</sup>.

امام موسی صدر، با چنین بررسی هر اقدامی را که آغاز کرد در قالب تشکیلاتی راه‌اندازی می‌کرد.

اقدامات او را به طور خلاصه می‌توان چنین برشمرد:

### اقدامات امام موسی صدر

اقدامات امام موسی صدر را می‌توان به طور خلاصه چنین برشمرد:

#### ۱. مؤسسه صنعتی جبل عامل

این مؤسسه در شهر صور بنا شده، و اولین مؤسسه‌ای است که ایشان ایجاد کرد. مدرسه‌ای مخصوص یتیمان و محرومان. آنان در این مدرسه در رشته‌های مختلف فنی مثل: برق، الکترونیک، آهنگری، جوشکاری، نجاری و ماشینهای کشاورزی، آموزش می‌دیدند و به صورت شبانه روزی زندگی می‌کردند.

پس از این که شهید چمران به لبنان رفت، به توصیه امام موسی صدر، مدیریت این مؤسسه را بر عهده گرفت. اداره کردن چنین مؤسسه‌ای نیاز به هزینه زیادی داشت؛ بنابراین، امام صدر و دکتر چمران برای آن، منبع درآمد مالی ایجاد کردند.

شهید چمران در این باره می‌گوید:

«در این مدرسه محروم، برای این که امور خود را اداره کنیم مجبور بودیم که برای

خارج کار کنیم؛ یعنی مثلاً در و پنجره بسازیم و بفروشیم؛ بنابر این، شاگردان مجبور

۱. مهدی فرخیان، اندیشه رپوده شده، گفتارهای صاحب‌نظران ایرانی و غیرایرانی درباره امام موسی صدر، چاپ اول، تهران، مؤسسه فرهنگی - تحقیقاتی امام موسی صدر، ۱۳۸۵، ص ۲۲۵.

بودند تا نیمه شب جوشکاری کنند؛ حتی در روزهای تعطیل نیز کار کنند. در قسمت ماشینهای تراش پیچ‌های بزرگ می‌ساختیم و به خارج می‌فروختیم تا مقداری از خرج ما را تأمین کند. این موجب شده بود که شاگردان این مدرسه صد برابر شاگردان مدارس دیگر آزموده‌تر و ماهرتر باشند، به طوری که یک شاگرد در این جا بیش از پنجاه یا شصت پیچ می‌ساخت و حتی با چشم بسته می‌توانست پیچ بسازد»<sup>۱</sup>.

## ۲. جمعیت خیریه احسان و نیکوکاری

این سازمان را ابتدا مرحوم علامه شرف‌الدین ایجادی کرد؛ اما پس از رحلت ایشان عملاً راکد شده بود. امام موسی صدر، با بازسازی سازمانی و احیای آن از همه لبنانی‌ها با هر دین و مذهب و گرایشی دعوت می‌کرد تا به محرومین کمک کنند. به اعتقاد امام صدر برای کمک به محرومین تنها نباید به کمک مالی به ایشان اکتفا کرد بلکه باید راهی پیدا کرد تا آنان بتوانند با استفاده از نیرو و توان خود، زندگی خود را اداره کنند.

بنابراین، با احیای ساختار این سازمان، پنج کمیسیون جداگانه به نام بررسی، برنامه، مالی، تبلیغات و مجالس مذهبی تشکیل شد که هر کمیسیون وظیفه خاصی داشت. اعضای جمعیت ماهانه حق عضویتی به مبلغ یک لیره لبنانی پرداخت می‌کردند. این در حالی است که در آن شرایط لبنان همه احزاب و سازمانها برای جذب افراد ماهانه مبلغی را نیز به اعضای خود می‌پرداختند؛ اما بودجه این جمعیت با پرداخت همین حق عضویتها در سال ۱۳۴۰ ه. ش حدود چهل هزار لیره شد. شعار جمعیت، حدیث امام معصوم علیه السلام است که فرمودند: «شیعتنا یموتون ولا یسئلون بالکف» یعنی پیروان ما می‌میرند اما دست‌گدایی به سوی دیگران دراز نمی‌کنند.

این جمعیت در نخستین سال فعالیت، توانست متکدیان را که چهره نامناسبی به شهر صور داده بودند، ساماندهی کند. به این ترتیب که آنان را تقسیم‌بندی کردند؛ عده‌ای را که توانایی کار نداشتند اما اقوام ثروتمندی داشتند با خویشان‌شان صحبت کردند تا ماهیانه مبلغی را برای اداره امور زندگی به آنان بدهند؛ عده‌ای دیگر را که توانایی کار داشتند با

۱. شهید مصطفی چمران، لبنان، چاپ بنیاد شهید چمران، ۱۳، ص ۶۳.

آموختن حرفه‌ای به آنان، شغلی آبرومند برایشان ایجاد کردند. و در نهایت، جلوگدایی عده‌ای را که بر حسب عادت گدایی می‌کردند و نیازی به این کار نداشتند، گرفتند. جمعیت در مدتی کوتاه توانست اعتماد همه لبنانیها را جلب کند.

امام موسی صدر، در این باره می‌گوید:

«در همین چند روز پیش، یک نفر از شخصیت‌های مسیحی به نام رفله منسی نزد من آمد و دو ششم از کارخانهٔ یخ سازی خود را وقف جمعیت کرد. همچنین دو نفر طیب مسیحی هم اکنون به طور مجانی مریضهای جمعیت را معالجه می‌کنند».<sup>۱</sup>

### ۳. رسیدگی به وضعیت زنان

یکی از دغدغه‌های امام موسی صدر، وضع زنان در جامعه لبنانی بود. وضع زنان در لبنان بسیار آشفته و نابسامان بود. برخی از آنان به علت فقر شدید، ناچار به تن دادن به کارهای بسیار پست می‌شدند.

امام صدر در این باره می‌گوید:

«در لبنان مسئلهٔ حجاب و بی‌حجابی زن مطرح نیست، داستان برهنگی زن یا به تعبیر عربها خلاعت مورد مطالعه قرار می‌گیرد. علت این افراط، گذشته از نزدیکی لبنان به اروپا، روش مقامات مسؤل و منتقدان و سرمایه‌داران بزرگ است. این دسته با زن، تجارت می‌کنند!! تجارت با زن تنها به معنای معروف این کلمه نیست بلکه مجله و روزنامه یا فروشگاه‌هایی که با عکسهای نیمه عربیان زن و فروشندگان زیبا سطح فروش خود را بالا می‌برند، نیز با زن تجارت می‌کنند. در لبنان برای جلب سیّاح سعی می‌شود لباسهای زنها در خیابان، در مجالس، هتلها، کناره‌های دریا، فروشگاه‌ها، تفریح‌گاهها و حتی در ادارات دولتی، طوری طراحی شود که غریزهٔ بینندگان را به بهترین وجهی ارضا کند!!».<sup>۲</sup>

امام موسی صدر، می‌کوشد برای از بین بردن زمینه‌های فساد، سطح فکری و تربیتی خانمها را از لحاظ دینی و اخلاقی ارتقا دهد و با مشارکت دادن آنان در کارها و آمدنشان به صحنه‌های اجتماعی از طریق تأسیس مراکزی مخصوص ایشان؛ مثل تأسیس خانهٔ دختران و آموزشگاه پرستاری، به ارتقای شخصیت بانوان کمک گردد.

۱. علی حجتی کرمانی، نای و نی، در قلمرو اندیشهٔ امام موسی صدر، چاپ اول، مؤسسه فرهنگی - تحقیقاتی امام موسی صدر، ۱۳۸۳، ص ۵۸.  
۲. همان، ص ۵۸ و ۵۹.

#### ۴. خانه دختران

در این مکان، دختران بی سرپرست و فقیر، خیاطی، گلدوزی و هنرهای دستی دیگر را فرا می‌گرفتند. بسیاری از این بانوان پس از اتمام دوره، امور زندگی و نزدیکان خود را به بهترین شکل اداره می‌کردند.

#### ۵. آموزشگاه پرستاری

دخترانی که دیپلم داشتند در این مرکز، آموزش پرستاری می‌دیدند و آنان پس از اتمام دوره جذب مراکز پزشکی و درمانی می‌شدند.

#### ۶. درمانگاه و مراکز پزشکی

این مرکز به نام «مدینه الطب» شهرت یافت، و تا به حال اقدامات وسیع و مهمی را در خصوص امور بهداشتی و درمانی به انجام رسانده است و در بسیاری از روستاهای جنوب لبنان که مردمانش سالها از همه چیز محروم بودند، درمانگاه و مراکز بهداشتی دایر کرده است. پس از راه‌اندازی این مرکز درمانی بزرگ، آموزشگاه پرستاری نیز زیر نظر این مرکز اداره شد.

#### ۷. کارگاه قالببافی

امام موسی صدر، برای تأسیس این مرکز به ایران سفر کرد و در شهرکاشان با قالببافهای ماهر و سابقه‌دار به تبادل نظر نشست و یکی از اساتید این صنعت را با خود به لبنان برد و وی را برای آموزش زنان مدت چند سال در لبنان اقامت داد. با تشکیل کلاسهای آموزش قالببافی، بانوان بسیاری این صنعت را به خوبی یاد گرفتند، چنان‌که بعد از اندکی این مراکز آموزشی، یکی از مراکز سرنوشت ساز برای قشر بانوان و دیگر محرومان به حساب آمد و به علت همین اهمیت، زیر نظر شهید بزرگوار دکتر مصطفی چمران اداره می‌شد. بیش از سیصد دختر از منطقه جبل عامل در این مرکز آموزشی، مشغول یادگیری قالببافی بودند. بعد از اتمام دوره لازم در آن مرکز، وسایل قالببافی در اختیار آنان گذاشته می‌شد و آنان در منزل خود به کار ادامه می‌دادند و در برابر، دستمزد دریافت می‌کردند. موسسه، این قالبها را در فروشگاههای مخصوص

می فروخت و با سود آن، کارهای دیگری را در راه بهبودی اوضاع محرومان و بی سرپرستان انجام می داد.

#### ۸. مرکز بررسیهای اسلامی

یکی دیگر از حرکت‌های مهم و ماندگار امام موسی صدر، راه‌اندازی مرکز فعال دیگری است که به نام «معهد الدراسات الاسلامیه» یا مرکز بررسیهای اسلامی، معروف است. این مرکز اسلامی در تربیت طلاب علوم دینی، اهتمام فراوانی دارد و علاوه بر لبنان، عدّه زیادی از کشورهای آفریقایی، افغانستان، اندونزی، چین، تایلند، ژاپن و ... در آن جا درس طلبگی می خوانند. افراد بی شماری نیز از این مرکز، فارغ التحصیل شده و به کشورها و شهرهای خود بازگشته‌اند.

هم‌اکنون در بسیاری از کشورهای آفریقایی، تربیت یافتگان همین حوزه علمیه، معارف اسلام و مکتب تشیع را رواج می دهند. شهید سید عباس موسوی، دبیر کل سابق حزب الله لبنان، نمونه‌ای از پرورش یافتگان این حوزه علمیه است. وی به تشویق امام موسی صدر وارد این مرکز شد و پس از اتمام دوره کامل آن، به نجف اشرف هجرت کرد. این مدرسه علوم دینی، با معماری زیبایی ساخته شده و در کنار دریای مدیترانه، در شهر صور قرار دارد.

دارالایتام، سازمان زنان، کلاسهای مبارزه با بی‌سوادی، کودکستان، خانه معلولین و درماندگان، مدرسه نمونه دختران، باشگاه ورزشی جوانان و مرکز علمی - تحقیقی لبنان نیز از دیگر اقدامات امام موسی صدر است.

#### ۹. مجلس اعلای شیعیان

مهمتر از همه اینها تشکیل مرکزی برای ساماندهی امور کلی شیعیان برای استفاده از حقوق طبیعی و حراست از شخصیت انسانی آنان بود. در آن زمان همه طوایف موجود در لبنان برای خود مرکزیت و دستگاه رهبری داشتند و بدین وسیله از حقوق خویش دفاع می کردند؛ چنان که طایفه اهل تسنن دارای مجلسی به نام «دارالفتوی» بودند که رهبری آن را «شیخ حسن خالد» به عهده داشت. طایفه دروزیها برای خود مرکز قانونی

داشتند. طایفه دروزیها « شیخ عقل » از حقوق آنان پاسدارای می‌کرد. مسیحیان و سایر طوایف نیز به همین منوال. در این میان تنها شیعیان فاقد تشکیلات و مرکزیتی قانون بودند و این باعث شده بود حتی از حقوق بسیار ناچیزی که براساس قانون طایفگی به آنان تعلق می‌گرفت، محروم بمانند.



امام موسی صدر در مجلس اعلای شیعیان

امام موسی صدر، برای گرفتن حقوق قانونی شیعیان رهسپار بیروت می‌شود و مبارزه وسیعی را در این خصوص آغاز می‌کند. وی تمام نیروی خود را به کار می‌گیرد تا مجلسی قانونی برای شیعیان آن کشور تشکیل دهد. در حرکت نخست، موضوع را به طور جدی با شخصیت‌های بزرگ سیاسی، محلی و مذهبی شیعه و غیر شیعه لبنان در میان می‌گذارد و هدف خود را از تأسیس این مرکز برای آنان توضیح می‌دهد. او در یکی از این نشستها با حضور شخصیت‌های مختلف مسلمان و مسیحی، طی سخنرانی مستدل و مبسوطی با عنوان « علل عقب ماندگی مسلمانان » ابتدا به علل فرعی اشاره کرد و سپس علت اصلی و منشأ عقب ماندگی را با استناد به آیات قرآن، روایات اهل بیت و براهین

عقلی، تنها در عدم تشکیلات منسجم و عدم تشکیل حکومت مقتدر قلمداد نمود. آنگاه برای احقاق حقوق، سازماندهی و اداره بهتر شیعیان لبنان، به تشکیل مرکزی مستقل تأکید می‌کند.

اما در این راه با کارشکنیها و مخالفت‌های فراوانی - چه از جانب برخی نادانان و چه برخی که با طرح ریزی و هدفمندی سعی در ایجاد مانع داشتند - رو به رو می‌شود. به هر رو، تلاش‌های پیگیر او به ثمر نشست. نمایندگان شیعیان در مجلس شورای لبنان، به پیشنهاد امام صدر، طرحی قانونی را به مجلس تقدیم کردند که این طرح به تصویب مجلس و امضای رئیس جمهوری لبنان رسید.

بر اساس این طرح قانونی، شیعیان توانستند مجلسی را به نام «المجلس الاسلامی الشیعی الاعلی» برای دفاع از حقوق خود تأسیس کنند. پس از گذراندن مراحل قانونی، مجلس اعلای شیعیان در لبنان با انتخاب هیأتی شرعی، متشکل از نه نفر از علمای بزرگ شیعه و هیأتی اجرایی متشکل از دوازده نفر به طور رسمی و قانونی، شروع به فعالیت کرد و امام موسی صدر، به عنوان نخستین رئیس مجلس اعلای شیعیان انتخاب شد. سپس ایشان در سخنانی در جمع اعضای مجلس اعلای شیعیان، پس از انتخاب به ریاست مجلس می‌گوید:

«این برهه زمانی که امروزه در آن به سر می‌بریم، در سازماندهی و به تعبیری دقیق تر، تلاش برای سازماندهی شیعیان لبنان خلاصه می‌شود».<sup>۱</sup>

در باره مجلس نیز می‌گوید:

«من مایلم گوشزد کنم که این مجلس مطلقاً در میان مسلمانان شکاف ایجاد نخواهد کرد، بلکه وحدت کامل از طریق گفتگو و تفاهم و یکدلی، ساده تر صورت می‌گیرد و گفتگو جز در میان نمایندگان واقعی امکان پذیر نیست و مجلس هم راه درست نمایندگی است. به امید آن که این حقیقت بدون هیچ شک و تردیدی فهمیده شود. با قلبی گشاده و آغوشی باز برای همکاری این مطلب را اعلام می‌کنیم و آینده، خود بهترین گواه ما خواهد بود».<sup>۲</sup>

۱. علی حجتی کرمانی، نای و نی، در قلمرو اندیشه امام موسی صدر، چاپ اول، مؤسسه فرهنگی - تحقیقاتی امام موسی صدر، ۱۳۸۳، ص ۳۲۳.

۲. همان، ص ۳۲۵.

## اهداف مجلس اعلای شیعیان

- امام موسی صدر، در سخنانی، اهداف مجلس را چنین برمی شمرد:<sup>۱</sup>
- الف. اقدام به یک موضعه گیری کامل اسلامی؛ چه از نظر فکری و علمی و چه از نظر مبارزه و جهاد.
- ب. تنظیم شؤون طایفه ای شیعیان و بهسازی هرچه بیشتر اجتماعی و اقتصادی آنان
- ج. اقدام اساسی برای جلوگیری از تفرقه میان مسلمانان و سعی فراوان به منظور وصول به وحدت کامل.
- د. همکاری با همه طوایف مذهبی لبنان و کوشش برای حفظ وحدت کشور.
- ه. توجه و مراقبت نسبت به مسؤولیت های ملی و وطنی و حفاظت از استقلال و آزادی لبنان و پاسداری از سرزمین و مرزها و حدود کشور.
- و. مبارزه ای پیگیر با جهل، فقر و تخلفات و ستم اجتماعی و فساد اخلاقی.
- ز. یاری و مساعدت و پشتیبانی از مقاومت فلسطین و همکاری با دولت های مترقی و برادران عرب به منظور آزاد سازی سرزمین های غصب شده به دست رژیم اشغالگر قدس.

## ۱۰. حرکت محرومین

- امام موسی صدر، برای سازماندهی، پرورش و آشنا ساختن جوانان به جهان بینی اسلامی و بهره مندی هرچه بیشتر از این نیرو برای مبارزه با ستم های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، سازمانی را به نام « حرکت المحرومین » تأسیس می کند.
- وی خود برای نمایاندن خطوط کلی این حرکت چنین می گوید:

« حرکت المحرومین از ایمان به خدا و انسان و آزادی و کرامت انسانی سرچشمه گرفته است و هر گونه ستم اجتماعی و نظام سیاسی طایفی را بر طرف نموده و با استبداد و فئودالیسم و سلطه و تفرقه به مبارزه برخاسته است. حرکت المحرومین حرکتی است مردمی که برای سیادت و عظمت وطن و سلامت کشور، تلاش [نموده] و با استعمار و تجاوزات و مطامعی که متوجه لبنان است، مبارزه می کند.»

۱. عبدالرحیم اباذری، امام موسی صدر، امید محرومان، چاپ اول، جوانه رشد، ۱۳۸۱، ص ۱۸۳.



## ۱۱. جنبش امل

فعلیتهای حرکت محرومین، روز به روز گسترده تر و استوارتر می شد. بخشهای اداری، تشکیلاتی، عقیدتی و سیاسی این سازمان، کار خود را آغاز کرده بودند. در آن هنگام گروه‌های چپی و راستی، برای خود ارتشی داشتند. از سوی دیگر، ارتش لبنان و همچنین گروه‌های نظامی دیگر برای حفظ مرزهای جنوبی لبنان در برابر تهاجم و حملات پی در پی اسرائیل کاری نمی‌کردند.

امام موسی صدر در یک سخنرانی در این باره می‌گوید:

«دفاع از وطن تنها از وظایف و مسؤلیتهای دولت نیست، بلکه همه افراد وظیفه دارند از کشور، سرزمین و خانه خویش دفاع کنند و اگر حکومت، مسؤلیت دفاع از مملکت را انجام نداد، ضرورت دفاع از گردن ملت ساقط نخواهد شد».

از همین رو، آموزش نظامی به جوانان آغاز شد. نخستین گروه، هفتاد نفر از دانش‌آموختگان مدرسه صنعتی جبل عامل بودند. این آموزشها زیر نظر سازمان فتح فلسطینی و در عین البینه به صورت پنهانی بود. این آموزشها به مدت هفت ماه مخفیانه ادامه داشت، تا این که در یکی از روزها، هنگام آموزش، ناگهان مینی در دست یکی از مربیان منفجر شد. در این حادثه دلخراش ۲۷ نفر از اعضای سازمان شهید شدند. در پی این انفجار، امام صدر در یک کنفرانس مطبوعاتی تولد «سازمان نظامی امل» را اعلام کرد.

## ۱۲. گفتگو، تفاهم و همزیستی

مشی و رویه امام موسی صدر، «گفتگو» است. وی توانسته است با اجرای این فکر، روابط صمیمانه و نزدیکی با دیگر طوایف و رهبران آنان برقرار کند. از این طریق، شیعیان لبنان نیز برای اولین بار توانستند همپای سایر طوایف و مذاهب در عرصه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، علمی، سیاسی و اقتصادی تأثیرگذار و فعال باشند.

امام موسی صدر، برای این منظور با رهبران مسیحیت لبنان اعم از کاتولیک، ارتدوکس، پروتستان و آرامنه دیدار و گفتگو می‌کند. اعتماد آنان به ایشان به حدی رسید که خطبه عید روزه آنان را در کلیسای کبوشین بیروت، امام موسی صدر خواند.

### رفتار امام موسی صدر با بستنی فروش مسیحی

همچنین حمایت امام موسی صدر از بستنی فروش مسیحی باعث شد که مسیحیان لبنان وی را مسیح لبنان بخوانند. مسئله از این قرار بود که بستنی فروش مسیحی به نام «آنتیبا» در شهر صور بود که در کنار بستنی فروش مسلمانی دکان داشت. بستنی فروش مسلمان به مردم می‌گفت: «این شخص مسیحی و نجس است! از او بستنی نخرید». آنتیبا نزد امام موسی صدر رفت و آنچه را اتفاق افتاده بود، برای او بیان کرد. پس از آن بود که امام صدر به همراه چند تن دیگر به مغازه آنتیبا رفت، در آن جا نشست و کمی بستنی خورد. این کار امام چون بمب لبنان را تکان داد.

پاک دانستن اهل کتاب که تا آن زمان بی سابقه بود، سبب شد توجه همه رهبران مسیحی به سوی ایشان جلب شود. پس از آن بود که در اواخر تابستان ۱۳۴۱ مطران گریگوار حداد به شهر صور آمد و از امام صدر برای عضویت در هیأت امنای «جنبش حرکت اجتماعی» دعوت کرد و از اواخر سال ۱۳۴۱ حضور گسترده امام موسی صدر در کلیساها، دیرها و مجامع دینی و فرهنگی مسیحیان آغاز می‌شود.

نقش امام موسی در حل اختلافات قومی و قبیله‌ای میان مسیحیان با یکدیگر و ایجاد صلح و آشتی نیز بسیار حایز اهمیت است. ایشان روابط دو ستانه و همکاری صمیمانه‌ای با مطران یوسف الخوری، مطران جورج حداد، کاردینال خریش و... برقرار می‌کند.

سخنرانیهای تاریخی امام صدر در دیر «المخلص» واقع در جنوب و کلیسای «مارمارون» در شمال لبنان طی سالهای ۱۳۴۱ و ۱۳۴۲، تأثیرات معنوی عمیقی بر مسیحیان آن کشور بر جای نهاد.

امام صدر، در تابستان سال ۱۳۴۲ طی سفری دو ماهه به کشورهای شمال آفریقا، طرحی نو برای همفکری مراکز اسلامی مصر، الجزایر و مغرب با حوزه‌های علمی شیعه لبنان در انداخت. وی در بهار سال ۱۳۴۴، اولین دوره سلسله گفتگوهای اسلام و مسیحیت را با حضور بزرگان این دو دین الهی، در مؤسسه فرهنگی «الندوة اللبنانیة» به راه می‌اندازد. وی پس از جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل در سال ۱۳۴۶ به دیدار پاپ رفت و نشستی که در ابتدا نیم ساعت پیش‌بینی شده بود، به تقاضای پاپ بیش از دو ساعت به درازا کشید.



امام صدر و شیخ محمد یعقوب در حال اقامه نماز، بلافاصله پس از بمباران جنوب لبنان توسط هواپیماهای اسرائیل

امام موسی صدر از سال ۱۳۴۷ به عضویت مرکز اسلام شناسی استراسبورگ در آمد و از رهگذر همفکری و ارائه سمینارهای متعددی در آن، انتشار آثار ذی قیمتی چون « مغز متفکر جهان شیعه » را زمینه سازی کرد.

امام موسی صدر در بهار سال ۱۳۴۸ و بلافاصله پس از افتتاح مجلس اعلای اسلامی شیعیان، از شیخ حسن خالد مفتی اهل سنت لبنان دعوت کرد تا با همفکری یکدیگر برای توحید شعیب، اعیاد و فعالیت‌های اجتماعی طوایف اسلامی، تدبیری بیندیشند. وی در همین خصوص طرح مدوئی را به اجلاس سال ۱۳۴۹ « مجمع بحوث اسلامی » در قاهره ارائه نمود و متعاقب آن به عضویت دائم این مجمع در می آید. امام موسی صدر در زمستان سال ۱۳۵۵ و در جمع سردبیران جراید بیروت، با پیش بینی صریح حذف فاصله‌ها و روند جهانی شدن در اواخر قرن بیستم، قرن بیستم و یکم را قرن همزیستی پیروان ادیان، مذاهب، فرهنگها و تمدنهای گوناگون می نامد و بر رسالت تاریخی لبنان برای ارائه الگویی موفق در این زمینه پای می فشرد.

امام موسی صدر، در اواسط سال ۱۳۵۷ موفق گردید رهبران مسلمان و مسیحی لبنان را برای برپایی یک جبهه فراگیر ملی متقاعد نماید و در این مسیر تا آن جا پیش رفت

که حتی موعده تأسیس و اولین گردهمایی آنان را برای پس از بازگشت خود از سفر لیبی، مشخص کرد.<sup>۱</sup>

### ۱۳. حمایت از فلسطین و دفاع در برابر اسرائیل

امام موسی صدر، از سال ۱۳۴۳ و یک سال پیش از تأسیس جنبش فلسطینی فتح، در پی اندیشه تبدیل جامعه مصر فی لبنان به جامعه ای مقاوم در برابر تجاوزات آینده رژیم صهیونیستی برآمد. وی در بهار سال ۱۳۴۴ گروهی از جوانان مؤمن شیعه را به مصر اعزام نمود، تا در دوره ای شش ماهه فنون نظامی را فراگیرند. بازگشت این جوانان - که اولین کادرهای مقاومت لبنان بودند - عملیات ایدایی مشترک رزمندگان فلسطینی - لبنانی در شمال فلسطین اشغالی آغاز گردید. بخش اعظم نیروهای رزمنده از جوانان شیعه لبنان و فرماندهی عملیات بر عهده رزمندگان فلسطینی بود. این نوع عملیات مشترک تا اوایل سال ۱۹۷۲ ادامه یافت. اولین شهید شیعه در عملیات ایدایی بر علیه رژیم صهیونیستی، از جوانان شهر مرزی «ناقوره» بود که در سال ۱۳۴۷ به شهادت رسید.

در پی بمباران شدید جنوب لبنان توسط رژیم صهیونیستی در سال ۱۳۴۹ و عدم واکنش مناسب دولت وقت، اعتصابی بی سابقه به دعوت امام موسی صدر، لبنان را فرا گرفت، به گونه ای که دولت وقت را بر آن داشت برای بازسازی مناطق جنگی و برپایی پناهگاههای مناسب در آن، مجالس جنوب را تأسیس نماید.

امام موسی صدر، در سال ۱۳۴۹ رهبران مذهبی مسلمانان و مسیحیان جنوب لبنان را در چارچوب «کمیته دفاع از جنوب» گرد هم می آورد تا برای مقاومت در برابر تجاوزات رژیم صهیونیستی، چاره اندیشی کنند.

از اوایل سال ۱۳۴۱ عملیات ایدایی جوانان شیعه در داخل فلسطین اشغالی شکلی مستقل به خود گرفت، هر چند تا سالها پس از آن نیز به صلاحدید امام صدر، افتخار آن به نام «نیروهای مخصوص جنبش فلسطینی فتح» ثبت می گشت.

در شهریور سال ۱۳۵۱ و کمتر از ۲۴ ساعت پس از اشغال ۴۸ ساعته دو روستای

۱. ر.ک: پایگاه فرهنگی روایت صدر، زندگینامه امام موسی صدر، نوشته محسن کمالیان.

«قانای جلی» و «جویا» به دست سربازان رژیم صهیونیستی، از همان روز، امام، اولین بندرهای «مقاومت لبنانی» را کاشت. یک ماه پس از این حادثه و به هنگام تجاوز نیروهای صهیونیستی به روستایی در جنوب لبنان، اولین عملیات غیر رسمی مقاومت لبنان به اجرا درآمد که حاصل آن چند کشته و مجروح اسرائیلی بود.

از پاییز سال ۱۳۵۱ آموزش نظامی جوانان شیعه شتاب بیشتری گرفت. اولین شهید مقاومت لبنان «فلاح شرف‌الدین» مؤذن چهارده ساله مؤسسه صنعتی جبل عامل بود که در زمستان ۱۳۵۲ و پس از به هلاکت رساندن چند تن از سربازان رژیم صهیونیستی، در روستای مرزی «بنت جبیل» به شهادت رسید. با پایان یافتن جنگ داخلی لبنان و انتقال دامنه ناآرامیها به جنوب، واحدهای مقاومت لبنان رسماً در نقاط استراتژیک مناطق مرزی مستقر شدند.

اولین عملیات بزرگ مقاومت لبنان علیه تجاوزات اسرائیل در اواخر سال ۱۳۵۵ صورت گرفت که پس از چند روز درگیری، به آزادسازی شهرکهای «طیبه» و «بنت جبیل» منجر گردید.

امام موسی صدر، اولین شخصیتی است که در زمستان سال ۱۳۵۶، طرح سازش کارانه توطین پناهندگان فلسطینی در جنوب لبنان را افشا و با مواضع شجاعانه خود از تحقق آن جلوگیری نمود. اسرائیلیها و حامیان آنها قصد داشتند فلسطینیان آواره از وطن را در جنوب لبنان ساکن سازند و به اصطلاح وطنی جدید برای آنان ایجاد کنند. آنان با این اقدام قصد داشتند تا هم فلسطینیها را از سرزمینهای خودشان بیرون بیاورند و هم هژمونی و ساختار لبنان را برهم بزنند که همان طور که گفته شد، درایت و تدبیر امام صدر، مانع این اقدام شد.

در حمله گسترده سال ۱۳۵۷ اسرائیل به جنوب لبنان و به رغم عقب نشینی احزاب چپ و گروه‌های فلسطینی، جوانان مقاومت لبنان و دانش‌آموزان مؤسسه صنعتی جبل عامل در منطقه اشغالی باقی ماندند و به رغم امکانات اندک تا به آخر علیه اشغالگران صهیونیست ایستادگی کردند.

## ۱۴. اعتصاب غذا

تابستان سال ۱۹۷۵ میلادی، لبنان صحنه جنگهای داخلی شده بود. همه گروه‌ها و احزاب درگیر بودند. آنان به جای تلاش برای پایان دادن به این جنگها، به دنبال منافع حزبی، طایفی و گروهی خود بودند و برای این آتش، هیزم بیشتری فراهم می‌کردند. تعداد زیادی کشته و زخمی شده بودند. با تلاشهای امام صدر و برخی دیگر چند بار آتش بس برقرار شد اما بلافاصله با کوچکترین بهانه‌ای جنگ را از نو آغاز می‌کردند. امام موسی صدر برای این که جنگ را متوقف کند، دست به ابتکار و تاکتیک جالبی می‌زد. به مسجد الصفا در بیروت می‌رود و اعتصاب غذا یا به قول لبنانیها «اعتصام» می‌کند. اعلام اعتصاب غذای امام موسی در بحبوحه کشت و کشتار، برای ختم خونریزی، لبنان را به لرزه درآورد.

امام صدر خود در این باره می‌گوید:

«علی رغم تمام تلاشهای من، هنوز بمباران متوقف و آرامش برقرار نشده و شرایط روز به روز بدتر می‌شود؛ بنابراین، ساعت ۲ بعد از ظهر تصمیم گرفتم که اعتصاب غذا کنم و روزه بگیرم. توشه من کتاب خدا و چند جرعه آب است. این جا می‌مانم تا شهادت، یا زمانی که کشور به حالت قبلی خود برگردد. با مادر، همسر و فرزندان خود خداحافظی کرده‌ام و به این جا آمده‌ام تا نماز بخوانم و دعا کنم خدا این کشور را نجات دهد. من با اعتصاب غذای خود می‌خواهم ثابت کنم که در لبنان سلاح دیگری غیر از سلاح تخریب و خونریزی وجود دارد».

سپس امام موسی صدر، بیانیته اعلام اعتصاب غذا را صادر می‌کند. در قسمتی از این

بیانیه آمده است:

«... متأسفانه در لبنان سیاست دیگر وسیله نیست بلکه تبدیل به هدف شده است.

افراد، جماعتها، احزاب و شخصیتهای بدان وسیله زندگی خود را می‌گذرانند ...

برادران هموطن! من دیگر چیزی جز نفس خود ندارم که عرضه کنم و آن را نیز به

عنوان قربانی برای وطن تقدیم می‌کنم...».

ایشان سپس طی بیانیته‌ای خواسته‌های خود را چنین اعلام می‌کند:

الف. توقف خونریزیها و همه فعالیتهاى مسلحانه.

ب. پایان یافتن بحران خلأ دولت و تشکیل دولتی غیر حزبی که بتواند کشور را به حالت طبیعی بازگرداند.

ج. تشکیل سه هیأت در کنار هیأت دولت:

یک: برای انجام تحقیقی جامع برای کشف ریشه‌ها، فرآیندها و مسببین جنگ.

دوم: برای اجرای طرحهای توسعه و عمرانی مناطق محروم.

ج: اجرای مصالحه ملی همه‌جانبه.

استقبال از اقدام امام موسی کم‌نظیر بود. گروه‌های کثیری از مردم به مسجد آمدند و در اعتصاب غذا شرکت کردند. عده زیادی از بعلبک و جنوب لبنان به سمت بیروت آمدند؛ اما عده‌ای که پایان جنگ را به نفع خود نمی‌دیدند، خرابکاری می‌کردند و از آن‌جا که تجمع مردم را در مسجد و در اطراف امام موسی، به مصلحت خود نمی‌دیدند، فروش بنزین را قطع کردند تا جلو آمدن مردم را بگیرند. مرتب از رادیوهای خود اعلام می‌کردند که خیابانها در اختیار تیراندازان است و هرکس از خانه خارج شود، کشته می‌شود؛ ولی با همه اینها هزاران نفر به مسجد آمدند و از برنامه‌های امام موسی صدر حمایت می‌کردند.

مسیحیان نیز به حرکت در آمدند؛ روز بعد از اعتصاب غذا، برخی از گروه‌های ارمی از پیشنهادات امام موسی صدر حمایت کردند. روز دوم تعدادی از کشیشها و پاتریارکها در کلیساهای خود اعتصاب غذا کردند و تعدادی از مسلمانها نیز به آنان ملحق شدند. امام از نظر بدنی در اثر اعتصاب ضعیف شده بود و به سختی حرکت می‌کرد. تعدادی از خانمهای لبنانی با پای پیاده و در آن شرایط ناامن به مسجد آمدند و به اعتصاب غذا پیوستند.

بزرگان لبنان و سیاستمداران و روحانیون از همه گروه‌ها به مسجد آمدند و اعلام پشتیبانی کردند. مفتی حسن خالد رهبر اهل سنت و عده زیادی از رهبران مسیحی و همچنین یاسر عرفات و عده‌ای از مسؤولان مقاومت و حتی وزیر امور خارجه سوریه، رئیس جمهور و نخست وزیر سابق لبنان همه برای اعلام طرفداری، به دیدار امام موسی صدر آمدند. دامنه اعتراض به خونریزی بالا گرفت و بالاخره آتش بس پذیرفته شد و با

انتخاب «رشید کرامی» به نخست وزیری، بیروت روی آرامش را به خود دید. رشید کرامی، یاسر عرفات و خدام، وزیر خارجه وقت سوریه - که از طرف حافظ اسد برای کمک به پایان جنگ به لبنان آمده بود - همگی از امام صدر خواستند به اعتصاب غذای خود پایان دهد.

اما حادثه‌ای دیگر در شهر بعلبک در حال رخ دادن بود که سبب شد امام به اعتصاب پایان دهد. عده‌ای به چند روستای مسیحی نشین در آن منطقه حمله کرده بودند و برای این که جنگهای فرقه‌ای را توسعه دهند و مانع آتش بس شوند، تعدادی از مسیحیان را کشته بودند. آنان قصد داشتند این مسئله را بهانه‌ای برای قتل عام مسلمانان کنند. امام موسی صدر پس از آتش بس بلافاصله اعتصاب غذا را پایان داد و سریراً به بعلبک رفت و پس از چهار روز کار مستمر و پیگیر، بعلبک را آرام کرد. امام صدر در آن جا جمله معروفی را بیان کرد و گفت:

«اگر در بیروت پسر مرا بکشند، اجازه نخواهم داد که در بعلبک یک مسیحی بی‌گناه کشته شود. این دو مسئله هیچ ارتباطی با هم ندارند».

این‌گونه بود که امام صدر در نزد همه «رجل صلح و آرامش» نامیده شد.



پنجمین روز اعتصاب غذا در مسجد الصفاى بیروت



## انقلاب اسلامی ایران

امام موسی صدر، هرچند که در ایران حضور نداشت، اما تحولات اجتماعی ایران را به دقت دنبال می‌کرد. ایشان در طول پانزده سال از سال ۴۲ تا ۵۷ - که انقلاب ایران به ثمر نشست - لحظه‌ای در کمک انقلابیون، رهبری و مبارزین ایرانی خارج از کشور درنگ نکرد و از تمامی امکانات خود حتی آبروی خویش در این راه مایه گذاشت. ایشان هم با حضرت امام علیه السلام در ارتباط بودند و هم با شخصیت‌هایی چون: شهید بهشتی، شهید مطهری، شهید مفتح و دیگران. همچنین با دانشجویان انقلابی خارج از کشور که در قالب انجمنهای اسلامی فعالیت می‌کردند مرتباً در تماس بودند.

پس از دستگیری حضرت امام علیه السلام در خرداد ۱۳۴۲ نیز امام موسی صدر به واتیکان می‌رود و با وزیر خارجه پاپ دیدار می‌کند و به طور منطقی و مستدل از روحانیت و عملکرد آنان دفاع می‌کند. و پس از تبعید حضرت امام به ترکیه نیز امام موسی صدر به اروپا و شمال آفریقا سفر و با شخصیت‌های مذهبی و با نفوذ مسیحی و شیوخ الازهر دیدار می‌کند و می‌کوشد امنیت حضرت امام علیه السلام را در آن جا و سپس در انتقال به نجف تأمین کند.

امام موسی صدر در سال ۱۳۴۴ طی سفری به ایران از شهرهای مختلفی بازدید و با روحانیون و علما دیدار می‌کند. امام صدر در شیراز در مسجد حضرت ولی عصر (عج) به سخنرانی می‌پردازد و مردم را به مبارزه علیه ظلم و ستم شاه فرا می‌خواند.<sup>۱</sup> در سال ۱۳۴۷ امام صدر، طی سفری به نجف با مراجع تقلید و حضرت امام دیدار می‌کند. دیدار ایشان با امام طولانی و خصوصی بود به طوری که حساسیت شدید ساواک را برمی‌انگیزد.

در طول تمام سالهای مبارزه، امام صدر و تشکیلات زیر نظر ایشان همواره پناهگاه و مأمن مبارزین بود. برخی از این افراد حتی مخالف امام صدر بودند اما ایشان با بردباری و سعه صدر فراوان همه مشکلات را حل می‌کردند. حتی به رئیس جمهور وقت سوریه، حافظ اسد، اطلاع داده بود و او نیز به همین اعتبار کمکهای فراوانی در

۱. عبدالرحیم اباذری، امام موسی صدر، امید محرومان، چاپ اول، جوانه رشد، ۱۳۸۱، ص ۱۸۳.

اختیار مبارزین قرار داد.<sup>۱</sup>

همچنین امام در مصاحبه‌ای با روزنامه «المحرر» در تاریخ ۱۹۷۴ مبارزات امام خمینی و مردم ایران را بر ضد شاه به گوش جهان عرب می‌رساند. در نشست یک ساعته‌ای که با امیر عبدالله، ولیعهد وقت عربستان سعودی و پادشاه کنونی آن کشور داشت، سه چهارم از وقت را به تبیین اهمّیت و جایگاه انقلاب اسلامی پرداخت و آنان را پیش از پیروزی انقلاب به داشتن روابط حسنه و سازنده با انقلاب فراخواند.

در اردیبهشت ۵۷ نیز «لوسین جرج» خبرنگار روزنامه لوموند فرانسه را - که قبلاً در حضور امام صدر مسلمان و شیعه شده بود - با هماهنگی با بیت امام به نجف فرستاد تا مصاحبه تاریخی خود را با امام خمینی انجام دهد. این نخستین مصاحبه حضرت امام با روزنامه‌های خارجی بود که با تدبیر امام صدر صورت گرفت.

امام موسی صدر، در شهریور سال ۱۳۵۷ و کمی پیش از سفر به لیبی مقاله‌ای تحت عنوان «نداء الانبیاء» برای روزنامه لوموند فرانسه نوشت و انقلاب اسلامی ایران را ادامه حرکت انبیا در تاریخ نامید و از امام خمینی به نام «الامام الاکبر» نام برد.

ارتباط امام موسی صدر و امام راحل علیه السلام به گونه‌ای بود که وقتی حضرت آیت الله موحد ابطحی در نجف از ایشان سؤال می‌کنند که بر فرض انقلاب شما به پیروزی رسید، چه کسی را دارید که بتوانید زمام امور را به او بسپرید؟ حضرت امام پاسخ می‌دهند: «رفیق خودت آقاموسی».

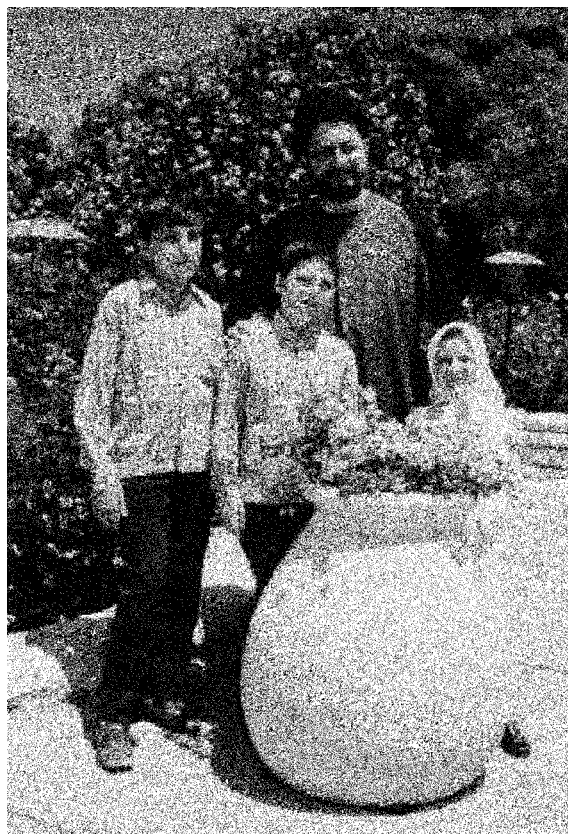
با تأسیس مجلس اعلای اسلامی شیعیان در لبنان نیز، امام خمینی در پاسخ برخی فضیای ایرانی مقیم نجف، امام صدر را امید خود برای اداره حکومت پس از شاه نامید. در زمستان ۱۳۵۰ و بر اساس تقاضای مراجع وقت، امام موسی صدر، درباره برخی زندانیان سیاسی با شاه گفتگو نمود که بعضی از آنان از جمله حجّت الاسلام و المسلمین هاشمی رفسنجانی، اندکی بعد از زندان آزاد شدند.

امام موسی صدر در تابستان ۱۳۵۶ و با اقامه نماز، تدفین و برپایی مراسم چهلمین

۱. عبدالرحیم اباذری، امام موسی صدر، امید محرومان، چاپ اول، جوانه رشد، ۱۳۸۱، ص ۱۹۹.

روز فوت دکتر شریعتی در بیروت، از سست شدن پیوند جوانان تحصیل کرده با روحانیت، جلوگیری به عمل آورد.

در پی شهادت حاج آقا مصطفی خمینی در پاییز سال ۱۳۵۶، وی پسر عموی خود شهید آیت الله سید محمدباقر صدر را بر آن داشت تا بیش از پیش به حمایت از امام خمینی برخیزد. بدون تردید، بزرگترین خدمت امام موسی صدر به انقلاب اسلامی ایران آن بود که در سالهای ۱۳۵۶ تا ۱۳۵۷ و پس از قریب دو دهه ترویج ارزشهای زیبای اسلام راستین در لبنان، عموم مردم، خصوصاً شیعیان و بالأخص کادرهای مقاومت آن کشور را با این انقلاب آشنا و مرتبط نمود.



امام موسی صدر و فرزندان:  
صدرالدین، حمید و حورا

### ربودن امام موسی صدر

امام موسی صدر، در سوّم شهریور ۱۳۵۷ در آخرین مرحله از سفرهای دوره‌ای خود به کشورهای عربی و تلاش برای پایان دادن به جنگ داخلی لبنان و جلوگیری از تجاوزات اسرائیل، طی دعوت رسمی معمر قذافی به لیبی رفت و در روز نهم شهریور در آن کشور، ربوده شد و تاکنون در زندانهای رژیم لیبی به سر می‌برد.

### نگاهی به منظومه فکری امام موسی صدر

سرچشمه تمام اقدامات امام صدر، فکر و اندیشه ایشان است. عملکرد موفق ایشان طی سالهای حضور در لبنان نشان دهنده تفکر عمیق و ذهن خلاق است که برای بسیاری از مشکلات جامعه اندیشه کرده و راهکار و راه حل را یافته است. بخشی از این اندیشه در مقالات، سخنرانیها و مصاحبه‌های ایشان با رسانه‌های مختلف آمده است که در این جا به بخشی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. مجموعه مقالات درباره « اقتصاد در مکتب اسلام ».
۲. اسلام و فرهنگ قرن بیستم.
۳. مقدمه مفصلی بر کتاب « تاریخ فلسفه اسلامی »، نوشته شوق شناس مشهور، هانری کربن.
۴. مقدمه‌ای مبسوط درباره حضرت زهرا علیها السلام بر کتاب سلیمان کتانی، متفکر مسیحی لبنان.

۵. تقریرات ایشان بر درسه‌های حضرت آیت الله العظمی محقق داماد.

۶. مجموعه سخنرانیها و مقالات درباره عاشورا.

۷. دو جلد تفسیر به نام‌های « احادیث السحر » و « دراسات للحیات ».

۸. مجموعه سخنرانیها درباره مقاومت و مسئله فلسطین.

۹. اسلام و تحوّل.

۱۰. اسلام و تربیت مدنی.

۱۱. اسلام و زن.

۱۲. اسلام و عبادات.

۱۳. معاملات جدید در پرتو فقه اسلامی.

۱۴. مقدمه بر کتاب «معنی حدیث الغدیر»، نوشته آیت الله سید مرتضی

خسروشاهی.

۱۵. مقدمه بر کتاب «قرآن کریم و علوم طبیعی»، نوشته مهندس یوسف مروه

و سخنرانیها و مصاحبه‌های دیگر.



## فصل دوّم:

عوامل و زمینه‌های سفر امام موسی صدر به لیبی

## عوامل و زمینه‌های سفر امام موسی صدر به لیبی

افزایش رنج و محنت مردم لبنان و شدت گرفتن تجاوزات صهیونیستها و اشغال جنوب، عملاً مانع اعمال حاکمیت دولت لبنان بر این منطقه شده بود. چون اسرائیل از اجرای قطعنامه ۴۲۵ شورای امنیت و عقب‌نشینی از مناطق مرزی، سرباز زده بود، امام موسی صدر و طیفه خود می‌دانست که اوضاع بحرانی لبنان و عمق خطرهای تهدیدکننده جنوب را به اطلاع رهبران کشورهای عربی برساند؛ کسانی که می‌توانستند در رسیدگی به این وضع اسفبار تأثیر مستقیم داشته باشند.

بنابر این، امام به سوریه، اردن، عربستان سعودی و الجزایر سفر کرد و این کشورها را به برگزاری نشست محدود سران فراخواند؛ با این امید که مصیبت‌های مردم لبنان پایان یابد و جنوب این کشور آزاد شود. همین مطلب را وی در گفتگو با روزنامه اخبار خلیج، چاپ بحرین بیان داشت که خلاصه آن را روزنامه النهار مورخ ۲۴ ژوئیه ۱۹۷۸ منتشر کرد.

پس از سفر به الجزایر، وی هفت روز در این کشور اقامت داشت. در الجزایر با رئیس جمهور، هواری بومدین، محمد صلاح یحیاوی و دیگر مسؤولان جبهه ملی آزادی بخش الجزایر گفتگو کرد. امام صدر با بومدین حدوداً دو ساعت و نیم جلسه داشت. ضمن مباحثات، دولت الجزایر به امام موسی پیشنهاد کرد با توجه به نفوذ و تأثیر قذافی، رهبر لیبی، در عرصه‌های سیاسی - نظامی لبنان بهتر است از لیبی نیز دیدار و سفر دوره‌ای خود را تکمیل کند.

---

۱. قطعنامه‌ای که از اسرائیل خواسته بود از خاک لبنان عقب‌نشینی کند.



پیش از این تنها یک بار در سال ۱۹۷۵ امام صدر برای حضور در کنگره اسلامی لیبی به این کشور سفر کرده بود. در آن سفر با قذافی هم ملاقات کرد. امام موسی صدر، شانزده پروژه اصلاحی را برای مردم محروم جنوب لبنان و برای مقاومت در برابر اسرائیل به معمر قذافی پیشنهاد می‌دهد و از او می‌خواهد که خود او هم در اجرای آنها مشارکت کند، اما قذافی با همه پروژه‌ها مخالفت می‌کند و می‌گوید: «وظیفه ما در حال حاضر، خراب کردن است!!». در این جا میان آقای صدر و قذافی اختلاف به وجود می‌آید. از همان تاریخ، قذافی تمام انرژی و قدرت خود را در راه انفجار لبنان و تشدید جنگهای داخلی صرف می‌کند.

پس از وساطت دولت الجزایر، در تاریخ ۲۸ ژوئیه ۱۹۷۸ امام موسی صدر در دفتر خود پذیرای کاردار سفارت لیبی در لبنان شد و او دعوت کنگره جماهیری خلق لیبی را برای دیدار امام از آن کشور و گفتگو با دبیر کل کنگره، سرهنگ معمر قذافی، ابلاغ کرد و خواهش کرد که این سفر در ۱۹ یا ۲۱ اوت ۱۹۷۸ انجام شود. امام این دعوت را پذیرفت اما در مورد تعیین زمان سفر با تأمل برخورد کرد.

در ۲۰ اوت ۱۹۷۸ ایشان به کاردار لیبی اطلاع داد که مایل است سفر در تاریخ ۲۵ اوت انجام شود و باید لیبی را پیش از اول سپتامبر ۱۹۷۸ ترک کند تا بتواند به همسر بیمارش که در حال درمان در فرانسه است، رسیدگی کند. همچنین باید برای پاره‌ای کارهای ضروری به لبنان بازگردد. پس از آن امام موسی صدر نام اعضای هیأت همراه خود را به کاردار لیبی اعلام کرد.

سفارت لیبی در لبنان بلیط سفر امام و همراهانش، شیخ محمد یعقوب و عباس بدرالدین را به او تقدیم و به موجب نامه‌ای به خطوط هوایی لبنان، الشرق الاوسط، به شماره ۴/۳/۴۳۰ در تاریخ ۲۴ اوت ۱۹۷۸ چند صندلی در جایگاه ویژه هواپیما برای ایشان رزرو کرد.

### آغاز سفر

روز جمعه امام موسی صدر به همراه شیخ محمد یعقوب و استاد عباس بدرالدین به لیبی سفر کرد. در میان بدرقه کنندگان ایشان در فرودگاه بیروت، کاردار لیبی و محمود بن

کوره نیز حضور دانستند. در فرودگاه طرابلس رئیس دفتر ارتباطات خارجی کنگره عمومی خلق، یا همان وزیر خارجه لیبی، احمد شحاتی، از ایشان استقبال کرد. امام و همراهانش که میهمان رسمی دولت لیبی بودند در هتل الشاطی در طرابلس اقامت گزیدند.

رسانه‌های خبری لیبی هیچ اشاره‌ای به حضور میهمان رسمی دولت خود یعنی امام صدر نکردند و از برنامه‌های ایشان در این سفر هیچ خبری ندادند تا جایی که کاردار لبنان در طرابلس آقای نزار فرحات از حضور ایشان در این شهر خبردار نشد تا این که استاد عباس بدرالدین در تاریخ ۲۸ اوت ۱۹۷۸ با او تماس گرفت. مفاد گزارش رسمی موجود در وزارت امور خارجه لبنان این نکته را تأیید می‌کند.

نزار فرحات نیز بلافاصله امام صدر و همراهانش را برای صرف غذا و افطار به خانه خودش دعوت می‌کند. در دیدار با آقای فرحات، عباس بدرالدین از او درخواست می‌کند که برای او ویزای پاریس تهیه کند تا او بتواند در کنار آقای صدر به پاریس برود. امام صدر و شیخ محمد یعقوب ویزای ورود به پاریس را در گذرنامه‌های خود داشته‌اند و چنین درخواستی از کاردار نمی‌کنند.



به هنگام ترک لبنان به سوی طرابلس، پایتخت لیبی

## قطع ارتباط با دنیای خارج

همان طور که گفته شد و سایل ارتباط جمعی و رسانه‌های گروهی لیبی اخبار مربوط به سفر امام به این کشور و دیدارهای ایشان را مسکوت گذاشتند و هیچ خبری درباره دیدار امام با قذافی و دیگر مسؤولان لیبیایی منتشر نکردند. در حالی که خبرگزاریهای لیبی، از شخصیت‌های بسیار کم اهمیت در رادیو و تلویزیون، یاد و فعالیت‌هایشان را ذکر می‌کردند. از طرفی ارتباط امام با دنیای خارج نیز قطع شد در حالی که ایشان همواره در تمامی سفرهای خود همه روزه از طریق تلفن با اعضای مجلس اعلای شیعیان و با دوستان و خانواده خود ارتباط برقرار می‌کردند. از همراهان وی نیز هیچ خبری نرسید، با این که یکی از آنان یعنی استاد عباس بدرالدین، رئیس خبرگزاری «اخبار لبنان» بود که تنها به دلیل پوشش خبری این سفر با امام صدر همراه شده بود. مقامات لیبی محل اقامت امام موسی صدر را در بخش شماره ۳۵۱ یعنی قسمتی از هتل قرار می‌دهند که زیر نظر دستگاه اطلاعات لیبی بوده است.<sup>۱</sup>

## نخستین اقدامات

پس از آن که از بازگشت امام و همراهانش از لیبی خبری نشد و ارتباط با آنان نیز میسر نگردید، مجلس اعلای شیعیان لبنان از کاردار لیبی در لبنان در تاریخ ۶ سپتامبر ۱۹۷۸ خواست در این زمینه اطلاعاتی ارائه کند؛ اما وی از پاسخگویی طفره رفت. چهار روز بعد مجلس، موضوع را با نخست وزیر دولت لبنان، دکتر سلیم الحص، در میان گذاشت. وی فوراً کاردار لیبی را در تاریخ ۱۰ سپتامبر ۱۹۷۸ فراخواند و خواستار جواب رسمی و فوری شد. ظهر روز بعد کاردار لیبی پاسخ داد که امام موسی صدر و همراهانش عصر روز ۳۱ اوت ۱۹۷۸ با هواپیمای خطوط هوایی ایتالیا به شماره ۸۸۱، لیبی را به مقصد رم ترک گفته‌اند!!

اما نکته جالب این جاست که امام به هیچ وجه قصد نداشت ۳۱ اوت لیبی را ترک کند بلکه امام می‌خواست شنبه یا یکشنبه بعد دّوم یا سوم سپتامبر طرابلس را به مقصد

۱. ر.ک: سیدهادی خسروشاهی، یادنامه امام موسی صدر، سخنرانی شهید دکتر مصطفی چمران.

پاریس ترک کند. یکی از اتباع فرانسه به نام نزار علی - که اصالتاً لبنانی است - در همان هتلی اقامت داشت که امام صدر و همراهانش بودند.

امام صدر و نزار علی در روز ۳۰ اوت ۱۹۷۸ با یکدیگر در هتل دیدار می‌کنند. پس از آن که امام موسی صدر مطلع می‌شود نزار علی روز بعد یعنی ۳۱ اوت با هواپیما به پاریس خواهد رفت، نامه‌ای کوتاه برای خانواده خود در پاریس می‌نویسد تا نزار علی به آنها بدهد. امام در این نامه به خانواده خود خبر می‌دهد که روز شنبه یا یک شنبه یعنی دوّم یا سوّم سپتامبر به پاریس سفر خواهد کرد. متن نامه بدین شرح است:

صدری - حمید فرزندانم - ما خوبیم. انشاء الله شنبه یا یک شنبه به پاریس می‌روم. امیدوارم بتوانم عصر جمعه یا بعد از ظهر شنبه برای مشخص کردن زمان رسیدن با شما تلفنی تماس بگیرم. به ام صدری هم این مطلب را اطلاع دهید. با بیروت با منزل حسینی به شماره ۴۷۰۸۸۶ تماس بگیرید و به آنها هم اطلاع دهید. به دکتر صادق و دکتر عصام هم اطلاع دهید تا منتظر رسیدن ما به پاریس باشند. ام صدری از سلامت و زمان رسیدن به پاریس او را مطلع کنید.

۵۷۹۴۷۶۶  
۵۷۹۴۷۷۸  
۵/

صدری - حمید فرزندانم - ما خوبیم. انشاء الله شنبه یا یک شنبه به پاریس می‌روم. امیدوارم بتوانم عصر جمعه یا بعد از ظهر شنبه برای مشخص کردن زمان رسیدن با شما تلفنی تماس بگیرم. به ام صدری هم این مطلب را اطلاع دهید. با بیروت با منزل حسینی به شماره ۴۷۰۸۸۶ تماس بگیرید و به آنها هم اطلاع دهید. به دکتر صادق و دکتر عصام هم اطلاع دهید تا منتظر رسیدن ما به پاریس باشند. ام صدری از سلامت و زمان رسیدن به پاریس او را مطلع کنید.

تظننون له بئیر و صوفی

۷۰۹۸۵۱۴  
۹۸۹۵۳۷

به دلیل نگرانی ناشی از پاسخ رژیم لیبی، رئیس جمهور لبنان، الیاس سرکیس، در تاریخ ۱۲ سپتامبر ۱۹۷۸ تلاش کرد با قذافی ارتباط تلفنی برقرار کند تا از او درباره این موضوع توضیح بخواهد و به او اطلاع دهد که میهمانانش هنوز به وطن‌شان نرسیده‌اند و خارج از لیبی نیز دیده نشده‌اند. این ارتباط به رغم تلاش در آن روز به نتیجه نرسید. شخصی که پاسخگوی تلفن بود، همواره تکرار می‌کرد که قذافی با این شماره در دسترس نیست و با شماره دیگری تماس بگیرید و تماس با شماره جدید نیز نتیجه نمی‌داد. اما نخست وزیر لبنان همان روز توانست که با نخست وزیر لیبی، سرگرد عبدالسلام جلو، تلفنی گفتگو کند. وی ابتدا فرصت خواست، سپس در تماس بعدی جواب کاردار لیبی را تکرار کرد و افزود که امام موسی صدر از این سفر خشنود نبود و بدون اطلاع مقامات و بدرقه رسمی، لیبی را ترک گفته است. همچنین یکی از کارمندان دولت به نام احمد خطاب او را اتفاقی در فرودگاه طرابلس مشاهده و با وی خداحافظی کرده است. براساس پرس‌وجو درباره اخبار مربوط به امام از کسانی که پس از شرکت در جشنهای اول سپتامبر از لیبی بازگشته بودند، روشن شد که:

\* هنگام استقبال از امام در فرودگاه طرابلس، احمد شحاطی، رئیس دفتر روابط خارجی دبیرخانه کنگره عمومی خلق (وزیر امور خارجه لیبی) حضور داشته است.  
\* ایشان با همراهانش میهمانان رسمی دبیرخانه کنگره عمومی خلق بوده‌اند و در هتل الشاطی طرابلس اقامت داشته‌اند.

\* احمد شحاطی با ایشان در تاریخ ۲۶ و ۲۷ اوت ۱۹۷۸ گفت‌وگو کرد و در یکی از این جلسات، گروه گزارشگری تلویزیون با امام موسی صدر مصاحبه تصویری و سخنان ایشان را ضبط کرد؛ اما این تصویر هرگز از تلویزیون لیبی پخش نشد!

\* صحبت‌های طولانی از ایشان درباره اوضاع کنونی لبنان و دنیای عرب ضبط شده است تا در رادیو «الوطن العربی» لیبی پخش شود؛ اما از پخش آن جلوگیری شد!

\* امام هنگام ورود به طرابلس در تاریخ ۲۵ اوت ۱۹۷۸ در انتظار اعلام وقت دیدار با قذافی بوده است، در حالی که به قذافی خبر داده بودند که ناگزیر باید پیش از ۱ سپتامبر ۱۹۷۸ به پاریس سفر کنند.

\* همراهان ایشان نیز بنا داشتند که به پاریس سفر کنند. از این رو، یکی از آنان یعنی عباس بدرالدین در تاریخ ۲۹ اوت ۱۹۷۸ با کاردار لبنان در لیبی برای گرفتن ویزای ورود به فرانسه صحبت کرده بود. امام و شیخ محمد یعقوب قبلاً از سفارت فرانسه در بیروت ویزا دریافت کرده بودند.

\* امام و همراهان در حدود ساعت یک بعدازظهر روز ۳۱ اوت ۱۹۷۸ در حالی که از هتل الشاطی بیرون آمدند تا سوار ماشینهای تشریفات دولتی شوند و به دیدار قذافی بروند، دیده شده‌اند. قذافی بعدها اعلام کرد که وی ساعت ۱:۳۰ بعدازظهر آن روز را برای دیدار با امام معین کرده بود؛ اما این دیدار صورت نگرفت؛ زیرا به وی خبر دادند که امام سفر کرده است.

خبر ناپدید شدن امام موسی صدر به سرعت انتشار یافت و روزنامه‌های لبنان در تاریخ ۱۲ سپتامبر ۱۹۷۸ آن را در صفحات نخستین خود منعکس کردند. رادیوها و رسانه‌های خبری خارجی نیز آن را پوشش دادند. یکی از روزنامه‌های لبنان - که با مقامات لیبی ارتباط نزدیکی داشت - در این تاریخ این خبر را تحت عنوان «آیا رویدادهای ایران با این معمّا ارتباطی دارد یا نه؟» منتشر کرد.

این روزنامه در متن خبر خود به بررسی عوامل و امکان ارتباط مسئله بودن امام با رویدادهای انقلاب ایران پرداخت. خبرگزاری کویت نیز در همین روز خبر را به منابع رسمی لیبی نسبت داد. بعدها روشن شد که منبع این خبر مدیر دفتر خبرگزاری لیبی در بیروت بوده است.

شهید دکتر چمران علل ربودن امام موسی صدر را در چند بند خلاصه می‌کند:<sup>۱</sup>  
 «نخست: بزرگترین دلیلی که رهبران دولتهای عربی برای ربوده شدن امام موسی صدر ذکر می‌کنند اختلافات مذهبی میان امام موسی صدر و قذافی است. می‌دانیم که قذافی و معاونش جلود نسبت به شیعیان حقد و کینه فراوان دارند. چهارسال پیش هنگامی که جلود به خلیج فارس رفته بود، در کویت یا ابوظبی به شیعیان ایران اهانت کرد و آنها را خارج از دین نامید؛ اما ما معتقدیم که همه مشکل و قضیه بر سر اختلافات دینی نیست؛ زیرا در مقابل این همه فشاری که از سوی دول عرب و ایرانیان بر قذافی

۱. ر.ک: سید هادی خسروشاهی، یادنامه امام موسی صدر، سخنرانی شهید دکتر مصطفی چمران.

وارد آمده اگر مشکل فقط اختلاف دینی بود مسلماً امام موسی را آزاد می‌کرد؛ بنابراین، مشکل خیلی عمیق‌تر و حادث‌تر از مشکلات دینی است.

دوم: در لبنان معتقدند که مبارزه پیگیر امام موسی علیه تقسیم و توطین و تجاوز اسرائیل به جنوب لبنان از مهمترین دلایل کوشش استعمار برای از میان برداشتن این مرد است تا قرارهای کمپ دیوید را به اجرا درآورد.

سوم: امری است که به عربی به آن مساومه می‌گوییم. نزدیکترین ترجمه آن معامله است، معامله سیاسی. عده‌ای معتقدند آمریکا و غرب می‌خواستند با امام موسی معامله کنند؛ یعنی در لحظاتی که انقلاب پیروزمند ایران در اوج قدرت خود سیر می‌کرد تصمیم می‌گیرند که با امام موسی وارد معامله شوند تا خطی برخلاف جهت خط انقلاب اسلامی ایران برگزینند؛ یعنی امام موسی را وسیله‌ای قرار دهند برای کوبیدن انقلاب ایران؛ ولی امام موسی این معامله را نمی‌پذیرد.

چهارم: امام موسی را گروه‌گان قرار دهند تا با امام خمینی معامله کنند؛ چرا که آمریکا تلاش بسیاری می‌کرد با امام خمینی معامله کند. سیاستمداران آمریکایی را به پاریس می‌فرستادند تا مذاکره کنند اما امام از پذیرش آنها امتناع می‌کرد. بالأخره به ملک حسین متوسل شدند. ملک حسین به پاریس رفت. امام او را نپذیرفت. حتی به اطرافیان خود دستور داد با اطرافیان ملک حسین ملاقات نکنند؛ بنابراین، می‌بینیم معامله با شخص امام موسی و یا معامله با امام خمینی هر دو با شکست مواجه می‌شود. پنجم: به نظر ما این دلیل مهم‌ترین عامل رבוده شدن امام موسی است که به انقلاب اسلامی ایران بازمی‌گردد. حدود نه ماه پیش امام موسی مقاله‌ای در روزنامه لوموند پاریس به نام «نداء الانبیاء» نوشت. این زمان بحبوحه تظاهرات قم و تبریز بود. او پیش‌بینی کرد انقلاب ایران پیروز خواهد شد و این انقلاب بزرگ را به رسالت پیامبران تشبیه کرد. گفت نشان چنین هیجان و ایمان و شهادتی را در هیچ جای تاریخ نمی‌توان سراغ گرفت جز در رسالت انبیا. این زنگ خطری برای غرب نسبت به امام موسی و طرز تفکر انقلابی او بود. آمریکا و روسیه منافع و مصالح خود را در ایران از دست داده بودند. امام موسی شخصیتی است که با سابقه مبارزاتی و تشکیلاتی خود می‌توانست لبنان، عراق، خلیج فارس، کویت و کشورهای دیگر نفت‌خیز منطقه را از سقوط برهاند و مصالح آمریکا را در معرض تهدید قرار دهد؛ بنابراین، به مصلحت آمریکا نبود چنین فردی در چنین وضعیتی بحرانی در منطقه حضور داشته باشد.

او بزرگترین شخصیتی است که می‌توانست انقلاب اسلامی ایران را در این مناطق انتشار دهد و به استعمار ضربه زند.

### نخستین یافته‌ها

تحقیقات اولیه نشان داد که امام و همراهانش آخرین بار در ساعت یک بعدازظهر روز ۳۱ اوت ۱۹۷۸ با اتومبیل‌های تشریفات دولت لیبی برای دیدار با قذافی، هتل محل اقامت خود را ترک کرده‌اند. قذافی در تاریخ ۳۱ سپتامبر ۱۹۷۸ در شهر دمشق اعتراف کرد که ساعت ۱:۳۰ بعدازظهر آن روز موعد دیدار وی با امام بوده است. وی مدعی شد که آن ملاقات انجام نشده؛ زیرا به او خبر داده‌اند که امام و دو همراهش به طور ناگهانی از لیبی خارج شده‌اند.

### موضع مقامات لیبیایی

سران رژیم لیبی در ابتدا موضوع ربودن امام و همراهانش را نادیده گرفتند و خود را در این باره بی‌اطلاع وانمود کردند؛ اما انتشار این خبر در محافل رسانه‌ای و بین‌المللی، حکومت لیبی را ناگزیر کرد که در تاریخ ۱۷ سپتامبر ۱۹۷۸ با انتشار یک بیانیه رسمی و آکنده از تناقضات آشکار چنین وانمود کند که امام موسی صدر و دو همراه ایشان عصر روز ۳۱ اوت ۱۹۷۸ بدون اطلاع مقامات لیبیایی با پرواز هواپیمایی آیتالیا عازم ایتالیا شده‌اند.

### بیانیه رسمی وزارت امور خارجه لیبی

وزارت امور خارجه لیبی در تاریخ ۱۷ سپتامبر ۱۹۷۸ در بیانیه‌ای رسمی نظر رژیم لیبی را درباره سفر امام موسی صدر به آن کشور و ربودن ایشان بیان داشت. در این بیانیه تناقضات و موارد کذب فراوانی وجود دارد. پس از این بیانیه تناقضات و موارد کذب آن را بررسی می‌کنیم.

امام موسی صدر از شخصیت‌های اسلامی بزرگ و رهبر شیعیان لبنان محسوب می‌شود و میان او و لیبی روابط محکمی برقرار است که منشأ آن تجلیل و احترام نسبت به نقشی است که امام صدر در قلمروهای اسلامی و سیاسی در دنیای عرب و جهان اسلام ایفا می‌کند. وی بارها پیش از این از لیبی دیدار کرده است. در روز ۱۸ ژوئیه ۱۹۷۸، عصام مکی، نماینده امام موسی صدر - که در آن هنگام در الجزایر بود - با



سفارت تماس برقرار کرد و تمایل امام را برای سفر به لیبی بیان کرد. سفارت ما در بیروت روز ۱۹ ژوئیه ۱۹۷۸ استقبال ما را از این سفر به ایشان ابلاغ کرد. در تماس کاردار سفارت لیبی با امام ایشان ضمن اشاره به اشتغالاتش در آن برهه زمانی پیشنهاد می‌کند که سفر در نیمه دوم ماه مبارک رمضان صورت گیرد و روز ۲۵ اوت ۱۹۷۸ را برای سفر تعیین می‌کنند.

در تاریخ مذکور وی به طرابلس رسید و به گرمی مورد استقبال قرار گرفت. در ایام اقامتش دیدارهای متعددی صورت گرفت. سپس امام خواستار گرفتن بلیط برای سفر به رم و از آن جا به پاریس شد؛ لذا کمیته مردمی مستقر در فرودگاه بین‌المللی طرابلس از خطوط هوایی ایتالیا، آلتالیا، به شماره ۸۸۱ به مقصد رم برای وی و همراهانش عباس حسین بدرالدین و محمد شحاته یعقوب جا رزرو کرد.

چون در این پرواز صندلی خالی وجود نداشت، نمایندگان شرکت آلتالیا بنا به درخواست کمیته مردمی فرودگاه خواستار تغییر صندلی دو تن از مسافران درجه یک به درجه تورستی شد، تا امام و همراهانش بتوانند در قسمت درجه یک قرار بگیرند. این دو مسافر آقای والتی، کارمند شرکت آلتالیا در طرابلس، و خانم دونسلمان از ایتالیا بودند.

امام صدر با پرواز شماره ۸۸۱ خطوط هوایی آلتالیا روز پنج‌شنبه ۳۱ اوت ۱۹۷۸ در ساعت ۸:۱۵ شب عازم رم شد. برادر، احمد الحطاب از دفتر ارتباطات عربی در کنگره عمومی خلق و نماینده کمیته مردمی فرودگاه و نماینده شرکت حمل و نقل آلتالیا او را بدرقه کرد.

ساعت ۱۰ صبح روز ۱۲ سپتامبر ۱۹۷۸ نماینده شرکت آلتالیا در طرابلس تلگرافی را از مدیر منطقه‌ای شرکت مذکور در بیروت دریافت کرد و در آن جوایب احوال مسافران پرواز ۸۸۱ در تاریخ ۳۱ اوت ۱۹۷۸ به نامهای موسی، یعقوب و عباس شد. در پاسخ نماینده شرکت آلتالیا در طرابلس تلگرافی را در ساعت ۱۴:۳۰ همان روز فرستاد و تأکید کرد که امام موسی صدر و شیخ محمد یعقوب و عباس بدرالدین با پرواز آلتالیا به شماره ۸۸۱ در تاریخ ۳۱ اوت ۱۹۷۸ طرابلس را به سوی رم ترک کرده‌اند.

دبیرخانه وزارت امور خارجه ضمن تأکید بر روابط برادرانه و استوار که میان امام موسی صدر و این دولت بوده است و احترام فراوانی که برای امام قائل است اعلام می‌کند که امام طرابلس را به قصد رم ترک کرده است و تأکید می‌کند شایعاتی که برخی از مراکز مشکوک و مغرض می‌پراکنند، با هدف برهم زدن اوضاع لبنان، این آخرین

پایگاه انقلاب فلسطین، صورت می‌گیرد. از این رو، جمهوری لیبی با تمام قوا در کنار نیروهای اسلامی و مترقی برای روشن شدن سرنوشت امام موسی صدر و نجات جان وی و همراهانش می‌کوشد. در این خصوص ما در ارتباط مداوم با دولت ایتالیا هستیم که امام صدر با یکی از پروازهای آن بدان جا سفر کرده است و دولت لیبی به این قضیه اهمیت فراوانی می‌دهد.



تجدی طارة الجماهيرية العربية الليبية الشعبية الاشتراكية في بيروت الخيب تخباتها الى المجلس الاسلامي الشيعي الاطلي ، وتخشرف بمان تحصيل اليه آخر المعلومات التي وطشها من امامة الخارجة في الجماهيرية من موبوع احتفالا ساحة الامام موسى الصدر .

نص البرقية :

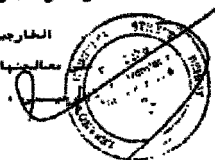
\* في نطاق الاتصالات والتحريرات المكلف القيام بها مع سلطات الامن اكند العليد برونى صاحب المخابرات المكلف من قبل العميد زوزي سانتومينو مدير عام المخابرات الابحالية بان الشيخ موسى الصدر وزميله الشيخ محمد حماده يعقوب قد طفرا بتاريخ 78/9/1 الى فندق هولندي ان بروما وجزا فرمتين رقم 701 و 702 لمدة اسبوع ودهصا اجرة الفندق مقدما وكان الشيخ موسى الصدر جلس لسانا، ريل دين حسب وصف الموظف بالفندق ، وبعد يومينما طفر الشيخ موسى الصدر لباسه الحمير وارتندي ملابس مادية وخرج . امصتيم المخروكة في الفندق طقمشان كمبرتان واحرى طميرة وطبيعة يد بها جوازات طرهسم واوراق شخصيم . الحماقبة المذكورة طمت الى التشرطة من طرف مدير الفندق والشرفة بطورفا طمقبا الى النيابة التي تولدالتحقق في الموبوع .

الخارجية الابحالية تمتبر القفبة امنيه حفلة وانتمسق

بمعالجتها في اطار اللجنة المشتركة التي بطلنا صيها



صورة طبق الاصل



بخشی از نامه سفارت لیبی در لبنان درباره تلگراف وزارت امور خارجه لیبی

### پاسخ جنبش امل به بیانیۀ وزارت امور خارجه لیبی

با وجودی که بیانیۀ وزارت خارجه لیبی در تاریخ ۱۸ سپتامبر ۱۹۷۸ صادر شده است، جنبش امل ارأئه پاسخ آن را تا زمان برگزاری کنفرانس مطبوعاتی آیت‌الله شیخ محمد مهدی شمس الدین، به تعویق انداخت. این تأخیر بدان دلیل بود که با وجود این که همه قراین و شواهد نشان می‌داد لیبی مسؤول ربودن امام صدر و دو همراهانش است، امأ جنبش امل نمی‌خواست پیش از پایان تحقیقات، این کشور را مسؤول ربودن امام صدر معرفی کند امأ پس از اتمام این تحقیقات، شیخ شمس الدین در آن مصاحبه، با ارأئه شواهد و مدارک فراوان رسماً لیبی را مسؤول ربودن امام صدر معرفی کرد.

متن پاسخ جنبش امل بدین شرح است:

۱. همه ما می‌دانیم که امام موسی صدر پیش از این تنها یک بار به لیبی سفر کرده بودند و آن هم در سپتامبر ۱۹۷۵ و برای شرکت در یک کنفرانس دینی - مذهبی. در آن سفر، امام با قذافی دیدار کردند و قذافی از اختلاف نظرهایی که در دیدار با امام میان آن دو پیش آمد، ابراز ناراحتی کرد و برای آن که دیدار را پایان دهد، بر صندلی خود لم داد و چشمانش را بست و خود را به خواب زد (!) پس از آن دیگر هیچ ارتباط یا تماسی میان امام و دولت لیبی انجام نشد.

همزمان با جنگهای داخلی لبنان، نخست وزیر لیبی، سرگرد عبدالسلام جلود به لبنان سفر کرد و در مدت اقامت خود در لبنان، یعنی ماههای ژوئن و ژوئیه ۱۹۷۶، با بسیاری از شخصیتهای لبنانی وابسته به جناحهای مختلف سیاسی دیدار و گفتگو کرد از جمله آنان، پیر جمیل، رئیس حزب کتائب بود که جلود در تاریخ ۱۶ ژوئن ۱۹۷۶، به مدت بیش از سه ساعت با وی دیدار و گفتگو کرد؛ امأ هیچ‌گونه ملاقاتی میان او و امام صدر انجام نشد. چندی بعد، هنگامی که امام صدر و سرگرد جلود به منظور تلاش برای عادی سازی روابط میان سوریه و جنبش مقاومت فلسطین، جداگانه به دمشق سفر کرده بودند، امام با جلود روبه رو شد و از او به خاطر سهل‌انگاری اش گله کرد. جلود نیز گفت که پس از بازگشت به لبنان، به دیدار امام خواهد رفت؛ امأ پس از بازگشت آنان به لبنان در تاریخ ۱۴ ژوئیه ۱۹۷۶ نیز هیچ‌گونه دیدار یا تماسی میان آن دو صورت نگرفت.

از طرفی، همزمان با سفر جلود به لبنان، برخی از روزنامه‌های لبنانی که با رژیم لیبی در ارتباط بودند، جنگ تبلیغاتی بی‌رحمانه و آشکاری را علیه امام صدر به راه

انداختند. سازمانها و انجمنهای مرتبط با حکومت لیبی نیز اقدامات مشابهی انجام دادند.

۲. سفر امام به لیبی بنا به پیشنهاد سران حکومت الجزایر انجام شد. امام برای تشریح اوضاع و شرایط حاکم بر لبنان و خطراتی که جنوب لبنان را تهدید می‌کرد، به چند کشور عربی از جمله الجزایر سفر کرد. در جریان این سفر، رهبران الجزایر به امام پیشنهاد کردند به لیبی بروند، نظرات و پیشنهادهای خود را در رابطه با موضوعات مورد بحث، با مسؤولان لیبیایی در میان بگذارند.

۳. رسانه‌های کشور لیبی، خبر ورود امام صدر را به طرابلس بایکوت کردند و به هنگام ورود امام و همراهانش تنها آقای احمد شحاتی، مسؤول دفتر روابط بین‌الملل کنگره خلق لیبی (وزیر امور خارجه)، برای استقبال از امام و همراهانش در فرودگاه حاضر شد، به گونه‌ای که حتی کاردار سفارت لبنان در لیبی، چهار روز پس از ورود امام و همراهانشان؛ یعنی زمانی که آقای عباس بدرالدین برای اخذ ویزای فرانسه با وی تماس گرفت، از حضور آنان در لیبی باخبر شد.

در این سفر، امام نتوانست با هیچ‌یک از مسؤولان دولت لیبی به جز احمد شحاتی ملاقات کند. این در حالی بود که ایشان به دعوت رسمی دولت لیبی و به منظور دیدار با قذافی به این کشور سفر کرده بودند. سرانجام پس از شش روز انتظار برای تعیین زمان ملاقات، به ایشان اعلام شد که ظهر روز هفتم یعنی ۳۱ اوت ۱۹۷۸ برای ملاقات با قذافی تعیین شده است. امام صدر و همراهان در ظهر آن روز در حالی که به سمت محل دیدار با قذافی در حرکت بودند، مشاهده شده‌اند؛ اما قذافی پس از آن مدعی شده است که آن دیدار در موعد مقرر انجام نگرفته و امام بدون ملاقات با وی از لیبی خارج شده‌اند.

۴. امام صدر و همراهانش قصد سفر به رم را نداشته‌اند؛ زیرا آقای عباس بدرالدین هنگامی که گذرنامه خود را برای اخذ ویزای فرانسه به نزار فرحات، کاردار سفارت لبنان در لیبی، ارائه کرده در خواستی برای اخذ ویزای ورود به ایتالیا مطرح نکرده است.

از طرفی، اگر امام قصد سفر به رم را داشتند، گذرنامه خود را به آقای فرحات می‌دادند تا برای ایشان ویزای ورود به ایتالیا دریافت گردد؛ اما چنان که می‌دانیم، ویزای ایتالیا در تاریخ ۳۱ اوت ۱۹۷۸ در گذرنامه ایشان درج شده است؛ یعنی همان روزی که گفته می‌شود ایشان از لیبی خارج شده‌اند.

نکته مهم دیگر آن که اگر آقای بدرالدین تصمیم داشته همراه امام به رم سفر کند،

چرا گذرنامه خود را به همراه گذرنامه امام و شیخ یعقوب، برای اخذ ویزای ایتالیا ارائه نکرده است؟ (آقای بدرالدین ویزای ورود به ایتالیا را در اختیار نداشته و در فرودگاه رم، ویزای موقت ۴۸ ساعته دریافت کرده است).

پاسخ این پرسش آن است که آقای بدرالدین نیز قصد سفر به رم را نداشته است؛ زیرا اگر چنین تصمیمی داشت، به سادگی می‌توانست گذرنامه خود را در کنار گذرنامه‌های امام و شیخ یعقوب - که برای دریافت ویزا به سفارت ایتالیا در لیبی ارائه شده - قرار دهد.

علت جدا ماندن گذرنامه امام و شیخ یعقوب از گذرنامه آقای بدرالدین، آن است که گذرنامه آقای بدرالدین برای دریافت ویزای فرانسه، نزد آقای فرحات، کاردار سفارت لبنان بوده و همین نکته بیانگر آن است که گذرنامه‌های امام و شیخ یعقوب، در حالت عادی و طبیعی برای دریافت ویزا به سفارت ایتالیا تحویل داده نشده است. به همین سبب، آقای بدرالدین نیز نتوانسته با کاردار سفارت لبنان تماس برقرار کند و گذرنامه خود را از او پس بگیرد، یا از او بخواهد که ویزای ایتالیا را برایش دریافت کند. همین اوضاع مبهم و غیرعادی، سرآغاز ماجرای ناپدید شدن آنان است.

۵. بلیط‌هایی که برای سفر به رم به نام امام و همراهانش صادر شده، از نوع توریستی (Tourist Class) بوده است. از طرفی، این که امام موسی صدر به حقوق دیگران تجاوز و از جای آنان استفاده کند، قابل قبول نیست. بدین ترتیب، عقلاً امکان ندارد که بپذیریم امام و همراهانش در بخش درجه یک (First Class) و در جای دیگران نشسته باشند. به علاوه چنان که می‌دانیم، برای تمامی سفرهای امام، همواره بلیط‌های "درجه یک" تهیه شده است. نتیجه آن که تهیه بلیط‌های مذکور، با اراده و آگاهی امام انجام نشده است.

۶. "ملیت" و "شغل" مسافران، در بلیط‌ها درج نمی‌گردد. این در حالی است که آقای والنتی - که گفته می‌شود صندلی خود را در هواپیما به امام داده - "کارمند یک شرکت ایتالیایی" معرفی شده است.

نتیجه آن که تهیه کنندگان بیابانه وزارت خارجه لیبی لازم دیده‌اند که برای اثبات سناریوی خود، دلیلی ارائه کنند و به همین سبب، نام دو نفر را ذکر کرده‌اند؛ اما این کار به شکلی ناقص و غیرعادی انجام شده، به گونه‌ای که نه تنها هدف تدوین کنندگان این سناریو را تأمین نمی‌کند، بلکه این پرسش را پدید می‌آورد که "اگر ذکر دلیل و شاهد ضرورت داشته، چرا آدرس کامل آنان ارائه نشده است؟"، به ویژه آن که یکی از افراد مذکور - که کارمند یک شرکت ایتالیایی است - قابل شناسایی خواهد بود.

به هر تقدیر، مسؤولان ایتالیایی در تحقیقات خود، محل اقامت آقای والنسی در ایتالیا را یافتند. او نیز اظهار داشت که صندلی خود را به کسی نداده و شخصی را با لباس روحانی در هواپیما مشاهده نکرده است.

۷. قذافی در تاریخ ۲۱ سپتامبر ۱۹۷۸ در دیدار با گروهی از شخصیت‌های اسلامی در دمشق، تصریح کرده است که زمان دیدار وی با امام، ساعت ۱:۳۰ بعد از ظهر روز ۳۱ اوت ۱۹۷۸ بوده است، اما به وی خبر داده اند که امام لیبی را ترک کرده و قذافی نیز با تعجب گفته است:

«... اما قرار بود ما با هم دیدار کنیم!!».

حال پرسش آن است که چگونه می‌توان میان اظهارات قذافی و مطالب مندرج در بیانیه که زمان عزیمت آنان را ساعت ۸:۱۵ شامگاه آن روز اعلام کرده، ارتباط منطقی برقرار کرد؟ زیرا در فاصله ساعت ۱:۳۰ ظهر تا ۸:۱۵ بعد از ظهر، زمان کافی برای انجام ملاقات وجود داشته است.

این در حالی است که تعدادی از اتباع لبنان - که در زمان حضور امام در لیبی در آن کشور بوده‌اند - از جمله روزنامه نگاری به نام "اسعد مقدم"، تأکید دارند که امام و همراهانش را در حدود ساعت یک بعد از ظهر روز ۳۱ اوت ۱۹۷۸، در حال خروج از هتل و سوار شدن به اتومبیل مشاهده کرده‌اند. امام نیز در پاسخ به پرسشی، گفته است که عازم دیدار با قذافی است.

۸. آقای احمد الحطّاب که بنابر ادعای دولت لیبی، امام را در فرودگاه بدرقه کرده است کارمند عادی بخش تشریفات است. حال چگونه ممکن است امام صدر را که به اعتراف نویسندگان بیانیه یک "شخصیت بزرگ اسلامی" و "میهمان رسمی دولت لیبی" بوده، چنین شخصی بدرقه کند؟ با آن که مراسم استقبال از امام موسی صدر را مقام عالی رتبه‌ای چون احمد شحاطی، مدیر کل امور بین‌الملل کنگره لیبی (وزیر امور خارجه) انجام داده بود.

در این بیانیه چنین القا شده است که سفر امام و عزیمت ایشان از لیبی، در شرایط عادی و طبیعی صورت گرفته در حالی که قذافی در اظهارات خود در حضور شخصیت‌های اسلامی در تاریخ ۲۱ سپتامبر ۱۹۷۸ در دمشق تصریح کرده است که: «آقای احمد الحطّاب، به طور تصادفی امام را در فرودگاه دیده و ایشان را بدرقه کرده است!!». نخست وزیر لیبی، سرگرد جلود نیز در تماس تلفنی با نخست وزیر لبنان، دکتر سلیم الحص در تاریخ ۱۲ سپتامبر ۱۹۷۸، همین عبارت را تکرار کرده و افزوده است:

«امام ناراحت بودند و زمان عزیمت خود را به اداره تشریفات اعلام نکردند و به همین علت، انجام مراسم بدرقه رسمی ممکن نبود».

اکنون سؤال این است که چه اتفاقی رخ داده که موجب شده امام که به تعبیر مندرج در بیانیه، «میهمان دولت لیبی و یک شخصیت بزرگ اسلامی» بوده‌اند، ناراضی و ناراحت شوند؟ چرا دولت میزبان، از برنامه سفر ایشان آگاه نبوده؟ و چگونه می‌توان تناقض میان این سناریو و بیانیه رسمی وزارت خارجه لیبی را توجیه کرد؟ در حالی که بیانیه مذکور تلاش می‌کند شرایط سفر امام را طبیعی و درخور شأن و جایگاه ایشان جلوه دهد و مدعی است که امام صدر، «مورد احترام و تکریم دولت لیبی» بوده‌اند؟

به هر تقدیر، بیانیه مذکور چنین القا می‌کند که امام، چه خشنود و چه ناخشنود، به اراده و اختیار خود تصمیم به سفر گرفته‌اند. اگر چنین است، چرا کاردار سفارت لبنان که با امام در ارتباط بوده از موضوع سفر ایشان آگاهی نداشته است؟

۸. تحقیقات مسؤلان ایتالیایی و نیز تحقیقات نیروهای امنیتی لبنان بیانگر آن است که کادر پرواز هواپیما، پس از مشاهده تصویر امام و همراهانش، حضور آنان در پرواز ۸۸۱ شامگاه ۳۱ اوت ۱۹۷۸ از طرابلس به رم را رد کرده‌اند.

همچنین تلویزیون ایتالیا، عصر روز ۲۵ سپتامبر ۱۹۷۸، بیانیه صادره از سوی شرکت «آیتالیا» و مصاحبه انجام شده با خلبان هواپیما را پخش کرد که در آن، خلبان پرواز مذکور، حضور امام و همراهانش را در آن پرواز رد کرده است.

تحقیقات مسؤلان ایتالیایی و نیروهای امنیتی لبنان بیانگر آن است که دو فرد مجهول‌الهویه، خود را به جای امام صدر و شیخ یعقوب معرفی کرده و در ساعت حدود ۱۰ صبح روز ۱ سپتامبر ۱۹۷۸ به هتل «هالیدی این» شهر رم مراجعه کرده‌اند. جالب این‌جاست که مسافران پرواز ۸۸۱، ساعت ۲۳:۳۰ شب قبل؛ یعنی ۳۱ اوت ۱۹۷۸ از فرودگاه خارج شده‌اند. دو فرد مذکور پس از مراجعه به هتل و اجاره دو اتاق، هزینه یک هفته اقامت را پیش پرداخت کرده‌اند و چند دقیقه پس از ورود به اتاق، در حالی که چمدانها و گذرنامه‌های امام و شیخ یعقوب را در اتاقها جا گذاشته‌اند، از هتل خارج شده‌اند و دیگر بازنگشته‌اند.

از سوی دیگر، چنان‌که از مدارک موجود در اداره امنیت فرودگاه رم برمی‌آید، در ساعت ۲۳:۳۵ شامگاه ۳۱ اوت ۱۹۷۸، ویزای ۴۸ ساعته به نام آقای عباس بدرالدین صادر شده و محل اقامت وی، هتل «ساتلایت» شهر رم درج شده است، با این توضیح که وی ساعت ۱۱:۴۰ صبح روز بعد، ۱ سپتامبر ۱۹۷۸ با پرواز شماره ۴۹۰ هواپیمایی آیتالیا به «مالت» سفر خواهد کرد؛ در حالی که تحقیقات نشان می‌دهد که آقای

بدرالدین در آن هتل اقامت نداشته و در پرواز مذکور به مقصد مالت نیز شخصی به این نام حضور نداشته است.

بدین ترتیب، دولت ایتالیا و دولت لبنان و مسؤولین چندین کشور عربی و غیر عربی دیگر، به این نتیجه رسیده‌اند که امام صدر و همراهانش هرگز به خاک ایتالیا وارد نشده‌اند.

۹. بیانیته بار دیگر بر روابط و ارتباطاتی تأکید می‌کند که در بندهای ۱ تا ۳ این جوابیه بدان پاسخ داده شد.

۱۰. اگر بنا بر ادعای نویسندگان بیانیته، دولت لیبی تا بدان حد به پیگیری موضوع توجه داشته، موارد ذیل را چگونه می‌توان توجیه کرد:

الف. سهل‌انگاری سران لیبی در انجام هرگونه تلاش و اطلاع‌رسانی در مورد واقعه تا پیش از صدور نخستین بیانیته دولت لیبی در تاریخ ۱۷ سپتامبر ۱۹۷۸، یعنی پس از گذشت هفده روز از ناپدید شدن میهمانان رسمی این کشور در حالی که مجلس اعلامی شیعیان، موضوع قطع ارتباط با امام و همراهانش را در تاریخ ۶ سپتامبر ۱۹۷۸ به سفارت لیبی در بیروت اطلاع داده و مراتب نگرانی خود را از سرنوشت آنان به اطلاع سفارت مذکور رسانده‌اند؛ نخست وزیر لبنان نیز شخصاً در تاریخ ۱۰ سپتامبر ۱۹۷۸ از کاردار سفارت لیبی در بیروت در این باره توضیح خواسته و نیز در تاریخ ۱۲ سپتامبر ۱۹۷۸ با نخست وزیر لیبی تلفنی صحبت کرده بود. از سوی دیگر، اخبار مربوط به ناپدید شدن آنان از تاریخ ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۸ به بعد، در رسانه‌های گروهی لبنان و جهان منتشر شده. از تاریخ انتشار این خبر، بازتاب آن در سطح کشورهای عربی و اسلامی مشهود بود.

ب. انجام ندادن هر نوع تحقیق در کشور لیبی برای آگاهی از محل استقرار امام در فاصله ساعت یک بعدازظهر روز ۳۱ اوت ۱۹۷۸ تا ساعت ۸ بعدازظهر همان روز؛ یعنی در فاصله ساعتی که امام و همراهانش برای ملاقات با قذافی، در حال خروج از هتل دیده شده‌اند تا زمانی که هواپیمای شرکت آلیتالیا فرودگاه طرابلس را ترک کرده است. قذافی نیز در حضور شخصیت‌های کشورهای اسلامی در دمشق و در تاریخ ۲۱ سپتامبر ۱۹۷۸ تصریح کرده که در ساعت ۱:۳۰ بعدازظهر آن روز با امام وعده ملاقات داشته؛ اما ایشان به دلیل عزیمت از لیبی در آن ملاقات حاضر نشده‌اند!!

ج. تلاش جدی و پیگیری از سوی دولت لیبی در ایتالیا و دیگر مناطق به منظور کشف حقیقت انجام نگرفت. در حالی که در بیانیته وزارت خارجه لیبی و نیز در ملاقات قذافی با شخصیت‌های اسلامی در تاریخ ۲۱ سپتامبر ۱۹۷۸، "توجه پیگیر و تلاش در



این زمینه"، رسماً مورد تأکید قرار گرفته است.

د. به هیچ وجه وعده مؤکد قذافی به شخصیت‌های کشورهای اسلامی مبنی بر ارتباط مستمر میان سفارت لیبی در بیروت و مجلس اعلای شیعیان برای به نتیجه رساندن تلاشها برای کشف حقیقت و آگاه کردن مجلس اعلا از تلاشها، اقدامات و تحقیقات تضمین شده از سوی قذافی برای آشکار شدن حقایق و تأمین امنیت و سلامت میهمانان اجرا نشد.

در ادامه نیز دولت لیبی با ارسال یادداشتی از سوی سفارت لیبی در بیروت به مجلس اعلای شیعیان لبنان و با تکیه بر همان سناریوی ورود امام و شیخ یعقوب به هتل "هالییدی این" شهر رم، به زعم خود موضوع را خاتمه داده و آورده است:

«تمامی رسانه‌های ایتالیا بر این نکته اتفاق نظر دارند که شواهد، بیانگر ورود امام به رم است و ناپدید شدن وی با دخالت سازمانهای امنیتی ایران، اسرائیل و امریکا و همچنین سازمان بریگادهای سرخ و سازمانهای تندرو آلمانی انجام شده است».

آری، سران رژیم لیبی با این یادداشت، به خیال خود موضوع را مختومه کردند. آیا این است معنای وفای به عهد و تحقق وعده‌ها؟ آیا اینها نشانه اقدامات و تحقیقات پیگیر و مسؤولانه رژیم لیبی است؟ آیا اینها بیانگر توجه و اهتمام این کشور به میهمانان است؟

دست آخر این‌که: تعارض موجود میان تحقیقات دولت ایتالیا با اطلاعات و ادعاهای مندرج در این یادداشت را چگونه می‌توان توجیه کرد؟

### تظاهرات مردم لبنان به سوی دمشق

پنج‌شنبه دوازدهم سپتامبر ۱۹۷۸ پایتخت سوریه محل برگزاری کنفرانس پایداری بود. لبنانی‌ها در پی آزادسازی امام موسی صدر وقتی که دریافتند قذافی هم در این کنفرانس شرکت می‌کند به سوی دمشق به راه افتادند.

بنا به دعوت مجلس اعلای اسلامی شیعیان برای اعتراض به ناپدید شدن امام موسی صدر و درخواست از سران عرب که برای بررسی این مسئله در دمشق گردآمده‌اند، راهپیمایی بزرگی با شرکت شش هزار اتومبیل که بیش از هشتصد هزار لبنانی را از جبل عامل، بقاع و دیگر مناطق لبنان جا به جا می‌کرد، برگزار شد.

از نکات جالب توجه در این کنفرانس این بود که حافظ اسد مرز سوریه را گشود تا لبنانی‌ها وارد دمشق شوند. پس از ورود، از تظاهرات فیلمبرداری و با نام حمایت از رهبر سوریه از تلویزیون دولتی آن کشور پخش کردند!

انبوه راهپیمایان در میدان نمایشگاه بین‌المللی دمشق در برابر هتل شرایتون، محل برگزاری کنفرانس سران، توقف کردند. یک هیأت به نمایندگی از آنان و عضویت شیخ عبدالامیر قبلان، مفتی ممتاز شیعیان، شیخ عبدالحلیم زین مفتی شیعیان نبطیه و شیخ خلیل شقیر قاضی شرع دادگاه شرعی سنی در صیدا با سران عرب از جمله حافظ اسد، رئیس جمهور سوریه، هواری بومدین، رئیس جمهور الجزایر، علی ناصر محمد، رئیس جمهور یمن، معمر قذافی رهبر لیبی و یاسر عرفات، رهبر سازمان آزادی بخش فلسطین دیدار کردند.

شیخ عبدالامیر قبلان در برابر سران عرب گفت:

«به نمایندگی از راهپیمایان، به نام اسلام و به نمایندگی از همه طوایف لبنان، از سران حاضر در این کنفرانس درخواست می‌کنیم مسئله امام موسی صدر را بررسی کنند».

وی سپس یادداشتی کتبی تسلیم آنان کرد که در آن آمده است:

«ما حق داریم که مسؤولیت روبه رو شدن با مسئله بودن امام مجاهد موسی صدر، رهبر بزرگ مسلمانان که خود را وقف رویارویی با خطرهایی کرد که امروز به خاطر مقابله با آن گرد هم آمده‌اید، بر دوش شما بگذاریم. قطع تماس با امام صدر وجدان مسلمانان را به لرزه درآورده و یکپارچگی ملی را در لبنان و بخشهای بزرگی را از جهان عرب و اسلام به مخاطره انداخته است. نگاه‌ها را از توطئه‌هایی که در سرزمین مان انجام می‌گیرد، منحرف می‌سازد و فرصت مقابله با آن را بر باد می‌دهد. این راهپیمایی که نمایانگر اراده میلیون‌ها مسلمان است، امروز غم بزرگی بر دوش خود حس می‌کند و انتظار دارد که به یاری خدا آن را برطرف سازید. باشد که به خواست خدا این خطر بزرگ را دفع کنید. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته».

پس از آن حافظ اسد طی سخنان کوتاهی برای انجام هرگونه تلاش برای یافتن امام صدر اعلام آمادگی کرد. سپس اعضای هیأت، سالن جلسات را ترک کردند. زمانی که به در ساختمان هتل رسیدند، عبدالسلام التریکی وزیر خارجه وقت لیبی به آنان گفت:

«برادر سرهنگ قذافی مایل است جداگانه با شما دیدار کند و اعضای هیأت به این دعوت پاسخ مثبت دادند».

### دیدار با قذافی

دیدار هیأت لبنانی که چهار تن از علمای شیعه و سنی لبنانی بودند و سرهنگ قذافی در ساعت یک بامداد شامگاه ۱۲ سپتامبر ۱۹۷۸ در سوئیت قذافی در هتل شرایتون دمشق و با حضور تریکی انجام گرفت. در آغاز دیدار، سرهنگ قذافی با اشاره به تفاوت لباس روحانی شیخ احمد زین و دیگر علمای هیأت گفت: «در شمال آفریقا مذهب مالکی رواج دارد ولی عقده فرقه گرابی دیده نمی‌شود؛ اما در لبنان که مسلمانان به دلیل جدایی سنی و شیعه که چونان ادیان مستقل هستند، از این مشکل رنج می‌برند. قذافی گفت که این مشکل را بررسی خواهد کرد تا اسلام یکپارچه شود. و امیدوار است پیشنهادهایی برای تقویت شخصیت اسلامی در لبنان به وی تقدیم گردد. او اعلام کرد که نمی‌پذیرد مسلمانان در لبنان شهروند درجه دو باشند و افزود که چگونگی توجه به مسلمانان لبنان را بررسی می‌کند؛ زیرا عقب ماندگی مسلمانان به ویژه شیعیان که همچنان در جنوب رنج می‌برند برای وی دردناک است.

وی با اشاره به گزارشهایی درباره مهاجرت اجباری و بازگشت و احتمال مهاجرت‌های اجباری دیگر محرومان در خطر مقابله با اسرائیل به ویژه شیعیان اظهار داشت: «از هر گونه انجام وظیفه در قبال آنان شانه خالی نخواهد کرد؛ اگرچه تا کنون نتوانسته است در حمایت از آنان کاری صورت دهد».

وی خواستار همکاری با شخصیت‌های اسلامی شد تا برای تقویت همه مسلمانان در لبنان با آنان فعالیت کند! وی آنگاه درباره کمک‌هایش به جنبش‌های اسلامی جهان در مالت، فیلیپین، آفریقا، روسیه و سیاه‌پوستان مسلمان آمریکا سخن گفت و اضافه کرد که نزد وی فرقی میان مسلمانان شرق و غرب وجود ندارد. قذافی در مورد امام صدر پرسید:

«به من گفته‌اند که او ایرانی است؛ آیا این چنین نیست؟».

سرهنگ قذافی در ادامه سخنانش افزود: امام هنگام جشنهای انقلاب لیبی، مهمان لیبی بود؛ اما وی به علت مشغله فراوان نتوانست به موقع با او دیدار کند. از این رو، موعد این دیدار در ساعت ۱:۳۰ بعد از ظهر ۳۱ اوت ۱۹۷۸ مشخص گردید؛ اما به وی اطلاع دادند که امام لیبی را ترک کرده است! و وی با شگفتی گفت: «باید با یکدیگر ملاقات می کردیم».

قذافی افزود: «امام صدر بی اطلاع سفر کرد و آقای احمد حطاب در فرودگاه به طور اتفاقی او را شناخته و بدرقه اش کرد!».

سرهنگ قذافی سپس اظهار داشت:

«وقتی جنجال ناپدید شدن امام صدر به راه افتاد و یاسر عرفات نزد من آمد و گفت که لیبی در این قضیه مسؤل است زیرا که امام مهمان کشورش بود، با توجه به حرمت مهمان این گفته از نظر عربی و اسلامی برای من توهین بود (قذافی واژه توهین را چهار بار تکرار کرد) از آن موقع به این مسئله توجه کردم و برای انجام تحقیق اقداماتی کردم. عرفات به من پیشنهاد کرد برای شرکت در تحقیق هر کسی را که از فلسطینیها مناسب می دانم برگزینم. سپس هیأتی به ریاست احمد شحاتی روانه ایتالیا کردم. این هیأت تاکنون از رسیدن امام موسی صدر به ایتالیا اطمینان حاصل نکرده است. روشن شد که مهمانداران هواپیمای شرکت آیتالیا (پرواز شماره ۸۸۱) از لیبی به رم در شامگاه ۳۱ اوت ۱۹۷۸ نتوانسته اند عکسهای امام و دو همراهش را شناسایی کنند؛ چرا که میان زمان پرواز و تاریخ انجام تحقیق فاصله افتاده است».

پس از گفته های قذافی از سوی هیأت علما ابتدا شیخ عبدالامیر قبلان مسئله تابعیت و اصل و نسب امام صدر را توضیح داد. وی روشن نمود که نیای امام صدر صالح شرف الدین در روستای شحور؛ شهری از توابع صور در جبل عامل، در سال ۱۱۲۲ هـ. ق زاده شد و در روستای معرکه نزدیک زادگاهش اقامت داشت و عالم جلیل القدری بود. سپس به عراق مهاجرت کرد و در نجف اشرف اقامت گزید. جد ایشان اسماعیل صدر، مرجع طایفه شیعه بود که تا سال وفاتش در ۱۳۳۴ هـ. ق مقیم نجف بود. به دلیل نقش خاندان صدر در انقلاب عراق، این خاندان به خاندانی ضد استعماری شهره اند. پدر ایشان صدرالدین به ایران مهاجرت و در شهر قم اقامت کرد و فرزند وی امام موسی صدر در همان جا به دنیا آمد.

## سرهنگ قذافی گفت:

«باهی ... باهی»<sup>۱</sup>.

شیخ قبلان ادامه داد:

جناب آقای رئیس جمهور

«در این جا مایلم شما را با تمام ابعاد شخصیت امام موسی صدر آشنا سازم. هنگامی که اسرائیل برای نخستین بار در ۱۹۶۹ شهرک کفرشوبا در دامنه جبل الشیخ در مرزهای لبنان و اسرائیل را بمباران کرد، امام صدر، هیأت یاری‌رسانی به جنوب را با شرکت تمامی فرقه‌های دینی لبنان تشکیل داد. وی نیمروز و در رأس یک هیأت فراگیر راهی روستا شد و وارد حیاط مسجدی گردید که بر اثر بمباران اسرائیل آسیب دیده بود. همان جا عبایش را بر زمین پهن کرد و به نماز جماعت ایستاد. سپس در حالی که مبلغ ده هزار لیره به یکی از آسیب‌دیدگان روستا هدیه می‌داد، گفت: پایداری کنید که دلاوری از همین جا آغاز می‌شود».

در این هنگام توجه فزاینده‌ای بر چهره قذافی نمایان شد. سپس شیخ قبلان افزود:

«امام صدر به یک خط اسلامی ملی روشن و نیرومند پایبند است. ما تل زعتر، نبعه، فنار بیاقوت، محله‌های غوارنه و بطیشیه (نزدیک بعدا) و غیره و غیره را به این سبب از دست داده‌ایم که شیعیان این مناطق نیز به خط سید پایبندند. ما در راه بالندگی ملی دستاوردهای ربع قرن را قربانی کرده‌ایم. بسیاری در جبل عامل و جنوب زمینهایشان را فروخته‌اند و به مناطق امن رفته‌اند. بازماندگان یا آواره‌اند یا در تیررس توپهای اسرائیل. با این همه امام بر موضعش پابرجاست و خستگی‌ناپذیر نسبت به خط ملی‌اش متعهد است. او به رغم همه مصیبت‌ها به فرزندان جنوب می‌گوید: با دندانهایتان ... با ناخنهایتان ... باید جلو صهیونیستها را بگیرید. وی هر بار با کشاورزی جنوبی دیدار می‌کرد به او می‌گفت: فرشت را بفروش ... یخچالت را بفروش ... گاو را بفروش ... گوسفندهایت را بفروش ... و با آن سلاحی بخر برای جنگیدن علیه اسرائیل».

امام در مراسم ترحیم معروف سعد در صیدا گفت: سلاح زینت مردان است. برخی به خاطر این عبارت از وی انتقاد کردند. ولی منتقدان سخن وی را نفهمیده‌اند؛ زیرا معنای عبارت این است که با اسلحه به پیشواز اسرائیل برویم. چند روز پیش از سفر به لیبی پس از دیدار با الیاس سرکیس، رئیس جمهور لبنان، شدیداً به مناخیم بگین نخست وزیر اسرائیل حمله کرد؛ چرا که او ادعای حمایت از مارونیان و شیعیان لبنان را عنوان

۱. در لهجه لیبیایی به معنای بسیار خوب! بسیار خوب! است.

کرده بود.

آقای رئیس جمهور! امام صدر این است. اینها مواضع ملی‌اش است که جملگی اینار و فداکاری بود. برای ما قابل درک است که امام چون سایر مردم بمیرد؛ زیرا او همانند آنان یک انسان است. برای ما قابل درک است که وی کشته یا زندانی شود. تمام این امور امکان پذیر است؛ ولی برای ما قابل درک نیست که وی گم شود یا چون نمک در آب حل شود. شما می‌گویید که او نزد شما نیست و در لیبی حضور ندارد و در سی و یکم ماه گذشته (اوت) لیبی را به مقصد ایتالیا ترک کرده است، بسیار خوب! ولی ایتالیایی‌ها نیز می‌گویند که او در خاک ایتالیا نیست و وارد مرزهای ایتالیا نشده است. فرانسوی‌ها بر همین مطلب تأکید دارند. الجزایری‌ها نیز همین را می‌گویند.

جناب آقای رئیس جمهور! بدین ترتیب باید یک موشک وی را به آسمان برده!! یا صاعقه‌ای وی را به اعماق زمین فرو برده باشد!!

جناب آقای رئیس جمهور! رادیوی فالانژها می‌گوید که وی از نظر فیزیکی حذف شده است، یا در لیبی زندانی است و چیزهایی دیگر. مردم این صحبتها را می‌شنوند و توضیح می‌خواهند. موضوع از خود غیبت امام صدر خطرناک‌تر گشته است. این سخنان بیشتر به شماتت و دل‌خنک کردن می‌ماند.

آقای رئیس جمهور! اکنون گفته می‌شود: این جزای کسی است که خود را وقف مسئله اعراب (فلسطین) می‌کند. ما از سرهنگ قذافی که یک انسان با ایمان است! انتظار داریم که دست در دست ما نهد تا به کمک هم امام را جستجو کنیم؛ زیرا با این کار خویشتن را جستجو می‌کنیم».

پس از پایان سخنان شیخ عبدالامیر قبلان، سرهنگ قذافی مطالعات خویش را از نوشته‌های آیت‌الله سید محمدباقر صدر به یاد آورد و گفت که او در کتابها و نوشته‌هایش پیشرفت مطلوبی داشته است! وی افزود: تمام امکانات خود را برای روشن کردن مسئله امام صدر به کار خواهد برد و از همین امشب دستور خواهد داد دامنه تحقیقات و جستجوها را گسترده‌تر کنند. وی خطاب به وزیر خارجه‌اش که در این دیدار حاضر بود خواست به سفارت لیبی اطلاع دهند تا با مجلس اعلاى شیعیان لبنان در تماس بمانند. سرهنگ قذافی سخنانش را این چنین پایان داد:

«افسوس! ... من وعده‌ای با امام صدر داشتم ولی دیدار انجام نشد. اطلاعات من درباره مسئله برگرفته از گزارشهای دستگاه‌های ماست. باید دامنه تحقیق را وسعت

بدهیم تا حلقه‌های گمشده شناخته شود! باید از تمام وسایل استفاده کنیم! این دیدار تا بامداد جمعه ۱۳ سپتامبر ۱۹۷۸ ادامه داشت».

### نامه سفارت لیبی

وعدۀ قذافی مبنی بر ارتباط مستمر سفارت و مجلس اعلای شیعیان برای پیگیری مسئلهٔ بودن امام موسی صدر با هیچ اقدامی قرین نشد، جز نامه‌ای که سفارت لیبی در بیروت در تاریخ ۲۸ سپتامبر ۱۹۷۸ برای مجلس اعلای شیعیان لبنان فرستاد. در این نامه آمده است که مقامات امنیتی ایتالیا حضور امام و شیخ محمد یعقوب را در هتل هالیدی این شهر رم در تاریخ یکم سپتامبر ۱۹۷۸ تأیید کرده‌اند و چمدانهایشان به دادستانی کل ایتالیا تحویل داده شده است و همهٔ رسانه‌های خبری ایتالیا در این مورد اتفاق نظر دارند. دلایل و شواهد گوناگون نیز خبر از رسیدن امام به رم می‌دهد. چه بسا دستگاه‌های امنیتی ایران و اسرائیل و آمریکا و سازمانهای تندرو آلمانی در پس روده شدن وی باشند!!

### نگاهی به نامه سفارت لیبی

گذشته از بی‌اعتنایی آشکاری که در این بیانیه در ابراز این اطلاعات به چشم می‌خورد، اطلاعات با یافته‌های صحیح دستگاه تحقیقاتی ایتالیا ناسازگاری آشکاری دارد. با روشن شدن نتایج بازجوییهای دستگاه قضایی ایتالیا از:

۱. عوامل کشیک پلیس و گمرک فرودگاه رم در تاریخ ۲۰ سپتامبر ۱۹۷۸؛
  ۲. گروه و خدمهٔ پرواز شمارهٔ ۸۸۱ هواپیمایی ایتالیا که طرابلس را غروب روز ۳۱ سپتامبر ۱۹۷۸ به سوی رم ترک کرد؛
  ۳. مسافران قسمت درجهٔ یک این پرواز در تاریخ ۲۵ سپتامبر ۱۹۷۸؛
  ۴. کارمندان و خدمتکاران هتل هالیدی این در تاریخ ۲۶ سپتامبر ۱۹۷۸؛
- نامبردگان فوق‌الذکر کردند که امام صدر و همراهانش هرگز در میان مسافران هواپیمایی مذکور نبوده‌اند. همچنین بازجویی عوامل هتل نشان می‌دهد که با توجه به مشخصات داده شده کسانی که در هتل مذکور به نام امام صدر و شیخ محمد یعقوب

اتاق رزرو کرده‌اند، امام صدر و شیخ محمد یعقوب نبوده‌اند. این تحقیقات پیش از تاریخ ۲۸ سپتامبر ۱۹۷۸ بنا به گزارش رئیس پلیس مرزی در فرودگاه فیومپچینیو در تاریخ ۲۵ سپتامبر ۱۹۷۸ و گزارش رئیس پلیس رم در تاریخ ۲۷ سپتامبر ۱۹۷۸ به همه مقامات قضایی و امنیتی در رم تقدیم شده است.

### همزمانی و همسانی نامه سفارت لیبی و نامه سازمانی موهوم و تروریستی

مضمون نامه سفارت لیبی به مجلس اعلای شیعیان در تاریخ ۲۸ سپتامبر ۱۹۷۸ با نامه‌ای که در همین تاریخ در پست ایستگاه مرکزی راه آهن رم گذاشته و خطاب به روزنامه ایتالیایی پایزی سیرا و با امضای « سازمان لبنانی های سکولار برای لبنانی یکپارچه و سکولار » نوشته بودند، همزمان و همگون بود. در این نامه آمده است:

«سازمان، امام صدر را در تاریخ ۳۱ اوت ۱۹۷۸ بلافاصله پس از رسیدن به رم در جایی ربود که قرار بود با سه نفر ایرانی مخالف حکومت شاه دیدار کند. این آدم ربایی به لطف همکاری عباس بدرالدین که عضو سازمان و هم اکنون در آمریکای جنوبی است، صورت گرفته است. شیخ محمد یعقوب که می خواست از زندان رم فرار کند کشته شده است و به زودی محل دفن او را اعلام خواهیم کرد. صدر نیز هم‌اکنون در آمستردام است و ربودن وی آغازی است برای درهم کوبیدن پایه های ارتجاعی که لبنان را ویران ساخته است. امام خیانتکار است و به زودی محاکمه و با داوری مردم روبه رو خواهد شد!! برکسانی که برای نجات امام می‌کوشند فرض است که به هتل ماریوت در آمستردام و هتل شرایتون در بروکسل و هتل هالیدی این در رم بروند و در این مورد تحقیق کنند...».

تحقیقات ایتالیا و نیز تحقیقات لبنان نشان داده است که هیچ شخصی در این هتلها در زمان اعلام شده وجود نداشته است. همچنان که تحقیقات ثابت کرده است که این سازمان وجود خارجی ندارد و این نامه، بافته خیالات کسانی است که امام را ربوده‌اند برای این که با این کار مسیر تحقیقات را به بیراهه بکشانند. رئیس پلیس آمستردام اعلام کرده است که گنجاندن نام این شهر در این مسئله تنها با هدف گمراه سازی صورت گرفته است.



بررسی این نامه نشان می‌دهد که مضمون آن کاملاً با مضمون نامه سفارت لیبی مورخ ۲۸ سپتامبر ۱۹۷۸ مبنی بر وجود سازمانی تروریستی در پس این اقدام همخوانی دارد و به خوبی نشان می‌دهد که این دو نامه که در تاریخ و مضمون همانند هستند، ساخته و بافته یک اندیشه است.

### اعلام نظر شرکت خطوط هوایی ایتالیا

شرکت آلیتالیا حضور نداشتن امام و همراهانش را در هواپیمای مذکور قطعی دانست و در بیانیه این شرکت که تلویزیون ایتالیا در روز ۲۵ سپتامبر ۱۹۷۸ پخش کرد، اعلام شد که سید موسی صدر، شیخ محمد یعقوب و عباس بدرالدین در هواپیمای این شرکت که در روز ۳۱ اوت ۱۹۷۸ از فرودگاه طرابلس به سوی رم پرواز کرده است، نبوده‌اند. تلویزیون ایتالیا بلافاصله پس از این بیانیه با خلبان پرواز ۸۸۱ گفتگویی اختصاصی کرد. وی در این گفتگو اظهار داشت پس از آن که گروه پرواز عکسهای امام صدر، شیخ محمد یعقوب و عباس بدرالدین را دیدند، همگی تأکید کردند که ایشان در این پرواز نبوده‌اند نه با لباس مذهبی و نه با لباس شهروندان معمولی.

### هتل هالیدی این

مدیر هتل هالیدی این، آقای سکروکارو تأکید کرد که تحقیقات محلی و اطلاعات موجود نزد وابسته نظامی لبنان، نبیه فرحات، نشان می‌دهد دو نفری که در ساعت ۱۰ صبح روز ۱ سپتامبر ۱۹۷۸ وارد هتل شده و خود را موسی صدر و محمد شحاده نامیده‌اند، امام صدر و همراه او محمد شحاده یعقوب نبوده‌اند؛ زیرا عکسهای او با دو نفری که به هتل آمدند، هیچ شباهتی ندارد. مدیر هتل ویژگیهای دو نفر وارد شده در هتل را بازگو کرد و هیچ‌کدام با ویژگیهای امام و همراهانش همخوانی نداشت. مدیر هتل همچنین گفت که آنان برای ده روز اتاق گرفتند ولی فقط ده دقیقه در آن اقامت گزیدند و سپس با لباس معمولی از هتل خارج شدند و هرگز بازنگشتند. آنان در اتاقشان ساکها و گذرنامه‌هایی برجا گذاشتند که پس از تحقیق معلوم شد که مربوط به امام و محمد یعقوب است و ساک دستی امام هم که قفل رمزی داشت، خالی یافت شد. بخش

عمده این اظهارات و اطلاعات را خبرگزاری رویتر در تاریخ ۳ اکتبر ۱۹۷۸ مخابره کرد. مدیر هتل در همین تاریخ در گفتگو با تلویزیون ایتالیا همین مطالب را بازگو کرد.

### گزارش تلویزیون ایتالیا

متن زیر ترجمه نوار ضبط شده اخبار تلویزیون ایتالیا در خصوص مسئله ربودن امام و همراهان ایشان است:

امام موسی صدر رهبر شیعیان لبنان در ۳۱ اوت ۱۹۷۸ ناپدید شد و ربودن او هنوز هم مهمترین معمای پلیسی بین‌المللی به شمار می‌آید. گفته می‌شود که او از طرابلس به رم سفر کرده و پس از رسیدن به رم در ایتالیا ناپدید شده است. نیروهای امنیتی ایتالیا نامه‌ای دریافت کرده‌اند که تشکیلاتی موسوم به «سازمان لبنانیان لائیک برای تشکیل لبنان متحد و سکولار» آن را برای یکی از روزنامه‌های محلی ارسال کرده و در آن مسؤلیت ربودن امام و قتل معاون ایشان شیخ محمد یعقوب را به عهده گرفته است. این سازمان همچنین مدعی شده که امام پس از ورود به رم و اقامت در هتل هالیدی این ربوده شده و معاون وی نیز هنگامی که قصد فرار از محل بازداشت را داشته، کشته شده است.

ادعاهای واهی و بی اساس مطرح شده در نامه مذکور بیش از هر چیز دلیلی است بر این که سازمان مذکور اصولاً وجود خارجی ندارد. به هر تقدیر نویسندگان نامه راه ممکن برای آزادی امام را دیدار با نمایندگان دولت لبنان در سه هتل اروپایی در تاریخ ۱۰ اکتبر ۱۹۷۸ ذکر کرده و مدعی شده‌اند که اسقف خریش و نیز شیخ خالد مفتی (اهل سنت) را نیز خواهند ربود. در همین زمینه خانم قاضی «گروندا» مأموریت یافت تا موضوع احتمال ورود امام را به فرودگاه رم بررسی کند. نتیجه تحقیقات انجام شده قاضی آن بود که کارکنان فرودگاه ورود چنین افرادی به رم را انکار کرده‌اند.

خبرنگار ما در هتل هالیدی این؛ یعنی جایی که دو نفر به نام امام و شیخ یعقوب مراجعه کرده و اتاقهای ۷۰۱ و ۷۰۲ را رزرو کرده‌اند، حضور یافت و در این باره از آقای اوبر، جانشین مدیر هتل، سؤال کرد که می‌بینیم:

**سؤال:** آیا اثری از حضور صدر در هتل شما مشاهده می‌شود؟

**جواب:** آثار موجود متعلق به صدر نیست بلکه به اشخاصی تعلق دارد که خود را به جای ایشان معرفی کرده‌اند؛ زیرا در تاریخ ۱ سپتامبر ۱۹۷۸ دو نفر که یکی لباس

شخصی و دیگری لباس روحانی بر تن داشت به هتل مراجعه کردند، دو اتاق رزرو کردند و به اتاقها رفتند اما پس از ده دقیقه هتل را ترک کردند و دیگر بازنگشتند. گفته می‌شود که امام حدود دو متر قد و پنجاه سال سن دارند در حالی که افراد مراجعه کننده به هتل حداکثر سی سال سن داشتند و قدشان ۱۸۰ سانتیمتر بیشتر نبود.

**سؤال:** نیروهای امنیتی لبنان که به هتل مراجعه کردند از شما چه پرسیدند؟

**جواب:** می‌خواستند بدانند که آیا افراد مراجعه کننده به هتل واقعاً امام و معاون او بوده‌اند یا این که آن دو نفر خود را به جای آنان معرفی کرده‌اند.

در واقع می‌توان با قاطعیت گفت که موسی صدر حقیقی هرگز به رم نرسیده است. به طور خلاصه می‌توان گفت که اخبار منتشر شده حاکی از آن است که امام اکنون زنده هستند. حقیقت آن است که یک توطئه بین‌المللی در این مسئله وجود دارد و در حال حاضر نمی‌توان ابعاد این معما را دریافت. اینها همه نتیجه اتفاقاتی است که اکنون در خاورمیانه در جریان است.

اطلاعاتی که در هتل بدان دست یافته‌ایم و با اظهارات کادر پرواز شماره ۸۸۱ مورخ ۳۱ اوت ۱۹۷۸ کاملاً تطابق دارد، بیانگر آن است که شخصی که خود را به این اسم معرفی کرده به شهر رم آمده است، اما ناپدید شدن در کشوری غیر از ایتالیا رخ داده و ایتالیا در این قضیه مسؤلیتی ندارد.

نکته مهم دیگر این که شخصی که نام محمد یعقوب را به دروغ بر خود نهاده بود با خط خود برگه مخصوص میهمانان هتل را از طرف خود و همراهش که نام امام را به دروغ به خود داده بود، پر کرده است. این خط با دستخط شیخ محمد یعقوب تفاوت فاحش دارد؛ نیز در آن برگه نام «شحاده» را به عنوان فامیل آورده حال آن که این نام پدر اوست نه نام فامیل. این اشتباه ناشی از آن بوده است که نام کامل وی در گذرنامه محمد شحاده یعقوب است.

### ویزای ثبت شده در گذرنامه‌ها

در گذرنامه‌های یافت شده، ویزای ایتالیا و فرانسه وجود دارد که در تاریخ ۳۱ اوت ۱۹۷۸ در طرابلس، پایتخت لیبی، از سفارت ایتالیا و فرانسه گرفته‌اند. در این باره چند نکته گفتنی است:

۱. در این دو گذرنامه ویزای فرانسه دیگری وجود دارد که از سفارت فرانسه در بیروت صادر شده است؛ بنابراین، دلیلی برای گرفتن ویزای جدید در لیبی نبوده است.

این چیزی است که مایه شکفتی سفارت فرانسه در لیبی شده بود. سفارتخانه فرانسه در لیبی از سفارتخانه‌شان در بیروت در این باره توضیح می‌خواهد و می‌گوید که کارمند وزارت خارجه لیبی با اصرار ویزاهای جدید در خواست کرده است. سفارت فرانسه در لبنان در پاسخ می‌گوید که چون صاحب این گذرنامه امام صدر است با وی سختگیری نشود.

۲. امام و شیخ محمد یعقوب در کسب این دو ویزا صاحب اختیار نبوده‌اند؛ زیرا ایشان از کاردار لبنان در لیبی این کار را نخواستند و در گذرنامه‌های خود ویزای معتبر داشته‌اند، ویزاهایی که پیش از سفر به لیبی در بیروت صادر شده بود.

۳. مقصد امام پس از طرابلس روشن بوده است؛ زیرا وی پیش از سفر و هنگام اقامت در لیبی تصریح کرده بود که راهی فرانسه است؛ جایی که همسرش به دلیل بیماری بستری است و فرزندانش نیز در آن کشور اقامت داشتند. از این رو، پیش از ترک بیروت ویزای سفر به ایتالیا را در خواست نکرده بود. همچنان که در تاریخ ۲۹ اوت ۱۹۷۸ از کاردار لبنان درخواست تهیه ویزای ایتالیا نکرده بود. حتی عباس بدرالدین که خواستار ویزای فرانسه شده بود نیز از کاردار لبنان ویزای ایتالیا درخواست نکرده است. با توجه به این نکته که دولت لیبی بدرالدین را نیز مسافر همان هواپیمای حامل امام و محمد یعقوب دانسته‌اند اگر او به واقع مایل به چنین سفری بود، حتماً هنگام تقاضای ویزای فرانسه، ویزای ایتالیا نیز می‌خواست.

### دیدگاه مقامات ایتالیا

مقامات ایتالیا تأکید کرده‌اند که نه امام موسی صدر و نه هیچ‌یک از همراهان وی به قصد اقامت و یا حتی به قصد عبور از مرزهای ایتالیا وارد این کشور نشده‌اند. این اطلاعات را گزارش هیأت امنیتی لبنان نیز ثابت می‌کند. در این باره سفیر ایتالیا در جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۸۵ اعلام کرد: «امام موسی صدر هرگز پایش به ایتالیا نرسید».

آقای جیولیو تامانی‌نی، سفیر ایتالیا در تهران، در ملاقات با وزیر امور خارجه ایران اعلام کرد: «بر خلاف این ادعا که امام موسی صدر از لیبی به ایتالیا رفته است، وی هرگز به این کشور نرفته است». وی همچنین گفت:

«با بررسیهایی که دولت متبوعش درباره این مسئله انجام داده است، مسلم شده مشخصات شخصی که با دو همراه و با گذرنامه و بلیطی که به نام امام موسی صدر صادر شده، به رم مسافرت کرده با مشخصات امام موسی صدر مطابقت نداشته است».

سفیر ایتالیا نظر رسمی دولت متبوع خود را مبنی بر این که امام صدر و همراهانش هرگز به ایتالیا نیامده‌اند، به اطلاع وزیر امور خارجه رساند.<sup>۱</sup>

در خصوص عباس بدرالدین که به نام وی جواز اقامت به مدت ۴۸ ساعت در هتل ساتلایت رم یافت شده است تا سفر خود را در تاریخ ۱ سپتامبر ۱۹۷۸ با پرواز آلیتالیا به شماره ۴۹۰ به مالت ادامه دهد، تحقیقات ایترپل نشان داده است که هیچ اثری از وی در هتل پیش گفته وجود نداشته و وی آن جا را به مقصد مالت یا هر جای دیگری ترک نکرده است. مطبوعات ایتالیا نیز که با توجه کامل این مسئله را پیگیری کرده و اخبار مربوط به آن را پی گرفته‌اند، اطلاعات پیش گفته را تأیید کرده‌اند.

در این جا مطلبی که روزنامه المساجیرو با عنوان: «آیا واقعاً امام موسی صدر بوده شده است؟» را نقل می‌کنیم:

«مطمئناً امام و مشاور وی کسانی نیستند که در پرواز طرابلس به رم حضور داشته‌اند و در نتیجه امام هرگز پایتخت لیبی را ترک نکرده است و مسافران آن پرواز و میهمانان هتل هالیدی این در رم دو شخص ناشناخته‌ای هستند که برای گمراه کردن و القای عملیات آدم‌ربایی که هرگز اتفاق نیفتاده است...».

### نامه سفارت ایتالیا به نایب‌رئیس مجلس اعلای شیعیان لبنان

سفیر ایتالیا در لبنان به دستور دولت ایتالیا خطاب به مرحوم آیت الله شیخ محمد مهدی شمس‌الدین نامه‌ای نگاشت که در آن هرگونه ورود امام موسی صدر به خاک ایتالیا حتی به صورت ترانزیت نیز رد شده است و تصریح شده است که هرگونه اظهار نظری که با این مورد تعارض داشته باشد و به هر نوع به دولت ایتالیا منسبت گردد به کلی فاقد اعتبار است. متن این نامه بدین شرح است:

۱. ر.ک: روزنامه اطلاعات، مورخ ۱۶/۲/۱۳۵۸، شماره ۱۵۸۴۶.

سفارت ایتالیا - بیروت ۱۰/۵/۱۹۷۹

جناب شیخ محمد مهدی شمس الدین

نایب رئیس مجلس اعلای شیعیان لبنان - خلدی

بر اساس دستور واصله از دولت متبوع خود افتخار دارم رسماً به عرض برسانم که با توجه به برخی مقالات منتشره در روزنامه های لبنان و ایران، سفارت ایتالیا تأکید می کند که نظر به اهمیت قضیه ناپدید شدن امام موسی صدر و به ویژه شایعات موجود مبنی بر ورود ایشان به خاک ایتالیا و عبور از این کشور، تحقیقات گسترده ای در این زمینه انجام شده است.

دولت ایتالیا به نوبه خود آمادگی لازم برای همکاری با همه کشورهای و مراجع ذیربط به منظور تحقیق در این زمینه را ابراز داشته است.

همه تحقیقات و بررسیهای انجام شده و تمامی شواهد به دست آمده، ورود امام موسی صدر را به خاک ایتالیا و یا عبور ایشان به صورت ترانزیت از این کشور را رد می کند.

بنابراین، هر نوع اظهار نظری که با موارد فوق الذکر تعارض داشته باشد و به هر نوع به دولت ایتالیا منتسب گردد به کلی فاقد اعتبار خواهد بود.

فرصت را برای تجدید احترام مغتنم می شمارم.

استفانو داندریا  
سفیر ایتالیا در لبنان  
امضا و مهر سفارت

# اطلاعات

یكشنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۳۵۸ - شماره ۱۵۸۴۹ - شماره ۱۵ رسال

● سفیر ایتالیا در تهران : امام  
موسی صدر هرگز پایش به  
ایتالیا نرسید

● داماد امام موسی : قذافی برای  
يك معامله سیاسی امام موسی  
را نگه داشته است

در صفحه ۸

### گفته‌های بعدی مقامات لیبی

در تاریخ ۲۵ آوریل ۱۹۷۹ روزنامه کیهان، چاپ ایران گفته‌ای را از عبدالسلام جلود - که در آن هنگام در ایران به سر می‌برد - منتشر کرد که خبرگزاری فرانسه و خبرگزاری لیبی آن را مخابره کردند. در این خبر آمده است: «اسنادی که دولت لیبی به من تحویل داده نشان می‌دهد که امام صدر، لیبی را به قصد رم ترک کرده و در یکی از هتل‌های آن شهر اقامت گزیده است».

وی همچنین گفت: «دولت ایتالیا به ما خبر داد که امام حتماً به ایتالیا وارد شده است».

اظهارات مذکور، دولت ایتالیا را واداشت که از سفرای خود در تهران و بیروت بخواهد رسماً و علناً ادعاهای جلود را تکذیب و تکذیب نامه خود را رسماً به وزارت خارجه ایران و لبنان و مجلس اعلاى شیعان لبنان تقدیم کنند. این نامه را روزنامه‌های ایران و لبنان در تاریخ ۶ می ۱۹۷۹ منتشر کردند.

پس از این تکذیبیه در فاس (مغرب) از دبیر وزارت خارجه لیبی، عبدالسلام تریکی در مورد محل حضور یا اختفای امام صدر سؤال شد که وی پاسخ داد: «از لبنان پیرسید».

روزنامه‌های لبنان متن پرسش و پاسخ را در تاریخ ۱۱ می ۱۹۷۹ منتشر کردند. در این پاسخ، عقب‌نشینی روشنی از موضع پیشین لیبی در مورد متهم کردن ایتالیا وجود دارد. در این باره وزیر خارجه لبنان اعلام کرد که: «این اظهارات عجیب و غریب است».

سرانجام هنگامی که در کویت از قذافی درباره مکان امام موسی صدر سؤال شد، پاسخ داد:

«... او هم اکنون میان ایتالیا و فرانسه است! حقیقت در این منطقه نهفته است».





فصل سوّم:

تحقيقات مقامات امنيتى لبنان

## تحقیقات مقامات امنیتی لبنان

در تاریخ ۳۱ سپتامبر ۱۹۷۸ دولت لبنان هیأتی سیاسی - امنیتی را به ریاست دکتر عمر مسیکه دبیر اول کابینه لبنان به همراه دوتن از افسران بلند پایه اطلاعات ارتش لبنان به نامهای سرگرد نبیه فرحات و ستوان یکم نضوح مرعب به منظور تحقیق درباره حقیقت قضیهٔ ربودن امام موسی صدر و همراهان ایشان به ایتالیا و لیبی فرستاد. دولت لیبی، هیأت مذکور را از ورود به خاک این کشور منع کرد؛ اما هیأت لبنانی با همکاری مقامات ایتالیایی مأموریت خود را در ایتالیا به انجام رساند و در مدت پانزده روز حضور در شهر رم با همکاری مسؤولین امنیتی آن کشور به گردآوری اطلاعات و اسناد موجود در این باره پرداخت و نتیجهٔ تحقیقات خود را در اختیار دستگاه قضایی لبنان قرار داد.

آنچه در پی می‌آید خلاصهٔ اطلاعات ارسالی از سازمان امنیت و اطلاعات لبنان به قاضی لبنانی تحقیق پرونده به همراه اظهارات کارکنان هتل هالیدی این شهر رم است که در تاریخ اکتبر ۱۹۷۸ تنظیم شده است. لازم به ذکر است که ۴۶ سند موجود در پرونده نیز ضمیمهٔ گزارش هیأت امنیتی لبنان شده است.

این گزارش همچنین حاوی متن گزارش ارسالی از سوی مراجع اطلاعاتی ایتالیا به سازمان اطلاعات و امنیت لبنان و گزارش سازمان امنیت و اطلاعات لبنان به وزارت امور خارجهٔ این کشور دربارهٔ روند مأموریت و نتایج تحقیقات اطلاعاتی امنیتی در ایتالیا است. این دو گزارش در پروندهٔ هیأت اعزامی لبنان نیز آمده است.

## خلاصه گزارش هیأت امنیتی لبنان

در مورد مسئله ناپدید شدن امام موسی صدر و همراهان ایشان:

۱. تحقیقات انجام شده در رم نشان می‌دهد که لیست اسامی مسافران پرواز ۸۸۱ شرکت آلیتالیا در تاریخ ۳۱ اوت ۱۹۷۸ که نام‌های «موسی، یعقوب و عباس» در آن به ثبت رسیده، صحّت دارد و تعداد مسافران آن پرواز ۱۵۳ نفر بوده است (سند شماره ۱).
۲. تمامی ۱۵۳ مسافر پرواز مذکور در هواپیما حاضر بوده‌اند و لیست خلبان نیز این موضوع را تأیید می‌کند (سند شماره ۲).
۳. بلیط‌هایی که نام امام موسی صدر، شیخ محمد یعقوب و عباس بدرالدین در آنها به ثبت رسیده و در دفتر شرکت آلیتالیا در رم به دست آمده (سند شماره ۳) در تاریخ ۳۱ سپتامبر به جای ۳۱ برای مسیر طرابلس - پاریس - بیروت از دفتر شرکت هواپیمایی لیبی خریداری شده است.
۴. در مدارک و مکتوبات بخش امنیتی فرودگاه رم درخواست ویزای ۴۸ ساعته ورود به ایتالیا به نام عباس بدرالدین یافت شد که درخواست‌کننده، آدرس خود را هتل ساتلایت رم ذکر کرده بود. از آن‌جا که طبق مقررات اعطای ویزای موقت متقاضی باید بلیط خروج از کشور را پیش از اتمام مدت ویزا رزرو کرده باشد، در برگه درخواست ویزا تاریخ خروج متقاضی روز ۱۰ سپتامبر ۱۹۷۸ با پرواز شماره ۴۹۰ هواپیمایی آلیتالیا به مقصد مالت درج شده است (سند شماره ۴).
- تحقیقات انجام شده در رم نشان داد که عباس بدرالدین در هتل ساتلایت اقامت نداشته و در پرواز یک روز بعد به مقصد مالت حضور نیافته است (سند شماره ۵).
۵. مدرکی دال بر این که امام و شیخ محمد یعقوب مطابق با آنچه در بلیط آنان ذکر شده، به پاریس عزیمت کرده باشند، یافت نشد.
۶. نشانه‌ای مبنی بر این که امام و شیخ محمد یعقوب از فرودگاه رم به صورت ترانزیت خصوصاً در پروازهای انجام شده در همان شب به مقصد دیگری عزیمت کرده باشند، به دست نیامد.

۷. بلیط مربوط به امام موسی صدر و شیخ محمد یعقوب و عباس بدرالدین در بخش امنیتی فرودگاه رم یافت نشد.

۸. تنها هفتاد بلیط از مجموع ۱۵۳ بلیط در واحد اطلاعات و امنیت وجود داشت، از جمله دو بلیط متعلق به دو تن از اتباع لبنان که با همان پرواز به رم وارد شده بودند (سند شماره ۶).

۹. در تاریخ ۱۲ سپتامبر ۱۹۷۸ چمدانها و گذرنامه‌های متعلق به امام موسی صدر و شیخ محمد یعقوب در هتل هالیدی این در شهر رم کشف شد. به دنبال آن هیأت تحقیقاتی لبنان پیش از باخبر شدن مقامات ایتالیایی از این موضوع از مدیر و کارکنان هتل در این باره بازپرسی کردند. خلاصه اظهارات آنان بدین شرح است:  
در تاریخ ۱ سپتامبر ۱۹۷۸ مابین ساعت ۹ الی ۱۱ صبح دو نفر به هتل مراجعه کرده‌اند؛ یکی از آنان لباس روحانی به تن داشته بلند قامت و دارای محاسن بوده و دیگری با قد متوسط کوتاه، گندمگون، دارای موهای معمولی و لباس شخصی بوده است.

فردی که لباس شخصی بر تن داشته به بخش پذیرش هتل مراجعه کرده و فرد دارای لباس روحانی در لابی هتل قدم می‌زده است. پس از چند دقیقه فرد لباس شخصی به سوی روحانی رفته و شماره اتاق را به او اعلام می‌کند. فرد روحانی به تنهایی به طبقه هفتم و به اتاق مورد نظر رفته و در فاصله آسانسور و در اتاق قدم می‌زده و یکی از زنان کارگر وی را در آن جا مشاهده کرده است. در همین حال فرد لباس شخصی مشغول انجام تشریفات پذیرش بوده است.

یکی از کارمندان بخش پذیرش که رفتار دو شخص تازه وارد در نظرش چندان خوشایند نبوده به همکار خود توصیه می‌کند که کل مبلغ را به صورت پیش پرداخت از آنان دریافت کند. فرد لباس شخصی نیز بلافاصله هزینه یک هفته اقامت را به دلار پرداخت می‌کند.

در فرم پذیرش نام «موسی صدر» تبعه لبنان برای اقامت از تاریخ ۱ سپتامبر تا ۸ سپتامبر ۱۹۷۸ در اتاق ۷۰۲ ثبت شده و «موسی» به خط و زبان فرانسوی ورقه را امضا نموده است (سند شماره ۶).

در فرم دیگر برای اتاق ۷۰۱ به جای «محمد یعقوب» نام «محمد شحاده» درج شده (نام اصلی او محمد شحاده یعقوب است) و هزینه آن نیز پرداخت شده است.

فرد لباس شخصی به همراه باربر هتل با چهار چمدان شامل دو چمدان بزرگ، یک ساک چرمی کوچک و یک کیف دستی بالا می‌روند. او به باربر اشاره می‌کند که چمدانها را در اتاق روحانی قرار دهد. سپس فرد لباس شخصی به اتاق خودش می‌رود و بلافاصله پس از بیرون رفتن باربر به اتاق روحانی وارد می‌شود. ده دقیقه بعد هر دوی آنها با لباس شخصی از هتل بیرون می‌روند و پس از آن، دیگر کسی آنان را در هتل مشاهده نکرده است.

گذرنامه‌های باز، بر روی میز اتاق و عبا و عمامه امام بر روی تخت بوده و چمدانها نیز بدون آن که قفل شده باشند، در اتاق رها شده‌اند.

مدیر هتل تمام وسایل را در روز ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۸ به دفتر خود انتقال می‌دهد اما از آن جا که گذرنامه‌ها در هتل جا مانده بودند، به پلیس خبر نمی‌دهد؛ زیرا مطمئن بوده است که آنها حتماً باز خواهند گشت؛ زیرا به گذرنامه‌ها نیاز دارند.

۱۰. پس از آن که تصویر امام و شیخ یعقوب و عباس بدرالدین به کارگران هتل نشان داده شد، آنان نه تنها احتمال این که تصاویر متعلق به افراد مراجعه کننده به هتل باشد را رد کردند، بلکه بعضی از آنها تفاوت میان مشخصات ظاهری آنان با تصاویر نشان داده شده را به ویژه شخصی که خود را محمد یعقوب معرفی کرده بود، بسیار زیاد قلمداد نمودند.

۱۱. اسناد شماره ۷ و ۸ عبارتند از صورت حساب اتاقهای ۷۰۱ و ۷۰۲ که در آنها تنها اجاره بهای اتاق و سرویس بدون هیچ هزینه دیگری درج شده است. اسناد شماره ۹ تا ۱۳ در بر دارنده اظهارات کارکنان هتل است.

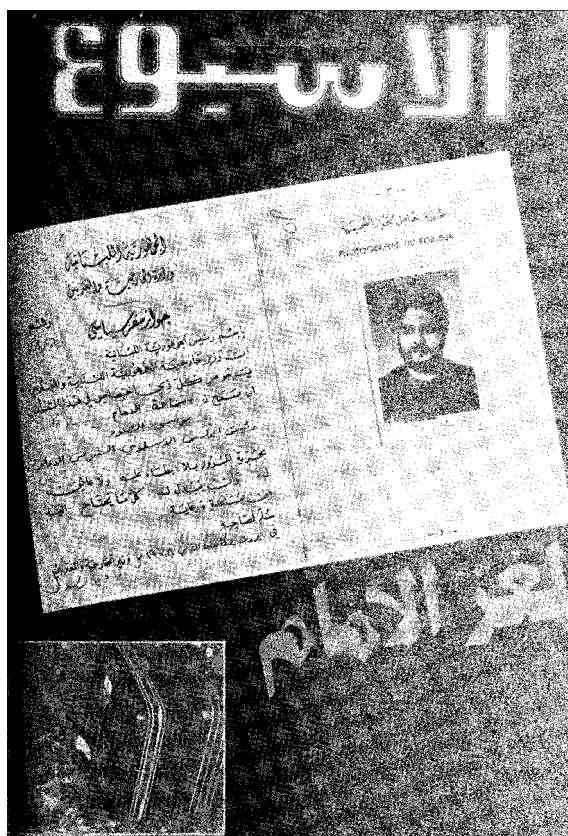
۱۲. چمدانهای کشف شده در اتاق متعلق به امام موسی صدر و شیخ محمد یعقوب بود و چمدان عباس بدرالدین پیدا نشده است.

۱۳. اسناد شماره ۱۴ تا ۱۸ عکسهای چمدانها است.

۱۴. اسناد شماره ۱۹ تا ۲۲ عکسهای گذرنامه امام موسی صدر است.

در گذرنامه امام برای وی ویزای ورود به فرانسه از طرابلس در تاریخ ۳۱ اوت ۱۹۷۸ دریافت شده است (سند شماره ۲۳)؛ در حالی که ایشان ویزای فرانسه را که تا تاریخ ۲۴ اکتبر (یک ماه و ۲۴ روز بعد) معتبر بوده، در اختیار داشته‌اند و بر روی این ویزا مهر باطل زده‌اند.

مهر خروج از فرودگاه طرابلس به تاریخ ۳۱ اوت ۱۹۷۸ درج شده است. مهر ورود به فرودگاه رم «ناخوانا» است.  
 برای امام ویزای ورود به رم (ایتالیا) از طرابلس در تاریخ ۳۱ اوت ۱۹۷۸ دریافت شده است.



تصویر روی جلد مجله الاسبوع العربی، گذرنامه سیاسی امام صدر و چمدانها با عبارت «معنای امام» مشاهده می‌شود.

۱۵. اسناد شماره ۳۴ تا ۴۵ عکسهای گذرنامه شیخ محمد یعقوب است. برای وی نیز ویزای ورود به فرانسه از لیبی در تاریخ ۳۱ اوت ۱۹۷۸ دریافت شده است (سند شماره ۴۲). در حالی که پیش از آن ویزای ورود به فرانسه که تا ۱۸ اکتبر ۱۹۷۸ (یک ماه و ۸ روز بعد) معتبر بوده، در گذرنامه وی وجود داشته است (سند شماره ۳۹).

ویزای ورود به ایتالیا از طرابلس در تاریخ ۳۱ اوت ۱۹۷۸ برای وی دریافت شده است (سند شماره ۴۱).

مهر خروج از لیبی به تاریخ ۳۱ اوت ۱۹۷۸ در گذرنامه درج شده است (سند شماره ۴). مهر ورود به ایتالیا (رم) ناخواناست (سند شماره ۴).

۱۶. نکاتی درباره محتویات چمدان امام:

در یکی از چمدانهای ایشان دوازده عکس پرسنلی ۳×۴ متعلق به امام، دوازده عکس متعلق به شیخ محمد یعقوب و دوازده عکس نیز متعلق به عباس بدرالدین در پاکتی که نام یکی از عکاسهای طرابلس، پایتخت لیبی، بر آن درج شده به دست آمد که هیچ یک از آنها استفاده نشده بود.

در سر رسیدی که امام خاطرات روزانه خود را همه روزه بدون استثنا در آن ثبت می کرده از تاریخ ۲۸ اوت ۱۹۷۸ به بعد مطلبی اضافه نشده است و از تاریخ ۲۹ اوت ۱۹۷۸ به بعد تمامی صفحات سفید است؛ اما قبل از تاریخ ۲۸ اوت ۷۸ صفحه سفیدی وجود ندارد. در حالی که امام عصر روز ۳۰ اوت ۱۹۷۸ شام را به همراه کاردار لبنان در لیبی و چند نفر دیگر صرف کرده بودند. بسیاری از اسناد و نامه ها و اوراق به زبان فارسی است. اوراق و مدارک دیگر و وسایل شخصی امام نیز در چمدانها وجود دارد.

۱۷. موضوع تماماً به پلیس ایتالیا ارجاع داده شد. پلیس نیز پس از لاک و مهر کردن چمدانها آنها را به دکتر اسپینلا دومینیکو رئیس اداره تحقیقات امنیتی رم (Digos) تحویل داد، وی نیز پس از دریافت آنها موضوع را به دستگاه قضایی ایتالیا احاله کرده و دادستانی ایتالیا بازپرسی از کارکنان هتل را رسماً آغاز کرده است.

۱۸. سرمهماندار پرواز ۸۸۱ ایتالیا در مصاحبه ای که در تاریخ ۲۵ اکتبر ۱۹۷۸ از تلویزیون پخش شد، اظهار داشت که شخصی را با لباس روحانی در هواپیما مشاهده نکرده است. وی پس از مشاهده عکسهای امام، شیخ محمد یعقوب و عباس بدرالدین تأکید کرد که اشخاصی را که با آنان شباهت داشته باشند در هواپیما ندیده است.

۱۹. آقای والته - که از مسافران هواپیما بوده - اظهار می‌دارد که امام را در هواپیما ندیده و او و همسرش صندلی خود را در قسمت درجه یک هواپیما به امام صدر و شیخ محمد یعقوب نداده‌اند بلکه یکی از مسوولان فرودگاه طرابلس در سالن انتظار فرودگاه نزد او آمده و به علت نیاز به جای آنان در قسمت درجه یک هواپیما از آنان خواسته که در قسمت درجه دو بنشینند. او همچنین تأکید کرد که شخصی را با لباس روحانی ندیده است (اظهارات شفاهی مقامات امنیتی ایتالیا).

۲۰. کادر پرواز و مهمانداران هواپیما می‌گویند شخصی که لباس روحانی بر تن داشته یا مشخصات ظاهری اش با امام شباهت داشته باشد را در هواپیما ندیده‌اند (اظهارات شفاهی مقامات امنیتی ایتالیا).

### گفته‌های کارکنان هتل

#### ۱. خانم زامبوکو مارگریتا؛ نظافتچی

وی می‌گوید موضوع را به خوبی به خاطر دارد؛ زیرا هر دو روز یک بار برای نظافت از طبقه‌ای به طبقه دیگر می‌رود و در روزهای اول و دوم سپتامبر در طبقه هفتم کار کرده است. وی تأکید می‌کند که آن دو نفر صبح روز اول سپتامبر به هتل مراجعه کرده‌اند و او در ابتدا یکی از آن دو را دیده است که با لباس روحانی در فاصله میان آسانسور و اتاق ۷۰۱ در راهرو قدم می‌زده است.

خانم مارگریتا آن شخص را بلند قامت و دارای محاسن و سن او را بین ۳۰ تا ۳۵ سال عنوان کرده و در ادامه می‌گوید:

«پس از حدود پنج دقیقه فرد دیگری با لباس شخصی به همراه باربر هتل با چهار چمدان به طبقه هفتم آمدند. سه چمدان متوسط را باربر حمل می‌کرد و یک کیف کوچک سیاه رنگ را فرد لباس شخصی در دست داشت (خانم مارگریتا با دیدن چمدانها تأکید کرد که همان چمدانها هستند).

فرد لباس شخصی که چهره‌ای گندمگون، قامتی کوتاه و سنی در حدود ۳۰ تا ۳۵ داشت، به اتاق ۷۰۲ و فردی که لباس روحانیون بر تن کرده بود، به اتاق ۷۰۱ وارد شد. حدود ده دقیقه بعد دو نفر از هتل بیرون رفتند در حالی که فرد روحانی هم لباس شخصی به تن کرده بود و دیگر آنها را ندیدم».



خانم مارگریتا می‌افزاید: پس از باز کردن در اتاقها در صبح روز دوم سپتامبر مشاهده کرده که تختها نیز استفاده نشده‌اند و به تعبیر او آنها حتی دستان خود را هم نشسته‌اند. پس از آن که خانم مارگریتا عکسهای امام، شیخ محمد یعقوب و بدرالدین را دید، با اطمینان گفت که صاحبان عکسها کاملاً با افرادی که به هتل مراجعه کرده بودند تفاوت دارند و هیچ وجه تشابهی میان آنان وجود ندارد.

## ۲. آقای دورانت جوزه؛ باربر

وی اظهار می‌دارد:

«دو نفر در تاریخ ۱ سپتامبر ۱۹۷۸ بین ساعت ۹ تا ۱۱ صبح به هتل مراجعه کردند. یکی از آنان که لباس روحانی بر تن داشت، بلند قامت و دارای محاسن و حدوداً ۳۰ تا ۳۵ ساله بود. نفر دوم گندمگون و کوتاه قد و دارای لباس شخصی و موهای معمولی بود و او نیز بین ۳۰ تا ۳۵ سال سن داشت. فرد لباس شخصی به بخش پذیرش مراجعه کرد و فرد روحانی چند لحظه در لابی قدم زد و سپس روی یکی از صندلیها نشست. پس از مدتی کوتاهی فرد لباس شخصی نزد روحانی رفت و چند کلمه‌ای با او صحبت کرد؛ سپس فرد روحانی به تنهایی به سمت آسانسور رفت. در همین فاصله فرد لباس شخصی کارهای مربوط به پذیرش هتل را به انجام رساند و در حالی که یک کیف کوچک سیاه‌رنگ در دست داشت به طرف طبقات هتل رفت و من نیز سه چمدان دیگر را بالا بردم (آقای جوزه به دیدن چمدانها تأیید کرد که اینها همان چمدانها هستند) او (فرد لباس شخصی) گفت که چمدانها را در اتاق شخص روحانی که در راهرو طبقه هفتم او را دیدم بگذارم. سپس فرد لباس شخصی به اتاق خودش رفت و بلافاصله از اتاق خارج شد و در حالی که کیف سیاه‌رنگ را هنوز در دست داشت به اتاق فردی که لباس روحانی به تن داشت، رفت. پس از آن دیگر آنها را ندیدم».

آقای جوزه در ادامه می‌گوید که: این موضوع را خوب به خاطر دارد؛ زیرا فرد لباس شخصی مبلغ پنج هزار لیر به او اذعام داده بود و این مبلغ نسبتاً زیادی است و به ندرت اتفاق می‌افتد که کسی برای حمل چمدانها چنین مبلغی پرداخت کند. به علاوه فرد لباس شخصی در برابر روحانی با احترام و با کمی ترس رفتار می‌کرد چنانچه گویی

سربازی در برابر یک افسر ایستاده است.

او پس از دیدن عکسها با اطمینان گفت که عکسها با افرادی که به هتل آمده‌اند کاملاً تفاوت دارد. جوزپه همچنین هنگام دریافت انعام، بسته بزرگی را که محتوی دلار بوده در دست فرد لباس شخصی مشاهده کرده است.

### ۳. آقای سدرونی آلبرتو؛ باربر

وی - که در طبقه هفتم هتل بوده - چنین می‌گوید:

«شخصی را با لباس روحانی مشاهده کردم که در فاصله آسانسور و در اتاق ۷۰۱ قدم می‌زد. چند دقیقه بعد فرد دیگری با لباس شخصی و با چمدانهایی که یک باربر دیگر حمل می‌کرد به طبقه هفتم آمد. فرد روحانی بلند قامت و دارای محاسن و حدود ۳۰ تا ۳۵ ساله بود. فرد لباس شخصی قد متوسط کوتاه داشت. او نیز حدوداً ۳۰ الی ۳۵ ساله می‌نمود. آنها حدود ده دقیقه در اتاقها ماندند و سپس با لباس شخصی بیرون رفتند و دیگر آنها را ندیدم.»

وی حتی به یاد دارد که همکارش پنج هزار لیر انعام دریافت کرد، و نیز پس از مشاهده عکسهای امام، شیخ یعقوب و بدرالدین احتمال این که عکسهای مربوط به مراجعه کنندگان به هتل باشد را نفی کرده است.

### ۴. آقای کولانجلو پی‌یترو؛ کارمند پذیرش هتل

پی‌یترو می‌گوید: تنها فرد لباس شخصی را که دو گذرنامه (یکی برای خودش و دیگری برای نفر دوّم) در دست داشته، مشاهده کرده است. او چهره‌ای گندمگون و قامتی کوتاه داشت و کیف سیاه‌رنگ کوچکی را که در اصل متعلق به امام بوده در دست داشته و حدود ۳۰ تا ۳۵ ساله بوده است. وی فرم پذیرش اتاق خودش را امضا می‌کند و سپس کارمند پذیرش هتل از او می‌خواهد که فرم دیگر را نیز به امضای نفر دوّم برساند. فرد لباس شخصی فرم را با خود می‌برد و کارمند پذیرش ندیده که چه کسی آن را امضا کرده است. او جزئیات موضوع را دقیقاً به یاد ندارد اما تاریخ واقعه را روز اول سپتامبر و زمان مراجعه آنان را بین ساعت ۹ تا ۱۱ صبح ذکر کرده. نیز به یاد دارد که همکارش، آقای نیکولوزی لئوناردو، برای اینکه وضع ظاهری فرد مراجعه کننده چندان

در نظرش خوشایند نبوده به او توصیه کرده که مبلغی را به عنوان پیش پرداخت از آنان دریافت کند و او نیز برخلاف همیشه هزینه یک هفته اقامت دو نفر را پیشاپیش از مراجعه کننده درخواست کرده و او نیز مبلغ را به دلار پرداخت نموده است. آقای پی‌یترو نیز پس از مشاهده عکسها تأکید داشت که آنها با شخصی که به هتل مراجعه کرده بود، تفاوت دارند.

##### ۵. آقای نیکولوزی لئوناردو؛ کارمند پذیرش هتل

ایشان مورد بازپرسی قرار نگرفت؛ زیرا هنگام بازپرسی، در مرخصی دو روزه به سر می‌برد. پس از اتمام مرخصی وی، پلیس ایتالیا تحقیق درباره موضوع را به عهده گرفته بود، از این رو پلیس او را برای ارائه توضیحات فرا خواند.

##### ۶. آقای هابر زیگفریدو؛ جانشین مدیر هتل

با توجه به این که مدیر هتل در مرخصی به سر می‌برد، بازپرسی از تمامی کارکنان هتل در حضور جانشین مدیر هتل آقای هابر زیگفریدو انجام شد. او خود نیز در اظهاراتش گفته است: مدیر خدمات طبقه هفتم هتل به او اطلاع داده که میهمانان اتاقهای ۷۰۱ و ۷۰۲ از پنج روز پیش به هتل نیامده‌اند و اثاثیه و گذرنامه‌های آنان در اتاقهایشان موجود است. آقای زیگفریدو به اتاقها مراجعه می‌کند و چمدانهای آنان و گذرنامه‌ها را - که صفحه تصویر آنها باز بوده و بر روی میز اتاق قرار داشته‌اند - مشاهده می‌کند. وی ابتدا وجود گذرنامه‌ها را ضامن بازگشت آنان می‌پندارد و اتاقها را تا روز دهم سپتامبر برای آنان رزرو نگاه می‌دارد و پس از آن دستور می‌دهد که چمدانها و گذرنامه‌ها را به انبار منتقل کنند. ده روز بعد در تاریخ ۱۲ سپتامبر ۱۹۷۸ با هیأت امنیتی سفارت لبنان تماس می‌گیرد و آنان را در جریان امر قرار می‌دهد. مسؤولان سفارت، عصر همان روز با مراجعه به محل، تحقیقات را آغاز می‌کنند. مدیر هتل با حضور در دفتر پلیس ایتالیا در تاریخ ۲۴ سپتامبر ۱۹۷۸ کلیه اظهارات کارکنان هتل را تأیید و صورت جلسه آن را در حضور کمیته امنیتی مشترک لبنان و ایتالیا امضا نموده است.

### گزارش نیروهای اطلاعات و امنیت ایتالیا<sup>۱</sup>

درباره موضوع ناپدید شدن امام موسی صدر و همراهان ایشان، شیخ محمد یعقوب و عباس بدرالدین اطلاعات زیر به دست آمده است:

- از لیست اسامی مسافران پرواز مذکور چنین برمی آید که آنان بلیط‌های درجه عادی در اختیار داشته‌اند.

- کادر پرواز شماره ۸۸۱ آلیتالیا در تاریخ ۳۱ اوت ۱۹۷۸ وجود سه تبعه لبنان را در هواپیما تکذیب کردند و پس از ارائه عکس‌ها نیز آنان را نشناختند.

- از فردی که با نام عباس بدرالدین ویزای ترانزیت ورود به ایتالیا را دریافت کرده در هیچ یک از هتل‌های ایتالیا اثری یافت نشد.

- مأمورانی که در مرز هوایی ورود به ایتالیا به نام عباس بدرالدین ویزا صادر کرده‌اند، وی را پس از این که عکسش به آنان نشان داده شد، نشناختند. همچنین بدرالدین بلیط سفر به مالت را که برای پرواز شماره ۴۹۰ در تاریخ ۱ سپتامبر ۱۹۷۸ خریداری کرده بود، استفاده نکرده است.

- هیچ اثر و نشانه‌ای از حضور سه فرد مذکور در سالن ترانزیت فرودگاه فیومچینو شهر رم یافت نشد و مأموران پلیس مستقر در فرودگاه نیز مشاهده افرادی با مشخصاتی شبیه امام و همراهانش را تأیید نمی‌کنند.

- نام هیچ یک از سه فرد مذکور در لیست مسافران هیچ کدام از پروازهای خروجی از فرودگاه رم در تاریخ ۱ سپتامبر ۱۹۷۸ به مقصدهای مختلف یافت نشد.

- کارکنان هتل هالیدی این می‌گویند اشخاصی که در تاریخ ۱ سپتامبر ۱۹۷۸ به اتاقهای ۷۰۱ و ۷۰۲ مراجعه کرده‌اند، با تصاویر موجود در گذرنامه‌ها هیچ شباهتی ندارند.

- اشخاصی که به هتل مراجعه کرده بودند حدود ۳۰ تا ۳۵ سال سن داشته‌اند و شخص بلند قامت که قد او از ۱۸۸ سانتی متر تجاوز نمی‌کرده، لباس روحانی بر تن داشته است. آن دو به اتاق وارد شده و پس از مدت کوتاهی ( حداکثر ده دقیقه ) در حالی که شخص روحانی لباس خود را تغییر داده و لباس شخصی بر تن کرده از هتل بیرون رفته‌اند.

۱. این گزارش به زبان ایتالیایی به دستگاه امنیتی لبنان ارسال شده است. اطلاعات لبنان این گزارش را به بیوست گزارش نیروهای اطلاعات و امنیت لبنان تحت عنوان «گزارش به مسؤول اطلاعات لبنان» به مدیر اطلاعات و امنیت ارسال کرده است.

- از آن لحظه تا کنون آنان با وجود آن که مدارک خود را در هتل قرار داده و هزینه شش روز اقامت را هم پیش پرداخت کرده بودند به هتل باز نگشته‌اند.

- اخیراً نامه‌ای به امضای سازمانی موسوم به «جمعیت لبنانیان سکولار برای ایجاد لبنان متحد و لائیک» به دفتر یک روزنامه ایتالیایی رسیده و سازمان مذکور مسؤولیت ربودن امام را بر عهده گرفته است.

- سازمان مذکور در نامه خود ملاقات با نمایندگان دولت لبنان را برای بحث درباره شرایط آزادی امام خواستار شده است. تلاشها برای انجام چنین دیداری تاکنون بی نتیجه مانده است.

منبع: م.م

شماره: ۱۶۶

تاریخ: ۱۶ می ۱۹۷۸

C O P I E



386

AMBASCIATA D'ITALIA

L'Ambassade d'Italie présente ses compliments au Ministère des Affaires Etrangères et a l'honneur de l'informer qu'en date du 5 mai 1979 elle a diffusé à la presse le communiqué suivant :

" En relation à certains articles parus dans la presse libanaise et iranienne, l'Ambassade d'Italie précise que l'affaire de la disparition de l'Imam Moussa Sadr, et en particulier, les rumeurs concernant son transit ou son entrée en Italie ont fait l'objet des investigations les plus suivies ainsi que l'exigeait la gravité du cas.

Du côté italien on a fait preuve de la volonté la plus grande à collaborer à l'enquête relative à cette disparition avec les Gouvernements d'autres pays et leurs autorités compétentes.

Toutes les enquêtes qui ont eu lieu ainsi que les éléments acquis excluent que l'Imam Moussa Sadr soit arrivé en territoire italien.

Par conséquent, toute déclaration contraire à ce qui précède, attribuée d'une façon quelconque au Gouvernement italien, doit être considérée comme dénuée de tout fondement".

L'Ambassade d'Italie saisit cette occasion pour renouveler au Ministère des Affaires Etrangères les assurances de sa très haute considération.

B e y r o u t h , le 7 mai 1979

MINISTERE DES AFFAIRES  
ETRANGERES  
B e y r o u t h

نامه سفیر ایتالیا مبنی بر عدم ورود امام موسی صدر و همراهانشان به خاک ایتالیا

## گزارش سازمان امنیت لبنان به وزیر خارجه در بارهٔ مأموریت هیأت لبنانی

موضوع: اقدامات دولت لبنان در مورد مسئلهٔ ناپدید شدن امام موسی صدر و دو همراه ایشان:

در تاریخ ۱۰ سپتامبر ۱۹۷۸ شیخ محمد مهدی شمس‌الدین، نایب‌رئیس مجلس اعلای شیعیان لبنان، در دیدار با ریاست محترم جمهوری مراتب نگرانی خود را از قطع ارتباط با جناب امام موسی صدر و همراهان ایشان، شیخ محمد یعقوب و عباس بدرالدین که به دعوت رسمی مقامات لیبیایی به این کشور سفر کرده بودند، به اطلاع رئیس جمهور رساند. در پی این دیدار، ریاست محترم جمهور دستور احضار کاردار لیبی را صادر کردند و جناب نخست وزیر با احضار وی از او در این باره توضیح خواست. کاردار لیبی اظهار داشت که امام در روز ۳۱ اوت با پرواز هواپیمایی آیتالیا پایتخت لیبی را به مقصد رم ترک کرده است. در ادامه نخست وزیر در تماس با نخست وزیر لیبی، عبدالسلام جلّود، از او کسب اطلاع کرد و او نیز همان مطالب را تکرار نمود. با توجه به اصرار دولت لیبی بر عدم حضور امام در این کشور و از آن جا که در هیچ کشور دیگری نیز اثری از ایشان به دست نیامد، دولت لبنان بر آن شد که هیأتی را برای بررسی موضوع و کشف حقیقت به لیبی و ایتالیا روانه کند. این هیأت به عضویت دکتر عمر مسیکه، دبیر هیأت دولت و دو تن از افسران اطلاعات لبنان به کشور لیبی اعزام شد.

دولت لیبی بر خلاف انتظار مسؤولین لبنانی مانع ورود افسران عضو هیأت اعزامی به خاک لیبی شد و تنها به دکتر مسیکه اجازهٔ ورود داد. ایشان نیز پس از ۴۸ ساعت حضور در طرابلس، پایتخت لیبی، به ایتالیا رفت و به همراه افسران اطلاعات لبنان تحقیقات را دربارهٔ موضوع با همکاری مسؤولان ایتالیایی ادامه داد.

نخست وزیر لیبی در دیدار با دکتر مسیکه مدعی شد که امام و همراهانش در تاریخ ۳۱ اوت ۱۹۷۸ و با پرواز شمارهٔ AZ ۸۸۱ آیتالیا، لیبی را به مقصد رم، پایتخت ایتالیا ترک کرده‌اند. وی همچنین با تسلیم نسخه‌ای از لیست مسافران پرواز مذکور که نامهای موسی، یعقوب و عباس در آن قید شده بود، بحث و مناقشه را دربارهٔ این موضوع از سوی دولت لیبی منتفی اعلام کرد.

اما در شهر رم هیأت لبنانی پس از پانزده روز بررسی و جمع آوری اطلاعات و با همکاری مسؤولین ایتالیایی به نتایج زیر دست یافت:

۱. در پی تماس مدیر هتل هالیدی این شهر رم با هیأت لبنانی از طریق سفارت لبنان در ایتالیا چمدانها و گذرنامه های متعلق به امام صدر و شیخ محمد یعقوب در هتل مذکور به دست آمد و در ادامه هیأت لبنانی تحقیق و تفحص از مدیر و کارکنان هتل را آغاز کرد. آنان در اظهارات خود عنوان کردند که در تاریخ ۱ سپتامبر ۱۹۷۸ بین ساعت ۹ تا ۱۱ صبح دو نفر که یکی از آنان لباس روحانی و دیگری لباس شخصی بر تن داشت با در دست داشتن گذرنامه هایی به نام موسی صدر و محمد یعقوب به هتل آمدند و با اجاره دو اتاق هزینه اقامت یک هفته ای را نیز پرداخت کردند؛ اما بیش از ده دقیقه در هتل نماندند و پس از آن که فرد روحانی لباس خود را تغییر داد و لباس شخصی بر تن کرد، بیرون رفتند و دیگر بازنگشته اند. عکسهای امام صدر و شیخ محمد یعقوب و عباس بدرالدین به مدیر هتل، کارکنان بخشهای پذیرش و باربران و نظافتچیهای هتل نشان داده شد و همه آنان بدون استثنا اتفاق نظر داشتند که مراجعه کنندگان به هتل صاحبان عکسها نبوده اند و این نشان می دهد که گذرنامه ها را افراد دیگری غیر از امام صدر و شیخ محمد یعقوب استفاده کرده اند.

۲. بنا بر آنچه در مکتوبات دایره امنیتی فرودگاه رم درباره عباس بدرالدین به دست آمده، روایت ۴۸ ساعته ورود به ایتالیا برای شخصی به نام عباس بدرالدین صادر شده است و از آنجا که برای دریافت روایت موقت (ترانزیت)، مسافر باید بلیط سفر به خارج از کشور را پیش از انقضای مدت روایت در اختیار داشته باشد در ویزای دریافتی درج شده است که وی در تاریخ ۱ سپتامبر ۱۹۷۸ با پرواز شماره AZ ۸۸۱ هوایی ایتالیا به مالت سفر خواهد کرد. همچنین محل اقامت وی هتل ساتلایت ذکر شده است.

نتایج تحقیقات نشانگر آن است که شخصی موسوم به عباس بدرالدین در هتل ساتلایت اقامت نداشته و با پرواز مذکور به مالت سفر نکرده است.

۳. در گذرنامه امام موسی صدر ویزای ورود به فرانسه وجود دارد که در تاریخ ۳۱ اوت ۱۹۷۸ از سفارت فرانسه در طرابلس، پایتخت لیبی، دریافت شده است. حال آنکه ایشان پیش از آن ویزای ورود به فرانسه را که تا تاریخ ۲۴ فوریه ۱۹۷۸ معتبر بوده در اختیار داشته اند؛ اما این ویزا نیز از سوی سفارت فرانسه در لیبی مهر باطل خورده است.

۴. در گذرنامه شیخ محمد یعقوب نیز ویزای ورود به فرانسه که در تاریخ ۳۱ اوت ۱۹۷۸ از سفارت فرانسه در لیبی دریافت شده به چشم می خورد در حالی که ویزای فرانسه که تا تاریخ دسامبر ۱۹۷۸ معتبر بوده در گذرنامه وی وجود داشته و حتی مهر

باطل نیز نخورده است.

۵. عکسهای امام، شیخ محمد یعقوب و آقای عباس بدرالدین به کادر پرواز شماره AZ ۸۸۱ شامل مهمانداران و خلبانان و برخی از مسافران هواپیما نشان داده شد و همه آنان اظهار داشتند که هیچیک از آنان را در هواپیما مشاهده نکرده‌اند. یکی از مهمانداران زن نیز که مقابل در ورودی هواپیما ایستاده بود و به همه مسافران خوشامد می‌گفته، می‌گوید که هیچ فرد روحانی یا فردی با لباس امام یا با قد و قامت ایشان را مشاهده نکرده است.

۶. پس از پایان تحقیقات هیأت اعزامی از لبنان که با همکاری نیروهای امنیتی ایتالیا انجام شد، تمامی اطلاعات اسناد و مدارک به دست آمده در اختیار مسئولین قضایی لبنان و ایتالیا قرارگرفت و پیگیری مسئله به آنان محول گردید.



## فصل چهارم:

نخستین تحقیق قضایی ایتالیا و دستاوردهای آن

## نخستین تحقیق فضایی ایتالیا و دستاوردهای آن

پس از آن که خبرگزاریهای جهان خبر ناپدید شدن امام موسی صدر را منتشر کردند، بلافاصله در تاریخ ۱۳ سپتامبر ۱۹۷۸ دادستانی کل ایتالیا در رم فعالیت و تحقیقات خود را آغاز کرد و دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی مختلفی برای روشن شدن این مسئله ایفای وظیفه کردند. تحقیقات بسیار پردامنه و با دقت تمام انجام گرفت و به طور جدی مرزهای خود را بررسی کردند. این تحقیقات پس از دو هفته به این نتایج قطعی منتهی شد:

۱. پرواز آلیتالیا به شماره ۸۸۱ که از فرودگاه طرابلس در غروب ۳۱ اوت ۱۹۷۸ پرواز کرد، دو ساعت تأخیر داشته است.

۲. برخی از مسافران این پرواز گفتند که مدتی طولانی در فرودگاه طرابلس در انتظار ورود هواپیما بودند و در جمع خود هیچ کس را با خصوصیات امام صدر و یا با لباس روحانی مشاهده نکرده‌اند.

۳. اظهارات همه مهمانداران زن و مرد در پرواز که پنج نفر بوده‌اند و نیز اظهارات چند مسافر قسمت درجه یک هواپیما ثبت و ضبط شده است. اینان همگی ورود فردی با هیأت و اوصاف امام موسی صدر یا با هر نوع لباس روحانی را نفی کرده‌اند.

۴. همه عوامل پلیس گذرنامه که در فرودگاه فیومپچینو و نیز مأموران گمرک که هنگام ورود مسافران این پرواز در فرودگاه حضور داشته‌اند، بازجویی شده‌اند و همه وجود کسی با لباس روحانی و یا با خصوصیات و اوصاف امام موسی صدر را نفی کرده‌اند.

۵. همهٔ مأموران استقبال و حمل چمدانهای میهمانان و دیگر مستخدمان هتل هالییدی این در رم بازجویی شدند. همگی مطابقت خصوصیات امام موسی صدر و شیخ محمد یعقوب را با کسانی که به نام این دو اتاق گرفته و ساکها و گذرنامه‌های خود را در آن جا گذاشته و ده دقیقه بعد هتل را ترک کرده‌اند، رد کردند. روشن شد که این دو به تنهایی وارد هتل نشده بودند بلکه با گروهی دیگر همراه بودند که همگی به زبان عربی سخن می‌گفتند؛ همچنان که برگه‌های هتل را این دو نفر اما به نام امام صدر و شیخ یعقوب نوشته و امضا کرده‌اند.

همچنین روشن شد که این دو میهمان حدود ساعت ۱۰ صبح یعنی یازده ساعت پس از ورود هواپیمای آلیتالیا به فرودگاه رم در ساعت ۱۱ شب وارد هتل شده‌اند.

۶. روشن شد که در چمدانهای امام صدر - که در هتل جا مانده است - لباسها، اوراق پرونده‌ها و دیگر وسایل شخصی به گونه‌ای به هم ریخته است. مشاهدات بازرسان نشان داده که دستانی بیگانه بیشتر محتوای این چمدانهای را خالی کرده، سپس آن را به جای خود برگردانده‌اند.

۷. همچنین روشن شد که عکس امام صدر در گذرنامه‌اش یک بار کنده و بار دیگر الصاق شده است.

مقامات امنیتی و قضایی ایتالیا تحقیقات دقیق خود را با حکم قاضی تحقیق رم در تاریخ ۷ ژوئن ۱۹۷۹ مبنی بر قطعی بودن این نکته که امام و همراهانش با پرواز آلیتالیا لیبی را ترک نکرده و با هیچ وسیله نقلیه‌ای به ایتالیا نیامده‌اند، به پایان رساندند. اظهارات معاون دادستان کل ایتالیا مورخ ۱۹ می ۱۹۷۹ تأکید ویژه‌ای دارد که اینان هرگز لیبی را ترک نکرده‌اند.

دولت ایتالیا رسماً به دولت لبنان، مجلس اعلای شیعیان لبنان، دولت سوریه و دولت جمهوری اسلامی ایران ابلاغ کرده است که امام صدر و دو همراه او هرگز به ایتالیا پا نگذاشته و از این کشور عبور هم نکرده‌اند.

## بررسی و رأی دادستان کل ایتالیا

دادستانی کل ایتالیا نیز در این باره تحقیقات مفصل و دامنه‌داری انجام داد که متن کامل بررسی و رأی دادستان کل ایتالیا از این قرار است:

پس از بررسی مدارک و اسناد مربوط به موضوع ناپدید شدن امام موسی صدر به اطلاع می‌رساند:

در تاریخ ۱۳ اوت ۱۹۷۸ نیروهای امنیتی ایتالیا از طریق رسانه‌ها باخبر شدند که یکی از شخصیت‌های مذهبی شیعیان لبنان به نام امام موسی صدر به همراه دو تن از یاران خود در تاریخ ۲۵ اوت ۱۹۷۸ لبنان را به مقصد لیبی ترک کرده‌اند و از آن زمان خبری از آنان به دست نیامده است.

رسانه‌های گروهی گفته‌اند که حکومت لیبی در پاسخ به پرسش و استفسار دولت لبنان در این باره مدعی شده است که دیدار امام موسی صدر از لیبی در تاریخ ۳۱ اوت ۱۹۷۸ پایان یافته و ایشان با پرواز هواپیمایی آلیتالیا لیبی را به مقصد رم ترک کرده‌اند.

پیگیری‌های انجام شده در دفتر هواپیمایی ایتالیا در طرابلس نشان می‌داد که در تاریخ ۳۱ اوت و برای پرواز شماره ۸۸۱ در مسیر طرابلس - رم سه بلیط به نامهای موسی صدر، محمد یعقوب و عباس بدرالدین صادر شده است. همچنین از بررسی‌های انجام شده در سفارت ایتالیا در طرابلس چنین برمی‌آید که در تاریخ ۳۱ اوت دو فقره روادید ورود به ایتالیا به نامهای موسی صدر و محمد یعقوب صادر شده است. مسؤولان دایره صدور روادید در فرودگاه فیومینو ایتالیا نیز اعلام کرده‌اند آقای عباس بدرالدین که روادید ورود به ایتالیا را دریافت نکرده بود با مراجعه به واحد اتباع خارجه در مقر پلیس فرودگاه لئوناردو داوینچی برای دریافت روادید ۴۸ ساعته اقدام کرده و گفته است که قصد دارد به مالت سفر کند. تحقیقات بعدی نشانگر آن است که چنین امری صحت نداشته است.

ساعت یازده و دو دقیقه صبح روز ۲۴ سپتامبر در حالی که روزنامه‌های «بروش» و «الشرق الاوسط» اخبار ضد و نقیضی را در مورد ناپدید شدن مرموز امام موسی صدر منتشر می‌کردند، یکی از مسؤولان سازمان امنیتی ایتالیا از طریق یک تماس تلفنی باخبر شد که چمدانهای امام موسی صدر و همراه او شیخ محمد یعقوب در هتل هالیدی این در شهر رم است. پس از این تماس مأموران سازمان امنیت ایتالیا

بلافاصله به محل عزیمت می‌کنند و چمدانها را تحت نظارت قضایی قرار می‌دهند و سپس رسماً آنها را گشودند. بدین ترتیب مشخص شد که چمدانها را افرادی دیگر بسته‌اند که در حفظ محتویات آنها دقت لازم را انجام نداده‌اند؛ به طوری که لوازم و وسایل داخل چمدانها درهم و بدون نظم و ترتیب قرار گرفته و با اسناد و نامه‌های موجود درهم آمیخته بودند. این موضوع بیانگر آن بود که بیشتر وسایل موجود در چمدانها به شکل نامنظم و با عجله چیده شده. حقیقت روشن بود؛ زیرا وسایل شخصی به همراه اسناد، مدارک و نامه‌هایی که برخی از آنها تایپ شده بود، در درون دو چمدان پراکنده شده بود.

بدیهی است که اگر امام خود قصد مسافرت داشتند مدارک و اوراق را این گونه درهم و بی‌نظم قرار نمی‌دادند. حتی وسایل نظافت شخصی نیز در چمدانها وجود نداشت، آن هم برای شخصی مانند امام که به آراستگی ظاهر خود بسیار اهمیت می‌دادند. دستگاه امنیتی ایتالیا در اتاقهای افرادی که خود را به عنوان امام و شیخ معرفی کرده‌اند، دو گذرنامه به نام امام موسی صدر و شیخ محمد یعقوب یافته است که بر روی میز و در معرض دید قرار داشتند.

سازمان امنیت ایتالیا ضمن برقراری ارتباط با خانواده امام که در پاریس حضور داشتند، عکسی از امام به دست آورده است. پس از ارائه این عکس به کارکنان هتل همه آنان تأکید داشتند که فرد مراجعه کننده به هتل به هیچ عنوان از نظر چهره و قامت به امام موسی صدر شباهت نداشته است. در بازرسیهای به عمل آمده از کارکنان فرودگاه فیومچینو آنان نیز اظهار داشتند که شخصی با ویژگیها و مشخصات ظاهری امام موسی صدر هرگز از بخش امنیتی مربوط به اتباع بیگانه در فرودگاه عبور نکرده است.

همچنین تمامی مسافران بخش درجه یک پرواز هواپیمایی آلیتالیا در تاریخ ۳۱ اوت نیز اعلام کردند که شخصی با ویژگیهای ظاهری شبیه به امام موسی صدر هرگز در هواپیما حضور نداشته است. کادر پرواز شماره ۸۸۱ نیز تمامی این مطالب را با همه جزئیات تأیید کرده‌اند.

در ادامه سازمان امنیت ایتالیا طی تحقیقات خود در صدد برآمد که مشخص کند آیا امام با پرواز شرکت هوایی دیگری غیر از آلیتالیا در تاریخ ۳۱ اوت یا پس از آن به یکی از کشورهای خاور نزدیک یا خاورمیانه مسافرت کرده است یا خیر؟ نتایج تحقیقات نشان داد که امام در هواپیماهای هیچ یک از خطوط هوایی حضور نداشته است.

.. / 2 .

Monsieur NICOLOSI, qui a été le premier à recevoir les deux citoyens libanais lors de leur arrivée, s'est déclaré par ailleurs certain de se souvenir que ces deux-là faisaient partie d'un groupe plus nombreux de personnes, toutes de nationalités arabes, mais que seulement deux personnes de ce groupe ont demandé que leur soient louées deux chambres simples.

Les témoins n'ont pas précisé comment ces voyageurs sont arrivés, ni comment ils se sont successivement éloignés de l'hôtel, non plus que les autres personnes du groupe en question.

Il est vraisemblable que les deux présumés citoyens libanais étaient attendus à l'extérieur de l'hôtel.

Egalement, il a été montré à tout le personnel de l'hôtel qui avait été convoqué à notre bureau, la photographie qui reproduit le visage de l'Imam Moussa SADR.

Tous ont catégoriquement exclu qu'il s'agisse de la même personne que celle qu'ils ont vu en habit de type ecclésiastique, le matin du 1er Septembre, dans l'hôtel HOLLIDAY IN.

بخشی از گفته‌های کارکنان هتل هالیدی این، مبنی بر این که امام صدر و شیخ محمد یعقوب حقیقی هرگز به هتل نیامده‌اند.

از این رو با اطمینان می‌توان گفت که هیچ‌کس امام را خارج از طرابلس، پایتخت لیبی، مشاهده نکرده است.

از سوی دیگر یکی از دوستان امام به نام نزار علی می‌گوید که در هتل الشاطی شهر طرابلس با امام صدر ملاقات کرده و امام پیامی به او داده است تا به محض رسیدن به پاریس آن را به خانواده ایشان برساند. با توجه به اظهارات نزار علی چنین انتظار می‌رفته که امام در روزهای دوّم یا سوّم سپتامبر به پاریس عزیمت کند. نزار علی تصریح می‌کند که با توجه به تأکید امام تاریخ سفر امام به فرانسه را در پاریس به اطلاع فرزند ایشان رسانده است.

بنا بر گفته‌های نزار علی ملاقات وی با امام در حضور عباس بدرالدین صورت گرفته و بدرالدین به او گفته است در صورتی که امکان پرواز مستقیم به پاریس میسر نباشد، ممکن است از طریق رم به پاریس بروند. در عین حال نزار علی اظهار می‌دارد که امام در سخنان خود در مورد رفتن به رم چیزی نگفته است.

از جمله نکات بسیار مهم این دیدار آن است که امام، زمان دیدار با قذافی را اوّل سپتامبر اعلام کرده بودند؛ بنابراین، احتمال این که ایشان در تاریخ ۳۱ اوت خاک لیبی را ترک کنند غیر ممکن و غیر منطقی است.

از مجموع تحقیقات انجام شده یک نتیجه قطعی به دست می‌آید و آن این که حتّی «یک دلیل» هم مبنی بر این که امام با پرواز شماره ۸۸۱ هواپیمایی آلیتالیا از طرابلس به رم سفر کرده باشند، وجود ندارد. به علاوه با توجّه به اسناد و مدارک متعدّد، امام با هیچ شرکت هواپیمایی دیگری نیز طرابلس را ترک نکرده است. با توجّه به بررسیهای مذکور دادستانی کلّ دادگاه عالی ایتالیا در رم تأکید می‌کند که امام و همراهانش خاک لیبی را به مقصد ایتالیا ترک نکرده‌اند.

از این رو، با استناد به ماده ۷۴ قانون محاکمات جزایی و مواد ۶ و ۷ قانون جزا رسیدگی به این موضوع در صلاحیت قاضی تحقیق دادگاه عالی رم قرار دارد و بدین ترتیب با انجام این تحقیقات مأموریت دستگاه امنیتی ایتالیا در رم درباره این مسئله خاتمه یافته تلقی می‌گردد.

مارگاریتا گرانددا

دادستان کلّ ایتالیا رم

۱۹۷۹/۵/۱۹





فصل پنجم:

موضع مجلس اعلای شیعیان لبنان

## موضع مجلس اعلای شیعیان لبنان

مجلس اعلای شیعیان لبنان در بیانیه‌های متعدّد و به ویژه در دو کنفرانس مطبوعاتی که نایب رئیس مجلس شیخ محمّد مهدی شمس‌الدین در بیروت در محلّ مجلس اعلای شیعیان لبنان با حضور نمایندگان رسانه‌های لبنانی و خبرگزاریهای جهانی در تاریخ ۳۱ اوت ۱۹۷۹ برگزار کرد، شخص قذافی را در ناپدید شدن امام صدر و همراهانش مسؤول دانست.

چنان که سران و رؤسای جمهوری برخی از کشورهای عربی به مجلس و نمایندگان آن اعلام کردند که مسؤولیت اصلی در این رویداد با شخص قذافی است. از جمله دولت سوریه و همچنین الجزایر و نیز یا سرعرفات بارها به نمایندگان شیعیان لبنان اعلام کردند که امام موسی صدر در لیبی است.

### متن بیانیه رسمی مجلس شیعیان لبنان

متن بیانیه رسمی مجلس اعلای شیعیان لبنان در خصوص مسؤولیت جماهیر لیبی درباره ناپدید شدن امام موسی صدر چنین است:

**یکم: علل و شرایط سفر امام موسی صدر به لیبی**

تجاوز اسرائیل به جنوب لبنان در تاریخ ۱۴ مارس ۱۹۷۸ آغاز شد. سربازان این رژیم تمام منطقه جنوبی رود لیطانی را اشغال کردند. این منطقه شامل بخش بزرگی از جبل عامل است و بیشتر اهالی آن، شیعیان لبنانی‌اند که در این تجاوز آواره شدند. قطعنامه شورای امنیت در ۲۰ مارس ۱۹۷۸ صادر شد. در این قطعنامه بر لزوم عقب‌نشینی اسرائیل و جایگزین شدن نیروهای بین‌المللی در منطقه برای حفظ صلح جهانی و امنیت منطقه و مساعدت حکومت لبنان در گسترش دوباره حاکمیت فعلی

خود بر آن مناطق تصریح شده بود؛ اما این عقب نشینی به کندی و در طول سه ماه انجام شد و اسرائیل همچنان بر منطقه‌ای ده کیلومتری داخل زمینهای جنوب لبنان مسلط باقی ماند. این تجاوز، امام موسی صدر را واداشت تا به عنوان رئیس طایفه اسلامی شیعیان لبنان، سفرهایی به کشورهای عربی داشته باشد تا در این سفرها واقعیت اوضاع در جنوب را بازگو کند و برای حفظ این منطقه و تمسک به لبنان برای خروج از این مشکل و دور کردن آن از صحنه اختلافات عربی از آنها بخواهد تا مداخله کنند. وی به همین منظور از برخی کشورهای عرب برای برگزاری کنفرانس محدود سران عرب، برای مشکل لبنان دعوت کرد.

امام موسی صدر پیش از این، سفر مشابهی به برخی از کشورهای عربی طی ماه‌های سپتامبر ۱۹۷۶ انجام داده بود که در برگزاری کنفرانس سران در ریاض به تاریخ ۱۶ اکتبر ۱۹۷۶ و سپس کنفرانس سران در قاهره در تاریخ ۲۵ اکتبر ۱۹۷۶ تأثیر بسزایی داشت. پس از این دو کنفرانس، مقرر گردید برای پایان دادن به درگیریهای لبنان نیروهای بازدارنده عرب برای تضمین امنیت این کشور تشکیل شود؛ ولی محدوده فعالیت‌های این نیروها منطقه جنوب لبنان را دربرنگرفت. از این رو، درگیری در آنجا ادامه یافت و این منطقه عملاً خارج از حاکمیت دولت لبنان باقی ماند.

### دوم: سفر امام موسی صدر به لیبی و قطع شدن اخبار وی

بنا به علل و شرایط پیش گفته، امام پس از سفر به سوریه، اردن، عربستان و الجزایر، روز جمعه ۲۵ اوت ۱۹۷۸ به همراه شیخ محمد یعقوب و عباس بدرالدین، رئیس خبرگزاری لبنان، برای انجام سفر رسمی مورد توافق با مقامات لیبی راهی این کشور شد. از جمله کسانی که برای بدرقه امام به فرودگاه بیروت رفت محمود بن کوره، کاردار لیبی بود. هنگام رسیدن امام به فرودگاه طرابلس، احمد شحاتی، رئیس دفتر ارتباطات خارجی پارلمان به نمایندگی از دولت لیبی از وی استقبال کرد. امام موسی صدر و دو همراهش به عنوان مهمانان رسمی دولت لیبی در هتل الشاطیء طرابلس اقامت گزیدند.

رسانه‌های تبلیغاتی جماهیر لیبی آگاهانه از اشاره به آمدن مهمان رسمی خویش امام صدر، خودداری ورزیدند. همچنان‌که خبر اقامت وی را به عنوان مهمان، پنهان ساخته بودند؛ به طوری که طبق گزارش رسمی موجود در وزارت خارجه لبنان کاردار این کشور در طرابلس تا هنگام تماس عباس بدرالدین در ۲۸ اوت ۱۹۷۸ از حضور امام آگاه نشد.

از هنگام ورود امام صدر به لیبی و در طول روزهای پس از آن هیچ‌گونه تماس تلفنی، پیام یا خبری از امام برای هیچ‌کسی در لبنان به دست نیامد. این مسئله برخلاف عادت وی و دو همراهش در سفرهایشان بود. چنان‌که می‌دانیم یکی از دو همراه امام، عباس بدرالدین برای پوشش خبری به سفر آمده بود ولی این امر محقق نشد.

پس از آن‌که بازگشت امام صدر و دو همراهش از لیبی به تأخیر افتاد و تماس با آنان همچنان قطع بود، مجلس اعلای شیعیان در تاریخ ۶ سپتامبر ۱۹۷۸ از کاردار لیبی در لبنان درخواست ارائه اطلاعاتی درباره این موضوع نمود. وی به مدت چهار روز از پاسخ دادن طفره رفت تا سرانجام مجلس، موضوع را به نخست‌وزیر لبنان اطلاع داد. وی بی‌درنگ کاردار لیبی را در تاریخ ۱۰ سپتامبر ۱۹۷۸ فراخواند و به صورت فوری و رسمی از او توضیح خواست. کاردار، ظهر روز بعد به وی پاسخ داد:

«امام صدر و دو همراهش شامگاه ۳۱ اوت ۱۹۷۸ با هواپیمای خطوط هوایی ایتالیا پرواز ۸۸۱ لیبی را به مقصد رم ترک کردند!».

با توجه به نگرانی به وجود آمده از این پاسخ، الیاس سرکیس، رئیس جمهور لبنان، در ۲۱ سپتامبر ۱۹۷۸ کوشید با رئیس جمهور لیبی، سرهنگ قذافی، تماس تلفنی برقرار کند و موضوع را از او بپرسد؛ همچنین به او اطلاع دهد میهمانانش به لبنان نرسیده و خارج از لیبی هم دیده نشده‌اند؛ ولی این تلاش با وجود تماسهای مکرر در همان روز به نتیجه نرسید؛ زیرا شخصی لیبیایی روی خط تلفن مورد نظر در طرابلس پاسخ می‌داد که سرهنگ قذافی روی این خط موجود نیست و شماره دیگری می‌داد. این شماره از سوی ریاست جمهوری لبنان گرفته می‌شد ولی بدون نتیجه بود و هیچ‌کس گوشی تلفن را بر نمی‌داشت!!

اما نخست‌وزیر لبنان، دکتر سلیم الحص، در همان روز توانست با سرگرد عبدالسلام جلّود، نخست‌وزیر لیبی، تلفنی تماس بگیرد. وی ابتدا برای ارائه پاسخ، مهلت خواست. سپس در تماس بعدی همان پاسخ کاردار لیبی را تکرار کرد و افزود: «امام خرسند نبود و سفر خویش را به مقامات اطلاع نداده، از این رو، بدرقه رسمی او میسر نشد».

خبر ناپدید شدن امام صدر به سرعت پخش شد. مطبوعات لبنان در تاریخ ۱۲ سپتامبر ۱۹۷۸ تیتراژ صفحات خود را به این خبر اختصاص دادند. بلافاصله رادیوها و رسانه‌های تبلیغاتی آن را در سراسر جهان پخش کردند. در این تاریخ نشریه لبنانی «السفیر» که با مقامات لیبی روابط گرمی داشت این خبر را با این عنوان که «آیا رویدادهای ایران ارتباطی با این معما دارد؟» درج کرد. این نشریه در متن خبر این

امکان را القا کرد که مسئله با رویدادهای ایران ارتباط دارد و در این راستا به نقش امام صدر در کارهای مقدماتی انقلاب اسلامی ایران اشاره کرد.

همچنین خبرگزاری کویت در بخش خبری خود در همان تاریخ آورده بود امام صدر از چند روز پیش در ایران اقامت دارد و این خبر را به منابع رسمی لیبی نسبت داد. از پیگیریهای سازمان فتح روشن شد که رئیس دفتر خبرگزاری لیبی در بیروت، منبع این خبر بوده است.

#### سوم: بیانیه رسمی لیبی

مسئله در میان مردم لبنان بالا گرفت. این کشور در ۱۵ سپتامبر ۱۹۷۸ در سطوح رسمی، محلی و خارجی شاهد اعتصاب بود. از لبنان، جهان عرب و اسلام تماسهای تلفنی بسیاری با سرهنگ قذافی گرفته شد. افراد گوناگون از جمله پادشاهان و سران کشورهای عربی وضعیت امام را جو یا شدند؛ اما مقامات لیبی همچنان بدون هیچگونه توجهی به مسئله، سکوت اختیار کردند.

در زیر فشار افکار عمومی جهانی و پیگیری مجدانه مسئله از سوی خبرگزاریهای دنیا و بر اثر دیدار یاسر عرفات، رئیس سازمان آزادیبخش فلسطین و گفتگو درباره پیامدهای مسئله، جماهیر لیبی در تاریخ ۱۸ سپتامبر ۱۹۷۸ بیانیه‌ای منتشر کرد که دارای تناقضات زیادی بود.

#### چهارم: تناقضات و نادرستیهای بیانیه رسمی لیبی

بیانیه رسمی لیبی، حاوی تناقضات و نادرستیهای بسیار است که در ادامه روشن می‌گردد:

۱. این سخن که امام صدر پیش از این چند بار از جماهیر لیبی دیدن کرده است، درست نیست. ایشان یک بار در سپتامبر ۱۹۷۵ به مناسبت برگزاری یک کنفرانس اسلامی به این کشور سفر کرده بود.

۲. این گفته درست نیست که امام صدر روابط استواری با جماهیر لیبی داشته است؛ زیرا ایشان هیچگونه روابطی با جماهیر لیبی نداشت.

۳. این سخن درست نیست که جماهیر لیبی برای نقشی که امام صدر عهده‌دار آن است، احترام و ارج می‌گذارد. این امر دلایل بسیاری دارد از جمله:

نخست: جماهیر لیبی در جنگی که طی سالهای ۱۹۷۵ و ۱۹۷۶ روی داد، با موضع اعلام‌شده‌ای در صحنه لبنان حضور داشت. امام صدر مواضع و نظرات مستقلی داشت

که با موضع لیبی هماهنگی نداشت. به ویژه در مورد ابتکار عمل سوریه در ۱۹۷۶ که امام صدر آشکارا آن را تأیید و برای موفقیت آن تلاش کرد؛ در حالی که جماهیر لیبی علناً در کردار و گفتار در کنار نیروهایی ایستاد که برای ناکام ساختن ابتکار عمل سوریه تلاش داشتند.

دوم: سرگرد عبدالسلام جلّود، نخست وزیر لیبی، ۴۵ روز (طی ماه‌های ژوئن و جولای ۱۹۷۶) در لبنان اقامت داشت و در این مدت، نشستهایی با رهبران و سران فعال لبنان برگزار کرد. او با همه از چپ و راست دیدار و گفتگو کرد اما با امام صدر دیدار نکرد. وی به طور اتفاقی در دمشق در ۱۱ ژانویه ۱۹۷۶ با امام دیدار کرد و امام برای این مسئله از وی گله کرد. سرگرد جلّود وعده داد که هنگام بازگشت به لبنان با ایشان دیدار کند. سرگرد جلّود در ۱۴ ژانویه ۱۹۷۶ به لبنان بازگشت و طی اقامت دو هفته‌ای در لبنان ملاقاتها و تماسهای گسترده‌اش را ادامه داد بدون این که به وعده دیدار با امام صدر وفا کند.

سوم: امام صدر از پایان ماه می ۱۹۷۶ و در طول چند ماه در مطبوعات مرتبط با جماهیر لیبی و از سوی تشکلهای وابسته به آن در معرض حملات خصمانه، ظالمانه، مغرضانه و شخصی قرار گرفت.

۴. این که امام صدر «به گرمی در لیبی مورد استقبال قرار گرفت و طی دیدار از آن کشور، ملاقاتهای بسیاری انجام دادند» صحّت ندارد. در این باره دلایل متعددی وجود دارد از جمله:

دلیل نخست: در فرودگاه طرابلس هیچ‌کس جز احمد شحاتی رئیس دفتر ارتباطات خارجی کنگره عمومی خلق از وی استقبال نکرد.

دلیل دوم: رسانه‌های گروهی لیبی، خبر ورود امام صدر و اخبار دیدار وی را در طول مدت اقامتش نادیده گرفتند.

دلیل سوم: نخست وزیر لیبی در مکالمه تلفنی با نخست وزیر لبنان اعتراف کرد که «امام صدر خرسند نبوده است».

دلیل چهارم: امام صدر به منظور دیدار با سرهنگ قذافی به لیبی سفر کرده بود. وی دست‌کم پنج روز برای مشخص کردن زمان دیدار، انتظار کشید.

۵. این درست نیست که امام صدر برای سفر به رم درخواست رزرو جا کرده بود؛ زیرا در گزارش کاردار لبنان در لیبی - که کتباً به وزارت خارجه لبنان تقدیم شد - سه موضوع ثبت گردیده است:

نخست: امام صدر و دو همراهش یک روز پیش از سفر ادعایی به وی اطلاع دادند

مقصد آنان از طرابلس به پاریس است.

دوم: یکی از دو همراه امام صدر، عباس بدرالدین، در تاریخ ۲۸ اوت ۱۹۷۸ گذرنامه‌اش را به کاردار لبنان تسلیم نمود و از وی درخواست کرد که فقط روادید ورود به فرانسه، نه ایتالیا را برای وی تهیه کند.

سوم: امام صدر در حضور کاردار لبنان اعتبار روادید ورود به فرانسه را که روی گذرنامه‌اش و گذرنامه شیخ محمد یعقوب بود، بررسی کرد و هیچ اشاره‌ای به نیاز به روادید ورود به ایتالیا نکرد و این روادید در گذرنامه‌اش نبود.

۶. بیانیته رسمی لیبی به مسئله‌ای که در تحقیق ثابت شده است اذعان می‌نماید و آن این‌که بلیط‌های صادرشده امام صدر و دو همراهش به رم درجه دو بوده است؛ در حالی که امام صدر در تمام مسافرت‌های فراوانش بلیط درجه یک تهیه می‌کرده است؛ زیرا با توجه به قد و قامت و ساختار جسمانی‌اش نمی‌تواند روی صندلی‌های درجه دو بنشیند. این نکته روشن می‌کند که امام صدر هیچ‌گونه اراده یا آگاهی از رزرو این بلیط به رم نداشته است.

۷. در بیانیته رسمی لیبی آمده است که سه شخص، امام را در فرودگاه بدرقه کرده‌اند. در این گفته سه پرسش قابل طرح است.

نخست: بیانیته، اسم و سمت یک شخص از آن سه شخص را مشخص کرده پس چرا نامهای دو شخص دیگر را نادیده گرفته است!!

دوم: کسی که هنگام ورود به فرودگاه به استقبال امام صدر رفته بود احمد شحاطی، رئیس دفتر ارتباطات خارجی بود، در این صورت چرا یک کارمند عادی بدون سمت در دفتر دیگری به نام دفتر ارتباطات عربی، وی را بدرقه می‌کند؟

سوم: چرا به کاردار لبنان زمان سفر را اطلاع نداده‌اند تا هنگام بدرقه حضور یابد. خصوصاً این‌که امام صدر و دو همراهش تنها ساعت پیش از این موعد در ساختمان سفارت لبنان صبحانه خورده بودند. افزون بر این‌که گذرنامه عباس بدرالدین همچنان چند ساعت پیش از پرواز هواپیما به رم در دست کاردار لبنان بود و آن را از وی درخواست نکرده بود بلکه کاردار لبنان در نبود امام و دو همراهش در هتل‌الشاطی آن را طبق معمول به صورت امانی به هتل سپرده بود. تمام این اطلاعات در گزارش رسمی که کاردار لبنان به وزارت خارجه لبنان داده، درج گردیده است.

۸. این گفته در پایان بیانیته لیبی مبنی بر این‌که «جماهیر لیبی با تمام قدرت در کنار نیروهای اسلامی و مترقی برای شناسایی سرنوشت امام موسی صدر و نجات زندگی او و دو همراهش ایستاده است...» اشاره‌ای آشکار به خطرناک بودن مسئله دارد که به

قضیه «زندگی» می پردازد و تصمیم به گذاردن «تمام قدرت یک دولت» را در مسئله نشان می دهد.

این گفته به صورت سخن توخالی و تهی از هر گونه کنش مانده است ... دولت لیبی جز حيله گری و پرده پوشی بر حقیقت، کاری انجام نداده است. بیان این مطلب و چگونگی به هم بافتن داستان این سفر موهوم، در پی خواهد آمد.

### پنجم: سخنان سرهنگ قذافی در حضور هیأت علما در دمشق

صورت جلسه این دیدار که گفته های علما و گفتگوهای انجام گرفته در این دیدار در آن درج شده، حاوی نکات چندی است که پس از بررسی، نشانه های واقعیت از آن روشن می گردد:

نکته نخست: سرهنگ قذافی به هیأت علما اظهار داشت که وی برای دیدار با امام صدر ساعت ۱:۳۰ بعد از ظهر ۳۱ اوت ۱۹۷۸ تعیین کرده بود اما امام حضور نیافت و به سرهنگ قذافی گفتند که او عزیمت کرده است. این گفته با بیان موارد پی آمده مردود شمرده می شود:

۱. در زمان دیدار یاد شده کاردار لبنان در هتل الشاطی محل اقامت امام صدر و دو همراهش به انتظار بازگشت آنان نشسته بود و گذرنامه یکی از آنان یعنی عباس بدرالدین را به همراه داشت و معقول نیست که بدون چمدانها و گذرنامه مذکور عازم فرودگاه شده باشند.

۲. در بیانیه لیبی آمده است: امام در ساعت ۸:۱۵ شامگاه روز جلسه با قذافی، سفر کرده است. اگر صحت داشت که امام صدر مایل بود با هواپیمای مذکور به مسافرت برود می توانست در موعد مشخص در ساعت ۱:۳۰ در جلسه شرکت کند؛ زیرا میان زمان این جلسه و زمان سفر، وقت بسیار بود. همچنین باید دانست که هواپیما در ساعت ۹ شب به پرواز درآمد نه در ساعت ۸:۱۵.

۳. امام صدر برای دیدار با سرهنگ قذافی به لیبی رفته بود؛ بنابراین، معقول نیست امام در حالی که در خاک لیبی حضور داشته و به همین منظور به مهمانی آن آمده است، از شرکت در این جلسه خودداری کند.

۴. اگر این گفته صحت داشت که جلسه در زمان مذکور انجام نگرفته است، بدیهی بود که مقامات لیبی به انجام تحقیق مبادرت ورزند تا به علت عدم حضور امام در جلسه بپردازند و طی مدت زمان میان وقت مشخص شده برای جلسه و زمان پرواز هواپیما؛ یعنی طی هفت ساعت و نیم مکان وی را در لیبی شناسایی کنند اما چنین



تحقیقی انجام نگرفته است.

نکته دوم: سرهنگ قذافی تصریح نمود که سفر امام صدر و دو همراهش بدون ابلاغ مقامات لیبی صورت گرفته است. در موارد ذیل به این گفته پاسخ می‌گوییم:

۱. عقلایی نیست که این سفر ادعایی بدون ابلاغ مقامات لیبی انجام گیرد؛ زیرا فرض بر این است که دست‌کم برای شرکت نکردن در جلسه با سرهنگ قذافی، میزبانی که زمان این جلسه را مشخص نموده است پوزش خواسته شود.

۲. برای امام و دو همراهش میسر نبود بدون این‌که مقامات لیبی به موقع از ماجرا مطلع شوند هتل را بدون چمدانهایشان ترک گویند، وارد فرودگاه و سپس هواپیما شوند. آنها از سیستم امنیتی نظارتی شدیدی استفاده می‌کردند. به ویژه این‌که مسئله به مهمانان رسمی و یک شخصیت بزرگ اسلامی مربوط می‌شود. گفتنی است اتومبیلهای تشریفات، تمام وقت و با رانندگان ویژه برای جابه‌جایی امام و دو همراهش در نظر گرفته شده بود.

۳. بنا بر گفته سرگرد جلود اگر این سفر ادعایی بدون اطلاع مقامات لیبی و به دلیل «عدم خرسندی امام از این مقامات» انجام گرفته باشد، هیچ دلیلی وجود ندارد موضوع را از کاردار لبنان در لیبی پنهان سازند. امام صدر و دو همراهش ۲۴ ساعت پیش از زمان سفر در منزل کاردار صبحانه خورده بودند. همچنین وی چند ساعت پیش از این موعد در حالی که گذرنامه عباس بدرالدین را در دست داشت در هتل به انتظار آنان نشسته بود.

درست برخلاف آنچه ادعا شده، با توجه به شرایط این سفر و ناخرسندی از مقامات لیبی به طور طبیعی امام صدر باید یا یکی از دو همراهش را وامی‌داشت تا موضوع را با کاردار لبنان در میان بگذارند و تصمیم خود را برای سفر و نیز زمان آن را به وی اطلاع دهند؛ به ویژه این‌که سفر عباس بدرالدین نمی‌توانست بدون بازپس‌گیری گذرنامه‌اش از کاردار انجام شود.

نکته سوم: سرهنگ قذافی تصریح نمود که وی مسئله ناپدید شدن امام صدر را یک توهین عربی و اسلامی به لیبی می‌داند؛ چرا که رعایت حرمت مهمان یک وظیفه است، از این رو، وی نسبت به این مسئله اهتمام می‌ورزد و تمام امکانات خویش را برای روشن شدن آن به کار می‌گیرد. همچنین برای انجام تحقیق اقداماتی کرده و هیأتی را به ایتالیا روانه کرده است و نتایج را به اطلاع مجلس اعلای شیعیان خواهد رساند.

ولی این گفته محقق نشد؛ سفارت لیبی تنها یک نامه در بیروت به تاریخ ۲۸

سپتامبر ۱۹۷۸ خطاب به مجلس اعلای شیعیان فرستاد که در آن متن تلگراف وزارت خارجه لیبی آمده است. در این تلگراف گفته شده بود که سرویسهای امنیتی ایتالیا بر حضور امام صدر و شیخ محمد یعقوب در هتل هالیدی این رم در تاریخ ۱ سپتامبر ۱۹۷۸ تأکید دارند. همچنین چمدانهای آنان به دادستانی کل ایتالیا تحویل شده است. علاوه بر اینها «کلیه رسانه‌های تبلیغاتی اتفاق نظر دارند که دلایل موجود، ورود وی (امام صدر) را به رم ثابت می‌کند و ناپدید شدن وی ممکن است کار سرویسهای امنیتی گوناگون ایران، اسرائیل، آمریکا و یا بریگادهای سرخ و سازمانهای افراطی آلمان باشد». آنچه از متن این نامه به دست می‌آید این است که مقامات لیبی خواسته‌اند دست از مسئله بشویند و با ارائه این اطلاعات و نسبت دادن آن به سرویسهای امنیتی ایتالیا و اتفاق نظر رسانه‌های تبلیغاتی ایتالیا مسئله را پایان یافته تلقی کنند.

پاسخ به این نامه در پی می‌آید:

۱. در این نامه آمده است: که «دستگاه‌های امنیتی گوناگون ایران، اسرائیل، آمریکا، بریگادهای سرخ و سازمانهای افراطی آلمان» یعنی تمام سازمانهای تروریستی جهان در مسئله ناپدید شدن امام دست دارند. این همه کلی‌گویی و تعمیم از سوی مقامات لیبی عنوان شده تا مأموریت سرهنگ قذافی به انجام برسد. همچنین روشن می‌کند دولت لیبی و رئیس آن با بی‌توجهی آشکار و طرح نظرات گمراه کننده هرگز نمی‌خواستند «تمام قدرت جماهیر لیبی» را برای شناسایی سرنوشت امام صدر به کار گیرند و از همه امکانات خود برای روشن شدن این مسئله که «با توجه به جایگاه مهمان یک توهین عربی و اسلامی است»، استفاده کنند.

۲. مقامات لیبی اطلاعات آمده در تلگراف وزارت خارجه کشور خود و یادداشت سفارتشان را در بیروت به تاریخ ۲۸ سپتامبر ۱۹۷۸ به سرویسهای امنیتی ایتالیا نسبت داده‌اند؛ ولی این امر ساختگی است؛ زیرا سرویسهای امنیتی ایتالیا پیش از تاریخ ذکر شده به اطلاعات واقعی و کامل دست یافته بودند؛ زیرا در تاریخ ۲۰ سپتامبر ۱۹۷۸ افراد پلیس و گمرک ایتالیا در فرودگاه فیومچینو شهر رم بازجویی شده بودند.

به تاریخ ۲۴ سپتامبر ۱۹۷۸ بازجویی از کلیه خدمه هواپیمای ایتالیایی پرواز ۸۸۱ که مقامات لیبی ادعا کرده بودند، امام صدر و دو همراهش به وسیله آن از لیبی سفر کرده‌اند، از سوی بازپرسان ایتالیایی خاتمه یافته بود.

در تاریخ ۲۵ سپتامبر ۱۹۷۸ بازجویی از سرنشینان بخش درجه یک در پرواز ۸۸۱ از سوی بازپرسان ایتالیایی انجام شده بود.

به تاریخ ۲۶ سپتامبر ۱۹۷۸ بازجویی از کارمندان و کارگران هتل هالیدی این رم - که چمدانهای امام صدر در آن پیدا شده بود - از سوی بازپرس ایتالیایی صورت گرفته بود.

این بازجوییها و تحقیقات که همگی پیش از ۲۸ سپتامبر ۱۹۷۸ انجام یافته بود با همخوانی و تطابق کامل روشن ساخته است که امام صدر و دو همراهش در شمار سرنشینان هواپیما در پرواز ادعا شده و جزو ساکنین هتل مذکور نبوده‌اند؛ بنابراین، اشخاصی دیگر خود را به جای آنان معرفی کرده‌اند که از نظر اوصاف و لباس به ویژه اوصاف و لباس امام صدر - که به طور آشکاری متمایز است - با آنان تفاوت دارند.

این نتیجه به همه مراجع قضایی و امنیتی و دولتی مربوطه در رم و در گزارش، ابلاغ شده بود. گزارش نخست را رئیس پلیس مرزی در فرودگاه فیومپینو به تاریخ ۲۵ سپتامبر ۱۹۷۸ و گزارش دوم را رئیس دفتر سرویسهای امنیتی عمومی در رم در تاریخ ۲۷ سپتامبر ۱۹۷۸ ارائه داده‌اند. (کلیه اطلاعات و تاریخهای ذکر شده در پرونده بازپرسی قضایی ایتالیا ثبت شده است؛ همچنانکه این اطلاعات و حقایق از سوی هیأت امنیتی لبنان جمع‌آوری شده است. این هیأت در تاریخی پیش از تاریخ تلگراف وزارت خارجه لیبی و یادداشت سفارت لیبی در بیروت از رم به بیروت بازگشت که این مسئله خواهد آمد).

۳. در یادداشت سفارت لیبی در بیروت به تاریخ ۲۸ سپتامبر ۱۹۷۸ به نقل از متن تلگراف وزارت خارجه لیبی آمده:

تمام رسانه‌های تبلیغاتی ایتالیا اتفاق نظر دارند که دلایل موجود، ورود امام صدر را به رم ثابت می‌کند.

این سخن نیز ساختگی است؛ زیرا:

به تاریخ ۲۵ سپتامبر ۱۹۷۸ تلویزیون ایتالیا اطلاعیه شرکت هواپیمایی آلیتالیا را پخش کرد. در این اطلاعیه سفر امام صدر و دو همراهش مخصوصاً با هواپیمای این شرکت (پرواز ۸۸۱) در زمان ادعا شده و از طرابلس رد شده بود.

تلویزیون ایتالیا بلافاصله پس از این اطلاعیه مصاحبه‌ای را با یکی از مسوولان خدمه این پرواز پخش کرد. در این مصاحبه وی پس از نمایش عکسهای واقعی امام صدر و دو همراهش تأکید نمود هیچ‌کدام از صاحبان این عکسها در این پرواز نبوده‌اند. وی به اطلاعات شخصی خود و اظهارات سایر خدمه هواپیما استناد و به اوصاف متمایز امام و شیخ محمد یعقوب و لباسهایشان اشاره کرد.

نشریه ایتالیایی المساجیر و پیش از ۲۸ سپتامبر ۱۹۷۸ یک گزارشی مطبوعاتی

تحت عنوان «آیا واقعاً امام موسی صدر را به گروگان گرفته‌اند؟» منتشر کرد. در پایان گزارش چنین نتیجه‌گیری کرده است:

قطعاً امام صدر و همراه وی شیخ محمد یعقوب در هواپیمای طرابلس به رم نبوده‌اند، پس امام هرگز پایتخت لیبی را ترک نکرده است. دو نفری که سوار هواپیما شدند و در هتل هالیدی این در رم اقامت کردند، افرادی جعلی هستند که برای گمراهی و القای گروگانگیری فرستاده شدند. گروگانگیری که هرگز حتی در جایی دیگر انجام نشده است ...

نشریه لبنانی «النهار» در ۱۹ سپتامبر ۱۹۷۸ خبری از خبرگزاری فرانسه در رم آورده است. مضمون خبر این است که: «یک منبع آگاه ایتالیایی گفت: بازپرسان به چیزی دست نیافته‌اند که تأکید نماید مسافر حامل کارت پرواز (بوردینگ) به نام موسی که گفته شده در ۳۱ اوت ۱۹۷۸ وارد رم شده است، خود امام صدر بوده است.»

نکته چهارم: در سخنان سرهنگ قذافی در دمشق در حضور هیأت علمای لبنانی آمده بود: «راستی به من گفته‌اند که وی (امام صدر) ایرانی است، این طور نیست؟»

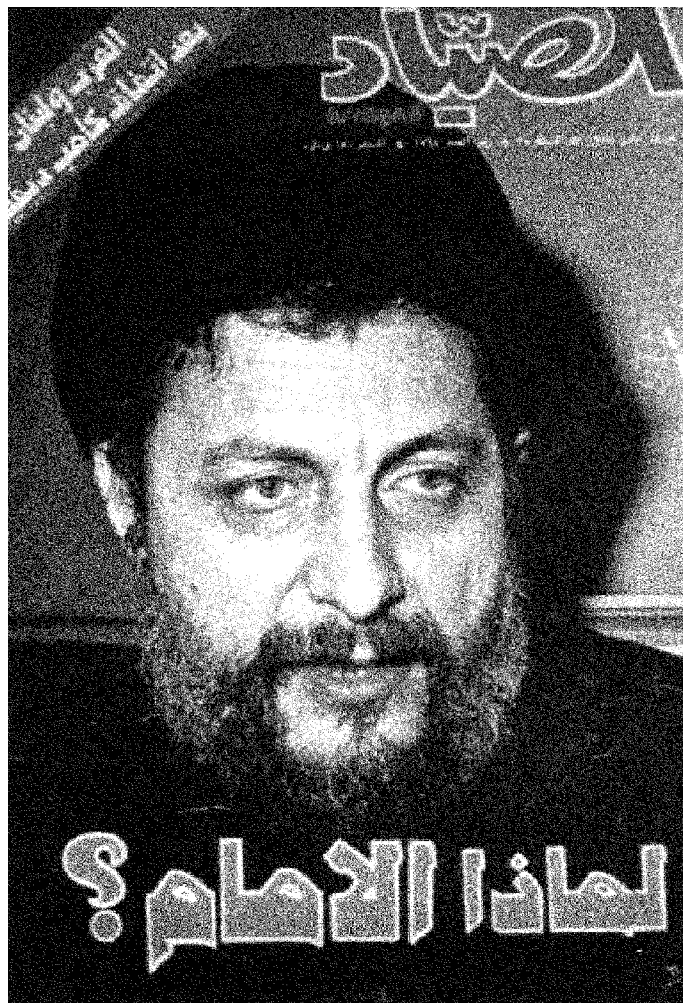
طرح موضوع تابعیت ایرانی در برابر یک هیأت عرب که برای مطرح کردن مسئله در کنفرانس سران عرب آمده بودند، نکته‌ای نهفته دارد که باید به آن توجه کرد.

نکته پنجم: در سخنان سرهنگ قذافی در جمع علما از مسئله به اصطلاح «تقسیم مسلمانان در لبنان به سنی و شیعه و قرارداد مذاهب اسلامی در لبنان» نیز انتقاد شده بود. همچنین وی گفت: «من شخصاً به این موضوع خواهم پرداخت تا اسلام یکسان شود! امیدوارم قومیت و شخصیت اسلامی در لبنان را به تحقق برسانم.»

این گفته‌ها که نظرات و تصورات سرهنگ قذافی را منعکس می‌سازد، چه بسا برای شناخت علل ناپدید ساختن امام صدر رهبر شیعیان لبنان راهگشا باشد.

نکته ششم: سرهنگ قذافی در برابر هیأت علما از عقب ماندگی مسلمانان به ویژه شیعیان لبنان و آوارگی آنان در روستاهای جنوب و رویارویی نابرابر آنان با اسرائیل، ابراز اندوه و تأسف نمود. وی افزود که تاکنون شخصیت‌هایی را نیافته است تا برای بررسی این اوضاع و ارائه کمک‌های ضروری با آنان همکاری کند. وی به عنوان نمونه به کمک‌هایی که به حرکت‌های اسلامی در جهان می‌رساند اشاره کرد؛ از جمله: مالت، فیلیپین، آفریقا، آسیا، سیاه‌پوستان آمریکا و غیره.

پیشنهاد کمک از سوی سرهنگ قذافی در برابر هیأتی که برای طرح یک مسئله آمده بود، یک تفسیر دارد و آن این که پیشنهاد این کمک‌ها جایگزینی برای مسئله است.



تصویر روی جلد مجله الصبا، چاپ بیروت

#### ششم: بازپرسی قضایی ایتالیا و نتایج آن

دادستانی کل ایتالیا در رم بی درنگ در تاریخ ۱۳ سپتامبر ۱۹۷۸ دست به کار شد. دستگاه‌های امنیتی گوناگون برای روشن شدن مسئله به انجام وظیفه پرداختند. تحقیقات گسترده، دقیق و دامنه داری آغاز شد. به جزئیات ریز و کم اهمیت نیز توجه فراوان شد. این تحقیقات بدون توقف در مرزهای منطقه‌ای پیگیرانه ادامه یافت به نحوی که در طی دو هفته حقیقت به طور کامل از سوی دستگاه‌های امنیتی ایتالیا روشن شد. در پرونده بازپرسی قضایی ایتالیا معلوم گردید:

۱. بلیط‌های سه گانه صادره از دفتر آلتالیا در طرابلس به نام امام صدر و دو همراهش درجه دو بوده است.

۲. صورت جلسات بازجویی از خدمه هواپیما آقایان باگنولو، بیجی، استالفی و کانتینو ثابت کرد که این اشخاص به طور قطع اتفاق نظر دارند امام صدر و دو همراهش سوار هواپیمای پرواز ۸۸۱ نشده‌اند. آنان پس از مشاهده عکسها، نشانیها، شکل لباس روحانی امام صدر و شیخ محمد یعقوب به این نتیجه رسیده‌اند. در گواهیهای خدمه هواپیما به ویژه کوچیانی، مهماندار و رئیس بخش درجه یک آقای استالفی، جزئیات دقیق و ملاحظه‌های مهمی آمده است که این گواهیها را به بالاترین درجه یقین و اطمینان می‌رساند.

۳. صورت جلسه بازجویی از کارمند گمرک، آقای فیدل آلفردو، یک دلیل برجسته و قاطع تشکیل می‌دهد. چون او مدت ۳۳ سال در قاهره زندگی کرده و کاملاً به زبان عربی مسلط است. وی بنا بر طبیعت کارش در گمرک وقتی یک مسافر عرب می‌دید به زبان عربی از او می‌پرسید: آیا در چمدانهایشان چیزی وجود دارد که بخواهد در اظهارنامه ثبت نماید؟

این کارمند، مسؤول نظارت بر تمام سرنشینان هواپیما بود. او لباس روحانی ویژه علمای مسلمان را می‌شناخت و قاطعانه شهادت داد: «هرگز در بین مسافران هواپیما هیچ کس را با این لباس ندیده است». همچنین وی قاطعانه گفت: «هرگز شخصی در میان آن مسافران مشاهده نکرده است که دارای سیما و نشانه‌های جسمانی متمایز امام صدر باشد».

۴. صورت جلسه بازجویی مسافران هواپیما، آقای والنته و بانو دونسلمان - که در بیانیه رسمی لیبی گفته شده بود امام صدر و یکی از همراهانش جای آن دو را در بخش درجه یک گرفته بودند - حاوی گواهی قاطع این دو مسافر مبنی بر این است که آنان هرگز نه در سالن انتظار پیش از سوار شدن هواپیما که به دلیل تأخیر دو ساعته در پرواز، انتظار آن به درازا کشید و نه در صندلیهای مسافران درجه یک و نه درجه دو هیچ کس را با لباس روحانی امام صدر و شیخ محمد یعقوب یا دارای نشانیهای جسمانی و سیمای عکس آن دو مشاهده نکرده‌اند.

۵. صورت جلسات بازجویی پلیس‌های مأمور مهر روادید روی گذرنامه‌های آقایان کاردونه و ماندرونه که گذرنامه‌های مسافران هواپیما را برای ورود به رم مهر زده‌اند، ثابت می‌کند که آنان اشخاصی را با نشانیهای امام صدر و شیخ محمد یعقوب و با آن لباسهای روحانی ندیده‌اند.

۶. صورت جلسات بازجویی کارمندان پذیرش هتل هالیدی این آقایان نیکولوزی، کولانجلو و خدمتکار مخصوص اتاق، زامبوکو، و باربرها، دورانتی و سدرونی، ثابت می‌کند که این شاهدان اتفاق نظر دارند که آن دو شخصی که وارد هتل شدند و به نامهای امام صدر و شیخ یعقوب اتاق رزرو کردند، امام موسی و شیخ محمد یعقوب نبودند.

#### هفتم: تحقیق هیأت امنیتی لبنان

برای روشن شدن مسئله، مقامات لبنان یک هیأت امنیتی شامل دو افسر ضد اطلاعات ارتش لبنان را در تاریخ ۱۲ سپتامبر ۱۹۷۸ به لیبی و ایتالیا اعزام کردند. حکومت لبنان با مخالفت رژیم لیبی با ورود این دو افسر به جماهیر لیبی غافلگیر شد. این موضع توجیه ناپذیر از هراس مقامات لیبیایی از روشن شدن واقعیت و رسوایی آنان حکایت دارد. از همین رو، مأموریت هیأت امنیتی لبنان به ایتالیا محدود شد و پانزده روز در رم گذراندند. در این مدت آنان به انجام تحقیقات و جمع آوری اطلاعات و اسناد با همکاری حکومت ایتالیا و شنیدن اظهارات شاهدان پرداختند و سرانجام به همان نتایجی که بازرسان ایتالیایی رسیده بودند، رسیدند. این هیأت نتایج تحقیقات خود را به همراه اسناد در سپتامبر ۱۹۷۸ به مقامات مربوطه در لبنان ارائه کردند.

#### هشتم: علت عدم شتاب در اعلام واقعیت

از همان روزهای نخست کاملاً روشن بود امام صدر و دو همراهش هرگز جماهیری لیبی را ترک نگفته‌اند. اطلاعات و باور همه پادشاهان و سران عرب و دیگر مسؤولان از همان ابتدا این واقعیت را تأکید می‌کرد. تحقیقات ایتالیا و لبنان یک ماه پس از آغاز قضیه این واقعیت را بیش از پیش ثابت کرد.

مجلس اعلای شیعیان و جنبش امل بر این باور استوار بوده‌اند که این مسئله با مسئله لبنان که سرآغاز توطئه بزرگ و ناتمام بوده است، پیوند دارد. لیبی هنگامی به جنایت ربودن امام موسی صدر دست زد که وی به مسئله لبنان به طور عام و مسئله جنوب آن به طور خاص می‌اندیشید.

مجلس اعلای شیعیان و جنبش امل برای خنثی سازی این توطئه، تلاش فراوانی کرد و با مجال ندادن به بدخواهان و کج اندیشان برای سوء استفاده از موضوع و بهره برداری از احساسات برای ایجاد شکاف در مسلمانان لبنان و به منظور گشودن راه

فراروی پادشاهان و سران عرب و رهبری انقلاب اسلامی در ایران برای پیگیری و تلاشهای آرام که با مقامات لیبی برای پایان دادن به این مسئله آغاز شده بود، تا بازگشت امام صدر و دو همراهش به صحنه جهاد تضمین گردد، صلاح را در آن دیدند که در اعلام واقعیت شتاب نکنند.

ولی در برابر زیاده‌روی‌هایی که مقامات لیبی در جنایت ربودن امام صدر کردند و پس از این که ثابت شد ادامه این موضع به زیان مسئله تمام می‌شود و دیگر سکوت در برابر اعلام واقعیت توجیه‌پذیر نیست، پس از یک سال تمام از آغاز این جنایت، مجلس اعلای شیعیان و جنبش امل حقیقت را در یک کنفرانس مطبوعاتی برملا ساختند. در این کنفرانس مطبوعاتی - که وقایع آن را رسانه‌های گروهی جهان و محلی در تاریخ ۳۱ اوت ۱۹۷۹ پخش کردند - مسؤولیت ربودن امام موسی صدر، شیخ محمد یعقوب و عباس بدرالدین برعهده مقامات رسمی لیبی گذارده شد و از آنان خواسته شد که به این جنایت پایان دهند.

حکومت لیبی از پاسخگویی به این درخواست خودداری کرد و تا به امروز به جنایت خویش ادامه داده و همچنان شیوه‌های گمراه‌کننده‌ای را در این مسئله بس خطرناک، دنبال می‌نماید.

### نهم: آشفتگی لیبی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران

هنگامی که حکومت لیبی در تاریخ ۳۱ اوت ۱۹۷۸ به جنایت ربودن امام صدر دست آورد، انقلاب اسلامی در ایران هنوز شعله‌ور نشده بود. علاوه بر این که در ارزیابی حکومت لیبی پیروزی انقلاب نمی‌گنجید. حکومت لیبی از نقش امام صدر و شرکت وی در کارهای مقدماتی این انقلاب و رابطه وی با رهبر آن آیت‌الله خمینی علیه السلام در نجف اشرف به خوبی آگاه بود (مخصوصاً این که هنگام ربودن امام صدر، نامه وی به امام خمینی و برگه‌های دیگری مربوط به انقلاب اسلامی ایران در کیف امام پیدا شده بود). حمایت و پشتیبانی امام صدر از سران انقلاب بر حکومت پوشیده نبود؛ به ویژه این که مرگب مقاله‌ای که امام صدر در مورخ ۲۳ اوت ۱۹۷۸ در نشریه فرانسوی و معتبر لوموند درباره انقلاب اسلامی ایران نوشته بود، در روز وقوع جنایت هنوز خشک نشده بود. امام خمینی در نجف اشرف با این که سرگرم تهیه مقدمات و برنامه‌های انقلاب بود، نسبت به مسئله امام صدر اهتمام فراوان نشان داد و بی‌درنگ برای پایان سریع و مسالمت آمیز آن به انجام تلاشهایی مبادرت ورزید. رسانه‌های تبلیغاتی نامه امام خطاب به رئیس سازمان آزادی‌بخش فلسطین و تلگراف ایشان را به حافظ اسد،



رئیس جمهور سوریه، دربارهٔ این موضوع در سپتامبر ۱۹۷۸ منتشر ساختند؛ اما حکومت لیبی به این تلاشها پاسخ مثبت نشان نداد.

وقتی امام خمینی عازم فرانسه شدند و زبانه‌های انقلاب اسلامی در ایران شعله‌ور شد، حکومت لیبی کوشید خود را به رهبر این انقلاب نزدیک سازد؛ اما بدون دست کشیدن از موضع خود همچنان شیوه‌های گمراه‌کننده‌ای را در مسئله دنبال می‌کردند.

هنگامی که انقلاب به پیروزی رسید حکومت لیبی دچار آشفتگی شد. با کوششهای گوناگون برای شستن لکهٔ ننگی که از جنایت ناپدید ساختن امام صدر بر دامن آن نشست بود به تکاپو افتاد. از جملهٔ این تلاشها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. هیأت لیبیایی در ۲۷ فوریهٔ ۱۹۷۹ برای تبریک پیروزی انقلاب با امام خمینی دیدار کرد و برای تمهیدات سفر سرهنگ قذافی به ایران تلاش نمود.

۲. اظهارات اثربخشی، وزیر خارجهٔ لیبی، در کنفرانس مطبوعاتی در ۴ مارس ۱۹۷۹ که در آن گفته بود:

«روابط ما با انقلاب ایران یک رابطهٔ سرنوشت‌ساز است...».

۳. ورود سرگرد عبدالسلام جلّود، نخست وزیر لیبی، به گونه‌ای نامتعارف به ایران در ۲۳ آوریل ۱۹۷۹ و اقامت دو هفته‌ای وی به منظور تلاش برای برقراری روابط دیپلماتیک و ایجاد مناسبات مستقیم مردمی.

۴. تظاهر بیش از حد سرگرد جلّود هنگام اقامت در ایران به نمایاندن بالاترین درجهٔ دوستی و همبستگی با انقلاب اسلامی ایران. او می‌کوشید مسئلهٔ امام صدر را که همواره مایهٔ دل‌نگرانی حکومت لیبی بوده است به فراموشی بسپارد. از جمله اظهارات وی این بود که:

«بزرگترین آرزوی برادر سرهنگ قذافی این است که در لحظات پیروزی در کنار شما باشد و در نخستین روز پیروزی انقلابتان شرکت جوید ... ولی کشورهای بزرگ سعی دارند با سوءاستفاده از ناپدید شدن امام موسی صدر، مانع دیدار امام خمینی و سرهنگ قذافی شوند؛ زیرا از چنین دیداری بیم دارند...».

نیز این گفتهٔ سرگرد جلّود:

«ملت عرب لیبی، هم‌پیمان واقعی انقلاب و ملت مسلمان ایران است ... این انقلاب با انقلاب جماهیر لیبی برای تحقق وحدت امت اسلامی کوشش خواهد کرد ... مسئلهٔ ناپدید شدن امام صدر نمی‌تواند مانعی بر سر راه برقراری مناسبات میان دو کشور باشد.».

این سخنان از سوی دفتر خبرگزاری لیبی در تهران به تاریخ ۲۵ و ۲۷ آوریل ۱۹۷۹ مخابره گردید. و در مطبوعات ایران و لبنان منتشر شد. سرگرد جلود یک هیأت تبلیغاتی ۵۵ نفری به همراه خود به ایران برده بود؛ زیرا لیبی به یک حمله تبلیغاتی وسیع، احساس نیاز می‌کرد. تمام اینها به انگیزه دل‌نگرانی لیبی در برابر مسؤولیت قطعی آن در ربودن امام موسی صدر بود.

۵. تلاش حکومت لیبی با وسایل گوناگون برای به کارگیری یک هیأت مردمی از ایران و تقبل هزینه اقامت آن به رغم عدم موافقت حکومت ایران برای شرکت در جشنهای سالروز استقلال لیبی در ۱۰ ژانویه ۱۹۷۹ برای به فراموشی بردن مسئله امام صدر و قرار دادن دولت ایران در برابر یک عمل انجام شده در مناسبات میان دو کشور. این هدف به زودی نمایان گردید؛ چراکه رئیس این هیأت شیخ محمد منتظری در یک کنفرانس مطبوعاتی - که بلافاصله پس از بازگشت از لیبی در لبنان برگزار نمود - تصریح کرد:

«همگی ما می‌دانیم چه کسی امام صدر را به گروگان گرفته است ... اینها صهیونیست‌ها و آمریکایی‌ها هستند که کار خودشان را کرده‌اند و برای در تنگنا قرار دادن لیبی مسئله را برگردن این کشور انداخته‌اند».

۶. اقدام حکومت لیبی پس از ردّ برقراری مناسبات دیپلماتیک از سوی ایران برای ایجاد دستگاه‌ها و وسایلی که در تهران برای برقراری این مناسبات فشار وارد می‌ساخت و روند گمراه‌سازی افکار عمومی ایران را از طریق انتشار و پخش رایگان مطبوعات ویژه اداره می‌کرد، این مطبوعات با جعل مواضع اسلامی و ملی امام صدر در لبنان، سعی داشتند وجهه ایشان را مخدوش سازند.

#### دهم: آشفتگی لیبی در اظهارات و مواضع مسؤولان این کشور درباره مسئله

آشفتگی لیبی که از احساس عظمت مسؤولیت در مسئله امام صدر پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران ناشی می‌شد، در اظهارات و رفتارهای مقامات لیبیایی بازتاب یافت که در این جا به آن اشاره می‌گردد:

##### ۱. اظهارات سرگرد جلود در ایران:

الف. هنگام دیدار سرگرد جلود با امام خمینی (ره) در شهر قم در تاریخ ۲۴ آوریل ۱۹۷۹ برای تبریک پیروزی انقلاب، امام خمینی با طرح پرسشی در مورد امام صدر، وی را غافلگیر کرد. سرگرد جلود پاسخ داد:

«جماهیر لیبی اسنادی دریافت کرده است که ورود امام صدر را به رم و اقامت وی در یکی از هتلهای آن ثابت کند. حکومت ایتالیا به ما اطلاع داده است که امام صدر عملاً وارد ایتالیا شده است ... امام صدر دوست ماست».

ب. در تاریخ ۴ می ۱۹۷۹ خبرگزاری دولتی ایران، پارس، گزارش داد که سرگرد جلود تأکید کرد:

«در همان هنگام که امام صدر وارد ایتالیا شد، این کشور در چنگال تروریسم گرفتار بوده است ... زیرا در این زمان الدو مورو؛ رهبر ایتالیا ترور شد ...».

سرگرد جلود از یک هیأت ایرانی دعوت کرد تا برای انجام تحقیقات در مسئله امام صدر از لیبی دیدن کند.

ج. در همان روز سرگرد جلود در مراسم ترحیم شهید آیت الله مطهری در قم شرکت کرده بود. وی در این مراسم گفت:

«دستهای جنایتکارانی که دیروز شهید مطهری را ترور کرد، همانها با همان دستهای کثیف امام صدر را ترور کرده‌اند ... اینها دستهای صهیونیسم استعمار و ارتجاع است».

وقتی علما خشمگین شدند و مردم از شنیدن این سخن، هاج و واج ماندند سرگرد جلود با عقب‌نشینی گفت:

«منظورم این است که امام ناپدید شده است».

د. به تاریخ ۶ می ۱۹۷۹ سرگرد جلود بدون کسب موقّیّت در راه برقراری روابط دیپلماتیک میان لیبی و ایران، این کشور را ترک کرد. به رغم این که این ناکامی به دلیل مسئله امام صدر بود، سخنگوی سرگرد جلود به خبرگزاری یونایتد پرس گفت:

«نتایج مذاکرات عالی است! و برقراری مناسبات دیپلماتیک چندان مهم

نیست!».

وی افزود:

«بعید نیست که امام صدر در رم به قتل رسیده باشد».

## ۲. تکذیب اظهارات سرگرد جلود:

سرگرد جلود به ناچار این اظهارات آشفته و دروغین را عنوان کرد تا تلاشهایش را در ایران موقّیّت‌آمیز نشان دهد ولی حکومت ایتالیا کذب این اظهارات را از طریق یادداشت کتبی سفیر آن در تهران به وزیر خارجه ایران و دو یادداشت از سفیر آن در

بیروت به وزیر خارجه لبنان و مجلس اعلای شیعیان و اظهارات هر دو سفیر در مطبوعات ایران و لبنان فاش ساخت. این یادداشتها و اظهارات رسمی مقامات ایتالیا حاوی نکات زیر است:

تمام تحقیقات به عمل آمده و اسنادی که نزد مقامات ایتالیا فراهم آمده است نشان می‌دهد که امام موسی صدر، وارد رم نشده و به صورت ترازیت نیز از فرودگاه آن عبور نکرده است. هرگونه اظهارات خلاف این مطلب و منتسب به حکومت ایتالیا، بی‌اساس است.

یک فرد ناشناس در پرواز طرابلس به رم گذرنامه و کارت پروازی (بوردینگ) به نام امام موسی صدر را به کار برده است؛ اما امام موسی صدر حقیقی پیش از ورود امام صدر جعلی به رم، ناپدید شده است (تصریح سفیر ایتالیا در تهران ۵ می ۱۹۷۹).

### ۳. اظهارات بعدی وزیر خارجه لیبی:

در کنفرانسی مطبوعاتی در مراکش در تاریخ ۱۰ می ۱۹۷۹ در مورد ربودن امام صدر از وزیر خارجه لیبی، التریکی، سؤال شد، وی گفت:

«امام موسی صدر، لیبی را ترک کرده است ... چندین مورد ناپدید سازی مشابه تا کنون روی داده است ... جای ایشان باید از لبنان پرسیده شود.»  
این پاسخ، نوعی عقب‌نشینی از سخن سرگرد جلود مبنی بر این‌که «حکومت ایتالیا به لیبی اطلاع داده است که امام صدر وارد رم شده است»، به شمار می‌رود.  
فؤاد پطرس، وزیر خارجه لبنان، درباره این اظهارات چنین گفت:  
«با مطالعه اظهارات همکارم، وزیر خارجه لیبی غافلگیر شده‌ام. من طبیعتاً طبق مبانی و مفاهیم خاصی به دیپلماسی می‌پردازم که شاید نسبت به ضرورت کتمان و احتیاط در موضعگیری ماهیت کلاسیک به خود بگیرد. کمترین اظهاری که می‌توانم در این باره بکنم این است که عجیب و غریب است. بهتر بود ما این سؤال را مطرح می‌کردیم نه این‌که از ما سؤال شود ...».

### ۴. گفته بعدی سرهنگ قذافی:

در تاریخ ۱ جولای ۱۹۷۹ سرهنگ قذافی کنفرانسی مطبوعاتی در کویت برگزار کرد که خبرگزاری لیبی جزئیات آن را مخابره کرد و این سخنان شامل بخشهای زیر بود:

از سرهنگ قذافی در مورد رابطه میان انقلاب لیبی و انقلاب اسلامی ایران و مسئله ناپدید شدن امام موسی صدر سؤال شد. وی پاسخ داد: «ما از بابت ناپدید شدن این شخص بسیار متأسفیم. جماهیر لیبی تمام امکانات خویش را برای یافتن این شخص به کار می‌گیرد؛ زیرا وی مهمان لیبی و دوست آن بوده است.»



فصل ششم:

تحقیقات قضایی مجدد ایتالیا

## تحقیقات قضایی مجدد ایتالیا

مقامات رژیم لیبی که از ابتدا و در زمان انجام تحقیقات در ایتالیا همواره در صدد ایجاد انحراف در مسیر تحقیقات بودند، با وجود ناکامی در رسیدن به اهداف خود هیچ‌گاه از دروغ‌پردازی‌هایی مبنی بر این که امام و همراهانش طرابلس را به مقصد رم در ایتالیا ترک کرده‌اند، دست برنداشتند. بدان امید که حکومت لیبی را از انجام این جنایت بزرگ تبرئه کنند و آن را به نحوی به ایتالیا نسبت دهند.

بدین ترتیب با گذشت زمان طولانی از صدور بیانیه دادستان کل ایتالیا و مخومه شدن پرونده در این کشور، دولت لیبی برای انحراف در مسیر پرونده، پیش و پس از آغاز تحقیقات در ایتالیا و با وجود آگاهی جهانیان از محلّ حقیقی ناپدید شدن امام و همراهان ایشان، بار دیگر تلاش کرد با به کارگیری ابزار و روشهای مختلف انحراف دیگری در روند رسیدگی به پرونده ایجاد کنند. بدین ترتیب در فوریه سال ۱۹۸۰؛ یعنی پس از گذشت یک سال و نیم از ربودن امام و همراهانش در ۳۱ اوت ۱۹۷۸ در لیبی و هشت ماه پس از صدور حکم دستگاه ایتالیا مبنی بر مخومه شدن پرونده و وارد نشدن امام به رم، رژیم لیبی با تسلیم درخواستی به دادگاه استیناف این کشور مدّعی شد که بر اساس تحقیقات جدید انجام شده در کشور خود لازم است پرونده بار دیگر در دادگاه رم بررسی گردد تا ثابت شود که امام و همراهانش پایتخت لیبی را به مقصد رم ترک کرده‌اند.

دستگاه قضایی ایتالیا تحقیقات گسترده‌ای را از نو آغاز کرد و به مدارک جدیدی دست یافت. باز پرس ایتالیایی به لیبی و سپس به لبنان سفر کرد و به سخنان شاهدان



متعددی گوش فرا داد. در میان این شاهدان کسانی دیده می‌شوند که در مدت حضور امام در لیبی با ایشان هم‌نشین و هم‌سخن شده بودند و او را با دو همراهش دیده بودند که از هتل الشاطی در طرابلس راهی نشست با قذافی شده بودند و دیگر به محل اقامتشان برگشتند و چمدانهایشان در هتل الشاطی مانده بود. پس از آن است که این چمدانها در هتل هالیدی این شهر رم یافت شد.

پس از انجام دور تازه تحقیقات دستگاه قضایی ایتالیا نظر نهایی خود را شامل بیانه دادستانی کل در تاریخ ۲۰ اکتبر ۱۹۸۱ و قرار صادره از سوی قاضی تحقیق در تاریخ ۲۸ ژانویه ۱۹۸۲ اعلام کرد و ضمن تأیید نتایج نخستین تحقیق قوه قضائیه ایتالیا تحقیقات نیروهای امنیتی لیبی را مجعول و ساختگی نامید. همچنین قاضی ایتالیایی تأکید کرد با توجه به ادله موجود، قاطعانه ثابت شده است هیچ جرمی در ایتالیا در مورد سه نفر مذکور اتفاق نیفتاده است.

متن بررسی دادستانی کل، دکتر سالواتوره و کیونی - که در این بررسی به تفصیل ادله جعلی بودن تحقیقات لیبی را نشان می‌دهد - و قرار صادره از سوی قاضی تحقیق پرونده بدین شرح است:

از: دادستان کل ایتالیا

به: دادگاه استیناف رم

پس از بررسی محتویات پرونده ناپدید شدن رهبر شیعیان لبنان، امام موسی صدر و همراهانش، محمد شحاده یعقوب و عباس بدرالدین، ضمن آگاهی از اقامه دعوی علیه افراد ناشناس که در پرونده ذکر شده است، مشخص شد که بنا بر گزارشهای مورخ ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۵ و ۲۷ سپتامبر و ۱۷ اکتبر ۱۹۷۸ واصله از اداره پلیس شهر رم و یگان پلیس مستقر در فرودگاه فیومپچینو و با توجه به اخبار منتشره از سوی خبرگزاریها، دادستان کل ایتالیا بدین وسیله مطلع شد که رهبر شیعیان لبنان، موسی صدر و همراهانش شیخ محمد شحاده یعقوب و روزنامه نگار، عباس بدرالدین، در ۲۵ اوت ۱۹۷۸ به منظور دیدار رسمی از لیبی وارد این کشور شده‌اند و از آن زمان اطلاعی از آنها در دست نیست.

حکومت لیبی در پاسخ به استعلام دولت لبنان در این باره اعلام کرده است که امام و همراهانش در ساعت ۸ بعدازظهر روز ۳۱ اوت ۱۹۷۸ با پرواز شماره ۸۸۱ هواپیمایی آیتالیا، لیبی را به مقصد ایتالیا ترک کرده‌اند و سران حکومت لیبی پیش‌تر هیچ‌گونه اطلاعی درباره سفر آنان دریافت نداشته‌اند و امام نیز در موعدی که برای دیدار با قذافی، رئیس حکومت لیبی، در ساعت ۱:۳۰ بعدازظهر روز ۳۱ اوت معین شده بود، حاضر نشده است.

این در حالی است که بنابر اظهارات ثبت شده در پرونده به ویژه گفته‌های نزار فرحات، کاردار لبنان در طرابلس و نزار علی و همسر و خواهر امام، ایشان قصد داشته‌اند پس از سفر به لیبی به دیدار همسرشان که در فرانسه تحت معالجه قرار داشته بروند و هیچ دلیل مشخص و منطقی برای سفر احتمالی ایشان به ایتالیا وجود ندارد مگر این که به خاطر نبودن پرواز مستقیم از طرابلس به پاریس، هواپیما در رم توقف کند.

با استعلام از سفارت فرانسه در طرابلس مشخص شد که سفارت مذکور به امام و شیخ محمد یعقوب روادید ورود به فرانسه را اعطا کرده است؛ اما عباس بدرالدین پیش‌تر گذرنامه خود را به نزار فرحات، کاردار لبنان در طرابلس داده بوده تا روادید فرانسه را برای او دریافت کند و فرحات نیز پس از دریافت روادید، گذرنامه بدرالدین را پس از ساعت ۱۲ ظهر روز ۳۱ اوت ۱۹۷۸ به کارکنان هتل الشاطی - که محل اقامت آنان بوده - تحویل داده است.

با استعلام از سفارت ایتالیا در طرابلس معلوم شد که در ساعت حدود ۱۲ ظهر همان روز؛ یعنی ۳۱ اوت ۱۹۷۸ روادید ورود به ایتالیا برای امام و شیخ یعقوب صادر و به یک مأمور لیبیایی تحویل شده است؛ در حالی که برخلاف معمول، درخواست کتبی به خط متقاضیان وجود نداشته است. همچنین مشخص شد که هیچ درخواستی برای صدور روادید از سوی عباس بدرالدین به سفارت واصل نشده است.

در تاریخ ۲۴ سپتامبر ۱۹۷۸ به دادستانی کل ایتالیا در رم خبر رسید که چمدانها و گذرنامه‌های امام و شیخ یعقوب در هتل هالیدی این شهر رم پیدا شده است. همچنین دادستان کل باخبر شد که در حدود ظهر روز اول سپتامبر ۱۹۷۸ دو نفر به هتل مذکور مراجعه کرده‌اند و خود را امام موسی صدر و شیخ یعقوب معرفی کرده و دو اتاق خواسته‌اند و اتاقهای ۷۰۱ و ۷۰۲ به آنان تحویل شده است. آن دو، هزینه یک هفته اقامت از اول تا هشتم سپتامبر ۱۹۷۸ را پیش پرداخت کرده‌اند و یکی از آنها لباس روحانی بر تن داشته است. آنان پس از آن که مدت ده دقیقه به اتاقها رفته‌اند، از هتل

خارج شده و دیگر بازنگشته‌اند. شخصی که هنگام ورود، لباس روحانی بر تن داشته نیز با لباس شخصی از هتل خارج شده است.

همچنین مشخص شد که:

الف. زمان خروج پرواز ۸۸۱ از طرابلس به رم در روز ۳۱ اوت ۱۹۷۸ ساعت ۸ بعد از ظهر بوده اما هواپیما فرودگاه را در ساعت ۹ بعد از ظهر یعنی با حدود یک ساعت تأخیر ترک کرده است.

ب. هواپیما در ساعت ۲۳:۱۲ به رم رسیده است.

ج. شخصی که خود را عباس بدرالدین معرفی کرده در ساعت ۲۳:۳۵ همان روز ۳۱ اوت به دفتر امنیتی فرودگاه فیومپینو مراجعه کرده و در اظهاراتی خلاف واقع با معرفی هتل ساتلایت به عنوان محل اقامت خود، ویزای موقت ۴۸ ساعته درخواست کرده است تا پس از بازدید از شهر، ساعت ۱۱:۴۰ صبح روز بعد، اول سپتامبر، با پرواز شماره ۴۹۰ هواپیمایی آیتالیای سفر خود را به مقصد مالت ادامه دهد.

پلیس قضایی بلافاصله کارکنان هتل هالیدی این و کادر پرواز شماره ۸۸۱ هواپیمای آیتالیای در روز ۳۱ اوت ۱۹۷۸ و همچنین گروهان زوتو دوناتو را که در دفتر پلیس فرودگاه مشغول انجام وظیفه بوده و برای شخصی که خود را عباس بدرالدین معرفی کرده بود، روایت موقت ورود صادر کرده، بازپرسی کرد.

کارکنان هتل هالیدی این، احتمال این را که افراد مراجعه کننده به هتل از لحاظ مشخصات ظاهری و چهره، شبیه امام و شیخ یعقوب باشند، منتفی اعلام کردند. اظهارات آنان قاطعانه بر این نکته تأکید داشت که ویژگیهای ظاهری و اندام درشت و قامت بلند امام (با ۱۹۰ سانتی متر طول) و چهره ایشان با سیبل و محاسن بلند می‌توانست مدتها در اذهان بینندگان ماندگار باشد. کادر پرواز شماره ۸۸۱ هواپیمای آیتالیای در روز ۳۱ اوت ۱۹۷۸ نیز در پاسخ به پرسشهایی که تنها چند روز پس از ناپدید شدن امام و یارانش از آنها شد این احتمال را که امام با آن ویژگیهای ظاهری بارز و کم نظیر، در آن پرواز حاضر شده باشند را به کلی منتفی اعلام کردند.

همچنین گروهان زوتو دوناتو نیز پس از دیدن عکس عباس بدرالدین این احتمال را که شخصی که خود را عباس بدرالدین معرفی کرده حقیقتاً خود او باشد، رد کرد.

با استناد به نکات اصلی تحقیقات مذکور، دادستان کل کشور ایتالیا در تاریخ ۱۰ می ۱۹۷۹ درخواستی را تقدیم قاضی تحقیق پرونده کرد و ایشان نیز در تاریخ ۷ ژوئن ۱۹۷۹ مقرر داشت که با فرض این که در خاک ایتالیا هیچ جنایتی علیه امام و همراهانش انجام نشده، پرونده مختومه اعلام گردد.

المرق رقم ۶مكتب الامن العام في مطار  
روما الدولي - فيوميتينو

في ۲۰ يوليو ۱۹۷۸ الساعة ۱۲:۴۵ وفي مكتب الامن العام لدى مطار فيوميتينو - روما ،  
امامي أنا الموقع لادناه مفوض أمن عام بذلك المكتب ، حضرت السيدة كوتشيانسي ليتشيا مولودة نسي  
تريستا ۱۹۴۹/۵/۲۲ وبقيمة في روما شارع هونتاديسل سارا تشينورقم ۵۰ في اوسطيا تعمل  
بصفة مذيقة لدى شركة ايطاليا وكانت على متن الرحلة رقم ۰ ز - ۸۸۱ نسي يسم  
۱۹۷۸/۸/۳۱ بين طرابلس وروما ، ولدى سؤالها عن معلومات مختصرة بخصوص المسافرين موسي  
الصدر صرحت بما يلي :

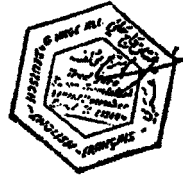
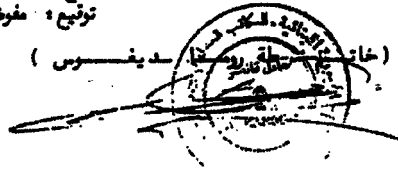
لدى صعود الركاب المسافرين كلهم من الجهة الامامية للطائرة كت حاضرة على صعودهم  
ونسي خلال الرحلة ساعدت الركاب لمدة محدودة في الدرجة الاولى ومن ثم ركاب الدرجة السياحية .  
وبالسؤال اجابت خلال تقديم خدماتي لم الاحط اي مسافر تطبق ارحانه على الاضاف التي  
عرضت علي ، اي رجل طويل القامة له عمامة على رأسه وله لعبة ويرتدي ثوبا خاصا طراز عربي .  
احد اُنسي خلال دخول المسافرين الى الطائرة كت واقفة قرب باب الدخول وكنت اذ يسع  
بعض المعلومات وكنت بالتالي اسد المدخل جزئيا . ولذلك فان رجلا ضخما البنية كان سوف يجد  
صعوبة بالدخول وكان يجب ان يطلب مني الانحراف ، ولو حصل شيء من ذلك لكت تذكرته بالتأكيد . وأخافت  
الشاهدة أنه بالتأكيد لم يكن موجودا شخص له المواصفات المذكورة أسلاه بين المسافرين الثانية  
الذين كانوا في الدرجة الاولى . واذا كان الشخص المذكور سافرا في الدرجة السياحية نظرا لقامته تكاف  
من المفروض عليه ان يجلس في المقاعد الامامية اُنسي في الصف الاول أو في آخر الطائرة بالقرب من باب  
خروج الطوارئ الايمن .

كسل مسافري الدرجة الاولى وصلوا وبحوزتهم القسيمة العمراء التي تحدّد المقاعد المعدة لهم .  
لم يحصل اي تبادل على متن الطائرة بين ركاب الدرجتين .  
بخصوص الصور الفوتوغرافية التي اُبسزت امامي لا يمكنني القول بأن عباس بدر الدين ومحمد يعقوب كانسا  
على متن الطائرة أم لا . بينما بإمكانني ان انفي نفيًا قاطعا ان يكون موسي الصدر موجودا على متن  
الطائرة .

تسرى وثبتت يوم .....

توقيع : كوتشيانسي ليتشيا  
توقيع : مفوض الامن العام مع الخاتم

( خاتمة المطبوع : روما - فيوميتينو )



بخشي از گفته‌های مهماندار پرواز مبنی بر این‌که امام صدر  
و شیخ محمد یعقوب واقعی را هرگز ندیده‌اند.

در ادامه نمایندگی جمهوری خلق لیبی در رم با ارسال درخواستی در فوریه ۱۹۸۰ خواهان انجام تحقیقات تکمیلی در این باره شد و نسخه‌ای از تحقیقی را که پلیس لیبی انجام داده و در تاریخ ۳ ژانویه ۱۹۷۹ آغاز شده بود، نیز به آن ضمیمه کرده بود. تحقیق مذکور بیش از هر چیز بر اظهارات شاهدانی از لیبی و یک شاهد اهل کشور موریتانی تکیه داشت. آنان مدعی شده بودند که می‌توانند گواهی دهند که امام و همراهانش در ۳۱ اوت ۱۹۷۸ با پرواز ۸۸۱ هواپیمایی آلیتالیا خاک لیبی را ترک کرده‌اند. پس از پذیرش درخواست مذکور، دادستان کل کشور ایتالیا تحقیقات دقیق و پیچیده‌ای را از سر گرفت و به طور ویژه اظهارات شاهدان متعدد لبنانی و لیبیایی را که در گزارشهای تحقیقات انجام شده در این دو کشور درج شده، استماع کرد. در تاریخ ۲۳ سپتامبر ۱۹۸۱ اسناد برای دقت بیشتر و نتیجه‌گیری سریعتر به این دایره (دادستانی کل ایتالیا) ارجاع شد و تحقیقات مفصلی انجام گرفت که در بخش پنجم ضمایم آمده است.

بنابر موارد یادشده دادستان کل، دو احتمال را مطرح می‌سازد:

۱. آن که ناپدید شدن آنان در ایتالیا روی داده باشد.
۲. دوّم آن که با اثبات (یا احتمال) این که افراد مذکور، خاک لیبی را ترک نکرده‌اند، در لیبی ناپدید شده باشند. بدین ترتیب احتمال دوّم تنها بر اساس اصل «اعتبار قوانین جزایی» و به شکل عرضی قابل بررسی است و به عبارت دیگر، تنها در محدوده لازم برای بررسی ردّ احتمال اوّل.

اما در خصوص احتمال نخست، با مراجعه به رویدادهای آن روزها و دلایل موجود ثابت می‌گردد که:

اوّلًا: با توجه به رویدادهای گزارش شده، به قطع و یقین اثبات می‌شود که نه امام، نه شیخ یعقوب و نه حتی همراه دیگر آنان عباس بدرالدین در ساعات پایانی صبح روز ۱ سپتامبر ۱۹۷۸ به هتل هالیدی این نرفته‌اند. دلایل قاطع و تردیدناپذیری که در این باره وجود دارد عبارتند از:

#### ۱. اظهارات کارکنان هتل هالیدی این:

از مجموع اظهارات کارکنان هتل چنین برمی‌آید که صبح روز اوّل سپتامبر ۱۹۷۸ چندین نفر به هتل مراجعه کرده‌اند و یکی از آنان لباس روحانی بر تن داشته است. شخص مذکور و یک فرد دیگر پس از ارائه گذرنامه‌های امام و شیخ یعقوب، اتاقهای ۷۰۱ و ۷۰۲ را برای مدت یک هفته رزرو کرده‌اند. یعقوب (فرد لباس شخصی) یک

فرم پذیرش اتاق را به نام خود و فرم دیگری را به نام امام تکمیل و فرم مربوط به خودش را امضا کرده است. افراد مذکور پس از آن که حدود ده دقیقه در اتاقها حضور یافته‌اند، هر دو با لباس شخصی همانند شهروندان اروپایی از هتل خارج شده‌اند و دیگر کسی آنان را مشاهده نکرده است. آنان حتی از تختها هم استفاده نکرده‌اند. پس از گذشت هفت روزی که هزینه آن پرداخت شده بوده، در اتاقها گشوده می‌شود و گذرنامه‌های امام و یعقوب که بر روی میز نزدیک تختها قرار داشته‌اند به همراه چهار چمدان کشف می‌شود.

با توجه به این مطالب و با استناد به همین اظهارات، به سادگی می‌توان نتیجه گرفت افرادی که به نام امام و شیخ یعقوب به هتل مراجعه کرده‌اند، جعلی و ساختگی بوده‌اند؛ چرا که:

الف. آقای نیکولاس لئوناردو پس از دیدن عکس امام، هیچ‌یک از دو فرد عرب زبانی را که در روز اول سپتامبر به هتل آمده بودند، با ایشان شبیه ندانست. این در حالی است که چهره منحصر به فرد امام با ۱۹۰ سانتی‌متر قد، ریش بلند، لباس علمای دین و جثه درشت، به سادگی از خاطر نمی‌رود. این اظهارات در ۲۷ سپتامبر ۱۹۷۸ یعنی در فاصله کوتاهی از تاریخ واقعه بیان شده است.

ب. آقای کولانجلو پیترو نیز با دیدن عکس امام، تصریح کرد که هرگز شخصی با مشخصات ایشان را ندیده است در حالی که ویژگیهای ظاهری امام منحصر به فرد بوده و استماع شهادت او در فاصله کوتاهی پس از روز حادثه انجام شده است.

ج. به گفته خانم زامبوکو مارگریتا شخصی که لباس روحانی بر تن و عمامه بر سر داشته حدود ۱۷۵ سانتی‌متر قد داشته و فردی که لباس شخصی داشته، کوتاه قد بوده است. او نیز با دیدن عکس امام، این احتمال را که شخص اوّل، امام باشد، رد کرده است در حالی که ظاهر امام با لباس روحانی منحصر به فرد بوده و شاهد نیز در فاصله کوتاهی از روز حادثه اظهارات خود را بیان داشته است.

د. آقای چدرونی آلبرتو نیز در توصیف شخصی که لباس روحانی و عمامه داشته، طول قامت او را حدود ۱۸۰ سانتی‌متر و او را بدون ریش و سبیل و فرد لباس شخصی را کوتاه‌قد معرفی کرده و احتمال این که شخص اوّل با لباس روحانی همان کسی باشد که در عکس امام دیده را به کلی رد کرده است.

ه. آقای دورانتو جوزپه طول قامت شخص دارای لباس روحانی را ۱۷۵ تا ۱۸۰ سانتی‌متر و او را فاقد ریش و سبیل و فرد لباس شخصی را کوتاه قد و دارای سبیل معرفی کرده و قاطعانه اعلام داشته که امکان ندارد شخص اوّل همان کسی باشد که در

عکس امام دیده است. این نکته قابل توجه است که گواهی شاهد مذکور نیز در فاصله کوتاهی از روز واقعه استماع شده و چهره منحصر به فرد امام به سادگی فراموش نمی‌شود.

و. آقای هابر زیگفردو، جانشین مدیر هتل نیز بر اساس آنچه از زبان کارکنان هتل شنیده است، می‌گوید که دو فرد عرب‌زبان تقریباً همسن بوده و حدود سی سال داشته‌اند. قابل ذکر است که امام، متولد سال ۱۹۲۸ م و شیخ محمد یعقوب، متولد ۱۹۴۸ م هستند.

## ۲. اظهارات همسر و خواهر امام و همسر شیخ یعقوب و نزار علی:

الف. دو نفر اول (همسر و خواهر امام) گفته‌اند که امام لباس شخصی نداشته و هیچ‌گاه و در هیچ مناسبتی چنین لباسی نبوشیده است؛ بنابراین، شخصی که با لباس روحانی به هتل هالیدی این مراجعه کرده و با لباس شخصی (کت و شلوار) از آن خارج شده، متقلب و دروغین بوده است.

ب. شاهد سوم (همسر شیخ محمد یعقوب) نیز مشابه این اظهارات (استفاده نکردن از لباس شخصی) را در مورد شیخ یعقوب اظهار داشته است؛ بنابراین شخصی که به اسم شیخ محمد یعقوب با لباس شخصی به هتل مراجعه کرده غیرحقیقی و ساختگی بوده است.

ج. همچنین همسر شیخ یعقوب این احتمال را که فرم پذیرش هتل به خط همسرش پر شده باشد، رد کرد و تأکید کرد امضایی که به خط عربی در پایین فرم پر شده به نام همسر وی وجود دارد، با امضای همسرش متفاوت است؛ بنابراین، شخصی که فرمها را با خط خودش پر کرده جعلی و دروغین است.

د. شاهد چهارم (نزار علی) اظهار می‌دارد که در روز ۳۰ اوت ۱۹۷۸ در شهر طرابلس (پایتخت لیبی) حاضر بوده و قصد داشته روز ۳۱ اوت به پاریس سفر کند. او در طرابلس با امام ملاقات کرده و امام از وی خواسته است به خانواده امام - که در پاریس به سر می‌برند - خبر دهد که ایشان حداکثر تا تاریخ ۲ یا ۳ سپتامبر ۱۹۷۸ به پاریس خواهند رسید.

از این رو، امکان ندارد که امام برای مدت یک هفته اقامت (از اول تا هفتم سپتامبر) در هتل هالیدی این شهر رم اتاق رزرو کند. از طرفی اگر امام می‌خواست روز ۳۱ سپتامبر یعنی همان روزی که نزار علی مسافرت کرده به پاریس سفر کند، نیازی نبود که به وسیله او پیامی برای خانواده خود ارسال کند.

**۳. فرمهای پذیرش هتل:**

بنا بر اظهارات کارکنان هتل (به نامهای نیکولاس لئوناردو، کولانجو پی یتر و دورانتنه جوزپه) فرمها را شخصی که گذرنامه شیخ محمد یعقوب را در دست داشته پر کرده است.

شکئی نیست که پر کردن دو فرم مذکور و امضا کردن یکی از آنها جعل بوده و شخصی غیر از شیخ محمد یعقوب آنها را پر کرده است. از اظهارات همسر شیخ محمد یعقوب - که پیش تر ذکر شد - چنین برمی آید که:

الف. فرمها با خط بد و ناخوانایی پر شده که نمی تواند خط شخصی باشد که مطابق با آنچه در گذرنامه اش ذکر شده دارای مدرک دکترای فلسفه است.

ب. غلط های املایی آشکاری در نوشتن نام امام و شیخ محمد یعقوب در فرمها به چشم می خورد.

ج. امضای منسوب به شیخ یعقوب بر روی یکی از فرمها با امضای موجود در گذرنامه او متفاوت است.

**۴. گذرنامه ها:**

بنا بر اظهارات آقای هابر، کارکنان هتل، گذرنامه ها را در حالی که در اتاقها بر روی میز نزدیک تخت و در معرض دید قرار داشته یافته اند.

با دقت در دو سند (گذرنامه) مذکور مشخص گردید که گذرنامه سیاسی متعلق به امام مخدوش شده و عکس گذرنامه دستکاری شده و نه تنها بخشی از آن جدا شده بلکه مهر برجسته روی آن نیز با مهر موجود در صفحه سوم گذرنامه تطابق ندارد. از طرفی عکس مذکور از مدرک دیگری جدا شده و آثار آن بر روی عکس برجا مانده است؛ اما در صفحه سوم گذرنامه اثری از جدا کردن عکس به چشم نمی خورد.

بررسی دقیق گذرنامه ها نشان می دهد که آن دو گذرنامه یا حداقل گذرنامه امام را اشخاص دیگری که نام امام و شیخ محمد یعقوب را بر خود نهاده اند استفاده کرده اند؛ یا این که دست کم در گذرنامه امام، جعل و دستکاری صورت گرفته تا بتواند شخصی را به جای ایشان معرفی کنند.

به علاوه گذرنامه ها عمداً و آشکارا باز شده و در معرض دید، بر روی میز، نزدیک تخت در اتاق هتل رها شده اند.

**۵. چمدانهای ناپدیدشدگان:**

با توجه به بررسیهای انجام شده بر روی چمدانها و محتویات آنها مشخص شد که:



الف. مدارک و اوراق با لباسها و وسایل شخصی امام به طور کاملاً بی‌نظم، درهم آمیخته‌اند.

ب. وسایل و مدارک امام، شیخ یعقوب و بدرالدین در چهار چمدان با هم مخلوط و آمیخته شده‌اند. در میان آنها وسایل دیگری متعلق به افراد ناشناس نیز به دست آمده است.

در کیف کوچک و سیاه رنگ امام وسایل شخصی عباس بدرالدین هم وجود دارد. از آن جمله می‌توان به عکس‌های به اندازه کارت شناسایی، چهار قطعه سنجاق یقه پیراهن، عینک و کاغذهایی با نام و آرم خبرگزاری که عباس بدرالدین در آن به کار اشتغال داشته، اشاره کرد.

همچنین وسایلی متعلق به افراد ناشناس نیز در آن یافت شده که عبارتند از: یک کیف قهوه‌ای رنگ که بر روی آن عکس اسب و درشکه‌ای مشاهده می‌شود و کاغذی که بر روی آن آدرس هتل هالیدی این با خطی که بنا بر گفته‌های همسر، خواهر امام و همسر شیخ یعقوب، به امام یا شیخ تعلق ندارد، نوشته شده است.

ج. کلّیه وسایل بدرالدین که عبارت بود از یک کیف سامسونت به رنگ خاکستری تیره یافت شد.

اما وسایل او نمی‌بایست در هتل هالیدی این پیدا می‌شد؛ زیرا بدرالدین یا به عبارت دیگر، شخصی که خود را به جای او معرفی کرده، هرگز به این هتل نیامده بلکه در فرودگاه فیومپینو به گروهبان زوتو گفته است که در هتل ساتالیت اقامت خواهد کرد.

از سوی دیگر، در همان کیف سامسونت خاکستری رنگ و متعلق به بدرالدین، اشیایی یافت شده که به امام تعلق ندارد، از جمله دو عبای تیره‌رنگ و پوشه‌هایی حاوی مدارک و عکسهایی از امام و اشخاص دیگر و وسایلی از جمله یک کارت شناسایی و یک عکس که متعلق به شیخ یعقوب است. اشیایی هم پیدا شده که به افراد ناشناس تعلق دارد از جمله یک کراوات قهوه‌ای رنگ.

د. در دیگر چمدانها از جمله در چمدانی به رنگ قهوه‌ای روشن که تنها چمدان متعلق به شیخ یعقوب بوده، لباس سفید رنگ و زیرپوش زردرنگی به دست آمده است که متعلق به شیخ یعقوب نبوده و بنا به گفته همسر، خواهر امام و همسر عباس بدرالدین، به امام و بدرالدین نیز تعلق ندارند؛ بنابر این، اشیای مذکور متعلق به افراد ناشناس است.

با توجه به اظهارات زهرا بدرالدین، همسر عباس بدرالدین، برخی از وسایل

شخصی وی از جمله کیف حاوی مدارک او در هیچ کجا یافت نشده است.  
 ه. بالأخره این که ساعت مچی امام در یکی از پاکتها در حالی یافت شد که شیشه آن شکسته و بند آن جدا شده و تاریخ شمار آن در عدد «۱» و عقربه‌های آن در ساعت «۱:۱۴» متوقف شده بود.

با توجه به مطالب مذکور و با بررسی آنچه در پی می‌آید، به سادگی می‌توان نتیجه گرفت:

الف. امام و شیخ یعقوب هرگز به هتل هالیدی این نرسیده‌اند. عباس بدرالدین نیز به آن هتل نرفته؛ هر چند یکی از چمدانهای مکشوفه متعلق به اوست.  
 ب. افراد مجهول‌الهویه عمداً دو دست لباس روحانی در هتل بجا گذاشته‌اند تا وانمود کنند که صاحبان آنها در رم ناپدید شده‌اند؛ زیرا منطقی و طبیعی به نظر نمی‌رسد که ربایندگان به جای پنهان کردن آثار و وسایل ربه‌ده شده‌گان مانند چمدانها، مدارک و غیره را در معرض دید قرار دهند.

از طرفی نگهداری ساعت شکسته امام به نفع ربایندگان نبوده است؛ زیرا اگر ساعت به خودی خود شکسته باشد معلوم نیست که چرا ربایندگان به جای معدوم کردن ساعت، آن را حفظ کرده‌اند جز آن که بگوییم آنها ساعت را بدان سبب در چمدان قرار داده‌اند که روز و ساعت ربودن را مشخص کنند.

احتمال سوم آن است که ساعت به طور اتفاقی و تصادفی شکسته شده باشد؛ اما این فرض با ساعت و روزی که عقربه‌های ساعت بدان اشاره دارند؛ یعنی روز «اول» ماه (اول سپتامبر!) تناسب ندارد.

ج. در نتیجه با توجه به اتفاقاتی که در هتل هالیدی این افتاده ثابت می‌شود که افرادی مجهول‌الهویه از گذرنامه تغییر یافته استفاده کرده‌اند و نام و نشان جعل کرده‌اند که در این خصوص قرار لازم (DECLARATOIRE ACTE) یا حکم پیگرد دائم پرونده صادر خواهد شد.

همچنین به قطع و یقین ثابت شده است که ناپدید شدن امام و همراهانش در زمان حضور فرضی آنان در رم، نه در شب ۳۱ اوت و نه پس از آن تا ساعات پایانی صبح روز اول سپتامبر ۱۹۷۸ یعنی زمان وقوع حوادث هتل هالیدی این اتفاق نیفتاده است. دلایل اثبات این موضوع عبارتند از:

#### ۱. اظهارات کادر پرواز

با بررسی دقیق اظهارات کادر پرواز شماره ۸۸۱ به تاریخ ۳۱ اوت ۱۹۷۸ مربوط به شرکت هواپیمای آلبتالیا چنین نتیجه می‌گیریم که امام و همراهانش در این پرواز

حضور نداشته‌اند. اظهارات کادر پرواز از دو جهت قابل استناد و قانع کننده به نظر می‌رسد:

نخست آن که: در فاصله کوتاهی از روز حادثه (مابین ۱۹ تا ۲۵ سپتامبر ۱۹۷۸) به ثبت رسیده است.

دوم آن که: مشخصات ظاهری امام، ویژه و منحصر به فرد بوده و به سادگی از خاطر نمی‌رود.

حال به بیان اظهارات نامبردگان می‌پردازیم:

استانلی اورلندو، مهماندار پرواز، اظهار می‌دارد که او در قسمت درجه یک هواپیما مشغول به انجام وظیفه بوده است (امام و یارانش در این بخش از هواپیما سفر می‌کنند و فرض بر این است که در این بخش حضور داشته‌اند).

شاهد مذکور، این احتمال را که شخصی با مشخصات امام در این قسمت - که تنها هشت صندلی دارد - حضور داشته باشد، اکیداً نفی کرده است. همچنین استانلی می‌گوید که مسافری با قد و قامت امام حتماً در یافتن محل مناسبی برای نشستن با مشکل مواجه می‌شده اما چنین اتفاقی رخ نداده است.

او پس از دیدن عکس امام نیز با «تأکید» و قاطعانه تصریح کرد که امام در پرواز مذکور حضور نداشته است؛ اما در مورد شیخ یعقوب و بدرالدین نتوانست اظهار نظر کند.

بیجی پیرو، مهماندار بخش توریستی (درجه دو) هواپیما، تصریح می‌کند که در میان مسافران، فردی را با مشخصات ظاهری و مشابه امام ندیده است. عکس امام و همراهانش به وی ارائه شد و او هیچ‌یک از آنان را که در میان مسافران پرواز مذکور بوده باشند، نشناخت.

خانم کوچیانی لیچیا، مهماندار هواپیما گفته است که هنگام سوار شدن مسافران به هواپیما مقابل دری ایستاده بوده که همه مسافران از آن وارد هواپیما شده‌اند و اگر کسی با قد و قامت و جثه امام در میان مسافران می‌بود، هنگام ورود با مشکل مواجه می‌شد و او (مهماندار) ناگزیر می‌شد از مقابل در کنار برود اما چنین حالتی پیش نیامده و در هر صورت شخصی با ویژگیهای امام در میان مسافران بخش درجه یک هواپیما حضور نداشته است؛ زیرا اگر کسی با آن مشخصات آن جا می‌بود، باید یا در ردیف اول و یا در ردیف آخر می‌نشست.

خانم لیچیا با دیدن عکس امام امکان این که مشخصات ظاهری و چهره ایشان با یکی از مسافران هواپیما تطابق داشته باشد به کلی رد کرده؛ اما در مورد همراهانش

چیزی نگفته است.

آقای کانتینو سرژیو، مهماندار بخش توریستی (درجه دو) هواپیما، تصریح می‌کند در میان مسافران شخصی شبیه امام حضور نداشته است و امکان این‌که عکس‌های سه شخص مذکور (امام و همراهانش) با چهره مسافران هواپیما منطبق بوده باشد، وجود ندارد. او همچنین تأکید دارد که اگر چنین کسانی در هواپیما بودند حتماً آنها را می‌دیده و با دیدن عکسهایشان آنها را می‌شناخته است. او می‌افزاید:

«وقتی مسافری قد و قامت و جنه درشتی داشته باشد، صندلی مخصوصی

برای او در نظر گرفته می‌شود».

آقای بانیولو رابرت ریچارد، مهماندار بخش توریستی (درجه دو) هواپیما، تصریح کرده که مسافری مانند امام ندیده و تأکید دارد که چنین کسی در هواپیما نبوده است. وی می‌گوید:

«اگر کسی با آن قامت بلند و آن نوع لباس در هواپیما می‌بود، چهره‌اش در

ذهنم نقش می‌بست».

او نیز با دیدن عکسهای افراد مذکور، امکان حضور آنان در میان مسافران را نفی

کرده است.

## ۲. اظهارات کارکنان فرودگاه فیومپچینو و دو تن از مسافران

آقایان کاردونه آندره و مندرونه کارمینه بعدازظهر روز ۳۱ اوت ۱۹۷۸ در فرودگاه فیومپچینو مأمور بررسی گذرنامه‌های مسافران ورودی بوده‌اند. آن دو قاطعانه اعلام داشته‌اند که عکس امام و همراهانش با هیچ‌یک از مسافرانی که گذرنامه‌های آنان را بازرسی کرده‌اند، تطابق ندارد.

آقای فیدل آلفردو، کارمند اداره گمرک فرودگاه رم، اظهار می‌دارد که از ساعت ۶ بعدازظهر روز ۳۱ اوت تا ساعت ۸ صبح روز اول سپتامبر ۱۹۷۸ در بخش بازرسی و تفتیش گمرک فرودگاه مشغول انجام وظیفه بوده و تنها کارمندی بوده که بازرسی همه پروازهای بین‌المللی را برعهده داشته است.

آقای آلفردو نیز قاطعانه و با اطمینان کامل تصریح کرده که با توجه به مشخصات و ویژگیهای منحصر به فرد خاص امام، هیچ‌یک از سه فرد مورد نظر که عکسهایشان به او ارائه شده از برابر وی عبور نکرده‌اند.

او در تایید گفته خود بیان داشته که با توجه به اقامت طولانی مدت در قاهره، به

زبان عربی تسلط دارد و هنگامی که با مسافران عرب زبان روبه‌رو شود به زبان عربی

با آنان صحبت می‌کند.

همچنین دو تن از مسافران هواپیما به نامهای والنته الساندرو و دونسلمان ژوزفین - که در پرواز مذکور حضور داشته‌اند - تأکید دارند که شخصی با ویژگیهای امام را در هواپیما ندیده‌اند.

تمامی اظهارات فوق به ویژه گفته‌های آقای فیدل آلفردو که در فاصله کوتاهی از واقعه یعنی مابین روزهای ۲۰ تا ۲۳ سپتامبر ۱۹۷۸ به ثبت رسیده، همانند اظهارات وارده در بخش پیشین «دلایل اثبات مدعا» هستند.

### ۳. اظهارات گروهبان زوتو دوناتو، کارمند اداره امنیت و اطلاعات

در ساعت ۲۳:۳۵ شب ۳۱ اوت ۱۹۷۸ فردی که خود را عباس بدرالدین معرفی کرده به گروهبان زوتو، مسوول بازرسی گذرنامه در فرودگاه فیومپچینو، مراجعه و با ارائه بلیط سفر به مالت (با پرواز شماره ۴۹۰ مورخ ۱ سپتامبر ۱۹۷۸ هواپیمایی آیتالیا) رواید اقامت ۴۸ ساعته در ایتالیا را درخواست کرده و پس از آن که هتل ساتلایت را به عنوان محل اقامت خود معرفی می‌کند، رواید ورود دریافت داشته است.

گروهبان زوتو در تاریخهای ۱۹ و ۲۰ سپتامبر ۱۹۷۸ اظهار داشته که چهره شخص نامبرده با عکس موجود در گذرنامه منطبق بوده؛ اما او چهره فرد متقاضی رواید را به یاد ندارد. گروهبان زوتو با دیدن عکس عباس بدرالدین که گروه تحقیق به او نشان داد، گفته: «هرگز چنین کسی را ندیده است» و به یاد ندارد که فرد مراجعه کننده سیبل داشته باشد. (عکس عباس بدرالدین واقعی، دارای سیبل است).

پس از انجام تحقیقات مختلف از جمله تحقیقی که این مرکز در هتل ساتلایت و در بخش اقامت اتباع بیگانه پلیس شهر رم انجام داد، مشخص شد که شخصی به نام «بدرالدین عباس» یا «عباس بدرالدین» در شب ۳۱ اوت و پس از این تاریخ در هتل ساتلایت یا هیچ‌یک از هتل‌های دیگر شهر رم اقامت نداشته است.

همچنین با تحقیق از شرکتهای هواپیمایی مالت و آیتالیا مشخص شد که شخصی به نام «عباس بدرالدین» یا «بدرالدین عباس» با پرواز شماره ۴۹۰ هواپیمایی آیتالیا در روز اول سپتامبر یا دیگر روزهای هفته نخست سپتامبر به مالت سفر نکرده است.

این نتایج در نهایت با ثبت در بیانیته مرکز اطلاعات و تحقیقات امنیتی رم (DIGOS) به تاریخ ۱۲ دسامبر ۱۹۸۱ و با توجه به تحقیقات انجام شده در مالت بر مبنای درخواست مرکز فوق ثابت کرد که عباس بدرالدین در زمان مذکور به مالت سفر نکرده است.

بنابراین، شخصی که در ساعت ۲۳:۳۵ شب ۳۱ اوت ۱۹۷۸ با گذرنامه و نام عبّاس بدرالدین به گروهبان زوتو مراجعه کرده قلابی و ساختگی است. از سوی دیگر، چنان که گفتیم نه کادر پرواز شماره ۸۸۱ و نه کارمندان فرودگاه فیومپینو، بدرالدین را مشاهده نکرده و با او روبه رو نشده‌اند.

بنابراین، واضح است که فردی مجهول‌الهوئیّه با ارائه آدرس نادرست (هتل ساتلایت) و با جعل عنوان عبّاس بدرالدین واقعی در فرودگاه فیومپینو با هدف گمراه کردن، مدّعی شده که قصد سفر به مالت را دارد. ساعت ۲۳:۳۵ شب ۳۱ اوت ۱۹۷۸ زمانی است که گروهبان زوتو به فرد مذکور روایت اقامت داده است. فرد ناشناس این کار را بدان هدف انجام داده که آثار و نشانه‌های حضور خود را از دو فرد دیگری که در هتل هالیدی این به نام امام و شیخ یعقوب معرفی کرده‌اند، جدا کند.

ولی با تمام این اقدامات، برخی از وسایل شخصی بدرالدین مانند عکسها، مدارک و برخی از لباسها و حتی یکی از چمدانهای او در هتل هالیدی این کشف شده است و این همه به وضوح نشانگر آن است که تلاشها برای جدا پنداشتن بدرالدین از دو نفر دیگر، به درستی و با دقّت انجام نشده و به نظر می‌رسد که جاعلان و متقلبان از این جزئیات غافل مانده‌اند.

از سوی دیگر، چنان که از گفته‌های همسران ناپدید شدگان بر می‌آید هیچ دلیلی ندارد که آنان به ویژه در ایتالیا از هم جدا شده باشند؛ چرا که عبّاس بدرالدین به عنوان روزنامه نگار رسماً امام را در همه مراحل سفر، همراهی می‌کرده است.

#### ۴. ابهام در محلّ اقامت ناپدید شدگان در شب ۳۱ اوت ۱۹۷۸

مشخص شده است که سه نفر با معرفی خود به عنوان امام و همراهانش با پرواز شماره ۸۸۱ از طرابلس به رم آمده‌اند. این پرواز در ساعت ۲۳:۲۱ شب ۳۱ اوت ۱۹۷۸ وارد رم شده است و از آن زمان تا ساعت پایانی صبح روز اول سپتامبر ۱۹۷۸ زمان مراجعه به هتل هالیدی این، هیچ اثری از امام و شیخ یعقوب فرضی به دست نیامده است در حالی که آخرین آثار برجا مانده از بدرالدین فرضی نیز زمانی است که در ساعت ۲۳:۳۵ همان شب (۳۱ اوت) برای دریافت روایت به گروهبان زوتو مراجعه کرده است.

با توجه به مطالب پیش گفته، دادستان کلّ تنها دو احتمال را قابل طرح می‌داند: نخست آن که: افرادی که با پرواز شماره ۸۸۱ به رم آمده و از هواپیما پیاده شده‌اند واقعاً امام و همراهان او باشند.

دوم آن که: افراد پیاده شده از هواپیما دروغین و جعلی باشند.

اگر احتمال اول صحیح باشد، هیچ علت و سببی نمی‌توان یافت که چرا امام و یاران ایشان آن هم به اختیار خود، آثار و نشانه‌های خود را چندین ساعت محو کرده و پنهان شده‌اند. بر مبنای مدارک موجود هیچ دلیل معقول و منطقی وجود ندارد که سه فرد مذکور در شب ۳۱ اوت ناپدید شوند و فردای آن روز یعنی صبح اول سپتامبر تنها دو تن از آنان در هتل هالیدی این ظاهر شوند.

لازم به ذکر است که همسر و خواهر امام تأکید دارند که امام، مقامات لبنان را پیشاپیش از مراحل هر سفر خود و نیز کشورهای مقصد باخبر می‌کرده و این مقامات مقدمات لازم را برای پذیرایی از امام مهیا می‌کردند و با توجه به این نکته اصولاً نمی‌توان تصور کرد که نامشخص بودن محل اقامت امام از شب ۳۱ اوت تا صبح اول سپتامبر به اختیار و اراده خود آنان بوده است.

ممکن است کسی به این احتمال اشکال وارد کند و فرضیه ربوده شدن آنان را بلافاصله پس از رسیدن به شهر رم و یا به هر تقدیر در شامگاه ۳۱ اوت مطرح کند و علت یافت نشدن آثار و نشانه‌ای از آنان را در شب رسیدن به رم چنین توجیه نماید؛ اما این اشکال و این فرضیه اساساً فاقد مبنای منطقی است چرا که:

اولاً با ادله اثبات مطرح شده در موارد پیش گفته تناقض دارد؛ چنان که می‌دانیم با فرض این که افراد مذکور (امام و همراهانش) به رم آمده باشند، حضورشان در شهر رم کوتاه مدت، غیرقطعی و اتفاقی بوده است؛ زیرا چنان که گفتیم احتمال توقف آنان در شهر رم تنها در یک حالت امکان پذیر است و آن عبارت است از عدم امکان پرواز مستقیم از طرابلس به پاریس؛ بنابراین، حضور احتمالی و اتفاقی امام و یارانش در شهر رم به هیچ وجه نمی‌تواند شرایط و مقدماتی را فراهم کند که افراد مجهول‌الهویه‌ای که در رم حضور داشته‌اند، بتوانند برای عملیات پیچیده و پرمخاطره‌ای همچون ربودن آنان با آن سرعت برنامه‌ریزی، هماهنگی و اقدام کنند.

اجرای چنین عملیاتی تنها در صورتی قابل تصور است که بپذیریم افراد مجهول‌الهویه دیگری از طرابلس با سرعت خارق‌العاده رسیدن امام و یارانش را به همکاران خود در رم اطلاع دهند تا آنان عملیات را به اجرا درآورند.

ما نیز بدون پرداختن به جزئیات، تنها یادآور می‌شویم که برقراری ارتباط میان ربایندگان فرضی در طرابلس و رم بسیار دشوار بوده و چنان که از مستندات موجود برمی‌آید، برقراری ارتباط تلفنی از طرابلس به خارج از لیبی بسیار سخت بوده، چندان که افراد مذکور (امام و یارانش) نتوانسته بودند با خانواده‌های خود تماس تلفنی برقرار کنند.

حقیقت آن است که دلایل اثبات شده فوق همگی نشان دهنده آن است که احتمال سفر امام و یارانش به ایتالیا به کلی منتفی است. همچنین دلایل و مستندات فوق با اظهارات گردآوری شده پلیس امنیتی لیبی، تناقض دارد از آن جمله:

الف. المرغانی التومی، راننده دفتر تشریفات وزارت امور خارجه لیبی، به نیروهای امنیتی این کشور گفته است که غروب روز ۳۱ اوت ۱۹۷۸ شخصاً امام و یارانش را تا فرودگاه همراهی کرده؛ در حالی که تنها امام، لباس روحانی بر تن داشته و همراهانش لباس مدل غربی (کت و شلوار) پوشیده بوده‌اند؛ اما فرد مذکور (المرغانی التومی) بعداً در حضور صادرکنندگان بیابیه و بررسی دادستانی کل ایتالیا گفته است که یکی از همراهان امام نیز لباس روحانی بر تن داشته است.

ب. احمد الحطاب، مسؤول تشریفات رسمی فرودگاه طرابلس، اظهار داشته که امام و همراهانش را در ساعت ۱۹:۲۰ روز ۳۱ اوت ۱۹۷۸ در فرودگاه دیده، گذرنامه‌های آنان را دریافت کرده و نزد «الهادی الصداوی» رفته تا وی برای سه فرد مذکور، جای درجه یک تهیه کند. حطاب همچنین اظهار داشته که گذرنامه‌های نامبردگان را پس از سوار شدن به هواپیما به آنان بازگردانده و مقدمات سفر آنان را با آن پرواز «با نهایت سرعت» انجام داده؛ زیرا هواپیما «در آستانه پرواز بوده و چند دقیقه پس از ساعت ۲۰ پرواز کرده است».

این در حالی است که حطاب در حضور دادستان کل ایتالیا گفته است که جلد گذرنامه امام، قرمز رنگ بوده است.

ج. الهادی ابراهی الصداوی اظهار داشته «به یاد دارد» که امام و یارانش را در فرودگاه طرابلس دیده و برای تهیه جا در قسمت درجه یک هواپیما برای آنان تلاش کرده. و گفته است «دو تن» از آنان لباس روحانی بر تن داشته‌اند.

د. عبدالرحمن محمد غویلا، افسر گمرک فرودگاه طرابلس، گفته است که به یاد می‌آورد گذرنامه‌های سه فرد لبنانی مذکور را از احمد الحطاب دریافت کرده و بر آنها مهر خروج زده است.

هـ. احمد مسعود صلاح، افسر پلیس فرودگاه طرابلس، اظهار داشته که در حدود ساعت ۲۰ روز ۳۱ اوت مقابل راهرو ورودی به هواپیمای عازم رم - که محل عبور مسافران دارنده کارت خروج است - ایستاده بوده و به یاد دارد که «مسافران مذکور درست اندکی پیش از پرواز هواپیما به آن جا رسیده‌اند».

او همچنین به یاد دارد که دو تن از آنان لباس غربی (کت و شلوار) پوشیده بوده‌اند



و نفر سوم که بلند قامت و دارای محاسن بوده لباس روحانی بر تن داشته است. و. ستوان ابراهیم خلیفه عمر، از نیروهای پلیس شاغل در فرودگاه طرابلس، اظهار داشته که سه شخصیت لبنانی مذکور را دیده است که با عبور از سالن تشریفات رسمی فرودگاه به طرف هواپیمای پرواز ۸۸۱ می‌رفته‌اند و یکی از آنان لباس روحانی بر تن داشته است.

ز. محمد خلیفه صهبون، از مسافران هواپیما، به پلیس گفته که در تاریخ ۳۱ اوت ۱۹۷۸ با پرواز شماره ۸۸۱ و در قسمت درجه یک هواپیما از طرابلس به رم سفر کرده است و در میان همسفران پرواز، مرد بلند قامتی را مشاهده کرده که لباس روحانی بر تن داشته و در رم در حالی که کیف کوچکی در دست داشته پیاده شده است. او اظهار داشته که پس از رسیدن به رم، بلافاصله در همان شب به سوی شهر باسکارا ادامه مسیر داده است.

ح. مسافر دیگری به نام عیسی مسعود عبدالله المنصوری به پلیس لیبی گفته است که در بخش درجه دو (توریستی) همان هواپیما در همان شب به رم سفر کرده و نخستین بار در هواپیما و سپس در فرودگاه فیومپچینو سه نفر را دیده است که یکی از آنان بلند قامت و دارای محاسن بوده و لباس روحانی بر تن داشته است.

شاهد مذکور نزد دادستانی کل ایتالیا گفته است که مدت دو هفته در ایتالیا بوده است؛ یک هفته در رم، پنج روز در بولونیا و بقیه روزها را نیز در رم اقامت داشته است. او مدعی شده است که در شهر بولونیا در هتلی نزدیک میدان اصلی شهر و در رم در پانسیون فابریلو واقع در خیابان سیسرون میدان کاوور مقیم بوده است. او همچنین در حضور دادستان کل اظهار داشته که دو تن از سه فرد مذکور، لباس روحانی بر تن داشته‌اند.

ط. محمد محمود ولد داده، سفیر موریتانی در طرابلس، گفته است: «در روز ۳۱ اوت ۱۹۷۸ در حالی که نزدیک در اصلی فرودگاه ایستاده بودم، روحانی پرهیت و محترمی را مشاهده کردم و توجهم به او جلب شد. یک شهروند تبعه موریتانی نزدیک ایشان ایستاده بود که او را می‌شناختم. با وجودی که تا آن زمان هیچ‌گاه آن فرد روحانی را ندیده بودم، دانستم که او امام موسی صدر است؛ زیرا اولاً آن فرد تبعه موریتانی ایشان را معرفی کرد و امام به اندازه کافی مشهور و شناخته شده هستند».

شاهد مذکور مدعی است که عصر روز ۳۱ اوت ۱۹۷۸ در فرودگاه حضور داشته و هیأت اعزامی را از موریتانی که برای شرکت در جشنهای انقلاب لیبی در اول

سپتامبر به طرابلس آمده، همراهی کرده است.

ی. محمدعلی الرحیبی، افسر اطلاعات لیبی، پس از بیان این که در زمان ناپدید شدن امام در لیبی حضور نداشته و از ۲۰ اوت تا ۴ سپتامبر ۱۹۷۸ در عربستان سعودی به سر می برده، تصریح کرده است که در تاریخ ۱۸ سپتامبر ۱۹۷۸ برای تحقیق درباره سرنوشت امام به ایتالیا آمده و از جمله مواردی که بدان دست یافته این است که گذرنامه امام به ویژه عکس امام، سالم و بدون اشکال بوده و بدون خدشه در محل الصاق عکس قرار داشته است.

لازم به ذکر است که نظر حکم این مرکز (دادستانی کل) بر دلایل یقینی و انکارناپذیر و کاملاً منطبق با یکدیگر؛ چه از لحاظ منطقی و چه از نظر رویدادهای ملموس و عینی، استوار است.

بنابراین، منابع و مبنای دلایل مورد استناد در تحقیقات دولت لیبی، در موارد متعدد، شک برانگیز و تردیدآور است از جمله:

۱. در برابر این واقعیت که محققان ایتالیایی، بی درنگ و با سرعت برای دستیابی به مدارک و دلایل موجود اقدام کرده اند، ملاحظه می شود که تحقیقات نیروهای امنیتی لیبی با تأخیر بسیار در تاریخ ۳ نوامبر ۱۹۷۸ آغاز شده است.

۲. با توجه به تأخیر در آغاز تحقیقات (که در بالا بدان اشاره شد) برخی از اظهارات و گفته های بسیار دقیق شاهدان لیبیایی در رابطه با وقایع شامگاه ۳۱ اوت ۱۹۷۸ شک برانگیز است.

۳. از سوی دیگر، علی رغم بیان بسیار دقیق برخی از جزئیات شاهدان در گفته ها و اظهارات خود به تناقض گویی دچار شده اند و برخی از بیانات آنان از دقت لازم برخوردار نیست به گونه ای که:

الف. یکی از شاهدان لیبیایی به نام المرغانی التومی یک بار گفته است که تنها امام لباس روحانی بر تن داشته است؛ اما خود او در جای دیگر گفته که شیخ یعقوب نیز لباس روحانی پوشیده بود. اظهارات او لیه او به هیچ وجه با گفته های همسر شیخ یعقوب مبنی بر این که شوهرش هیچ گاه لباس شخصی (غیر روحانی) نداشته و از آن استفاده نمی کرده مطابقت ندارد.

ب. شاهد دیگر به نام احمد الحطاب مدعی شده که هماهنگیهای مربوط به سفر (امام و یارانش) را با «سرعت بسیار» به انجام رسانده؛ زیرا هواپیما «در آستانه پرواز بوده است» این در حالی است که هواپیما با یک ساعت تاخیر در ساعت ۲۱ فرودگاه را ترک کرده است و بر این اساس، سرعت و عجله مورد بحث بی دلیل است. همچنین

معلوم نیست که چرا امام که می‌خواست با پرواز مذکور مسافرت کند، هتل الشاطی (محل اقامت خود) را با تأخیر ترک کرده است؟! مگر این که بگوییم امام از تأخیر در پرواز اطلاع داشته و این مسئله‌ای نیست که کسی پیشاپیش از آن باخبر باشد. از طرفی راننده‌ای که مدعی است امام را به فرودگاه برده درباره «عجله» و «سرعت» سخنی نگفته است.

تناقضات فوق در گفته‌های شاهد دیگر، احمد مسعود صلاح نیز مشاهده می‌شود. همچنین «خطاب» رنگ جلد گذرنامه امام را قرمز عنوان کرده که این گفته صحّت ندارد.

ج. شاهد دیگر الهادی ابراهی الصدای گفته است که دو تن از نامبردگان لباس روحانی بر تن داشته‌اند در حالی که دو شاهد دیگر احمد مسعود صلاح و ابراهیم خلیفه عمر، اظهار داشته‌اند که تنها یک نفر از آنان لباس روحانی پوشیده بوده و دو نفر دیگر لباس غربی (کت و شلوار) به تن داشته‌اند.

د. شاهد دیگر عیسی مسعود عبدالله المنصوری به پلیس لیبی گفته است که تنها یک نفر لباس روحانی داشته است اما خود او در حضور دادستان کل ایتالیا اظهار داشته که دو نفر لباس روحانی به تن داشته‌اند.

شاهد مذکور مدعی است که در قسمت درجه دو هواپیمای پرواز ۸۸۱ مسافرت می‌کرده اما با توجه به تحقیقات انجام شده از سوی این مرکز (دادستانی کل) گفته‌های وی صحّت ندارد و او در زمان مورد بحث در ایتالیا اقامت نداشته و در شهرهای رم یا بولونیا و یا هیچ شهر دیگری ساکن نبوده است.

۴. گفته‌ها و خاطرات شاهد دیگر محمد خلیفه صهبون چندان جزئی و دقیق است که ایجاد شک و شبهه می‌کند. او مدعی است که به همراه امام با همان پرواز از طرابلس به رم سفر کرده؛ اما باید گفت که بر اساس تحقیقات انجام شده از سوی این منبع (دادستانی کل) نامبرده در مدت مذکور در ایتالیا و به خصوص در شهر باسکارا اقامت نداشته است.

۵. گفته‌های محمد علی الرحیبی نیز از چندین جهت شک‌برانگیز است؛ به خصوص آن‌جا که مدعی شده گذرنامه امام و عکس الصاق شده به آن، صحیح و سالم بوده است، زیرا با توجه به مدارک و اسناد پلیس ایتالیا و نیز بر اساس بررسی‌های انجام شده از سوی دادستانی کل، عکس الصاق شده به گذرنامه مخدوش بوده و اشکالاتی دارد که پیش‌تر بدان اشاره کردیم.

۶. گفته‌های سفیر سابق موریتانی در لیبی، محمد محمود ولد داده نیز کاملاً

شک برانگیز است؛ زیرا در بخشی از تصویر صفحه‌ای از روزنامه «الشعب» چاپ موریتانی مورخ ۳۱ اوت ۱۹۷۸ که وکلای خانواده امام ارائه کرده‌اند، خبری با عنوان «سفر هیأت بلندپایه به لیبی» جلب توجه می‌کند. در این خبر آمده است که هیأت موریتانی صبح روز قبل (۳۰ اوت) برای شرکت در جشنهای انقلاب لیبی که در روز اول سپتامبر برگزار می‌گردد، خاک موریتانی را ترک کرده است.

با توجه به خبر یاد شده می‌توان دریافت که شاهد مذکور عصر روز ۳۱ اوت در فرودگاه طرابلس حاضر نبوده است بلکه حضور او در فرودگاه طرابلس در روز پیش از آن بوده؛ زیرا هیأت اعزامی از موریتانی دقیقاً در ۳۰ اوت به لیبی سفر کرده بود و بی‌تردید شخصی که او مشاهده کرده، امام موسی صدر نبوده است.

آخرین نکته در مورد شاهد اخیر، آن که او امام را نمی‌شناخته از این رو پذیرفتن این که حضور امام توجه وی را جلب کرده و چهره ایشان در ذهن او مانده باشد، دشوار است (هرچند امام شخصیتی شناخته شده و دارای ظاهری مشخص بوده‌اند)، به ویژه آن که شاهد مذکور اظهارات خود را حدود یک سال و سه ماه پس از واقعه بیان کرده است.

بدین ترتیب، علاوه بر حوادث و وقایع مذکور ثابت می‌شود که هیچ‌یک از جرایمی که در حق اشخاص مورد بحث صورت گرفته در خاک ایتالیا رخ نداده است. از این رو، بر مبنای اصل «سرزمینی بودن قوانین کیفری» و با توجه به این که دستگاه قضایی ایتالیا تنها در محدوده سرزمین و خاک این کشور از صلاحیت پیگیری جرایم برخوردار است و این که داشتن صلاحیت از شروط پیگرد دعاوی است، راهی وجود ندارد جز این که پرونده ناپدید شدن امام موسی صدر و دو همراه او و هر جنایت دیگری که بر آنان واقع شده، مختومه اعلام گردد؛ بنابراین، از قاضی تحقیق پرونده درخواست می‌گردد که:

الف. پرونده مربوط به ناپدید شدن امام موسی صدر و شیخ محمد یعقوب و عباس بدرالدین را مختومه اعلام کند.

ب. به علت مجهول‌الهوئیته بودن متهمان به ارتکاب جرم، پیگرد در خصوص دیگر جرایم مذکور در پرونده را نیز متوقف کند.

۲۰ اکتبر ۱۹۸۱

دادستان کل ایتالیا

دکتر سالواتوره وکیونی

## رأی قاضی تحقیق پرونده

پس از آن، قاضی تحقیق پرونده امام موسی صدر، دکتر دومینیکو نوسترو، نیز با بررسیهای فراوان همان نظر را تأیید کرد و در پایان، دستور مختومه شدن پرونده را صادر کرد. متن بررسی و رأی قاضی تحقیق چنین است:

جمهوری ایتالیا

به نمایندگی از ملت ایتالیا

ثبت در دفتر دادستانی کل به شماره ۱۸/۳۰

ثبت در دفتر بخش تحقیق به شماره ۱ B ۸۸/۸/۶۸

دادگاه رم

بخش تحقیق شعبه ۲۱

قرار ختم پرونده و عدم امکان اقامه دعوی جزایی

قاضی تحقیق: دکتر دومینیکو نوسترو

پس از اطلاع از مدارک اقامه دعوا علیه افراد مجهول الهویه به اتهام:

الف. جرم مذکور در مواد ۱۱۰ و ۴۹۴ قانون کیفری مبنی بر مشارکت در جعل

عنوان موسی صدر و یعقوب شحاده.

ب. جرم مذکور در مواد ۴۷۶، ۱۱۰ و ۴۸۲ قانون کیفری مبنی بر مشارکت در جعل

گذرنامه موسی صدر و استفاده از آن در ایتالیا.

ج. جرم مذکور در مواد ۱۱۰ و ۸۰ قانون کیفری مبنی بر اقدام و مشارکت در جعل

مفاد فرم پذیرش هتل هالیدی این و جعل امضا و عنوان یعقوب محمد شحاده که در

تاریخ اول سپتامبر ۱۹۷۸ در شهر رم اتفاق افتاده؛ و پس از اطلاع از مدارک و اسناد

مربوط به اقامه دعوا در خصوص ناپدید شدن رهبر شیعیان، موسی صدر، و همچنین

محمد شحاده یعقوب و عباس بدرالدین مشخص گردید که:

اداره پلیس شهر رم در گزارش مورخ ۱۰ سپتامبر ۱۹۷۸ به دادستان کل کشور

اطلاع داد که در روز سیزدهم همان ماه خبرگزاریها اعلام کردند که رهبر طایفه شیعیان

لبنان، امام موسی صدر به همراه دو تن از معاونین خود در تاریخ ۲۵ اوت گذشته لبنان

را به قصد دیدار رسمی از کشور لیبی ترک کرده و تاکنون به کشور خود بازنگشته اند.

بنابر اخبار منتشره در روزنامهها دولت لبنان در این باره از حکومت لیبی توضیح

خواسته و مقامات لیبیایی در پاسخ اظهار داشته اند که امام پس از پایان دیدار از لیبی

در تاریخ ۳۱ اوت با پرواز هواپیمایی آیتالیا به رم رفته اند؛ در حالی که سفارت لبنان

در رم خبری در مورد سفر رهبر شیعیان این کشور به پایتخت ایتالیا منتشر نکرده است.

همان گزارش (مورخ ۱۸ سپتامبر ۱۹۷۸) حاکی است که یکی از اعضای برجسته سازمان آزادی بخش فلسطین اعلام کرده که سازمان شیعیان لبنان در بیروت با صدور بیانیه‌ای اعلام داشته که تنی چند از شیعیان لبنان، امام موسی صدر و یارانش را در حالت عادی در شامگاه روز اوّل سپتامبر یعنی پس از تاریخ سفر فرضی آنان به رم مشاهده کرده‌اند.

در پایان گزارش چنین آمده است که بر اساس تحقیقات انجام شده در واحد اطلاعات و امنیت فرودگاه فیومپینو رم، اشخاصی با نامهای موسی صدر، محمد یعقوب و عباس بدرالدین با پرواز شماره ۸۸۱ هواپیمایی آلیتالیا در شامگاه ۳۱ اوت از طرابلس به رم وارد شده‌اند؛ اما برخلاف اظهارات شخصی که به نام عباس بدرالدین برای دریافت روایت ۴۸ ساعته ورود به ایتالیا به این اداره مراجعه کرده هیچ یک از آنان فردای آن روز با پرواز ۴۹۰ هواپیمایی آلیتالیا به مالت عزیمت نکرده‌اند.

در ادامه با استعلام از سفارت ایتالیا در لیبی مشخص شد که در تاریخ ۳۱ اوت سفارت مذکور روایت ورود به ایتالیا برای موسی صدر و محمد یعقوب صادر کرده است.

در تاریخ ۲۴ سپتامبر دادستانی کل کشور (ایتالیا) با اطلاع از این که چمدانهای امام و شیخ یعقوب در هتل هالیدی این شهر رم یافت شده، چمدانها را تحت نظارت قضایی قرار داده و با بررسی محتویات آنها وسایل و لباسهای شخصی و مدارک و اوراق تایپ شده‌ای را که به صورت کاملاً بی نظم در چمدانها با هم آمیخته شده بود، به دست آورد. همچنین در اتاقهای اجاره شده برای دو فرد مذکور، گذرنامه‌های موسی صدر و محمد یعقوب - که صفحات آن باز بوده و در معرض دید قرار داشت - کشف گردید.

پس از دریافت عکسهای امام از خانواده ایشان، تحقیقاتی آغاز شد تا مشخص گردد که آیا رهبر شیعیان در پرواز شماره ۸۸۱ آلیتالیا در تاریخ ۳۱ اوت ۱۹۷۸ حضور داشته و در ساعات پایانی همان شب در فرودگاه فیومپینو رم از هواپیما پیاده شده و این که آیا به هتل هالیدی این مراجعه کرده و در آن اقامت داشته است یا خیر.

بر اساس تحقیقات انجام شده، پاسخ به پرسشهای فوق، قاطعانه منفی بود؛ چرا که کادر پرواز، مسافران هواپیما، کارکنان فرودگاه و کارگران هتل هالیدی این، هریک در اظهارات خود قاطعانه اعلام کردند که در محل انجام وظیفه، شخصی را که مشخصاتش

با مشخصات ظاهری امام منطبق باشد، مشاهده نکرده‌اند.

همچنین تحقیقات انجام شده نشان داد که امام و همراهانش در تاریخ ۳۱ اوت با هیچ‌یک از شرکتهای هواپیمایی به هیچ نقطه‌ای در خاورمیانه و خاور نزدیک مسافرت نکرده‌اند.

همچنین با توجه به تحقیقات مذکور سه فرد نامبرده در هیچ‌یک از هتل‌های دیگر رم نیز اقامت نداشته‌اند.

پس از اخذ نیابت قضایی بین‌المللی در تاریخ ۳۰ نوامبر ۱۹۷۸ و استماع اظهارات یکی از اتباع کشور فرانسه به نام نزار علی، مشخص شد که وی در شهر طرابلس (پایتخت لیبی) در همان هتل اقامت داشته که امام و همراهانش در آن ساکن بوده‌اند. نزار علی بعد از ظهر روز ۳۰ اوت ۱۹۷۸ و عصر همان روز امام را دیده است. امام که با خبر شده بود نزار علی روز بعد یعنی ۳۱ اوت به فرانسه باز خواهد گشت نامه‌ای به زبان عربی به او داده که (پس از رسیدن به پاریس) آن را به خانواده امام که در فرانسه به سر می‌بردند، برساند. امام در آن نامه به خانواده خود اعلام کرده بودند که روز شنبه یا یکشنبه بعد (دوم یا سوم سپتامبر ۱۹۷۸) قصد سفر به فرانسه را دارند.<sup>۱</sup>

شاهد مذکور (نزار علی) گفته است که از سخنان امام و همراهانش در هتل دریافت کرده موسی صدر منتظر دیدار با قذافی بوده و پس از لغو دو وقت ملاقات پیشین، وعده ملاقات دیگری در روز جمعه اول سپتامبر معین شده بود، از این رو، وی (نزار علی) معتقد است با وجودی که امام قصد داشتند در اسرع وقت به پاریس بروند اما امکان ترک طرابلس پیش از روز دوم یا سوم سپتامبر برای ایشان میسر نبوده است. شاهد مذکور می‌افزاید:

«امام هیچ‌گونه اشاره‌ای به سفر به رم نداشتند اما (عبّاس) بدرالدین یادآور شده بود که در صورت عدم امکان پرواز مستقیم به پاریس، احتمال عبور از رم وجود دارد».

بر اساس دلایل فوق و پس از آن که برای دادستان کل کشور ثابت شد که احتمال وقوع جرم و جنایتی علیه موسی صدر در خاک ایتالیا منتفی است، دادستان کل در تاریخ ۹ می ۱۹۷۹ صدور «قرار عدم امکان اقامه دعوی کیفری» را از قاضی تحقیق پرونده خواستار شد و قاضی تحقیق نیز در تاریخ ۷ ژانویه ۱۹۷۹ قرار مذکور را صادر کرد.

در ادامه، دفتر نمایندگی جماهیری عربی خلق لیبی در رم و با ارسال یادداشتی در تاریخ ۱۰ فوریه ۱۹۸۰ به دادستان دادگاه استیناف رم انجام تحقیقات تکمیلی را در این باره خواستار شد.

به ضمیمه این یادداشت، نسخه‌ای از تحقیقات پلیس لیبی که در تاریخ ۳ نوامبر ۱۹۷۹ آغاز شده و بخش اعظم آن را اظهارات شاهدان لیبیایی و یک شاهد اهل موریتانی تشکیل می‌داد، ارسال شده بود.

پس از پذیرش درخواست حکومت لیبی، دادستان کل ایتالیا تحقیقات اولیه و دقیقی را با استماع اظهارات شاهدان متعدد لبنانی و لیبیایی که در تحقیقات انجام شده در دو کشور نامبرده نیز استماع شده بود از سرگرفت.

در تاریخ ۲۳ سپتامبر ۱۹۸۱ پرونده به دادستان دادگاه استیناف ارجاع شد و او نیز پس از انجام تحقیقات تکمیلی صدور قرار ختم پرونده ناپدید شدن امام موسی صدر و شیخ محمد یعقوب و عباس بدرالدین و نیز صدور قرار منع پیگرد در خصوص دیگر جرایم مذکور در پرونده به علت مجهول‌الهوئه ماندن عاملان آن را خواستار شد.

از این رو، با توجه به این که خواسته‌های جناب دادستان کاملاً بجا بود، باید مورد پذیرش قرار گیرد؛ زیرا تحقیقات تکمیلی و دقیقی که به انجام رسید، نتایج تحقیقات پیشین را کاملاً تأیید کرد و دلایل و قراین متعددی به دست آمد که کوچکترین تردیدی در آنها راه ندارد. این دلایل و قراین قاطعانه بیانگر آن است که در خاک ایتالیا هیچ جرمی علیه موسی صدر و محمد یعقوب و عباس بدرالدین واقع نشده است؛ زیرا به اثبات رسیده که اصولاً آنان در ساعات پایانی شب ۳۱ اوت ۱۹۷۸ با پرواز ۸۸۱ هواپیمایی آیتالیا از طرابلس به رم سفر نکرده‌اند، بلکه اشخاص مجهول‌الهوئه دیگری خود را به جای آنان معرفی کرده و ورود و اقامت آنان را در کشور ایتالیا صحنه‌سازی کرده‌اند.

با توجه به اصل مشهور «سرزمینی بودن قوانین کیفری» این جانب قاضی تحقیق پرونده لازم می‌دانم احتمال ناپدید شدن امام و همراهانش را در خاک ایتالیا بررسی کنم و این فرضیه ضمنی را که نامبردگان قربانی گروهکهای تروریستی و شبکه‌های زیرزمینی جاسوسی در کشور ایتالیا شده‌اند، در نظر گیرم.

برای بررسی احتمال مذکور به صورت عرضی و ضمنی (incidente) لازم است که احتمال ناپدید شدن سه فرد نامبرده در خاک لیبی را نیز در نظر آوریم تا دلایل اثبات یا نفی احتمال ناپدید شدن آنان در ایتالیا روشن گردد.

از این رو، بهتر آن است که وقایع و رویدادهای سفری را که گفته می‌شود امام



موسی صدر و یارانش محمد یعقوب و عباس بدرالدین به رم داشته‌اند از ابتدا مورد بازنگری و دقت قرار دهیم.

در خصوص مراجعه فرضی امام موسی صدر و محمد یعقوب به هتل هالیدی این شهر رم، باید توجه داشت که در تاریخ مورد بحث و در میان مراجعه‌کنندگان به هتل مذکور دو نفر بوده‌اند که یکی از آنان لباس علمای دین بر تن داشته و اتاقهای ۷۰۱ و ۷۰۲ را برای مدت یک هفته اجاره نموده و هزینه اقامت را نیز یک جا پیش پرداخت کرده‌اند.

دو فرد مذکور، گذرنامه‌های امام و یعقوب را ارائه کرده‌اند و شخصی که گذرنامه شیخ یعقوب را در دست داشته فرمهای پذیرش اتاقها را برای خود و برای نفر دوم تکمیل کرده و تنها فرم مربوط به خودش را امضا نموده است. هر دو نفر به اتاقها رفته‌اند و پس از حدود ده دقیقه با لباس مدل اروپائیان (کت و شلوار) از هتل خارج شده‌اند و از آن لحظه تا کنون کسی آنان را مشاهده نکرده است.

با گذشت هفت روز از تاریخ رزرو، در اتاقها گشوده شد و مشخص شد که تختها استفاده نشده‌اند. چهار چمدان و دو گذرنامه متعلق به امام و یعقوب در اتاقها به دست آمده است.

اینها نتایجی هستند که از اظهارات کارکنان هتل به نامهای نیکولاس لئوناردو، کولانجلو پی یترو، زامبوکو مارگریتا، سدرونی آلبرتو و دورانته جوزپه به دست آمده‌اند.

نامبردگان در اظهارات خود در تحقیقات اولیه که با حضور دادستان و در تاریخهای ۲۶ و ۲۷ سپتامبر ۱۹۷۸ انجام شد، جزئیاتی در مورد مشخصات ظاهری دو فرد مراجعه‌کننده به هتل بیان داشته‌اند که با ویژگیهای امام و شیخ یعقوب کاملاً تفاوت دارد. آنان پس از دیدن امام موسی صدر، این احتمال را که مشخصات امام با ویژگیهای هر یک از دو فرد مراجعه‌کننده به هتل منطبق باشد به کلی منتفی دانسته‌اند.

قابل ذکر است که هیچ‌یک از شاهدان نامبرده نگفته‌اند که فردی که خود را به جای امام معرفی کرده دارای محاسن و سبیل باشد؛ حتی دو شاهد به نامهای سدرونی آلبرتو و دورانته جوزپه تأکید داشتند که فرد مراجعه‌کننده به هتل، فاقد ریش و سبیل بوده است و این در حالی است که داشتن محاسن و سبیل از جمله ویژگیهای خاص و بارز امام است.

از سوی دیگر کارکنان هتل به جانشین مدیر هتل، هابر زیگفردو، اعلام کرده‌اند که دو فرد مذکور تقریباً همسن بوده و در حدود سی سال داشته‌اند؛ در حالی که امام و شیخ

یعقوب بیست سال با یکدیگر تفاوت سن دارند زیرا امام متوّلد سال ۱۹۲۸ م و شیخ یعقوب متوّلد سال ۱۹۴۸ م است.

شناسایی نشدن امام از سوی کارکنان هتل هالیدی این را باید دلیلی برای اثبات این امر دانست که دو نفر که ویژگیهایشان با امام موسی صدر و شیخ محمد یعقوب مطابق نبوده، صبح روز اول سپتامبر ۱۹۷۸ با مراجعه به هتل مذکور خود را به جای آنان معرفی کرده‌اند. این نکته را از یک سو با توجه به هماهنگی و تطابق کامل میان اظهارات شاهدان و استماع فوری و بدون فاصله زمانی گفته‌های آنان و از سوی دیگر با توجه به ویژگیهای بارز و منحصر به فرد امام با قامتی به طول ۱۹۰ سانتی متر، ریش پرپشت، لباس علمای دین اسلام و اندام درشت ایشان می‌توان نتیجه گرفت.

علاوه بر اینها دلایل مؤکد دیگری نیز وجود دارد که نشان می‌دهد اشخاصی خود را به جای امام و شیخ یعقوب به هتل معرفی کرده‌اند.

با توجه به اظهارات کولانجلو، زامبوکو، سدرونی و دورانته چنین برمی‌آید که شخصی که خود را به جای موسی صدر معرفی کرده بلافاصله پس از آگاهی از شماره اتاق خود به تنهایی به طبقه‌ای که اتاق در آن قرار داشته رفته و شروع به قدم زدن در راهرو کرده است تا همراه او که در لابی هتل مشغول انجام امور پذیرش و تکمیل فرم پذیرش بوده از راه برسد.

از این گفته چنین برمی‌آید شخصی که خود را به جای امام معرفی کرده با توجه به تفاوت ویژگیهایش با امام، تمام تلاش خود را به خرج داده تا حتی الامکان دور از انظار باشد و کمتر دیده شود. خروج سریع او از هتل نیز به همین سبب بوده است و این همه را بدان سبب انجام داده که از شکست زود هنگام و نافرجام ماندن سناریوی ساختگی، جلوگیری کند.

دلایل قاطع دیگری نیز از اظهارات خانواده‌های امام و شیخ یعقوب و گذرنامه‌های آنان که در هتل به دست آمده و همچنین چمدانهای آنان و فرمهای پذیرش هتل که به نام آنان تکمیل شده به دست می‌آید که نشان می‌دهد افرادی با مراجعه به هتل هالیدی این اقدام به جعل شخصیت و تقلّب نموده‌اند.

در واقع همسر و خواهر امام و همسر شیخ یعقوب این امکان را که آن دو لباس شخصی (غیر روحانی) داشته باشند یا از آن استفاده کنند، به کلی رد کرده‌اند؛ در حالی که دو فرد مراجعه کننده به هتل، یکی به هنگام ورود و هر دو به هنگام خروج چنین لباسی بر تن داشته‌اند.

از طرفی اظهارات نامبردگان و نیز گفته‌های همسر عباس بدرالدین نشانگر آن

است که کیف سامسونت به رنگ خاکستری تیره که در میان چمدانهای بجامانده در هتل به دست آمده به عباس بدرالدین تعلق ندارد و این که محتویات همه چمدانها به شکل کاملاً بی‌نظم با یکدیگر آمیخته شده‌اند و علاوه بر وسایل شخصی موسی صدر، محمد یعقوب و عباس بدرالدین، وسایل متعلق به افراد ناشناس دیگری از جمله یک کیف چرمی قهوه‌ای رنگ با عکس اسب و درشکه کاغذی که در آن آدرس هتل هالیدی این با خطی غیر از خط ربه‌شده‌گان نوشته شده، یک کراوات قهوه‌ای رنگ، یک لباس سفیدرنگ و یک زیرپوش به رنگ مایل به زرد نیز در آنها به دست آمد.

دقت در این نکته‌ها نشان می‌دهد که چمدان متعلق به عباس بدرالدین نباید در میان چمدانهای بجامانده در هتل هالیدی این باشد؛ زیرا فرض بر آن است که صاحب آن - چنان که بعداً اشاره خواهیم کرد - مسیر دیگری را برای ادامه سفر در پیش داشته که با مسیر سفر امام و یعقوب، متفاوت بوده است.

همچنین با توجه به پراکندگی و بی‌نظمی وسایل شخصی نامبردگان و درهم آمیختگی آنها با یکدیگر - که دلیلی برای آن نمی‌توان یافت؛ زیرا آنان با هم دوست و همکار بوده‌اند اما روابط نزدیک و خودمانی باهم نداشته‌اند - و نیز با توجه به وجود وسایلی که به هیچ‌یک از ناپدیدشدگان تعلق ندارد، می‌توان چنین نتیجه گرفت که وسایل مذکور را با عجله و بدون دقت و توجه جمع‌آوری کرده‌اند و این موضوع می‌تواند با حادثه ناپدید شدن آنان در ارتباط باشد. گم شدن کیف حاوی مدارک عباس بدرالدین نیز با همین فرضیه قابل توجیه است.

نکته دیگری که در رابطه با چمدانهای یافت شده در هتل باید بدان توجه داشت آن است که در یکی از چمدانها ساعت مچی متعلق به امام که شیشه آن شکسته، بند آن جدا شده و در تاریخ «۱» و ساعت «۱:۱۴» از کار افتاده به دست آمده است. این نکته‌ها تنها با یک فرضیه قابل توجیه است؛ زیرا جدا شدن بند و از کار افتادن ساعت در تاریخ «۱» نشان می‌دهد که شکستن و از کار افتادن آن نمی‌تواند بر اثر یک اتفاق ساده باشد.

اما در خصوص گذرنامه‌ها ابتدا باید خاطر نشان کرد که آن دو گذرنامه حقیقتاً متعلق به امام و شیخ یعقوب بوده و کارکنان هتل آنها رایافته‌اند، در حالی که در اتاقها و در معرض دید قرار داشته‌اند. نکته قابل توجه آن که گذرنامه سیاسی امام مورد جعل و تقلب قرار گرفته به گونه‌ای که بخشی از عکس آن جدا شده و آثار مهر خشک شده روی عکس به طور کامل با مهر موجود در صفحه سه گذرنامه تطابق ندارد. پشت عکس نیز آثاری از کاغذ دیگری غیر از گذرنامه مشاهده می‌شود؛ در حالی که در هیچ

جای گذرنامه اثری از کنده شدن عکس دیده نمی‌شود؛ بنابراین، نتیجه منطقی به دست آمده آن است که عکس گذرنامه از ورقه دیگری جدا شده و آثار آن ورقه بر روی عکس باقی مانده و وضعیت عکس به گونه‌ای است که نشان می‌دهد عکسی که در ابتدا به گذرنامه الصاق شده از آن جدا شده است و این ثابت می‌کند شخصی که خود را به جای امام معرفی کرده گذرنامه را جعل و در آن دستکاری کرده است.

اما این که چرا عکسی که ابتدا از گذرنامه جدا شده دوباره بر آن الصاق نشده، می‌تواند به علت پارگی یا مخدوش شدن عکس به هنگام جداسازی و یا به خاطر اشتباه شخص جعل‌کننده باشد.

آخرین نکته در خصوص فرمهای پذیرش هتل آن است که بنا بر اظهارات کارکنان هتل، شخصی که خود را به جای یعقوب معرفی کرده است را تکمیل کرده و فرم مربوط به خودش را نیز امضا کرده است.

در این خصوص نیز باید به طور تردیدناپذیر ثابت شود که شخصی غیر از یعقوب فرمها را تکمیل و فرم مربوط به خودش را امضا کرده است.

پیش از هر چیز باید گفت که فرمها با حروف درشت و خطی ناخوانا و ابتدایی تکمیل شده که نشان می‌دهد آن خط متعلق به کسی است که سطح تحصیلات او به شکل قابل ملاحظه‌ای پایین‌تر از سطح علمی محمد یعقوب است که بنا بر مفاد مندرج در گذرنامه‌اش دارای دکترای فلسفه است.

همسر شیخ یعقوب این احتمال را که خط و امضای فرمهای پذیرش متعلق به همسرش باشد، قاطعانه رد کرده است. همچنین امضای موجود در فرم تکمیل شده به نام یعقوب با امضای موجود در گذرنامه او نیز کاملاً تفاوت دارد.

و بالأخره این که نامهای امام و شیخ یعقوب حاوی غلطهای املایی واضح است به ویژه آن که اسم یعقوب با خط درشت و به صورت محمد شحاده نوشته شده است و چنانکه گذرنامه نشان می‌دهد شحاده نام پدر محمد یعقوب است.

همچنین پاسخ به این پرسش که آیا همراه دیگر امام یعنی عباس بدرالدین، شامگاه ۳۱ اوت ۱۹۷۸ به ایتالیا آمده و مدتی در این کشور اقامت داشته قطعاً منفی است.

حقیقت آن است که در ساعت ۲۳:۳۵ آن شب شخصی که خود را عباس بدرالدین معرفی کرده به بخش صدور روادید فرودگاه فیومپینو مراجعه و روادید اقامت ۴۸ ساعته در ایتالیا را درخواست کرده است. او همچنین با ارائه بلیط پرواز شماره ۴۹۰ هواپیمایی آلیتالیا به مقصد مالت در روز پس از آن، محل اقامت خود را هتل ساتلایت اعلام کرده است.

گروهان زوتو که برای عباس بدرالدین فرضی روادید موقت صادر کرده در اظهاراتی که در تاریخهای ۱۹ و ۲۰ سپتامبر ۱۹۷۸ به ثبت رسیده با دیدن عکس عباس بدرالدین تصریح می‌کند که هرگز بدرالدین واقعی را مشاهده نکرده است. پس از انجام تحقیقات در هتل ساتلایت و بررسی فرمهای پذیرش هتل‌ها که در اداره پلیس شهر رم نگهداری می‌شود، مشخص شد که هیچ شخصی به نام عباس بدرالدین در شامگاه ۳۱ اوت به هتل ساتلایت یا هیچ‌یک از هتل‌های دیگر پایتخت مراجعه نکرده است.

همچنین با استعلام از شرکتهای هواپیمایی مالت و ایتالیا و انجام تحقیقات در مالت معلوم شد که شخصی به نام عباس بدرالدین در پرواز شماره ۴۹۰ هواپیمایی آیتالیا در اول سپتامبر به مالت سفر نکرده و در هفته اول سپتامبر نیز کسی با این مشخصات با هیچ‌یک از شرکتهای هواپیمایی به مالت نرفته است؛ بنابراین، بدیهی است که شخص مجهول‌الهویه‌ای خود را در فرودگاه فیومپینو به جای عباس بدرالدین حقیقی معرفی کرده است.

آنچه قطعیت این نتیجه را مورد تأکید قرار می‌دهد آن است که بدرالدین فرضی به هتل هالیدی این مراجعه نکرده؛ هرچند بخشی از چمدانهای متعلق به بدرالدین حقیقی در هتل مذکور پیدا شده است.

از طرفی هیچ دلیل منطقی وجود ندارد که نشان دهد چرا عباس بدرالدین که به عنوان روزنامه نگار رسماً امام را در سفرش همراهی می‌کرده به یکباره آن هم در ایتالیا از امام جدا شده است.

در واقع جدا شدن فرضی آنان در ایتالیا فقط با فرضیه جعل هویت ربوده شدگان به دست افراد ناشناس قابل توجیه است و تنها با توجه به بررسیهای انجام شده درباره گذرنامه بدرالدین می‌توان توجیه منطقی برای آن یافت.

حقیقت آن است که عباس بدرالدین گذرنامه‌اش را شخصاً به کاردار سفارت لبنان در طرابلس تحویل داده بود تا برای او روادید ورود به فرانسه دریافت شود؛ اما پس از دریافت روادید، به علت عدم حضور بدرالدین در هتل، گذرنامه در صندوق مربوط به اتاق وی در هتل الشاطی طرابلس قرار داده شده بود.

با در نظر گرفتن مطلب فوق و با توجه به بعد دیگر قضیه یعنی ارائه درخواست روادید ورود به ایتالیا تنها برای امام موسی صدر و شیخ محمد یعقوب به سادگی می‌توان نتیجه گرفت که طراحان این سناریوی ساختگی نتوانسته‌اند گذرنامه اصلی عباس بدرالدین را به دست آورند، از این رو، برای آنان امکان نداشته که گذرنامه

بدرالدین را نیز همانند گذرنامه‌های موسی صدر و محمد یعقوب در هتل هالیدی این بگذارند؛ بنابراین، ناگزیر شده‌اند ورود صوری عباس بدرالدین را به ایتالیا به گونه‌ای دیگر صحنه‌سازی کنند و با ارائه درخواست اقامت ۴۸ ساعته در ایتالیا به نام عباس بدرالدین در فرودگاه این کار را انجام داده‌اند.

نتایج تحقیقات به وضوح بیانگر آن است که امام و همراهانش در پرواز ۸۸۱ ایتالیا که طرابلس را ترک کرده حضور نداشته‌اند و در نتیجه در ساعت ۲۳:۱۲ شامگاه ۳۱ اوت ۱۹۷۸ به فرودگاه فیومپینو نرسیده‌اند.

اظهارات کادر پرواز و کارمندان فرودگاه فیومپینو و دو تن از مسافران به نامهای والنته و دونسلمان کاملاً با یکدیگر تطابق دارد و با توجه به ویژگیهای ظاهری منحصر به فرد و بارز امام و نیز با توجه به فاصله زمانی بسیار کوتاه میان روز حادثه و زمان ثبت اظهارات، گفته‌های آنان کاملاً قابل اعتماد است.

مهماندار ویژه قسمت درجه یک هواپیما، استالفی اورلندو، این احتمال را که در میان مسافران این بخش که تعداد آنان تنها هشت نفر بوده است، شخصی با ویژگیهای امام حضور داشته باشد به کلی رد کرده و گفته است که مسافری مانند امام با آن قامت بلند و اندام درشت حتماً در یافتن محل مناسب برای نشستن با دشواری مواجه می‌شد و به او مراجعه می‌کرد، در حالی که چنین چیزی اتفاق نیفتاده است.

آقای بیجی پی‌یرو، مهماندار قسمت توریستی (درجه دو) هواپیما نیز احتمال مشاهده شخصی را با ویژگیهای امام در میان مسافران رد کرد و با دیدن عکسهای ناپدید شدگان، آنان را جزو مسافران مذکور ندانست.

خانم کاجیانی لیجیا، مهماندار هواپیما نیز با دیدن عکس امام وجود شباهت میان چهره و ویژگیهای ظاهری ایشان و مسافران پرواز مذکور را رد کرد و افزود: مسافری با قامت و ساختار بدنی امام حتماً در نشستن بر روی صندلیهای هواپیما و حتی در وارد شدن از در هواپیما با دشواری مواجه می‌شود در حالی که او (مهماندار) به هنگام سوار شدن مسافران در برابر ورودی هواپیما ایستاده بوده و چنین چیزی را مشاهده نکرده است.

آقای کاتینو سرجیو، مهماندار قسمت انتهایی بخش توریستی (درجه دو) هواپیما نیز تأکید دارد که مسافری را با ویژگیهای امام ندیده است. او احتمال این که شخصی را با مشخصات ظاهری ناپدید شدگان در هواپیما دیده باشد، رد کرده است.

آقایان کاردونه آندره و ماندرونه کارمینه که در شامگاه ۳۱ اوت ۱۹۷۸ در فرودگاه فیومپینو مسوول بازرسی گذرنامه‌ها بوده‌اند با دیدن عکسهای امام و همراهانش

قاطعانه و با تأکید اعلام داشتند که ویژگی‌های ظاهری آنان با هیچ یک از مسافرانی که گذرنامه هایشان را در زمان انجام وظیفه بازرسی کرده‌اند تطابق ندارد.

همچنین آقای فیدل آلفردو - که تنها مأمور حاضر در بخش پروازهای بین‌المللی گمرک فرودگاه در آن شب بوده است - نیز احتمال این که افرادی با مشخصات شبیه ناپدیدشدگان از برابر او گذشته باشند قاطعانه رد کرد و یادآور شد که چنین مسئله‌ای را به سادگی از یاد نمی‌برد؛ زیرا عادت دارد با مسافران عرب به زبان خودشان صحبت کند.

دو تن از مسافران به نامهای والته الساندرو و دونسلمان ژوزفین نیز گفته‌اند که در هواپیما شخصی با ویژگیهای امام را ندیده‌اند.

نتیجه اظهارات بانپولو رابرت ریچارد نیز همان است؛ زیرا او نیز مشاهده مسافری با مشخصات امام را رد کرده است؛ اما نتایج مذکور با نتیجه تحقیقاتی که از سوی پلیس امنیتی لیبی در این کشور انجام شده تناقض دارد. نتایج تحقیق پلیس لیبی با توجه به اظهارات المرغانی التومی، احمد الحطاب، الهادی ابراهمی الصداوی، عبدالرحمن غویلا، احمد مسعود صلاح، ابراهیم خلیفه عمر، محمد خلیفه صهبون، عیسی مسعود عبدالله المنصوری، محمد محمود ولد داده و محمد علی الرحیبی، تنظیم شده است.

المرغانی التومی، راننده وزارت امور خارجه لیبی، تصریح کرده است که عصر روز ۳۱ اوت ۱۹۷۸ شخصاً امام و همراهانش را تا فرودگاه طرابلس همراهی کرده است. احمد الحطاب، مسوول تشریفات رسمی فرودگاه طرابلس، گفته است که در ساعت ۱۹:۲۰ آن روز امام و همراهانش را ملاقات کرده و گذرنامه‌های آنان را گرفته و نزد الهادی ابراهمی الصداوی برده است تا برای آنان در قسمت درجه یک هواپیما جا تهیه کند و پس از سوار شدن آنان به هواپیما گذرنامه‌های آنان را عودت داده است. الهادی ابراهمی الصداوی نیز گفته‌های احمد الحطاب را تأیید کرده است.

عبدالرحمن احمد غویلا، افسر پلیس فرودگاه طرابلس، گفته است که برگذرنامه‌های سه شخصیت لبنانی که احمد الحطاب به او تحویل داده مهر خروج زده است.

احمد مسعود صلاح، افسر پلیس فرودگاه طرابلس گفته است که به طور اتفاقی زمانی که در مقابل راهروی منتهی به هواپیمای عازم رم حضور داشته سه مسافر را دیده است که درست چند دقیقه پیش از پرواز هواپیما به آن رسیده‌اند.

ابراهیم خلیفه عمر، پلیس فرودگاه طرابلس نیز گفته است که سه شخصیت لبنانی را دیده که با عبور از راهروی انتظار بخش تشریفات رسمی فرودگاه به سوی هواپیما رفته‌اند.

یکی از مسافران بخش درجه یک پرواز ۸۸۱ آیتالیا به نام محمد خلیفه صهبون نیز گفته است که در میان مسافران، شخص بلند قامتی را دیده که لباس روحانی بر تن داشته است.

یکی دیگر از مسافران بخش توریستی (درجه دوّم) هواپیما به نام مسعود عبدالله المنصوری نیز اظهار داشته که در میان مسافران و سپس فرودگاه فیومچینو سه نفر را مشاهده کرده که یکی از آنان بلند قامت و دارای محاسن و سیبل بوده و لباس روحانی به تن داشته است.

سفیر موریتانی در طرابلس، محمد محمود ولد داده نیز تأکید کرده که شامگاه ۳۱ اوت ۱۹۷۸ به همراه هیأت اعزامی از کشور خود که برای شرکت در جشنهای انقلاب لیبی آمده بودند، در فرودگاه حضور داشته و شخصیتی را مشاهده کرده و دریافته که او امام موسی صدر است؛ زیرا ایشان شخصیت مشهوری هستند.

محمد علی الرحیبی، افسر تحقیقات پلیسی لیبی، اظهار می‌دارد که در تاریخ ۱۸ سپتامبر ۱۹۷۸ برای انجام تحقیقات درباره سرنوشت امام به ایتالیا آمده است و ضمن تماس با نیروهای امنیتی ایتالیا شخصاً اطمینان حاصل کرده که گذرنامه امام و عکس الصاق شده به آن سالم و پلمب شده بوده است.

در این میان نخستین نکته‌ای که در خصوص تحقیقات پلیس لیبی جلب توجه می‌کند امکان اعتماد به نتایج آن است؛ زیرا صحت اظهارات برخی از شاهدان با شک و تردید همراه است و نمی‌توان پذیرفت که پس از گذشت بیش از یک سال از وقوع حادثه، آنان برخی از نکات کم اهمیت و نه‌چندان مهم مانند محل نشستن افراد در هواپیما را دقیقاً به یاد داشته باشند در حالی که در بیان برخی از رویدادها و نکات قابل توجه دچار تردید و تناقض شده‌اند.

در خصوص اظهارات فوق باید یادآور شویم که:

۱. المرغانی التومی در برابر پلیس اظهار داشته که تنها امام لباس روحانی بر تن داشته اما در حضور دادستان گفته است که یکی از همراهان امام نیز لباس روحانی پوشیده بوده است.

چنین به نظر می‌رسد که اظهارات اولیة التومی هرچند با آنچه در هتل هالیدی این اتفاق افتاده تطابق دارد، اما با گفته‌های همسر شیخ یعقوب مبنی بر این که شوهرش همیشه لباس روحانی بر تن داشته متناقض است و چه بسا التومی اظهارات بعدی خود را نزد دادستان با توجه به گفته همسر شیخ یعقوب تغییر داده باشد که با گفته‌های شاهد دیگری به نام الهادی ابراهی الصداوی نیز منطبق گردد اما این اظهارات نیز با گفته‌های



اولیة التومی و با گفته‌های شاهدان دیگری به نامهای احمد مسعود صلاح و ابراهیم خلیفه عمر که مدعی شده‌اند تنها یک نفر لباس روحانی داشته است، به صورت آشکار تناقض دارد.

۲. نکته پیشین در مورد اظهارات عیسی مسعود عبدالله المنصوری نیز قابل ذکر است. المنصوری نیز در ابتدا گفته که یک نفر لباس روحانی بر تن داشته اما در حضور دادستان (ایتالیا) نظر خود را تغییر داده و تصریح کرده که دو نفر دارای لباس روحانی بوده‌اند.

در مورد وی ذکر این نکته هم ضروری است که با توجه به تحقیقات انجام شده اظهارات او مبنی بر اقامت دو هفته‌ای در ایتالیا و در شهرهای رم و بولونیا کذب محض است.

۳. احمد الحطاب، الهادی ابراهی الصداوی، احمد مسعود صلاح و ابراهیم خلیفه عمر، مدعی هستند که مقدمات سفر امام و همراهانش و رساندن آنان را به هواپیما با سرعت و عجله انجام داده‌اند بدون این که دلیلی برای این عجله ذکر کنند. از طرفی، هواپیما در ساعت ۲۱ یعنی با یک ساعت تأخیر پرواز کرده و این در حالی است که المرغانی التونی، راننده‌ای که مدعی است امام و همراهانش را به فرودگاه رسانده، در مورد عجله و شتاب، چیزی نگفته است.

۴. احمد الحطاب تصریح کرده است که رنگ جلد گذرنامه امام موسی صدر قرمز بوده در حالی که رنگ آن آبی است.

۵. محمد خلیفه صهبون که جزئیات بسیار دقیقی در مورد سفر با هواپیمای مذکور و رسیدن به فرودگاه فیومپینو به همراه امام بیان کرده، در مورد اقامت در ایتالیا دروغ گفته است؛ زیرا تحقیقات نشان می‌دهد که او در ایتالیا و به خصوص در شهر باسکارا اقامت نداشته است.

۶. گفته‌های محمد علی الرحیبی مبنی بر این که شخصاً گذرنامه امام را بررسی کرده و مطمئن شده که گذرنامه و حتی عکس الصاق شده به آن سالم بوده و مخدوش نشده یقیناً کذب و دروغ است؛ زیرا چنان که گفتیم آثار جعل و تحریف در عکس گذرنامه مشاهده می‌شود.

۷. محمد محمود ولد داده، سفیر موریتانی در لیبی، گفته است که در شامگاه ۳۱ اوت ۱۹۷۸ به همراه هیأت اعزامی از کشورش در فرودگاه طرابلس حضور داشته و امام موسی صدر را دیده و او را نمی‌شناخته است، اما تصویر روزنامه الشعب، چاپ موریتانی، مورخ ۳۱ اوت ۱۹۷۸ نشان می‌دهد که هیأت اعزامی از موریتانی روز ۳۰

اوت به لیبی سفر کرده است.

۸. احمد الحطاب و احمد مسعود صلاح مدعی هستند که مقدمات سفر سه شخص مذکور را فراهم کرده و گذرنامه‌های آنان را دریافت داشته‌اند (حطاب گذرنامه‌ها را دریافت کرده و صلاح آنها را مهر زده است) اما گفته‌های آنان با واقعیت منطبق نیست؛ زیرا چنان که ذکر شد گذرنامه بدرالدین در کنار گذرنامه‌های امام و شیخ یعقوب نبوده است.

در نتیجه، اظهارات شاهدان مذکور، قابل اعتماد نبوده و نمی‌تواند دلایل آشکار و روشنی را که مبنی بر عدم حضور امام موسی صدر و همراهانش در پرواز ۸۸۱ هواپیمایی آلیتالیا مورخ ۳۱ اوت ۱۹۷۸ به دست آمده، مورد تردید قرار دهد. حتی اگر فرض کنیم که امام و همراهانش آن شب به فرودگاه فیومپینو رسیده‌اند، لازم است دلایل تردیدناپذیر و استدلالهای منطقی و محکمی ارائه شود که نشان دهد آنان در فاصله زمانی رسیدن هواپیما به فرودگاه فیومپینو تا زمان حضور امام موسی صدر و محمد یعقوب ساختگی در هتل هالیدی این، ر بوده نشده‌اند.

آنچه مشخص است این که در فاصله رسیدن هواپیما به فرودگاه فیومپینو در ساعت ۲۳:۱۲ دقیقه شامگاه ۳۱ اوت ۱۹۷۸ تا مراجعه امام و شیخ یعقوب ساختگی به هتل هالیدی این، در ساعات پایانی صبح روز اول سپتامبر ۱۹۷۸ هیچ اثر و نشانه‌ای از حضور امام، شیخ یعقوب و بدرالدین در خاک ایتالیا وجود ندارد، جز این که در ساعت ۲۳:۳۵ دقیقه همان شب (۳۱ اوت) درخواستی برای روادید اقامت ۴۸ ساعته به نام عباس بدرالدین به واحد امنیت پلیس فرودگاه واصل شده است.

اما هیچ دلیل معقولی وجود ندارد که نشان دهد چرا امام و یعقوب و بدرالدین در طول شب ۳۱ اوت ۱۹۷۸ خود را در رم پنهان کرده‌اند، بلکه به عکس با توجه به عادت همیشگی امام، ایشان باید خانواده خود را از سفرها و رفت و آمدهای خود با خبر می‌کردند و حضور خود را در کشورهای دیگر به مراجع دیپلماتیک لبنان که مسؤول تهیه مقدمات استقبال از ایشان بوده‌اند، اطلاع می‌دادند.

به علاوه، با توجه به دشوار بودن برقراری ارتباط با خانواده از لیبی (که امام را وادار کرده بود نامه‌ای به نزار علی تحویل دهد تا به خانواده ایشان برساند)، معقول و منطقی این است که سه شخص مذکور بلافاصله پس از رسیدن به رم، خانواده‌ها و مسؤولین لبنانی مستقر در کشور ما (ایتالیا) را از رسیدن خود با خبر سازند.

از این رو، تنها احتمال ممکن آن است که فرض کنیم آنان بلافاصله پس از رسیدن به رم و یا به هر حال در شب ۳۱ اوت ۱۹۷۸ ر بوده شده باشند. هرچند تنها این فرضیه

می‌تواند ناپدید شدن آثار حضور آنان را در شب ۳۱ اوت توجیه کند اما این فرضیه نیز با توجه به یک سلسله دلایل و شواهد قطعی و غیرقابل انکار، مردود است.

فرضیه مذکور مستلزم آن است که بپذیریم ربایندگان احتمالی از زمان رسیدن امام و همراهانش به رم، با خبر بوده‌اند، این در حالی است که حتی خانواده‌های ربوده‌شدگان و مقامات لبنانی و مجلس اعلاى شیعیان لبنان از این سفر اطلاعی نداشته‌اند.

اما از آن‌جا که بنا بر ادعای مقامات لیبیایی، سفر امام از طرابلس به قدری ناگهانی بوده که به ذهن کسی خطور نمی‌کرده و امام حتی قذافی را از عدم حضور خود در موعد مقرر برای دیدار با او در ۳۱ اوت آگاه نکرده بود، نمی‌توان تصور کرد که ربایندگان از این سفر آگاه بوده‌اند.

از سوی دیگر، حضور احتمالی سه فرد مذکور (امام و همراهانش) در رم بدون شک «اتفاقی» و «کوتاه مدت» بوده و در زمانی اتفاق افتاده که آنان در انتظار پرواز به پاریس بوده و احتمالاً در داخل محدوده فرودگاه حضور داشته‌اند (زیرا توقف در رم تنها در صورت عدم امکان پرواز مستقیم از طرابلس به پاریس قابل تصور است) بدین ترتیب نمی‌توان فهمید که چگونه اعضای گروه‌کی که در رم مستقر بوده‌اند، توانسته‌اند برنامه ریزی، هماهنگی و اجرای عملیات پیچیده و پرمخاطره‌ای همچون ربودن سه فرد مذکور را به انجام رسانند.

افزون بر اینها بدیهی است که میان ربایندگان فرضی امام و همراهانش با اجراکنندگان سناریوی ناپدید شدن موسی صدر و محمد یعقوب در هتل هالیدی این، ارتباطی وجود دارد؛ زیرا دست‌کم آنان گذرنامه‌ها و چمدانهای ربوده‌شدگان را در اختیار داشته‌اند. همچنین نمی‌توان فهمید که چه لزومی داشته که ربایندگان احتمالی پس از انجام عملیات ربودن آنها حضور ربوده‌شدگان را در هتل صحنه‌سازی کنند؛ زیرا این کار برای آنان خطراتی در برداشته و رفت و آمد در شهر رم با چمدانها و مدارک ربوده‌شدگان می‌توانسته آنان را به دام اندازد، این درحالی است که جنایتکاران همواره سعی می‌کنند آثار جرم را پنهان کنند نه این‌که آنها را آشکار سازند.

در این رابطه وجود ساعت مچی امام در یکی از چمدانها نیز قابل توجه است. درباره شکستگی ساعت نیز دو احتمال وجود دارد:

نخست آن‌که: ساعت بر اثر رفتار خشونت آمیز با امام دچار ضربه و شکستگی شده باشد.

دوم آن‌که: آن را شکسته باشد تا روز و ساعت ربودن را مشخص کند.

با در نظر گرفتن احتمال اول، معلوم نیست که چرا ربایندگان ساعت را حفظ کرده‌اند. احتمال دوم نیز موجب لو رفتن نقشه‌های آنان می‌گردد؛ زیرا معقول نیست که ساعت داخل چمدانی قرار بگیرد که بنابر سناریویی از پیش طراحی شده امام فرضی به هتل آورد.

در واقع صحنه سازی انجام شده در هتل هالیدی این خود به تنهایی دلیلی است مبنی بر این که احتمال ربوده شدن امام موسی صدر و همراهانش، یا انجام هر جنایت دیگری علیه آنان در خاک ایتالیا غیر قابل قبول و بی‌اساس است.

در خاتمه به منظور تأکید قاطعانه بر نتیجه فوق، دلایل دیگری را که ثابت می‌کند امام و همراهانش در شامگاه ۳۱ اوت ۱۹۷۸ به رم نیامده‌اند از نظر می‌گذرانیم:

۱. با توجه به دلایل مشهود و اظهارات شاهدان متعدد قطعی است که امام برای شرکت در جشنهای سالگرد انقلاب لیبی به این کشور نرفته بودند؛ زیرا هیأت لبنانی دیگری برای حضور در این مراسم دعوت شده بود. علت سفر امام به لیبی دعوتی بود که از سوی سرهنگ قذافی برای دیدار و مذاکره دربارهٔ اوضاع داخلی و خیم و حساس لبنان برای امام ارسال شده بود.

رئیس جمهور الجزایر، هواری بومدین، زمینه دیدار امام و قذافی را فراهم کرده بود و امام نیز علی‌رغم مخالفت بسیاری از اعضای مجلس اعلای شیعیان لبنان، تصمیم گرفتند به لیبی سفر کنند.

همچنین آشکار شده است که پس از رسیدن امام به لیبی، چندین بار قرار ملاقات ایشان با قذافی معین شده و هر بار به تعویق افتاده بود. بنابر اظهارات اسعد المقدم، پس از ساعت ۱۳ روز ۳۱ اوت نیز امام موسی صدر و عباس بدرالدین بدون چمدانهایشان در هتل الشاطی در حالی مشاهده شده‌اند که برای رفتن به دیدار قذافی در موعد مقرر منتظر خروج از هتل بوده‌اند.

بدین ترتیب، گفته‌های احمد الشحاتی نادرست و غیر قابل اعتماد به نظر می‌رسد. او که در ۲۵ اوت در فرودگاه به استقبال امام رفته بود، مدعی شده است که روز پس از آن در دفتر خود با امام و همراهانش دیدار کرده و امام از او خواسته بود که در مراسم جشن روز اول سپتامبر در کنار قذافی برای ایشان جایی در نظر گرفته شود اما با دریافت پاسخ منفی، امام آن را اهانت و توهین به شمار آورده بود به گونه‌ای که از حضور در مراسم جشن روز اول سپتامبر، صرف نظر کرد و با همراهانش به رم سفر کرد.

اولاً باید در نظر داشت که احمد الشحاتی به منظور دلیل تراشی برای فرضیه «عدم حضور امام در دیدار با قذافی» این واکنش تند را به امام نسبت داده و چنین واکنشی غیر محتمل و نامعقول است؛ زیرا امام لااقل تا ۳۱ اوت یعنی دست کم پنج روز پس از وقوع علت فرضی آن واکنش تند، در طرابلس حضور داشته است.

از سوی دیگر، اصرار بومدین، رئیس جمهور وقت الجزایر، بر ملاقات امام و قذافی و اصرار امام بر سفر به لیبی و دیدار با قذافی آن هم با وجود مخالفت اعضای برجسته مجلس اعلای شیعیان لبنان، همگی بیانگر این است که آن ملاقات اهمیت بسیار داشته است و نمی توان پذیرفت که امام به خاطر مسئله ای مانند محل نشستن در مراسم جشن از آن صرف نظر کند.

نکته دیگری که احتمال مذکور را منتفی می کند آن است که در ضیافت شام ۳۰ اوت با حضور اعضای سفارت لبنان در لیبی امام از این که قذافی هیأت لبنانی دیگری را که پس از امام وارد لیبی شد، به حضور پذیرفته، دل سرد نشده بود.

۲. امام تصمیم داشت حدود پنج روز در لیبی بماند و پس از آن به فرانسه عزیمت کند و در ادامه به همراه همسرش که در شهر ویشی فرانسه تحت معالجه بود و یا بدون او به لبنان بازگردد تا در پایان ماه رمضان در میان اعضای طایفه خود (شیعیان) حضور داشته باشد.

اظهارات نزار علی به ویژه نامه ای که امام بعد از ظهر روز ۳۰ اوت در دیدار با نزار علی در هتل الشاطی به او داده بود تا به خانواده امام (در فرانسه) برساند به خوبی مؤید این حقیقت است.

با توجه با اینکه (امام) در آن نامه به خانواده خود اطلاع داده اند که حداکثر تا دوّم یا سوّم سپتامبر در فرانسه خواهند بود، در می یابیم که مضمون نامه کاملاً با برنامه های موسی صدر در لیبی هماهنگی دارد (زمان دیدار با سرهنگ قذافی ساعت ۱۳:۳۰ روز ۳۱ اوت بوده است).

بدین ترتیب، از نکات مذکور چنین برمی آید که امام تصمیم نداشته اند در تاریخ ۳۱ اوت طرابلس را ترک کنند؛ زیرا اگر چنین می بود، ضرورت نداشت نامه ای را به نزار علی که او هم دقیقاً در ۳۱ اوت عازم پاریس بود، تحویل دهد.

۳. در برنامه سفر موسی صدر، محمّد یعقوب و عبّاس بدرالدین در بازگشت از لیبی، به سفر به ایتالیا اشاره ای نشده است.



AMBASCIATA D'ITALIA

Beyrouth, le 10 mai 1979

Excellence,

sur instructions de mon Gouvernement, j'ai l'honneur de vous donner communication officielle de ce qui suit :


" En relation à certains articles parus dans la presse libanaise et iranienne, l'Ambassade d'Italie précise que l'affaire de la disparition de l'Imam Moussa Sadr et en particulier les rumeurs concernant son transit ou son entrée en Italie ont fait l'objet des investigations les plus suivies ainsi que l'exigeait la gravité du cas.

Du côté italien on a fait preuve de la volonté la plus grande à collaborer à l'enquête relative à cette disparition avec les Gouvernements d'autres pays et leurs autorités compétentes.

Toutes les enquêtes qui ont eu lieu ainsi que les éléments acquis excluent que l'Imam Moussa Sadr soit arrivé en territoire italien ou y soit transité.

Par conséquent, toute déclaration contraire à ce qui précède, attribuée d'une façon quelconque au Gouvernement italien, doit être considérée comme dénuée de tout fondement "

Veillez agréer, Excellence, l'expression de ma plus haute considération.

  
Stefano d'Andrea  
Ambassadeur d'Italie au Liban

S.E. Cheikh Mouhamad Mahdi Chamseddine  
Vice Président du Conseil Islamique  
Chite Supérieur - Liban  
Madinat Al Zahara  
K h a l d é



در این رابطه باید گفت که علاوه بر موضوعات مطرح شده در این خصوص از جمله این که سفر احتمالی ناپدیدشدگان به ایتالیا برای خانواده‌های آنان و مقامات دیپلماتیک و اعضای مجلس شیعیان لبنان کاملاً غیرمنتظره بوده است؛ باید این نکته را نیز اضافه کرد که موسی صدر و محمد یعقوب از موضوع درخواست روایت و ورود به ایتالیا در تاریخ ۳۱ اوت ۱۹۷۸ از سفارت کشورمان (ایتالیا) در طرابلس کاملاً بی اطلاع بوده‌اند.

بدیهی است که اگر امام و محمد یعقوب ناگزیر بودند به ایتالیا بروند و می‌خواستند روایت و ورود به این کشور را دریافت کنند بی شک با نزار فرحات، کاردار سفارت لبنان در لیبی - که تا شب قبل (۳۰ اوت) با آنان همراه بود - تماس می‌گرفتند؛ چنان که عباس بدرالدین برای دریافت روایت و ورود به فرانسه با نزار فرحات تماس گرفته بود؛ زیرا عباس بدرالدین تنها کسی بود که روایت و ورود به فرانسه را در اختیار نداشت.

از سوی دیگر درخواست روایت و ورود به فرانسه از سوی بدرالدین، بیانگر آن است که نامبردگان هر سه عازم فرانسه بوده و تصمیم رفتن به ایتالیا را نداشته‌اند. همچنین می‌توان دریافت که بدرالدین نیز بر خلاف آنچه بدرالدین قلابی هنگام دریافت روایت موقت اقامت ۴۸ ساعته در ایتالیا به نیروهای امنیتی فرودگاه فیومپینو گفته قصد سفر به مالت را نداشته است.

۴. قاطعانه و بی تردید به اثبات رسید که امام و شیخ یعقوب از موضوع درخواست ویزای ورود به ایتالیا بی‌خبر بوده‌اند. باید گفت که آنان از درخواست روایت و ورود به فرانسه از سفارت فرانسه در طرابلس هم اطلاعی نداشته‌اند و مقامات لیبیایی خود این درخواست را ارائه کرده‌اند.

برای اثبات این موضوع کافی است توجه کنیم که براساس مندرجات گذرنامه‌های امام موسی صدر و محمد یعقوب، آنان در تاریخ ۳۱ اوت ۱۹۷۸ روایت معتبر و ورود به فرانسه را در اختیار داشته‌اند؛ بنابراین، بدون شک درخواست ویزای دیگر بی‌مورد بوده است و نشانگر آن است که این درخواست از سوی اشخاصی غیر از صاحبان اصلی گذرنامه‌ها مطرح شده که از وجود روایت معتبر و ورود به فرانسه در گذرنامه‌ها مطلع نبوده‌اند.

۵. موضوع دیگری که تاکنون مورد توجه قرار نگرفته رابطه موجود میان سناریویی است که افراد مجهول‌الهویه اجرا کرده‌اند با عکسهای عباس بدرالدین که در چمدانهای یافت شده در هتل هالییدی این به دست آمده است.

عکسهای پرسنلی مذکور را یک عکاسی واقع در طرابلس گرفته و ظاهر کرده

و آدرس آن بر روی پاکت عکسها موجود است.

دلیلی وجود ندارد که نشان دهد بدرالدین به چه علت در لیبی عکس گرفته و چه نیازی به آن داشته است؛ بنابراین، باید میان این عکسها و «جا ماندن گذرنامه بدرالدین در هتل الشاطی» ارتباطی وجود داشته باشد.

۶. بنا بر اظهارات وارده در پرونده امام و عباس بدرالدین، آخرین بار در ساعت ۱۳ روز ۳۱ اوت ۱۹۷۸ مقابل ورودی هتل الشاطی در حالی مشاهده شده‌اند که به احتمال قوی، منتظر خروج از هتل و رفتن به محل ملاقات با قذافی در ساعت ۱۳:۳۰ همان روز بوده‌اند.

در ساعات بعد از ظهر آن روز و شب و پس از آن، هیچ‌کس از جمله نزار فرحات، کاردار لبنان در لیبی، نتوانسته با آنان تماسی برقرار کند.

صبح روز بعد کارکنان هتل به فرحات اطلاع داده‌اند که آن سه نفر هتل را ترک کرده‌اند اما فرحات نتوانسته اطلاعات مشخصی در مورد زمان خروج و مقصد آنان به دست آورد.

با توجه به دلایل مذکور و ضمن اطلاع از بررسی و نظر دادستان کل و با استناد به بند پایانی ماده ۳۷۸ و ماده ۷۴ قانون اصول محاکم کیفری، مقرر می‌شود:

به علت مجهول‌الهوویه بودن عاملان جرایم مذکور در رویدادهای فوق‌الذکر، پیگرد جرایم متوقف گردد.

همچنین مقرر می‌شود: با توجه به عدم امکان اقامه دعوی کیفری در خصوص ناپدید شدن موسی صدر، محمد یعقوب و عباس بدرالدین، پرونده مختومه اعلام گردد.

۲۸ ژانویه ۱۹۸۲

قاضی تحقیق پرونده: دومینیکو نوسترو

منشی دادگاه: ج. کالرتا



فصل هفتم:

دستگاه قضایی لبنان

## دستگاه قضایی لبنان

دولت لبنان در تاریخ ۴ فوریه ۱۹۸۱ با صدور دستور شماره ۳۷۹۴ ربودن امام موسی صدر و همراهانش را اقدام علیه امنیت ملی کشور دانست و مسئله را به دیوان عالی ارجاع داد.

وزیر دادگستری لبنان نیز با استناد به دستور مذکور، با صدور قرار شماره ۷۲ مورخ ۶ فوریه ۱۹۸۱ قاضی طریبه رحمه را به عنوان قاضی تحقیق در این باره تعیین کرد. دادستانی کل لبنان به عنوان شاکی پرونده، جرم مذکور را فتنه برانگیزی و تحریک برای تشدید درگیریها و نبردهای طایفه‌ای لبنان نامید. متن آنان به شرح زیر است:

### ۱. دستور ریاست جمهوری لبنان

وزارت دادگستری

دستور شماره ۳۷۹۴

احالۀ موضوع ناپدید شدن امام موسی صدر و همراهانش به دیوان عالی با توجّه به مفاد قانون اساسی کشور و نظر به قانون محاکمات کیفری به خصوص ماده ۲۶۳ این قانون و با توجّه به پیشنهاد وزیر دادگستری و پس از موافقت هیأت دولت در تاریخ ۷ ژانویه ۱۹۸۱ این جانب رئیس جمهور لبنان مقرر می‌دارد:

۱. موضوع تهدید امنیت ملی را که در نتیجه ربودن امام موسی صدر و همراهانش شیخ محمد یعقوب و آقای عباس بدرالدین پیش آمده به همراه همه تبعات و پیامدهای آن و پیگرد اشخاصی را که به هر عنوان در آن مشارکت داشته‌اند، به دیوان عالی ارجاع شود.

۲. این بیایته رسماً منتشر می‌گردد و در مواقع لزوم، قابل استناد خواهد بود.

رئیس جمهور

بعیدا ۴ فوریه ۱۹۸۱

امضا: الیاس سرکیس

نخست وزیر لبنان

شفیق الوزان

وزیر دادگستری

خاچیک بابکیان

## ۲. دستور وزیر دادگستری لبنان

وزارت دادگستری

اداره کل

حکم شماره ۷۲

تعیین قاضی تحقیق در دیوان عالی بر اساس مصوبه شماره ۳۵۹۲ مورخ ۲۵ اکتبر ۱۹۸۰ و با توجه به مصوبه شماره ۳۷۹۴ مورخ ۴ فوریه ۱۹۸۱ و با توجه به ماده ۳۶۶ قانون محاکمات کیفری و نظر به پیشنهاد معاونت وزیر دادگستری، این جانب وزیر دادگستری، مقرر می‌دارد:

۱. آقای طریبه رحمه، قاضی تحقیق محاکم بیروت در دیوان عالی، به عنوان قاضی تحقیق در خصوص موضوع «تهدید امنیت ملی» که بر اثر ربودن امام سید موسی صدر و همراهانش شیخ محمد یعقوب و آقای عباس بدرالدین پدید آمده تعیین می‌گردد.

۲. این حکم رسماً منتشر می‌گردد و در صورت نیاز، قابل استناد خواهد بود.

خاچیک بابکیان

وزیر دادگستری

بیروت ۶ فوریه ۱۹۸۱



فصل هشتم:

حکم قاضی تحقیق لبنان

## حکم قاضی تحقیق لبنان

قاضی طریبه رحمه در تاریخ ۱۸ نوامبر ۱۹۸۶ نظر خود را همراه با شواهد و گواهی شهود مبنی بر اختفای امام و همراهانش در داخل کشور لیبی اعلام کرد و تصریح کرد که افرادی دیگر به دروغ خود را به جای این شخصیتها جازده و وانمود کرده‌اند که اینان به ایتالیا وارد شده‌اند و جنایت ربودن و سلب آزادی، تنها شخص امام را هدف قرار نداده است؛ زیرا وجود اختلافات یا عداوتهای شخصی با امام ثابت نشده است بلکه هدف آنان فرو بردن لبنان در درگیریهای داخلی بوده است.

این قرار با تأکید بر این نکته به پایان می‌رسد که دستگاه قضایی لبنان، صلاحیت تحقیق و تفحص در این مسئله را دارد و حکم خود را مبنی بر جست و جوی مستمر برای شناسایی عاملان و آمران این جنایت، صادر کرد. متن حکم قاضی تحقیق لبنان بدین شرح است:

این جانب، طریبه رحمه قاضی تحقیق شورای دادگستری، بعد از اطلاع از دستور قانونی شماره ۳۷۹۴ مورخ ۴ فوریه ۱۹۸۱ که به موجب آن بررسی مسئله ناپدید شدن امام موسی صدر و همراهانش شیخ محمد یعقوب و آقای عباس بدرالدین تحت عنوان تجاوز به امنیت داخلی کشور به شورای دادگستری ارسال شده و پس از آگاهی از حکم شماره ۷۲ مورخ ۶ فوریه ۱۹۸۱ که مرا به عنوان بازپرس و قاضی تحقیق دادگستری در این قضیه منصوب کرده است و پس از آگاهی از ادعای نامۀ مورخ ۲۱ فوریه ۱۹۸۱ دادستانی کل کشور و نیز آگاهی کامل از نتایج تحقیقات مورخ ۲۱ اکتبر ۱۹۸۶ و با توجه به مطالعات نهایی و بررسی کلیه اسناد و دعاوی، روشن شده است که: افراد ناشناخته‌ای بیرون از لبنان و در گذشته‌ای که شامل مرور زمان نشده است، به ربودن و سلب آزادی از امام موسی صدر و دو همراهش شیخ محمد یعقوب و عباس

بدرالدین اقدام کرده و لبنان را در معرض فتنه و بروز اختلافات مذهبی و جنگهای طایفه‌ای قرار داده‌اند. این اقدام بر اساس قانون شماره ۷۲ در تاریخ ۵ مارس ۱۹۵۹ جرم محسوب می‌شود و کیفر آن در ماده‌های ۳۰۸ و ۳۱۷ قانون مجازات آمده است. در نتیجه بازپرسی روشن شده است که پس از سردی روابط مقامات لیبی و رئیس مجلس اعلای شیعیان لبنان، امام موسی صدر، با وساطت رئیس جمهور فقید الجزایر، هواری بومدین، دعوت رسمی برای دیدار از لیبی را پذیرفت و کاردار سفارت لیبی در لبنان در تاریخ ۲۳ اوت سال ۱۹۷۸ دعوتنامه را تقدیم ایشان کرد. امام صدر، دو روز بعد همراه با شیخ محمد یعقوب و عباس بدرالدین راهی طرابلس شدند.

به نظر می‌رسد که امام صدر پس از رسیدن به لیبی در محدودیت ارتباطی قرار داشته است، از این رو، هیچ تماس تلفنی با هیچ‌کسی در لبنان و یا افراد خانواده‌اش - که در فرانسه محل درمان همسرش به سر می‌بردند - نگرفته است و این خلاف رویه معمول ایشان در سفرهایش بوده است.

در تاریخ ۲۸ اوت ۱۹۷۸ کاردار سفارت لبنان در لیبی با او دیدار کرده و امام به او تأکید کرده است مدت اقامتش در لیبی منوط به تعیین زمان برخی از دیدارهای رسمی است، اگر به سرعت این امکان فراهم شود، بلافاصله سفر خواهد کرد. اگر مقدور نبودن آن نیز به او ابلاغ شود، باز هم لیبی را ترک خواهد کرد.

در غروب روز ۲۹ فوریه ۱۹۷۸ نشست پیرامون کتاب سبز سرهنگ قذافی به ابتکار طلال سلمان با حضور قذافی و هیأت لبنانی متشکل از آقایان: منح الصلح، محمد قبانی، بلال الحسن، اسعد المقدم و بشاره مرهج برگزار شده و تا پاسی از شب ادامه یافته است. ایشان روز ۲۶ اوت ۱۹۷۸ یعنی پس از حضور امام و همراهانش در لیبی، به طرابلس رسیده بودند. هیأت لبنانی پس از نشست مذکور در صبح ۳۰ اوت سال ۱۹۷۸ با امام در اتاقش در هتل الشاطی دیدار کردند و امام به آنان خبر دادند که در شب همان روز با قذافی قرار ملاقاتی داشته است اما حوالی نیمه‌شب، تلفنی به او خبر دادند که این دیدار به تأخیر افتاده است. تصور آقای اسعد المقدم بر این بوده است که دلیل این تأخیر، طولانی شدن دیدار آنها با قذافی تا سحر بوده است.

در روز ۳۱ اوت ۱۹۷۸ آقای مقدم از طرف عباس بدرالدین اطلاع یافته است که تماس تلفنی میان مسؤولان لیبی و امام صورت گرفته است و قرار ملاقات با رئیس جمهور لیبی مشخص شده. او همچنین امام را همراه با عباس بدرالدین در ساعت ۱۳:۱۵ بعد از ظهر دیده است که در حال ترک هتل و راهی دیدار مزبور هستند.

پس از این تاریخ به طور کلی هیچ خبری از امام و همراهانش نرسیده است.

سپتامبر سال ۱۹۷۸ اعضای مجلس اعلای شیعیان نگران شدند و به ویژه پس از آن که فهمیدند امام با خانواده‌اش تماس نگرفته و هنوز به فرانسه نرسیده است، نگرانی خود را به مسؤولان عالی رتبه لبنان ابلاغ کردند و ترس و نگرانی خود را از این که شاید امام و همراهانش دچار مشکلی شده باشند، اعلام کردند.

در تاریخ ۱۴ سپتامبر ۱۹۷۸ مدیر کلّ حوزه نخست وزیری لبنان، دکتر عمر مسیکه، با سرگرد عبدالسلام جلّود دیدار می‌کند و جلّود در این دیدار تأکید می‌کند که بنابر اطلاعات رسمی مقامات لیبی امام و همراهانش لیبی را با پرواز ۸۸۱ آیتالیا در ساعت ۸:۳۰ شب ۳۱ اوت ۱۹۷۸ به قصد ایتالیا ترک کرده‌اند و می‌افزاید که ایشان به طور ناگهانی سفر کرده‌اند و توضیح می‌دهد که از رانندگان خودروهای در اختیار ایشان، بازجویی شده است که چرا بدون دستور رسمی، امام را به فرودگاه رسانده‌اند.

دادستانی کلّ ایتالیا در پس اخبار منتشره خبرگزاریها و توضیح خواستن رسمی سفارت لبنان در رم، تحقیقات گسترده‌ای را در این زمینه آغاز می‌کند. برای دادستان کلّ ایتالیا روشن شد که در تاریخ ۱ سپتامبر ۱۹۷۸ هنگام ظهر، دو نفر که یکی لباس روحانی بر تن داشته در هتل هالیدی این حضور یافته و خود را امام صدر و شیخ محمّد یعقوب معرفی کرده و خواستار دو اتاق در آن هتل شده‌اند. اتاقهای ۷۰۱ و ۷۰۲ به آنان داده شده است و وجه اتاقها را برای یک هفته پیش پرداخت کرده‌اند. این دو مسافر به اتاق می‌روند و ده دقیقه بعد با لباسهای معمولی از هتل خارج می‌شوند و هرگز باز نمی‌گردند. هنگامی که پس از پایان مدّت مقرر، اتاقها باز شدند، به گذرنامه‌های امام و شیخ محمّد یعقوب و چهار چمدان دست یافتند که یکی از آنها متعلق به عبّاس بدرالدین بوده است. چمدانها حاوی وسایل، اسناد و لباسها به صورت بهم ریخته بوده و در آنها وسایلی پیدا شده که به هیچ وجه به امام و همراهانش تعلق نداشته است؛ به ویژه کیفی دستی که بر روی آن عکس اسب و کالسکه است. همچنین روشن شده که کسی که برگه‌های هتل را پر کرده نام خود را با حروف بزرگ و خطّی مانند خط نوآموزان و با غلط‌های فراوان نوشته است.

در این مورد ثابت شده که پرواز آیتالیا به شماره ۸۸۱ از طرابلس به رم در شامگاه ۳۱ اوت ۱۹۷۸ یک ساعت تأخیر داشته است. پس از فرود هواپیما در فرودگاه فیومپچینو در ساعت ۱۱:۱۲ شب، شخصی به پلیس گذرنامه مراجعه و خود را عبّاس بدرالدین معرفی کرده و گفته است که بنا دارد در هتل ساتلایت اقامت کند و خواستار ویزای ورود به مدت ۴۸ ساعت برای بازدید از شهر است و در روز بعد با پرواز ۴۹۰ آیتالیا رم را به قصد مالت ترک خواهد کرد.



الحوادث اللبنانية-العدد ١١٤٤ بتاريخ ١٢/١٠/١٩٧٨-صفحة ٥

حوادث صورية

في النسخ العربي التاسع من المزمرة

هل لاختفا الامام الصدر في ليبيا علاقة بالتهمة الموجهة للقذافي بعد الشيعة؟

المصنف الاسرائيلي لانحيازات الرزية من القاهرة وكل ارباب الخبث التي اذت الزيارة القذافي  
المصنف العربي الذي تروج له الاميركان متزوجان من يهودية ورواية في الخبايا ٩ طابعا

هذه الرواية تشتم جميع اصحابها .. اعني المعلومات التي وصلت للقاهرة من كل ارباب وكالات السبب في ما فعلها من المعلومة المستعربة المصرية عند القواعد الجوية الليبية الالغيتية مع اسرائيل .. ولكن الرواية في حد ذاتها ، فاحتمل سمالات كثيرة ..  
لهم اولا تذكرنا بقصة مشهورة وقعت في اواخر الخمسينات ، عندما تقدم ضابط مصري الى الرئيس جمال عبد الناصر مدعيا انه قد اتصل به شخص سموي وعرض عليه اخذ الجبال الرئيس عبد الناصر ، وكذا تذكر الاعلان عن الاامرة ، وما اعلمه من طبيعة بين القاهرة والبريطان ، كانت لها نتائجها السلبية المعروفة على العمل العربي ، بل وربما كانت السبب في مفارقة ايمون بگل ما حصل في صنع الهزيمة العربية في حرب ١٩٦٧ .. اما ما يعرفه كل لقراء ، فهو ان هذا الضابط الذي يبلغ من العمر ٤٠ سنة ، استطاع ان يحوز ثقة الرئيس عبد الناصر ، فعينه مشرفا على الاسن في المصانع الحربية وعن تطوير صناعة الصواريخ المصرية .. فلما جاءت ضربة ١٩٦٧ ، واكتشفت القيادة المصرية ان ، القاهر والظاهر ، وهما الضابطان المصريان كانا بلا حيزان لويحي .. اعطال الضابط فيكتشف المحققون انه متزوج من يهودية غارت قبله لاجل مباح يوم تزويجه ( حزيران ) ١٩٦٧ اي قبل الهجوم الاسرائيلي بتاريخ وعشرين ساعة .. كما تبين ان رصيده في بنوك الخارج تجاوزت السته ملايين جنيه استرليني !  
لا احد يعرف حتى الان ، هل كانت هناك فعلا مؤامرة لاغتيال عبد الناصر ، ام كانت مجرد فخ اسرائيلي نصب بحدكم ، واعتمد على الكذوب في العلاقات المصرية - السوفيتية .. ودراسة للتسوية العربية ، وبمعرفة ردة الفعل في النظام المصري ١٢ ولا احدث بتخيل قصة معسكر تدريب القديسي ، حل تسريته اخباره من المخابرات السوفيتية ، ان المخابرات الاسرائيلية .. وبهذه ، الاول التخاص من المهمة السوفيتية ، والاقصى تازيم العلاقات القديسي - المصرية ، وبلغ كيدا ان طلب الحماية السوفيتية ، وانريد من الاسلحة ؟  
ويطرح هذه الاحتمال ان تكون القصة مستقلة ، والتسويات طيسرة في المخابرات السوفيتية في الاسرائيلية او الاقطن انما .. استغللت حقيقة وجود معسكر التدريب ، وقدمتة للبيبة المعنية للرئيس المصري ، لتسج خطوط القديسي ..

المصري ، وان معسكرا خاصا ، اقيم على بعد ٢٥ كيلومترا الى الغرب من الحدود المصرية ، يضم ايهيين وبتطوعين فلسطينيين وبعض الاربانيين الدوليين من اتياع كارلوس ، وتامم بتدريبات على عملية الاغتيال ، تحت اشراف مديون سموي .. ويزعم الكتاب ان المخابرات الاسرائيلية استطلعت النسطل الى القاعدة ، والاتفاق صديرا للعمليات مع تسجيل صوري للعمليات المصرية ياغتيل السدات ، وضرب اهداف مصرية ..  
- وعندما حصلت اسرائيل على هذه الوثيقة ، لم تنس ان ترسلها الى مصر عن طريق الامريكين حتى لا تثير حساسية اي الامريكين ، وان اسرائيل كانت تهدف الى خلق اتصال مباشر مع مصر .. في هذا الوقت كان السطر حسن التهامي موجودا في فيينا مثلا مصر في الوكالة الدولية للطاقة الذرية ، وكانت تربطه صلة صداقة مع رصيده السطر الاسرائيلي .. فتقدمت بهذه المعلومات الى السيد ، حسن القديسي ، ووزعم الاكفان ان هذه المعلومات ، هي التي جعلت للسيد القديسي خطوة عند الرئيس المصري ، ونقله من سفير مهمل في فيينا الى نائب رئيس للوزراء ومشرفا على أجهزة الاسن ، بل وجهته بلعب دورا بارزا في المفاوضات التي انتهت في كتاب ديفيد ..  
ويقول الكتاب ان الرئيس السدات عندما تذكر من صحة المعلومات ، امر بتوجيه الضربة العسكرية المعروفة ، وقامت القوات الجوية المصرية بقتال ومدات الصاعقة التي تسربت معسكرا التدريب اللذي يكامل وقتلت كل من فيه ومن فيهم الخبراء السوفيت ..  
وكان من الطبيعي - والكلام لا يزال للعاقلين - ان تكون هذه بداية لتفاج مصر - اسرائيل ، فاجتمع موشي دايان في ١٦ سبتمبر ١٩٧٢ مع حسن التهامي في طنجة ، وهذا ابل لتسج مفتح لاختفاء الحيد من التسويات وانها .. وفي هذا الاجتماع طرحت فكرة اجتماع السدات ويغن ، ولا سيما ان للفكرة كانت قد طرحت في اجتماع اخذ يسير اليه للكتاب ، على بين ميفان رئيس وزراء اسرائيل والمهندس سيد مرعي في يوفارست في ٢٥ اب ( اغسطس ) فحسا مدير الميسان الامريكى - السوفيتي .. قبل الرئيس السدات : « ولماذا تتركه للاخرين فرصا الاجتماع علينا ؟ ، ثم لماذا تلتصق سرا ، وكأننا نتمتع على طرف ذات ؟ ، لماذا لا تلتصق علانية ؟ ، وكانت ذلك بداية لفرار بوزيرة القديسي ..

معروفة ، وبتطوية ، وسخيلة حكيمة موشي دايان ، الذي قال ان العرب لا يكرهون ، وانك لم يهتم بلقاءه خطفه في حرب ١٩٦٧ ، بل نشرها في كتاب ، واعاد تلويحها في ١٩٦٧ .. ورغم كل ما كتب عن هذا الاستهان لجمال العربي ، فان الكتاب الذي صدر في فرنسا بعد اسابيع ، بؤك مرة اخرى ان العرب لا يكرهون ولا يتخسرون ، وان المخابرات الاسرائيلية ، والقوى الكبرى ، فكرتهم ، كما قال رجل اصله ذكي من ذوي اصول السخيلية ، خروكم بطريقة بالوفى ، او تشويهم على ردة فعل محتمة ، كما وقع للفعل المخطط والوسوم !  
الكتاب اسمه « التاريخ السري لاسرائيل » وهو من تأليف ، جاك جبروني ، و « هي كارميل .. » « هم ما في الكتاب ، في الوقت المحاضر على الاقل ، في قصة الاطلاح المصري على اسرائيل الذي انتهى في كتابه بديف بالاقطاع على توقيع الصلح .. ويزعم المؤلفان ان بديته كانت مؤامرة ليبية على الرئيس السدات ، بلقتها المخابرات الاسرائيلية للقاهرة بواسطة حسن التهامي !  
صحيح ان التفسير القديسي للتاريخ ، اصبح نظرية مرفوضة في الدراسات الاكاديمية ، ولكن المعاصر القديسي معترف به ، ويغذات في العلم اللاذات ، او عائلنا العربي ..  
وصحيح ان القافية سيناه القافية ، نعمت على انه لم تحدث حرب اخرى بين مصر واسرائيل ، وانه لا معلومات لثمة بين مصر واسرائيل الا لتوقيع الصلح الشامل ، وهو ما فات العرب ان يفاوضه ، ولكن هل يمكن اغفال الظروف الخسيسة التي حكمت مواقف ، او لرت في مواقف المفاوضات المصرية .. وطلعت الاحداث جميع في طريق كتاب ديفيد ١٢ يقول الكتاب ان اسحق رابين قام بزيارة لمصر في ١٩ أكتوبر ( تشرين اول ) عام ١٩٧٦ اي بعد اتفاقية سيناه القافية ، وانه ابلغ المسؤولين هناك برغبته في الاجتماع بالرئيس السدات - وتلك هذه الرغبة للرئيس المصري ، الذي رفض الفكرة قائلا ان حكومة حزب العمل الاسرائيلية ، ضمنية ، متخسمة ، على التسوية ، صاؤها ضمنية بظلمة يتأخر حرب أكتوبر ( ١٩٧٣ ) وانك فان اسحاق رابين ليس هو المفاوضات المطلوب .. في ابريل ( نيسان ) ١٩٧٧ ، يقول الكتاب القديسي - الاسرائيلي : « علمت المخابرات الاسرائيلية ، ان ك. . . G. G. اي المخابرات السوفيتية ، قد وضعت خطة لاغتيال الرئيس

روزنامه حوادث عربي - تيتير روزنامه نوشته: آيا ميان ربودن امام موسى صدر با دشمنی قذافي با شيعة ارتباط دارد؟

با بازجویی از نیکولاس لئوناردو، کولانجلو پی یترو، زامبوکو مارگریتا، سدرونی آلبرتو، دورانته جوزپه و هابر زیگفردو و کارکنان هتل هالیدی این، روشن شد که اینان تشابه خصوصیات بدنی و ظاهری امام و شیخ محمد یعقوب را با افراد وارد شده به هتل رد می‌کنند. افراد گروه پرواز آلیتالیا یعنی استلفی اورلندو، بیچی پی پرو، کوچیانی لیچیا، کانتینو سرجیو، روبرت ریچارد و دو نفر از مسافران یعنی والنسته الساندرو و دونسلمان ژوزفین و مأموران پلیس در فرودگاه فیومپینو یعنی کاردونه آندره و فیدل آلفردو، کسانی که گذرنامه‌های مسافران این پرواز را بررسی کرده‌اند نیز وجود کسی را با خصوصیات امام موسی صدر در آن پرواز رد کرده‌اند همان طور که گروهان زوتودوناتو نیز تطبیق خصوصیات عباس بدرالدین را بر شخصی که ویزای موقت خواسته، منتفی دانسته است.

در تاریخ ۷ ژانویه ۱۹۷۹ قاضی تحقیق رم به عدم وقوع هر نوع جرمی در ایتالیا در حق امام صدر و همراهانش حکم داد.

در تاریخ ۱۵ فوریه ۱۹۸۰ دفتر مردمی جماهیری لیبی در رم خواستار تحقیقاتی دوباره از دستگاه قضایی ایتالیا درباره ناپدید شدن امام و همراهانش شد و همراه با این درخواست، نسخه‌ای از تحقیقات پلیس لیبی را که در تاریخ ۳ جولای ۱۹۷۹ آغاز شده بود، ارسال کرد. در این گزارش، شهادت شاهدان لیبیایی و شاهدی از موریتانی وجود دارد مبنی بر این که امام صدر و همراهانش شامگاه ۳۱ اوت ۱۹۷۸ لیبی را با پرواز ۸۸۱ آلیتالیا ترک کرده‌اند. پس از تحقیقات طولانی و تحقیق و بررسی کامل و دقیق قاضی تحقیق در تاریخ ۲۸ ژانویه ۱۹۸۲ حکمی صادر کرد و در آن بار دیگر اعلام کرد که امام و همراهانش در شامگاه ۳۱ اوت ۱۹۷۸ به ایتالیا وارد نشده‌اند و کسانی دیگر که همچنان ناشناخته مانده‌اند، خود را به جای این سه نفر جا زده‌اند.

بر اساس واقعیتهای ثابت شده زیر در:

۱. ادعای نام؛

۲. گفته‌های شاهدان؛

۳. مستندات قطعی؛

۴. اسناد رسمی صادر شده از دستگاه قضایی ایتالیا؛

۵. مفاد این تحقیق؛

و از آنجا که امام صدر و همراهانش در فاصله میان ۲۵ اوت ۱۹۷۸ و ساعت ۱:۳۰ بعد از ظهر سی‌ام همین ماه در لیبی دیده شده‌اند و چون مقامات لیبی اصرار دارند که اینان لیبی را با پرواز شماره ۸۸۱ آلیتالیا در شامگاه ۳۱ اوت ۱۹۷۸ ترک کرده‌اند؛

و چون دستگاه قضایی ایتالیا پس از تحقیقات طولانی، دقیق و مکرر، ورود امام و همراهانش را به ایتالیا رد کرده و تأکید کرده است که کسانی دیگر به دروغ خود را به جای این سه نفر جا زده و وانمود کرده‌اند که ایشان به ایتالیا وارد شده و در آن جا اقامت کرده‌اند؛

و چون تعدی به امام و همراهانش در بیرون از کشور مستلزم دانستن این است که آیا دستگاه قضایی لبنان می‌تواند در مورد چنین جرمی نظر بدهد، خصوصاً آن که مسئله به امنیت و نظم عمومی بستگی دارد.

و چون بخشنامه تفویض این امر به شورای دادگستری این حق را برای این شورا قایل نشده است بلکه این شورا و قاضی تحقیق آن است که به داشتن این حق بنا به قوانین جزایی لبنان حکم دهد؛

و چون ماده ۱۹ قانون مجازات لبنان، اعمال قوانین لبنان را بر هر لبنانی یا غیر لبنانی، خواه عامل باشد یا آمر و خواه در بیرون از لبنان جنایتی مرتکب شود که به امنیت داخلی خدشه وارد سازد لازم می‌داند؛

و چون دولت لبنان با بخشنامه ۳۷۹۴ در تاریخ ۴ فوریه ۱۹۸۱ این قضیه را محل امنیت داخلی دولت دانسته و دادستانی کل ادعای جرمهای فتنه‌انگیز و تحریک به درگیری طایفه‌های لبنان که به آنها و مجازاتشان در مواد ۳۰۸ و ۳۱۷ از قانون مجازات تصریح شده است در این قضیه نافذ می‌داند؛

و چون جنایت از نوع جنحه است و در نتیجه در ذیل ماده ۱۹ که فقط حالت جنایت را شامل می‌شود قرار نمی‌گیرد، پس بجاست که بحث در جنایت نخست با این لحاظ که از این نوع است محدود شود؛

و چون لزوماً نباید از ناپدید شدن امام موسی صدر و همراهانش و سلب آزادی آنان در لبنان جنبه‌ای مادی از جنبه‌های تجاوز و تعدی که مورد نظر ماده ۳۰۸ از قانون مجازات است حاصل شود به دلیل این که این ماده کیفر را اگر تعدی تحقق یابد تا حد اعدام بالا برده است و نیز وقوع تعدی را از شرایط تشدیدکننده عقوبت دانسته است؛

و چون ماده ۳۱۳ قانون مجازات توطئه به قصد ارتکاب یکی از جنایتهای مذکور در آن ماده را در محدوده فتنه‌انگیزی کیفر می‌کند؛ یعنی تنها بر توافق برای تحقیق جرم بدون نیاز به انجام جنایت مجازات می‌کند، حتی اگر به تحقق جرم مستقیم یا غیرمستقیم منجر نشده باشد؛

و چون تاکنون هیچ اختلاف یا خصومت شخصی که به انتقام و تشفی خاطر از راه بودن امام و همراهانش و سلب آزادی آنان نیاز باشد، ثابت نشده است؛

و چون موقعیت امام صدر در رأس مجلس اعلای شیعیان لبنان و انبوه مردمی که مجلس بر آنان اثرگذار است و نقشی که او در لبنان پیش از این تعدی و شدت یافتن درگیریها ایفا می کرده، اموری است که ثابت می کند ربودن و سلب آزادی وی از اهداف شخصی فارغ است و هدف، تعدی و تجاوز به لبنان است؛

و چون شرکای این جرم یعنی ربودن و سلب آزادی همچنان ناشناخته مانده اند؛

و چون آنچه به دستگاه قضایی لبنان برمی گردد، وجود و یا عدم وجود نیت در این شرکت کنندگان برای افروختن آتش درگیری داخلی است؛

و چون نظریه نبود این جهت گیری به معنای پیشگویی امور و دفاع از مرتکبان این تعدی است، پس صرف وجود احتمال چنین جهت گیری برای تداوم تحقیقات به منظور نیل به اطمینان از حقیقت انگیزه ها کافی است؛

و چون مقتضی است که بر حق ما در نظر دادن در چنین قضیه ای تأکید شود؛

و چون تحقیقات به شناخت شرکت کنندگان در این جرایم نینجامیده است؛

پس حکم به صدور یادداشت «تفحص مستمر» برای نیل به شناخت آنان صادر می شود.

از این رو، بنا به این تحقیق مقرر می کنیم که:

۱. بر حق ما در نظر دادن در این قضیه تأکید می شود.
۲. یادداشت تحقیق مستمر برای شناخت آمران و عاملان در این جرایم، صادر می شود.

۱۸ نوامبر ۱۹۸۶

قاضی تحقیق دادگستری

طریبه رحمه

فصل نهم:

ادامه پیگیری پرونده در لبنان

## ادامه پیگیری پرونده در لبنان

در تاریخ ۲۲ می ۲۰۰۱ سید صدرالدین صدر، فرزند امام موسی صدر، و خانمها امتثال مصطفی سلیمان و زهرا موسی یزبک، همسران شیخ محمد یعقوب و آقای عباس بدرالدین، ضمن اقامه دعوی، خواستار به کارگیری تمامی راهکارهای قانونی برای انجام تحقیقات گسترده تر در خصوص موضوع ارجاع شده به دیوان عالی در تاریخ ۴ فوریه ۱۹۸۱ به منظور کشف حقیقت و شناسایی مجرمان شدند. آنان همچنین با تقدیم شکوائیه‌ای به قاضی تحقیق اول بیروت، آقای حاتم ماضی، علیه افراد «مجهول الهویه» و همه افرادی که بر اساس تحقیقات در ارتکاب جرم «سلب آزادی» از امام و همراهانش از طریق آدم‌ربایی یا هر وسیله دیگر مجرم یا شریک جرم شناخته شوند، اقامه دعوی خصوصی نموده‌اند.

در پی تسلیم دادخواست مذکور، دادستان کل لبنان قاضی عدنان عضوم، با صدور قرار کیفرخواست، پیگیری اجرای قرار صادره از سوی قاضی طریبه رحمه و صدور نیابت قضایی را برای تمامی مراجع امنیتی به منظور تسریع در روند دادرسی و اتخاذ تدابیر لازم مورد تأکید قرار داد.

متن قرار صادره از سوی دادستان کل لبنان، قاضی عدنان عضوم، بدین شرح است:  
این جانب عدنان عضوم دادستان کل دیوان عالی

ضمن بازگشت به قرار صادره از سوی بازپرس محترم دیوان در تاریخ ۱۸ نوامبر ۱۹۸۶ که به موجب آن دستگاه قضایی لبنان را مرجع رسمی و ذی صلاح دادرسی در رسیدگی به جنایت بودن و سلب آزادی از امام موسی صدر و دو همراه ایشان شیخ محمد یعقوب و آقای عباس بدرالدین اعلام کرده‌اند و بر مبنای «قرار پیگیری دایم پرونده» تا شناسایی عاملان، مسببان و مباشران جرایم مذکور و با اطلاع از دادخواست

ارائه شده از سوی وکلای آقای سید صدرالدین صدر و خانم امتثال مصطفی سلیمان، همسر شیخ محمد یعقوب و خانم زهرا موسی یزیک، همسر آقای عباس بدرالدین، مبنی بر به کارگیری هرچه سریعتر تمامی راهکارهای قانونی به منظور انجام تحقیقات گسترده‌تر در خصوص موضوع ارجاع شده به دیوان عالی به موجب بیانیته شماره ۳۷۹۴ مورخ ۴ فوریه ۱۹۸۱ به منظور تکمیل تحقیقات کشف حقیقت و شناسایی و پیگرد مجرمان که به صدور قرار مذکور از سوی جناب عالی در تاریخ ۱۸ نوامبر ۱۹۸۶ منجر گردید؛ بدین وسیله مقرر می‌کنیم:

اولاً: پیگیری اجرای مفاد قرار صادره از سوی بازپرس دیوان عالی با مضمون صدور قرار پیگرد دایم را مورد تأیید قرار می‌دهم و هنوز در این تاریخ معتبر است. ثانیاً: به منظور انجام بررسیها و اقدامات لازم برای شناسایی و تعیین محل اقامت اشخاصی که برای ربودن و سلب آزادی از امام موسی صدر و همراهانشان اقدام کرده‌اند و اتخاذ تدابیر لازم برای بازداشت عاملان، مسیبان و مباشران جرایم مذکور برای تمامی مراجع امنیتی نیابت قضایی صادر می‌نمایم. این حکم به منزله ضابط قضایی به شمار می‌آید.

عدنان عضوم ۲۲ می ۲۰۰۱

خانواده‌های امام موسی صدر، شیخ محمد یعقوب و عباس بدرالدین در تاریخ ۲۷ جولای ۲۰۰۴ شکایتی را علیه قذافی و تنی چند از مقامات لیبیایی تنظیم کردند. در این شکایت، قذافی و برخی مقامات لیبی، مسؤول اصلی و مستقیم ربودن امام موسی صدر و نیز مباشران و معاونان در جرمهای «استمرار ربودن»، «جعل اسناد»، «استفاده از نام افراد با قصد فریبکارانه» و «شهادت دروغ» نامیده شده‌اند.

بر اساس این شکایت در تاریخ ۲ اوت ۲۰۰۴ دادستان کل لبنان، قاضی عدنان عضوم، به عنوان مدعی العموم، با صدور قرار پیگرد قانونی، دستور جلب سرهنگ معمر قذافی و تنی چند از مقامات دولت لیبی و بازپرسی از آنان را به عنوان «متهمان» در پرونده ربودن امام موسی صدر و دو همراه ایشان در سال ۱۹۷۸ صادر کرد.

به موجب این درخواست، دادستان کل لبنان، خواستار تجدید نظر در قرار قبلی شد که مبنی بر بایگانی کردن پرونده بود. وی دستور داد تحقیقات گسترده در این زمینه و اقدام به بازپرسی از نامبردگان از سر گرفته شود. همچنین هر نوع قرار و نیابت قضایی

لازم برای پیشبرد روند بازپرسی از جمله قرار بازداشت را از بازپرس پرونده، قاضی طریبه رحمه، خواستار شده است. متن دادخواست بدین شرح است:

قاضی محترم، جناب آقای طریبه رحمه:

عطف به قرار صادره از سوی جناب عالی در تاریخ ۱۸ نوامبر ۱۹۸۶ که به موجب آن، دستگاه قضایی لبنان را مرجع رسمی و ذی صلاح دادرسی در این پرونده اعلام کرده‌اید و بر مبنای «قرار پیگیری دایم پرونده» تا مشخص شدن عاملان و مسببان و مباشران جنایت ربودن و سلب آزادی امام موسی صدر و دو همراه ایشان، شیخ محمد یعقوب و آقای عباس بدرالدین - که جزء جرایم کیفری مذکور در قانون شماره ۲۷ مصوب ۱۹۵۹/۳/۵ و مواد ۳۰۸ و ۳۱۷ قانون مجازات است - و با توجه به این که شاکیان: آقای سید صدرالدین صدر و خانم امتثال مصطفی سلیمان، همسر شیخ محمد یعقوب و خانم زهرا موسی یزبک، همسر آقای عباس بدرالدین به عنوان شاکی خصوصی علیه متشاکیان: معمر القذافی، محمود محمد بن کوره، احمد الاطرش، عبدالسلام جلود، عیسی البعباع، عاشور الفرطاس، علی عبدالسلام التریکی، احمد الشحاطی، المرغانی التومی، احمد م. الحطاب، الهادی ابراهیم الصداوی، عبدالرحمن غویلا، احمد مسعود صلاح، ابراهیم خلیفه، محمد خلیفه صهبون، عیسی مسعود، عبدالله المنصوری، محمد علی الرحیبی و محمد محمود ولد داده، بر اساس مواد ۵۶۹، ۴۵۹، ۴۵۴، ۴۰۸ و ۳۹۲ عطف به مواد ۱۹، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۷ و ۲۱۹ قانون مجازات، اقدام دعوی خصوصی کرده و مدعی شده‌اند که شواهد، قرائن و دلایلی به دست آمده است که ثابت می‌کند امام موسی صدر و دو همراه ایشان در جریان سفری که به دعوت سرهنگ معمر قذافی به لیبی داشته‌اند، در این کشور ناپدید شده‌اند، و قذافی و مسؤولان دولت لیبی در طول ۲۴ سال گذشته همواره مدعی بوده‌اند که امام و همراهانش، لیبی را به مقصد ایتالیا ترک کرده‌اند و دلایل مذکور ضمیمه دعوی مستقیم مزبور شده، و از آن جا که متن شکایت شاکیان و اسناد ضمیمه آن داده‌ها و شواهد جدیدی به همراه دارد که تجدیدنظر در دستور بایگانی کردن و از سرگیری تحقیقات را در این زمینه ضروری می‌سازد؛ به ویژه آن که شاکیان پرونده، هویت نام متشاکیان را که به عقیده شاکیان در ارتکاب جرم دخیل بوده‌اند، شخصاً مسؤول می‌دانند که بر اساس آن باید از جناب بازپرس پرونده، درخواست اجرایی بازپرسیها از متهمان نامبرده در متن این دادخواست، به اتهام ارتکاب جرم مذکور در ماده قانون شماره ۲۷ مصوب ۱۹۵۹/۳/۲۵ و بر اساس دادخواست دادستان کل در تاریخ ۲۱



فوریه ۱۹۸۱ و ادعای شماره م.ع ۸۱/۱ و مواد ۳۰۸ و ۳۱۷ قانون مجازات کرد و همچنین به اتهام ارتکاب دیگر جرایم مذکور در متن شکوائیه دهم مورخ ۲۷ جولای ۲۰۰۴ به شماره ۲۵۹/م/۲۰۰۴ که بر اساس مواد قانونی مذکور در متن شکوائیه از سوی شاکیان و توسط وکلای آنان، آقایان فایز حاج شاهین و شبلی ملاط تسلیم دادگاه گردیده است، بایست ضمن احضار متشاکیان، از آنان بازپرسی و بازجویی کرد و هر نوع حکم قانونی و نیابت قضایی را که لازمه بازپرسی است صادر کرد و این روند را تا آشکار شدن همه ابعاد و جوانب مسئله و رفع ابهامات موجود در پرونده بر اساس مدارک و مستندات ارائه شده ادامه داد، از این رو، از جناب عالی می‌خواهم ضمن لغو قرار بایگانی کردن پرونده، صادره در تاریخ ۱۸ نوامبر ۱۹۸۶، از سرگیری تحقیقات را با احضار اشخاص نامبرده فوق به عنوان «متهم» به جلسه بازپرسی که مشخصاً بدین منظور تشکیل می‌گردد و اجرای هرگونه تحقیق و بازجویی لازم که با اتهامات مطرح شده در شکایت اصلی و ضمیمه - که پیش‌تر بدانها اشاره گردید - ارتباط دارد، به انجام رسانید و قرارهای قضایی مورد نیاز را اعم از قرار بازداشت و هرگونه نیابت قضایی، به منظور آشکار شدن ابعاد و جوانب مسئله و رفع ابهامات موجود در پرونده بر مبنای مدارک و مستندات ضمیمه آن، صادر نمایید.

عدنان عضوم  
دادستان کل لبنان و مدعی العموم

### تشکیل نخستین جلسه دادگاه و حضور نیافتن قذافی

پس از صدور حکم دادستان کل لبنان قاضی پرونده، طریبه رحمه، از سمت خود استعفا داد و وزیر دادگستری لبنان، قاضی سهیل عبدالصمد را به سمت قاضی تحقیق جدید برای رسیدگی به پرونده منصوب کرد. عبدالصمد نیز در پاسخ به درخواست دادستان کل لبنان برای جلب قذافی، وی و سایر متهمین را به دادگاه احضار کرد و زمان تشکیل دادگاه را ۱۶ مارس ۲۰۰۵ اعلام کرد.

نخستین جلسه تحقیق پیرامون ناپدید شدن رئیس مجلس اعلای شیعیان لبنان، امام موسی صدر و همراهانش، به ریاست قاضی سهیل عبدالصمد بازپرس قوه قضائیه لبنان برگزار شد. بازپرس پرونده در این جلسه، اظهارات فرزند امام موسی صدر و همسران شیخ محمد یعقوب و بدرالدین را استماع کرد. نامبردگان نیز دادخواستی را که بر اساس آن در سال گذشته بار دیگر این پرونده را به جریان انداخته‌اند، مورد تأکید قرار دادند. حاضر نشدن قذافی و سایر متهمان در دادگاه، تأکیدی بر مسوولیت جزایی آنان است و جرم ایشان را تثبیت می‌کند.

شاکیان پرونده، مطابق قوانین کیفری لبنان از قاضی دادگاه خواستند تا پرونده متهمان را برای محاکمه به مجلس عدل (بالاترین مرجع قضایی در لبنان) بفرستند.

### صدور حکم در یک دادگاه در ایتالیا

پس از به جریان افتادن مجدد پرونده، در دادگاه لبنان و صدور حکم جلب قذافی، یکی از قضات ایتالیایی طی حکمی پرونده را مجدداً گشود و پس از بررسی پرونده مفقود شدن امام موسی صدر، این پرونده را مختمه اعلام و دستور بایگانی آن را صادر کرد. حکم قاضی چنین بود که:

«تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد که امام موسی صدر به اتفاق دو همراه خود در سال ۱۹۷۸ از لیبی وارد شهر رم پایتخت ایتالیا شد و سپس در این شهر مفقود شده است. در جریان این تحقیقات هیچ مدرکی در جهت شناسایی عاملان این واقعه به دست نیامده است!».

صدور این حکم واکنشهای فراوانی در ایران و لبنان و حتی در کشور ایتالیا داشت. رئیس و نمایندگان پارلمان لبنان، نخست وزیر، دبیر کل حزب الله لبنان و نیز نمایندگان مجلس شورای اسلامی در ایران و معاون وزیر امور خارجه ایتالیا از صدور این حکم ابراز شگفتی کردند. نبیه بری، رئیس پارلمان لبنان، حدود یک ماه پیش از این مسئله در گفتگو با شبکه تلویزیونی الجزیره گفته بود:

«لیبی می‌کوشد تا بر دستگاه قضایی ایتالیا تأثیر گذاشته و بار دیگر بحث ربودن امام موسی صدر را در ایتالیا مطرح کند. ما می‌دانیم که ارتباطات و تلاشهایی برای تحریک برخی از وکلای ایتالیایی صورت گرفته است»<sup>۱</sup>.

پس از صدور حکم نیز نبیه بری طی موضعی رسمی اعلام کرد:

«از سال ۱۹۷۸ تاکنون رژیم لیبی ادعا می‌کند که امام و دو همراهش طرابلس، پایتخت لیبی را به سوی رم ترک کرده‌اند. طبیعتاً عین کلام دادستان ایتالیا پس از سال ۱۹۷۸ است. پس از ۲۴ سال رژیم لیبی صراحتاً اعتراف کرد که امام موسی صدر در لیبی ربوده شده و آنان آماده‌اند که این مسئله را حل کنند. همه این قضیه را به خاطر دارند».

۱. شبکه تلویزیونی الجزیره، ۱۱ آبان ۱۳۸۴ ه.ش.

از سال پیش با وسایلی مختلف خواستند قضیه را منحرف کنند و چون مایوس شدند این قضیه را در ایتالیا مطرح کردند. چهار نفر را به عنوان شاهد احضار کرده‌اند که یا در هواپیمایی لیبی کار می‌کنند یا افسر اطلاعاتی لیبی هستند اکنون پس از ۲۵ سال آمده‌اند و شهادت می‌دهند!!! این امر مضحک است. عجیب این جاست که متأسفانه این حکم در اثر شراکتهای تجاری صادر شده. ما قبلاً آن را می‌دانستیم. ایتالیا هیچ ارتباطی با این قضیه ندارد مگر همان رابطه‌ای که میان «پیراهن خونین یوسف و گرگ» وجود دارد. اکنون پس از گذشت ۲۴ سال شهودی پیدا شده‌اند که اعتراف کنند امام و دو همراهشان در ایتالیا ناپدید شده‌اند؟ آن هم پس از مبادلات و همکاریهای ما و قراردادهای نفتی لیبی؟! «!!!»<sup>۱</sup>.

دبیر کل حزب الله لبنان، سید حسن نصرالله نیز در مراسم راهپیمایی روز عاشورا در تاریخ ۱۳ مارس ۲۰۰۶ تبانی لیبی و ایتالیا را محکوم و اعلام کرد:

«آزاد کردن امام موسی صدر و همراهانش تنها راه ممکن پیش روی لیبی است. امروز با قاطعیت اعلام می‌کنم که لیبی هیچ راهی جز آزاد کردن امام موسی صدر و همراهانش را ندارد. حکمی که اخیراً از سوی دادگاهی در ایتالیا صادر شده، حکمی کاملاً سیاسی است؛ زیرا دستگاه قضایی ایتالیا ۲۶ سال قبل طی حکمی اعلام کرد که امام و دو همراهش وارد خاک ایتالیا نشده‌اند؛ ولی امروز پس از ۲۶ سال می‌بینیم که دادگاهی دیگر ادعا می‌کند که آنها وارد ایتالیا شده‌اند. باز هم می‌گویم این یک تبانی و حکم سیاسی است و هزینه‌های آن هم در قالب امکانات و امتیازات اقتصادی به شرکتهای ایتالیایی پرداخت شده است. ما این توطئه سیاسی و تبانی مالی را محکوم می‌کنیم. آنچه مسلم و قطعی و غیرقابل تردید است این حقیقت است که امام و همراهانش هنوز در لیبی هستند و باید آزاد شوند»<sup>۲</sup>.

معاون وزیر امور خارجه ایتالیا، مارگریتا بونینفر هم پس از آن که یک نسخه از حکم دادگاه به وی تسلیم شد، گفت:

«من به نوبه خود از این که بار مسؤلیت این قضیه، با تقلب و تزویر و پس از گذشت بیش از ربع قرن، بر دوش ایتالیا گذاشته شده شگفت زده شده‌ام»<sup>۳</sup>.

۱. خبرگزاری ایسنا، ۲۲ اسفند ۱۳۸۴ ه.ش.

۲. خبرگزاری ایلنا، ۲۲ اسفند ۱۳۸۴ ه.ش.

۳. خبرگزاری ملی لبنان، ۲۱ فوریه ۲۰۰۶ م.

همچنین سعید ابوطالب نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی که در رأس یک گروه از نمایندگان از طرف مجلس مسؤول پیگیری مسئله ربودن امام موسی صدر است، گفت: «چگونه یک دادگاه ایتالیا بدون اطلاع مقامات ایرانی و خانواده امام موسی صدر به عنوان شاکی اصلی، با ادعاهای جدید لیبی و مفاد اسناد جعلی، حکم صادر کرده است در حالی که صحت و قطعیت اسناد ما سستی و جعلی بودن ادعای اخیر این دادگاه ایتالیایی را ثابت می‌کند.

دولت لیبی تاکنون بارها سعی کرده که حتی در مذاکرات، به گونه‌ای از زبان مقامات رسمی ایران تبرئه خود را اعلام کند در حالی که همه شواهد و مستندات این پرونده علیه حکومت لیبی است. اخباری دریافت کرده‌ایم که برخی از مقامات عالی‌رتبه لیبی وارد مذاکره با برخی مقامات سیاسی و قضایی ایتالیا شده‌اند و به توافقاتی نیز رسیده‌اند. حکم مذکور در یکی از دادگاه‌های رم، گواه مذاکرات و توافقات مذکور است که تناقضات متعدّد موجود در این حکم، حاکی از شتاب‌زدگی و سیاسی بودن فرآیند رسیدگی قضایی بوده و واضح است که هدف این حکم، تبرئه سران لیبی است.

قاضی دادستانی شهر رم در بررسی پرونده‌ای که ۲۷ سال پیش گشوده شد در خردادماه سال ۱۳۵۸ حکم صادر کرد که امام موسی صدر و دو همراه وی نه تنها هرگز از هیچ طریقی وارد خاک ایتالیا نشده‌اند بلکه با پرواز شماره ۸۸۱ مورخ ۹ شهریور ۱۳۵۷ شرکت آلتالیا نیز خاک لیبی را ترک نکرده‌اند. پس از اعتراض لیبی به حکم اول، دستگاه قضایی ایتالیا تحقیقات مجدّدی را در این زمینه آغاز کرد و مجدّداً اعلام کرد که امام موسی صدر و دو همراه وی هرگز با پرواز مورد ادعای لیبی به رم وارد نشده‌اند و مستندات رژیم لیبی در این خصوص ساختگی است که این حکم رسماً از سوی دولت ایتالیا به دولتهای لبنان، سوریه، جمهوری اسلامی ایران و مجلس اعلای شیعیان لبنان ابلاغ گردید که این حکم یک سند بین‌المللی محسوب می‌شود.

دادگاه ایتالیا به دلیل عدم وقوع این مسئله در این کشور و صلاحیت نداشتن دادگاه‌های آن برای رسیدگی به این پرونده، آن را مختومه اعلام کرد و اکنون گشایش مجدّد پرونده در موضوعی که قبلاً حکم قطعی داشته نیاز به اقامه دلایل و شواهد متقن جدیدی دارد که ما اطلاعی از وجود چنین دلایلی نداریم؛ در حالی که این مسئله حتماً باید به اطلاع طرفهای ذی‌نفع می‌رسید. مطمئنیم دولت ایتالیا اجازه نمی‌دهد توسط یک دادگاه محلی متهم به ربودن شهروند جلیل‌القدر ایرانی شود و قطعاً درباره روند شکل‌گیری در تولید اسناد جدید، مبانی حقوقی بازگشایی پرونده، مستندات قضایی

ودلایل و شواهد اتهام به مأموران دولتی ۲۷ سال پیش خود، دخالت، بازرسی و تفحص خواهد کرد»<sup>۱</sup>.

دکتر حسین میرمحمد صادقی، استاد حقوق جزای بین‌الملل نیز دربارهٔ مخدوش بودن این حکم از نظر حقوقی چنین استدلال می‌کند:

آنچه اخیراً در ایتالیا اتفاق افتاده از لحاظ موازین حقوقی یک موضوع بسیار عجیب بوده و بر پایهٔ ملاحظات سیاسی صادر شده است. در همان زمانی که امام موسی صدر در سال ۱۹۷۸ ر بوده شد، دستگاه قضایی ایتالیا این مسئله را پیگیری کرد و نتیجه‌ای کاملاً متضاد با آنچه امروز از سوی یک دادگاه در رم مطرح شده، اعلام و منتشر کرد. آنچه قبلاً دادستانی و دادگاه ایتالیا به آن رأی داده‌اند چون نزدیک به واقعه تهیه شده قطعاً قاطعیت و صحت بسیار بالایی دارد. بر پایهٔ این رأی، امام موسی صدر و دو همراه ایشان قطعاً در کشور ایتالیا ر بوده نشده‌اند.

به جرأت می‌توان گفت موردی وجود ندارد که پرونده‌ای پس از ۲۷ سال مجدداً مفتوح شود و تمام ادله‌ای که قبلاً قطعی بوده و در رأی دادگاه قبلی به تفصیل تشریح شده، همه نادیده گرفته شود و صرفاً گفته شود ادله‌ای در شناسایی عاملان این پرونده نیست. این نتیجه‌گیری، مشکوک است و دولت ایتالیا را وارد نوعی بحران حقوق بشری می‌کند.

اظهارت اخیر دادگاه رم صرفاً بنا بر مصالح و ملاحظات سیاسی صادر شده است. دولت لیبی سعی کرده بر دستگاه قضایی ایتالیا فشار بیاورد به گونه‌ای که پرونده‌ای را که یک بار مختومه شده دوباره باز و لیبی را تبرئه کنند و بدون اطلاع به ایران، لبنان و خانواده، به سرعت حکم نقض بدهند و بی‌سر و صدا مختومه کنند. این از لحاظ حقوقی بسیار جالب است که پرونده‌ای را که قبلاً مختومه شده حالا بخواهند مفتوح کنند و بررسی را ادامه دهند، صرف بیان این که ایشان در خاک ایتالیا مفقود شده و دولت لیبی مسؤلیتی در این مسئله ندارد و مختومه کردن آن باید توجیه حقوقی داشته باشد، از لحاظ حقوقی خیلی مضحک است. دولت ایتالیا نباید فریب این ساخت و سازها را بخورد که مشکلات حقوقی بشری بسیاری در پی خواهد داشت.

افزون بر این که در رأی اخیر، تعارض وجود دارد؛ یعنی دادگاه نمی‌تواند بگوید ایشان هم در ایتالیا مفقود شده است و هم بگوید که پرونده مختومه می‌شود. اگر ایشان

۱. خبرگزاری مهر، ۱ آذر ۱۳۸۴ ه.ش.

در ایتالیا مفقود شده‌اند، طبعاً وظیفه مقامات قضایی آن کشور است که به رسیدگی‌های خود در همه ابعاد ادامه دهند و عاملان این مسئله را شناسایی و معرفی کنند. به خانواده امام موسی صدر، به شیعیان و دولت لبنان و دولت ایران اطلاع دهند تا اینها شواهد و مدارک خود را ارائه کنند.

قبل از این مراحل، مختومه اعلام کردن پرونده خلاف موازین حقوقی است و اقدامی شتاب‌زده است و اساساً با توجه به اصل «سرزمینی بودن حقوق جزا» که دادگاه قبلی ایتالیا هم به آن اشاره کرده بود، در تعارض است. این مسئله مداخلات سیاسی را در این پرونده بسیار قوی می‌کند. لیبی در قضیه امام موسی صدر با صحنه‌سازی‌هایی که از همان ۲۷ سال پیش انجام داد، تلاش کرد و انمود کند امام موسی صدر و همراهانش به ایتالیا رفته‌اند؛ ولی آن زمان که نزدیک به واقعه هم بود، به خوبی و به زودی و سریعاً دادگاه ایتالیا وارد بررسی شد و اعلام کرد که قطعاً ایشان به ایتالیا وارد نشده است؛ البته باید گفت که اظهارات اخیر دادگاه کنونی تأثیری بر اقدامات قضایی در لبنان و سایر کشورها ندارد.

دولت ایتالیا باید به دقت، سلامت فرآیند اخیر را بررسی کند و عوامل شکل دهنده این تعارضات حقوقی را شناسایی کند و اتهامی برای خود نسازد؛ چرا که یکی از این اتهامات می‌تواند «اعمال نفوذ» باشد و طبعاً اعمال نفوذ در دستگاه قضایی و مقامات قضایی می‌تواند هم برای نفوذ کننده و هم برای کسی که تحت نفوذ قرار گرفته جرم سنگینی باشد. خصوصاً در قوانین کشورهای اروپایی اگر بحث رشوه و ارتشا هم مطرح شود که خیلی سنگین‌تر است.

اعمال نفوذ می‌تواند جرم بزرگی باشد. اگر به فرض، اصل محاکمه مجدد را هم کنار بگذاریم و بگوییم پرونده‌ای که ۲۵ سال پیش مختومه شده اکنون ادله جدیدی پیدا شده و باید دوباره رسیدگی شود، خوب پس دوباره مختومه شدن منطقی نیست و با اظهارات اخیر هم تعارض دارد.

در ضمن، اظهارات جدید دادگاه رم، دو مشکل بزرگ پیش روی دولت ایتالیا قرار می‌دهد: اول آن که حالا دولت ایتالیا و کسانی با ملیت ایتالیایی توسط دادگاه رم متهم به آدم‌ربایی شده‌اند و چرا ۲۷ سال بر این جرم سرپوش گذاشته‌اند؟

به علاوه، دادگاه رم چرا از طرف‌های دیگر پرونده مثل دولت ایران، خانواده امام موسی صدر و دولت لبنان دعوت نکرده تا دلایل آنها را نیز بررسی کند و بعد حکم بدهد. واقعاً عجیب است!!

### ادامه پیگیریها در لبنان

شورای عالی قضایی لبنان، قاضی جدیدی را برای بررسی پرونده تعیین کرد و وزیر دادگستری لبنان پس از پذیرش استعفای قاضی، سهیل عبدالصمد، حکم قاضی سمیح الحاج را به سمت بازپرس پرونده صادر کرد. سمیح الحاج نیز برای بررسی مسئله ر بودن امام موسی صدر و دو تن از همراهانش، سفری به ایتالیا داشت. این سفر وی در چارچوب تصمیمات شورای وزیران لبنان در ۱۶ مارس ۲۰۰۵ است. این پیگیریها تا صدور حکم مجرمیت مسؤلان لیبی ادامه خواهد داشت.





## فصل دهم:

اقدامات انجام گرفته در ایران

## اقدامات انجام گرفته در ایران

### اقدام امام خمینی رحمته الله علیه

سفر امام موسی صدر به لیبی و ربودن ایشان مقارن بود با بحبوبة مبارزات مردم ایران به رهبری امام راحل و درست چند ماه پیش از پیروزی انقلاب اسلامی. امام صدر رابطه صمیمانه‌ای با مراجع و علمای حوزه‌های علمیه و نیز مبارزین ایرانی خارج از کشور داشتند. با ربودن ایشان واکنشهای بسیاری از سوی رهبری انقلاب و سایر انقلابیون و مردم برانگیخته شد.

حضرت امام خمینی رحمته الله علیه از همان روزهای نخست نسبت به این مسئله واکنش نشان دادند. ایشان در شهریور ۱۳۵۷ در تلگرافی به یاسر عرفات، رهبر سازمان آزادی بخش فلسطین نوشتند:

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای یاسر عرفات، رئیس کمیته اجرائیه سازمان آزادی بخش فلسطین، از سلامت جناب حجت الاسلام آقای سید موسی صدر، رئیس مجلس شیعیان لبنان هیچ گونه اطلاعی ندارم و موجب نگرانی این جانب است. از جناب عالی تقاضا دارم که هرچه زودتر از مکان ایشان اطلاع پیدا کرده و این جانب را از سلامت ایشان آگاه گردانید. توفیق جناب عالی را در اهداف اسلامی خواستارم.

روح الله الموسوی الخمينی<sup>۱</sup>

یاسر عرفات رهبر سازمان آزادی بخش فلسطین، به نامه حضرت امام رحمته الله علیه پاسخ داد و چنین نوشت:

۱. صحیفه امام، ج ۳، ص ۴۵۸.

مرجع عالیقدر دینی، آقای سید روح الله موسوی الخمینی - نجف

تلگراف شما را راجع به برادر حضرت حجت الاسلام سید موسی صدر، رئیس مجلس اعلای شیعی، امروز دریافت داشتم. اتخاذ مواضع دینی مهم ایشان نسبت به ما و برادرانمان در لبنان، معظم له را نزد ما موقعیتی ارجمند بخشیده است. از این روی، همه امکانات و تلاشهایمان را در این زمینه به کار گرفته و خواهیم گرفت. در خصوص این موضوع، نمایندگان و فرستادگان چندی را به نقاط گوناگون گسیل داشتیم و لحظه به لحظه آن جناب را در جریان اخباری که به دست آورم خواهیم گذاشت. با آرزوی توفیق نسبت به آنچه خواست و خشنودی خداست و با چشمداشت به دعاها و برکت و مستمر شما برای موفقیت.

یاسر عرفات

رئیس کل کمیته اجرای سازمان آزادی بخش فلسطین

۱۰ شوال ۹۸

پس از آن، در تاریخ ۱ مهر ۱۳۵۷ به حافظ اسد، رئیس جمهور سوریه - که روابط نزدیکی با امام صدر داشت - تلگراف زدند:

بسم الله الرحمن الرحيم

پس از اهدای سلام، این جانب از غیبت جناب حجت الاسلام آقای سید موسی صدر نگران و متأثرم. از جناب عالی تقاضا دارم که این موضوع را با سران کشورهای که در قضیه فلسطین اجتماع کرده اند، در میان گذارید و اهتمام آنان را جلب نمایید. ما و ملت ایران در این عصر، گرفتار رژیم هستیم که با اتکاء به پشتیبانی آمریکا، ملت را در آتش دیکتاتوری و کشتارهای دسته جمعی و سلب همه آزادیها می سوزاند. ما از شما سران دولتهای اسلامی برای رهایی ملت بی پناه ایران کمک می خواهیم. برادران مسلمان شما در زیر چکمه دژخیمان شاه خرد شده اند و حکومت نظامی که در اکثر شهرستانهای مهم ایران برپاست، ملت را به جان آورده. از پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل می شود: «كَلِّمُوا رَاعٍ وَكَلِّمُوا مَسْئُولًا عَنْ رَعِيَّتِهِ». همه افراد از جمله شما سران دولتهای اسلامی که قدرت دفاع از ملت مظلوم ما را دارید، مسؤل هستید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمینی<sup>۱</sup>

حضرت امام به این دو تلگراف اکتفا نکردند و در ۲۶ مهر ۱۳۵۷ به قذافی نامه نوشتند و خواهان مشخص شدن سرنوشت امام موسی صدر شدند:

حضرت رئیس جمهوری

پس از اهدای سلام و تحیت؛ قضیه جناب آقای حجت الاسلام آقای صدر به شکل معنایی مرموز درآمده است. بستگان ایشان پس از بررسی، می گویند در لیبی هستند. چون جناب ایشان مورد احترام و محبت روحانیون و دیگر جناحها هستند و این امر موجب نگرانی آنهاست، مقتضی است در آن اهتمام نمایید. و از دولت خودتان بخواهید ما را از سلامت ایشان و محل اقامتشان مطلع نموده، نگرانی‌ها را رفع کنند.

والسلام علیکم  
ذی القعدة ۱۵۹۸  
روح الله الموسوی الخمينی<sup>۱</sup>

پیگیریهای مستمر حضرت امام، نشانه علاقه وافر ایشان به حل این معما و امید به بازگشت امام موسی صدر از لیبی است. امام راحل علیه السلام در تاریخ ۱۵ آبان و ۲ آذر ۱۳۵۷ یعنی در فاصله زمانی حدوداً دو هفته‌ای، دو مصاحبه با خبرنگاران روزنامه‌های لبنانی «المستقبل»<sup>۲</sup> و «السفیر»<sup>۳</sup> انجام دادند و در هر دو مصاحبه بر علاقه‌شان به امام موسی صدر و امید به «سودمند» بودن پیگیریها و بازگشت ایشان به وطن، تأکید کردند. حضرت امام علیه السلام در تاریخ ۶ آذر ۱۳۵۷ یعنی تنها چهار روز پس از مصاحبه با روزنامه‌های لبنانی، در دیدار با نمایندگان حرکت محرومین لبنان و حسین الحسینی - که بعداً رئیس پارلمان لبنان شد - پس از ارائه توضیحات الحسینی، فرمودند:

«قضیه آقای صدر بسیار مهم و به ما هم لطمه وارد کرده است لکن امیدوارم به زودی باز گردد و کارها را که اسلامی است و به نفع شیعه انجام دهند. در غیاب ایشان نباید شما آقایان مأیوس شوید. خدا با حق است. خداوند وعده نصرت داده است. حق با شماست. مردم را امیدوار کنید»<sup>۴</sup>.

ربودن امام موسی صدر و نحوه ارتباط با لیبی برای افکار عمومی دنیا نیز مسئله روز بود. خبرنگاران نروژی و روزنامه‌های فاینانشل تایمز لندن و الرأی العالم تونس در ۸

۱. صحیفه امام، ج ۴، ص ۴۵.

۲. همان، ج ۴، ص ۳۴.

۳. همان، ج ۵، ص ۸۲.

۴. همان، ج ۵، ص ۱۳۴.

آذر ۱۳۵۷، یعنی دو روز پس از بیانات امام در دیدار با هیأت حرکت محرومین، با امام راحل مصاحبه کردند:

سؤال: آیا حضرت آیت الله با معمر قذافی در لیبی روابطی دارید؟

جواب: خیر، لکن راجع به یک قضیه من به ایشان پیغام دادم و ایشان هم جواب دادند.<sup>۱</sup>

در همین ماه یعنی ۱۶ آذر ۱۳۵۷ نیز با نشریه امل، ارگان جوانان حرکت محرومین، مصاحبه کردند:

سؤال: چه اقداماتی راجع به امام موسی صدر فرموده‌اید؟

جواب: در زمانی که نجف بودم، تلگرافی به آقای یاسر عرفات و تلگراف دیگری به رئیس جبهه صمود در سوریه نمودم و این جا هم وقتی سفیر لیبی آمده بود، راجع به ایشان صحبت کردم. امیدوارم هرچه زودتر ایشان به لبنان مراجعت نمایند و به مبارزاتشان علیه اسرائیل ادامه دهند. من از این قضیه متأثرم و دعا می‌کنم که ختم به خیر شود.<sup>۲</sup>

پس از آن، حضرت امام علیه السلام در آذر ماه ۱۳۵۷ صادق قطب‌زاده را به لیبی فرستاد تا

در این باره تحقیق و بررسی کند. در اسناد ساواک آمده است:

«[امام] خمینی دو نفر از نزدیکان خود را به لیبی فرستاده است تا در مورد سرنوشت

موسی صدر تحقیق کنند و در صورتی که نامبرده در لیبی به سر می‌برد تقاضای آزادی او را بنمایند ولی نامبردگان نتوانسته‌اند در مأموریت خود توفیق به دست آورند؛ ولی خبرهای قبلی در مورد اقامت موسی صدر در لیبی و زنده بودن وی تأکید شده است».<sup>۳</sup>

ر بودن امام صدر برای مراجع تقلید نیز فاجعه‌ای عظیم بود و واکنش بسیاری از آنان را برانگیخت. حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی، آیت الله العظمی حسین طباطبایی قمی، آیت الله العظمی گلپایگانی، آیت الله العظمی سید عبدالله شیرازی، آیت الله طالقانی و آیت الله العظمی شریعتمداری با ارسال تلگرافهای مکرر و صدور بیانیه‌های متعدّد نگرانی خود را از ربودن امام صدر اعلام نمودند. آیت الله مرعشی نجفی در شهریور ماه ۱۳۵۷ به شیخ عبدالحلیم محمود، رئیس الازهر، تلگرافی می‌نویسد و از وی درخواست می‌کند تا برای آزادی امام صدر تلاش کند. ترجمه فارسی متن تلگرافها

۱. نامه‌ای که حضرت امام درباره سرنوشت امام موسی صدر به معمر قذافی نوشتند و مصرّانه از او خواستند که در این باره پاسخ قانع‌کننده‌ای بدهد.

۲. صحیفه امام، ج ۵، ص ۱۸۶.

۳. ر.ک: امام موسی صدر، یاران امام به روایت اسناد ساواک، کتاب هفدهم، ج ۳، ص ۵۷۸.

و اعلامیه‌ها بدین شرح است:<sup>۱</sup>

## تلگراف آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی

قاهره

حضرت علامه شیخ عبدالحلیم محمود رئیس الازهر شریف:

خبر ربودن حضرت امام صدر، رئیس مجلس اسلامی اعلای شیعیان در لبنان را دریافت کردیم. این مسئله سبب نگرانی و نارضایتی بسیار شده است و ما موضوع را هتک کرامت علمای مسلمین می‌دانیم و درخواست پیشرفت تلاشها برای رفع ابهام از ربودن و آزادی ایشان داریم.

شهاب‌الدین حسینی مرعشی نجفی  
قم - ایران

## بیانیه آیت‌الله العظمی سید عبدالله شیرازی

بسم الله الرحمن الرحيم

فرزندان مردم مجاهد لبنان، السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته  
با آغاز ماه اطاعت و آمرزش، ماه عمل و ایمان، ماه رضائی که ﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ...﴾ شما را به یاری رساندن به یکدیگر و همکاری با هم در حل مشکلات دشوار دعوت می‌کنم و نیز به وحدت در صفوف خود و عمل به مثابه یک واحد برای بنای لبنانی آزاد و یکپارچه دعوت می‌کنم. همچنین برای دفع کردن دستان جنایتکاری که می‌خواهند از همبستگی برادرانه شما بکاهند.  
برادران مسلمان لبنانی!

امپریالیسم جهانی که حامی صهیونیسم دولتی است، در هر مکانی همچنان ضربات کوبنده خود را در همه جا به سوی امت اسلامی متوجه کرده است و همچنین به سوی موجودیت اسلام در لبنان. آنان اقدام به ایجاد تحریکهای طایفه‌ای در سرزمین شما می‌کنند تا این که سیادت بر سرزمین شما فراهم شود و شما را از سرزمینتان دور سازند و سپس مواهب و ثروتهای شما را به غارت ببرند. ضربه دیگری که دشمن برای دستیابی به آن تلاش فراوان و پیوسته‌ای می‌کند، همانا نابود کردن علمای بزرگ دین

۱. ر.ک: سید هادی خسروشاهی، امام موسی صدر، تاریخ و فرهنگ معاصر، چاپ اول، قم، مرکز بررسیهای اسلامی، ۱۳۷۵، ص ۵۳۰.

است. کسانی که مسوولیت امت اسلامی را بر دوش می‌کشند و برای مصالح و منافع امت، شب و روز کار می‌کنند. آنان در پی محدود کردن فعالیت علمای دین به صورت مستقیم و غیرمستقیم هستند.

مسئله‌ای که استعمار در آن منطقه به آن اقدام کرده است، اجرای نقشه زیرکانه برای زندانی کردن حضرت امام موسی صدر و مخفی کردن او از دیدگان مردم است تا این‌که شرایط را مهیا کنند و هرچه می‌توانند در حق مردم مبارز لبنان خیانت کنند. این جنایت بزرگ در حق امام سید موسی صدر رخ نداد مگر به علت اهمیت فراوان این مرد اسلام در سطح دینی و سیاسی. وی همواره حامی شیعیان و مدافع حقوق همه محرومین و مستضعفین در آن مناطق بوده است و در برابر مطامع امپریالیسم و صهیونیسم، مقاومت و مبارزه کرده است به گونه‌ای که استعمار چاره‌ای جز انجام دادن این جنایت بزرگ و خیانت نفرت‌انگیز نداشت.

دشمن گمان برده است که با این عمل جنایتکارانه خواهد توانست صدای حق و عدالت و آزادی و فعالیت‌های رجال دین و فرزندان غیور آنان را از بین ببرد؛ اما هیئات که صدای کاروان قرآن و فرزندان اسلام خاموش شود.

به همه شما می‌گویم: زندانی کردن امام سید موسی صدر افزون بر آن‌که خود جنایت بزرگی است و به هیچ وجه نمی‌توان از آن چشم‌پوشی کرد، هتک کرامت طایفه شیعه نیز هست. بر همه ما واجب است که این قضیه را با همه قوت و امکانات پیگیری کنیم.

در این جا چند نکته را تذکر می‌دهم:

۱. قضیه امام موسی صدر به مسلمانان به طور اعم و به علما به طور اخص آسیب زده است.

۲. ابتدا تلگرافی را برای همه مسوولین در لبنان و سوریه و لیبی فرستادیم و از آنان خواستیم قضیه را پیگیری کنند و به ما اطلاع دهند، لکن جوابی برای ما نیامد.

۳. لیبی باید ادله قطعی دال بر عدم حضور حضرت امام صدر در آن کشور ارائه کند و الا لیبی مسوول نهایی است که در این صورت نیز ما به تکلیف اسلامی خود عمل خواهیم کرد و موضع اسلامی خود را در قبال آن کشور اتخاذ می‌کنیم و حرف آخر را درباره مسوولین آن کشور خواهیم گفت.

۴. ملتها و دولتهای اسلامی همگی باید با قدرت و قاطعیت از لیبی بخواهند امام صدر را پیش از آن‌که فرصت تمام شود و کار از کار بگذرد آزاد کند.

۵. بیست و پنجم ماه مبارک رمضان، روزی است که نقشه استعماری در حق امام

موسی صدر اجرا شد. فرزندان لبنان باید در این روز علیه طراحان این فکر و اجراکنندگان این خیانت، اعتصاب عمومی کنند.

و در پایان این که مجامع علمی و مردم مسلمان ایران این قضیه را پیگیری خواهند کرد و انشاءالله در راه مطالبه آزادی امام صدر و بازگرداندن وی به لبنان همراه شما خواهند بود. زیر سایه قرآن و توجّهات پیامبر ﷺ و ائمه اطهار و به ویژه امام منتظر؛ حجّت دوازدهم (عج) برای تحقّق اهداف مشروعان به پیش بروید. خدا با شماست و نیز ملت‌های اسلامی. پیروزی از آن شماست، انشاءالله ﴿ولقد سبقت كلمتنا لعبادنا المرسلين انهم لهم المنصورون و ان جندنا لهم الغالبون﴾. و صدق الله العلیّ العظیم.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته  
ایران - مشهد مقدّس  
سید عبدالله شیرازی

## تلگراف آیت‌الله گلپایگانی به شاه اردن

جناب ملک حسین بن طلال - عمّان  
السلام علیکم ورحمة الله و برکاته

به این مناسبت که رئیس معترّ قذافی به عنوان میهمان شما از اردن دیدار می‌کند، می‌خواهم که به شما بگویم تأسف و نگرانی عمیقی بر روح مسلمانان و مجاهدین آزادی‌بخش که برای اعاده مجد اسلام و اجرای مبادی حکیمانه آن تلاش می‌کنند، حاکم شده است که این در اثر ربوده شدن امام مجاهد سید موسی صدر است که از لیبی به دعوت رئیس قذافی دیدار می‌کرده است. ایشان ناپدید شده‌اند و شواهدی وجود دارد که توطئه‌ای را در این میان نشان می‌دهد، همچنین وی لیبی را ترک نکرده است. امید آن است که این موضوع را از رئیس قذافی پیگیری کنید. این مسئله احقاق حق و اذعان به ارزش این شخصیت دینی مجاهد است. همچنین پاک کردن ننگی است که به لیبی منتسب است. در نتیجه این کار، خدمتی به امت اسلامی می‌کنید که فراموش نخواهد شد.

۳۰ رجب المرجب ۹۹  
الگلپایگانی



## بیانیه آیت‌الله العظمی سید حسن طباطبایی قمی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله و سلام بر بندگان برگزیده خدا

به همه مسلمانان ملتزم و مسؤول در سراسر جهان

یک سال از جنایت بزرگی که در حق حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین جناب امام موسی صدر در لیبی صورت گرفته گذشته است. این جنایت زشتی که سکوتی مشکوک از سوی دنیا در پی آن بود.

یک سال پیش رهبر معنوی و سیاسی بزرگ شیعه در لبنان که تنها متعلق به مردم لبنان نیست بلکه به همه جهان اسلام و همه مستضعفین تعلق دارد، به سفر رفت.

به دعوت رسمی به لیبی سفر کرد و مع الاسف از آن تاریخ خبری از او نیست. حکومت لیبی مسؤول مستقیم این عمل است چرا که دولت میزبان است و مسؤول سلامت میهمان خود. این مسؤولیتی است که حق بین‌المللی و انسانی؛ اما مع الاسف دولت لیبی بر خلاف همه قوانین و موازین به وظیفه خود عمل نکرد.

طبیعی است که لیبی تنها مسؤول ربودن امام موسی صدر و تنها مرجعی است که در این باره باید مؤاخذه شود. همه به خوبی می‌دانند که حکومت لیبی هیچ توجه معقول و منطقی در برابر تعرض به این حق انسانی نداشته است.

این حقیقتی است که در تلگرافی که برای جلود، نخست وزیر لیبی، ارسال کردم، ذکر کرده‌ام. آنچه بیشتر، خیانت بزرگی که لیبی مرتکب شد، باعث تعجب من می‌شود، سکوت مشکوک و وحشتناک و بی‌مبالایی است که در دولتهای دنیا و به خصوص دولتهای اسلامی و طرفهای بین‌المللی در برابر این جنایت وجود دارد.

آیا ربودن امام صدر نتیجه توطئه‌ای بین‌المللی است؟ آیا این توطئه با آگاهی و اطلاع دولتهای اسلامی اجرا شده است؟ اگر چنین نیست چرا این سکوت از طرف رهبران اغلب کشورهای اسلامی و حتی سازمانهای انقلابی! که در دولتهای آسیایی و آفریقایی مبارزه می‌کنند، وجود دارد؟ چرا هیچ صدای اعتراضی از سوی طرفهای بین‌المللی، حقوقدانان بین‌الملل و طرفداران حقوق بشر بر نمی‌خیزد؟

چطور و چگونه محاکمه یک یهودی در شوروی یا اعدام مزدور معروف صهیونیسم و سازمان اطلاعات آمریکا در ایران مثل «القانیان» داد و فغان همه عالم را بلند می‌کند اما به هنگام ربودن شخصیتی اسلامی و جهانی چون امام موسی صدر هیچ واکنشی از سوی آنان صورت نمی‌گیرد؟ آیا کسی جز شیعه مستضعف لبنان که زیر بمبهای

اسرائیلی زندگی می‌کند، اعتراض کرد؟ آیا صدای اعتراض جز از جانب عده اندکی از رهبران معنوی و ملی گرایان، از کسی در دنیا بلند شد؟  
 من شخصاً مسؤلیت خود را در برابر این جنایت بزرگ و توطئه بین‌المللی برای بسیاری از رهبران دولتهای اسلامی و رهبران سازمانهای اسلامی در آسیا و آفریقا می‌پذیرم. و از همه برای اعمال فشار بین‌المللی از همه سو بر حکومت لیبی برای تعیین حدی در برابر این جنایت دعوت می‌کنم. از آن رو که با سکوت خود در برابر تاریخ مسؤل نباشیم، از خداوند تعالی می‌خواهم همه مردم دنیا در سایه الطاف خاص حضرت ولی عصر عجل‌الله تعالی فرجه توفیق نشر عدالت و حمایت از مستضعفان را عنایت فرماید.

مشهد مقدّس  
 حسن طباطبایی قمی

## تلگراف آیت‌الله طالقانی

به وسیله جناب آقای سفیرکبیر جمهوری اسلامی الجزایر  
 شورای انقلاب الجزایر، برادران عزیز

یک بار دیگر فقدان اسفناک هواری بومدین را به شما و همه ملت الجزایر تسلیت می‌گویم و موقّیّت شما را در ادامه برنامه‌های نجات بخش و استقرار قسط و عدل اسلامی از خدای بزرگ مسئلت دارم. بومدین رهبر فقید شما درباره هموطن و هم‌زم ما آقای امام موسی صدر اقدامات ذی‌قیمتی نموده بود و خبر می‌رسد تلاش مداوم آن فقید می‌رفت این مشكله جهان اسلامی خصوصاً نگرانی فوق‌العاده این لحظه ملت مسلمان ایران را مرتفع نمایند.

اکنون که بومدین در میان شما نیست، شایسته است شورای انقلاب با جدّیت و صمیمیت به هر طریقی که مقتضی می‌داند در حفظ حیات این شخصیت بزرگ عالم اسلام راه بومدین فقید را تا حصول نتیجه قطعی ادامه داده و نگرانی میلیون‌ها مسلمان جهان را برطرف نمایند. بی‌صبرانه منتظر وصول پاسخی از شما هستیم.

سید محمود طالقانی  
 هفدهم صفر ۱۳۹۹

صفحه ۶  
پنجشنبه ۲۸ دی ۱۳۵۷  
۱۹ صفر ۱۳۹۹ - شماره ۱۰۶۱۶

راهسپیمانی  
حضرت آیت‌الله  
خوانساری

برای شورای انقلاب الجزایر مخابره شد:  
تلگرام آیت‌الله طالقانی درباره  
موسی صدر

طی تلگرامی به  
لجزایر:  
حوزه علمیه قم  
برای رهائی  
امام  
موسی صدر  
استمداد کرد

کیهان  
پنجشنبه ۲۶ شهریور ۱۳۵۷ - ۱۴ شوال ۱۳۹۸ - شماره ۱۰۵۱۶

تلگرام آیت‌الله  
العظمی  
شریعتمداری  
به قذافی



### تلگرافهای طلاب و فضلاء حوزه علمیه قم

طلاب و فضلاء حوزه علمیه قم نیز طی تلگرافهایی به لبنان، سوریه، لیبی و الجزایر، خواهان آزادی امام موسی صدر و دریافت خبر از ایشان شدند. برای نمونه متن یکی از تلگرافها را که از سوی مرکز بررسیهای اسلامی در قم خطاب به رهبران الجزایر ارسال کرده این گونه است:

الجزایر - شورای انقلاب برادر مولود قاسم نایب بالقاسم، وزیر امور اسلامی و تعلیمات عامی:

درگذشت حضرت هواری بومدین موجب تأسف فراوان گردید. تسلیت همه برادران ایرانی را بپذیرید.

موقع را مغتنم شمرده یاد آور می‌شود که مردم مسلمان ایران مانند مردم لبنان

همچنان نگران سرنوشت حضرت امام موسی صدر هستند. در سفرهایی که برای شرکت در کنفرانس اندیشه اسلامی به الجزایر آمده و در کنار امام صدر و شما و دیگر برادران به گفتگو می‌نشستیم، به وضوح روشن بود که با مقام و موقعیت مهم اجتماعی امام صدر آشنا هستید و بی‌شک هم‌اکنون به شدت به آزادی ایشان علاقه‌مند می‌باشید. انتظار این است که از طریق شورای انقلاب اقدام لازم را به عمل آورید تا از میلیون‌ها هوادار امام صدر در جهان اسلام رفع نگرانی به عمل آید. تردیدی نیست که استمرار نبرد نیروهای رزمنده مسلمان لبنان در کنار برادران فلسطینی علیه صهیونیسم غاصب و امپریالیسم جهانی غارتگر، ارتباط مستقیم با آزادی حضرت امام صدر دارد.

با درود و سپاس فراوان - ایران - قم  
سید هادی خسروشاهی - مدیر مرکز بررسی‌های اسلامی

### تعلیق روابط دیپلماتیک با لیبی

پس از پیروزی انقلاب و بازگشت حضرت امام علیه السلام به کشور، دولت موقت به ریاست مهندس مهدی بازرگان مسئول اداره کشور شد. روابط دیپلماتیک میان ایران و لیبی پیش از انقلاب به علت حمایت آن کشور از الحاق جزایر سه گانه ایرانی خلیج فارس و ارائه شکایت به شورای امنیت و نیز حمایت از گروه‌های تجزیه طلب در جنوب کشور، قطع شده بود و جمهوری اسلامی روابط سردی با لیبی داشت. تنها به شرطی حاضر به برقراری روابط حسنه با لیبی بود که وضعیت امام موسی صدر مشخص شود و ایشان آزاد شوند. کاردار موقت ایران در لبنان، پرویز اتابکی، در این باره می‌گوید: «تمام حسن روابط و مبادله سفیر و غیره را ایران در گرو زندگی و سلامت سید موسی صدر نگه داشته بود؛ اما لیبی برای برقراری رابطه آشکار سیاسی و مبادله سفیر فشار می‌آورد!»

لیبی همچنان تعلل می‌کرد. خواهر امام موسی صدر، رباب صدر و همسرش استاد حسین شرف‌الدین، به همراه جنبش امل در مدینه‌الزهره در بیروت تحصن کردند. تلگرافی از سوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی به سفارت ایران در بیروت ارسال شد که ما خود به این قضیه توجه و اهتمام خاص داریم و تا تکلیف امام موسی صدر روشن نشود، هیچ‌گونه رابطه‌ای با لیبی برقرار نمی‌کنیم.<sup>۱</sup>

در ملاقات و مذاکره‌ای نیز که حسین الحسینی، دبیر کل جنبش امل، در اردیبهشت

۱. ر.ک: پایگاه فرهنگی روایت صدر (www.revayatsadr.ir)، نامه‌ای از استاد پرویز اتابکی.

ماه ۱۳۵۸ با دکتر ابراهیم یزدی، وزیر خارجه وقت، داشت، درباره موضوع ربودن امام موسی صدر مذاکره کردند. وزیر امور خارجه در این دیدار گفت: در کنگره اسلامی رباط مسئله جنوب لبنان و موضوع ناپدید شدن امام موسی صدر را - که یک قضیه واحدی است - مطرح خواهد کرد. و در حل مسئله جنوب کشورهای اسلامی در ایران انجام شده برای حل مشکل امام موسی صدر استمرار شده است. وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران درباره روابط ایران و لیبی گفت:

«بین ایران و لیبی روابطی برقرار نشده است»<sup>۱</sup>.

افزون بر مقامات رسمی کشور، بسیاری از علما و روحانیون حوزه‌های علمیه بر پیگیری مسئله امام صدر و عدم برقراری روابط سیاسی و اقتصادی با لیبی تا روشن شدن مسئله بودن امام صدر و آزادی ایشان، تأکید داشتند؛ از جمله شهید محراب، حضرت آیت‌الله صدوقی، در این باره چنین گفتند:

«متأسفانه شنیده شد که یک عده در ایران دست و پا می‌کنند که روابط بین دولت لیبی و ایران برقرار شود. با این که گویا مراجع محترم گفته بودند که تا تکلیف امام موسی صدر روشن نشود، دولت ایران حق ایجاد روابط با دولت لیبی را ندارد؛ ولی جمعی هستند که اصرار در این امر دارند، حالا چه اصرار دارند بر این معنا، من هنوز نتوانستم بفهمم که وجه اصرارشان چیست؟ یقیناً دولت لیبی از ایشان با اطلاع است و می‌داند کجاست. مسؤول ایشان هم خود دولت لیبی است ... وظیفه دولت ایران هم این است که مادامی که خبری از این شخصیت بزرگ نشود، قراردادی با دولت لیبی منعقد نسازد. معنا ندارد که چنین شخصیت بزرگواری در آن جا محبوس باشد و دولت ایران هم هیچ نگوید. صلاح کشور شیعه، صلاح شیعیان دنیا و صلاح دولت ایران نیست که تا زمانی که از این مرد بزرگ خبر صحیحی به دست نیامده با لیبی پیمانی ببندند»<sup>۲</sup>.

ایران و لیبی توافق کردند بر اساس بند هفدهم مقاله نامه «تجدید روابط ایران و لیبی» کمیته‌ای برای پیگیری قضیه بودن امام موسی صدر تشکیل شود. دکتر صادق طباطبایی، معاون نخست وزیر و سخنگوی دولت، در این باره چنین می‌گوید:

۱. روزنامه اطلاعات، یکشنبه ۱۶ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸، شماره ۱۵۸۴۶، ص ۸.

۲. سیدهادی خسروشاهی، امام موسی صدر، تاریخ و فرهنگ معاصر، چاپ اول، قم، مرکز بررسیهای اسلامی، ص ۶۹.

«بعد از انقلاب، تلاشهایی عمدتاً توسط رفقای ایرانی آقای قذافی صورت گرفت تا روابط دیپلماتیک فیما بین دوباره برقرار شود. یکی از بندهای مقاوله نامه تجدید روابط ایران و لیبی، تشکیل کمیته تحقیق برای پیگیری و روشن کردن مسئله امام موسی صدر بود. در چارچوب این موافقت نامه کمیته ای در ایران تشکیل شد. این کمیته مجموعه اطلاعات، اسناد و مدارک لازم را گردآوری کرده بود. این مدرک، شامل اسناد و مدارک تهیه شده در ایران، ایتالیا و لبنان و نیز اسناد مقامات قضایی و دیپلماسی و اطلاعاتی لبنان و همچنین گزارشهای مقامات ایتالیایی و تحقیقات پلیس بین الملل بود. اعضای این کمیته نیز نمایندگان رئیس جمهور لبنان و جنبش امل، وکیل خانواده امام موسی صدر و از ایران هم نماینده وزیر دادگستری، دو وکیل برجسته ایرانی و سه وکیل بین المللی بودند. من هم عضو کمیته مزبور بودم و هم ریاست آن را به عهده داشتم. اعضای این کمیته خود را آماده سفر کرده بودند. عصر همان شبی که قرار بود گروه به لیبی سفر کند، به ما اطلاع داده شد که دولت لیبی از پذیرفتن کمیته امتناع می کند و اعلام کرده که اجازه تحقیق نمی دهد. وقتی تذکر داده شد که این مسئله در بند هفدهم مقاوله نامه تجدید روابط دیپلماسی دو کشور مندرج است، گفته شد که جناب معمر قذافی گفته اند اسم این کمیته، کمیته تحقیق است اما وقتی پیش از تحقیق نظر خودش را اعلام و ابراز کرده دیگر تحقیق معنا ندارد. این بهانه اشاره ای بود به مصاحبه ای که من سه یا چهار هفته قبل از این تاریخ در لبنان انجام داده و گفته بودم که آنچه بر سر آقای صدر آمده در لیبی روی داده است و دولت لیبی و شخص معمر قذافی مسؤول این کار است. همچنین گفته بودم ملتی که می تواند آن طاغوت کبیر را به زانو در بیاورد، می تواند تکلیفش را با این عقیده صغیر روشن کند. عقیده یعنی سرهنگ، و منظوم سرهنگ قذافی بود. وقتی که معلوم شد بهانه آقای قذافی، آن اظهارات من بوده است، بلافاصله اعلام کردم من نه تنها از ریاست این کمیسیون بلکه از عضویت آن هم استعفا می دهم تا کمیسیون بتواند کار تحقیق خود را با انجام دادن سفر آغاز کند. این جا به جای این که پاسخ از لیبی بیاید، یکی از مراجع عالی قدر، شبانه خود را به تهران و به امام رساند و به ایشان گفت:

آقا ما الآن برای ایجاد اتحاد جماهیر اسلامی در حال تلاش هستیم، ماکشوری هستیم که در دنیا این همه دشمن داریم، از این طرف جبهه شرق، از آن طرف جبهه غرب، ما یک دوست در دنیا بیشتر نداریم و آن جناب معمر قذافی است! پس از این دیدار، امام مرا خواستند و خیلی صمیمانه و خصوصی گفتند که به عقیده من شما مدتی این مسئله را مسکوت بگذارید تا این آب و تابها و شیطنتهای این

افراد بخواهد. اشاره‌شان به افرادی بود من جمله سید مهدی هاشمی و یاران او که در اختیار همان مقالِم لیبیایی بودند و این‌که این‌ها انسان‌های سالمی نیستند، به عبارت دیگر مخالفت آنها با پیگیری قضیه آقای صدر، ریشه اعتقادی ندارد، ریشه اقتصادی و انتفاعی دارد. بعدها هم اظهارت سید مهدی هاشمی را در تلویزیون شنیدید. به اعتراف خود او پنجاه میلیون دلار از لیبی پول گرفته بود تحت عنوان کمک به سازمانها و جبهه آزادی‌بخش!!<sup>۱</sup>

### نامه شیخ محمد مهدی شمس الدین به امام خمینی علیه السلام

تعویق سفر کمیته تحقیق تنها برای مردم و علمای ایران نگران‌کننده نبود، بلکه علما و مردم لبنان را نیز نگران کرده بود. مرحوم آیت‌الله شیخ محمد مهدی شمس الدین، نایب رئیس مجلس اعلای شیعیان لبنان، به نمایندگی از علمای لبنانی نامه‌های جداگانه‌ای برای حضرت امام و رئیس جمهور وقت ارسال کرد و از ایشان درخواست کرد هرچه سریع‌تر کمیته به لیبی سفر کند و این تأخیر سفر را ضرر به مصالح و کرامت لبنانی‌ها و علما برشمرد. نامه آیت‌الله شمس الدین به حضرت امام چنین است:

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت امام و رهبر مجاهد و زعيم انقلاب اسلامی

آیت‌الله العظمی خمینی دام ظلّه

از طرف همه علمای شیعه لبنان و کسانی که شوون و مسائل مسلمین را در جبل عامل پیگیری می‌کنند. و از طرف همه فرزندان مسلمان و شیعه شما در لبنان، از شما تقاضا داریم که دستور دهید کمیته تحقیق ایرانی در خصوص قضیه فرزند و شاگرد شما، آیت‌الله سید موسی صدر، به ایتالیا و لیبی سفر کند تا حقیقتی که انتظار برای روشن شدن آن طول کشیده است، روشن شود.

همانا تأخیر این کمیته سبب هتک مصالح و کرامت مسلمانان در لبنان و غیر لبنان است و نیز سبب طولانی شدن جنایتی خواهد شد که به اندازه کافی، طولانی شده است. مصالح موهوم سیاسی به این شیوه محقق نخواهد شد. شیوه‌ای که عدالت را قربانی می‌کند، عدالتی که مستضعفان توقع دستیابی بدان را از شما دارند.

۱. ر.ک: روزنامه ایران، ویژه‌نامه امام موسی صدر، چهارشنبه ۹ شهریور ۱۳۸۴.

خوشبختانه انقلاب اسلامی ایران به رهبری شما از منطق «توازن قوا» فراتر رفته است؛ توازن قوایی که همواره مصالح و کرامت مستضعفین به سبب آن تهدید شده؛ توازن قوایی که هیچگاه مصلحت حقیقی را برای اصحاب آن محقق نکرده است. درخواست خود را از شما تکرار می‌کنیم و تقاضا می‌کنیم دستور فرمایید کمیته تحقیق به لیبی برود؛ چرا که تأخیر آن، ضررهای فراوانی به قضیه مسلمانان و شیعیان در لبنان خواهد زد و آنان را در معرض ضررهای دیگری در لبنان و خارج از آن قرار خواهد داد.

به نیابت از علمای شیعه لبنان  
 محمدمهدی شمس‌الدین  
 نایب رئیس مجلس اعلای شیعیان لبنان  
 بیروت ۲۸/۵/۱۴۰۰ هـ  
 ۱۴/۴/۱۹۸۰ م

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم  
 مجلس اعلای شیعیان لبنان  
 بیروت

سماعة الامام القائد المجاهد زعيم الثورة الاسلامية  
 آية الله العظمى السيد الخميني  
 دام ظلّه

تتأسدکم باسم جميع علماء المسلمين الشيعة في لبنان  
 والذي يتأهبون اجتماعاتكم بشأن قضايا المسلمين في جبل  
 عامل . .

و باسم جميع ائمتكم المسلمين الشيعة في لبنان أن تأسروا  
 بأرسال لجنة التحقيق الإيرانية في قضية ولدكم وتليذكم  
 آية الله السيد موسى الصدر إلى إيطاليا وليبيا ووجلاء الحقيقة التي  
 طال انتظارها في هذه القضية، أن تأخير هذه اللجنة يسبب  
 مآلح وكرامة المسلمين في لبنان وظهره ويأجل أحد جريمة طال  
 أمدها بما فيه الكفاية .

أن المآلح السياسية الموهومة لن تتحقق بهذا الأسلوب الذي  
 يهضم بالعدالة التي يجب أن يتألبها المستضعفون منكم .  
 وقد تجاوزت الثورة الإسلامية الإيرانية بقيادةكم منطق توازن  
 القوى الذي طالما هددت فيه مصالح وكرامة المستضعفين دون أن  
 يحسب آية صلوة حقيقة لأصحابه .

نكسر مناخدتنا لكم بأن تأسروا بأرسال لجنة التحقيق إلى ليبيا لأن  
 تأجيل ذلك يؤدي إلى استمرار جريمة قضية المسلمين الشيعة في  
 لبنان ويمرضهم لا استمرار أغصري في لبنان وخارجيه



موسى صدر  
 وكالة من علماء المسلمين الشيعة لبنان

بيروت في ۲۸ / ۵ / ۱۴۰۰ هـ  
 ۱۴ / ۴ / ۱۹۸۰ م

مخند مهدى شمس الدين

النائب الأول لرئيس  
 المجلس الاسلامي الشيعي الاعلى

تصوير نامة آيت الله شمس الدين به حضرت امام (ره)



## نامه آیت‌الله شمس‌الدین به رئیس‌جمهور وقت ایران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رئیس‌جمهور اسلامی ایران، برادر ابوالحسن بنی‌صدر

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

از طرف همه علمای شیعه در لبنان و از طرف برادران مستضعف شیعه شما در لبنان، از شما می‌خواهیم کمیته تحقیق قضیه امام موسی صدر را در زمان مقرر به لیبی بفرستید و این سفر را به تأخیر نیندازید.

تأخیر در فرستادن کمیته، ضررهای فراوانی به قضیه مسلمانان و شیعیان در لبنان وارد خواهد آورد و آنان را در معرض ضررهای دیگری در لبنان و خارج لبنان قرار خواهد داد.

موفق باشید. والسلام علیکم من اخیکم

۲۸ جمادی الشون ۱۴۰۰ هـ

۱۴/۴/۱۹۸۰

محمد مهدی شمس‌الدین

## نامه سید هادی خسروشاهی به پاپ

سفیر وقت جمهوری اسلامی ایران در واتیکان، حجت‌الاسلام سید هادی خسروشاهی نیز در سال ۱۳۶۰ هـ. ش طی نامه‌ای به پاپ خواستار روشن شدن قضیه امام صدر شد. در نامه ایشان به پاپ آمده است:

«... همچنان انتظار دارم برای آرامش مادر پیر و فرزندان کوچک امام موسی صدر و خانواده بزرگتر او، مردم مسلمان و مسیحی لبنان، سرنوشت ایشان با دخالت آن عالی‌جناب روشن گردد. با امید این که ایشان زنده باشند و به میان ملت خود، مردم محروم لبنان برگردند...»<sup>۱</sup>

و ایشان سپس در نامه‌ای به حضرت امام خمینی علیه السلام پاسخ پاپ را ارسال کردند. پاپ تأکید کرده بود که نتیجه تحقیقاتشان با نتیجه تحقیقات مقامات قضایی ایتالیا یکسان است و آن این‌که: آقای صدر هرگز وارد ایتالیا نشده است.

۱. سید هادی خسروشاهی، امام موسی صدر، تاریخ و فرهنگ معاصر، چاپ اول، قم، مرکز بررسیهای اسلامی، ص ۵۲۵ و ۵۲۷.

رئاسة  
مجلس البحوث والدراسات  
ببيروت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حضرة الاخ الرئيس المحاضر الدكتور ابو الحسن بنينا صدر  
رئيس الجمهورية الاسلامية الايرانية

السوم عليكم ورحمة الله وبركاته  
باسم اخوانكم جميع علماء المهدي السبعة الماهدين  
في لبنان ، ودايم اخوانكم المستضعفين المهدي السبعة  
في لبنان نرحبكم ارسال لجنة البحث في قضية  
الامام السيد موسى الصدر الى لبنان في موعدها المقرر  
وعدم تأجيلها

ان تأجيل ارسال اللجنة يؤدي الى اضرار  
جسيمة بقضية المهدي السبعة في لبنان ويعرضهم  
لاضرار اخرى في لبنان وخارجها

بما ان الله دنفركم وهدم عليكم من اضيكم



في حيا اول الاذن ١٤٠٥ هـ

١٨٨٠ / ٤ / ١٤

### اعتقاد آقای هاشمی رفسنجانی

حجّت الاسلام هاشمی رفسنجانی نیز درباره پیگیریهای صورت گرفته در این خصوص اعتقاد دارد:

«ایران خیلی جدی با مسئله برخورد کرد. در همان موقع و بعد از پیروزی انقلاب، نخست وزیر لیبی به ایران آمد. مهمترین مشکل ایشان در این جا همین مسئله بود. ایشان مدتهای طولانی در هتل مانده بود؛ نه کسی وقت ملاقات می داد و نه روابط ایران با لیبی جدی گرفته می شد!»<sup>۱</sup>

### پیگیری مجدد امام خمینی علیه السلام

همان طور که گفته شد، امام راحل همواره پیگیر مسئله بودن امام صدر بودند و در هر فرصتی این قضیه را گوشزد می کردند. ایشان در ۱۷ اسفند ۱۳۵۷ خطاب به عبدالسلام جلّود، نخست وزیر لیبی و هیأت همراه فرمودند:

بسم الله الرحمن الرحيم

«ما نگران سرنوشت امام موسی صدر هستیم و می خواهیم به محض بازگشت به لیبی، به سرهنگ قذافی بگویید هرچه زودتر در مورد سرنوشت امام موسی صدر رسیدگی کند».

(از طرف هیأت نمایندگی لیبی از امام خمینی خواسته شد که اجازه دهند سرهنگ قذافی برای عرض تبریک به ایران بیاید. امام خمینی پاسخ دادند:)

«من فعلاً به قم می روم و این دیدار را به زمان دیگری موکول کنید»<sup>۲</sup>.

ایشان همچنین علی رغم اصرار برخی مسئولین وقت بر اهمیت ارتباط با لیبی از پذیرفتن قذافی خودداری کرده و گفته بودند:

«او هنوز مسئله آقا موسی را حل نکرده است، چگونه او را بپذیریم؟!»<sup>۳</sup>

۱. فصلنامه نامه مفید، سال چهارم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۷۷، مصاحبه با حجّت الاسلام هاشمی رفسنجانی، ص ۴۹.

۲. صحیفه امام، ج ۶، ص ۳۵۷.

۳. همان، مصاحبه با آیت الله موسوی اردبیلی، ص ۲۶-۲۷.

### ممانعت از ورود قذافی به ایران از سوی مراجع تقلید

آنچه باید بدان اشاره کرد این است که مراجع معظم تقلید نیز در دیدارهای مکرری که خانواده امام موسی صدر با ایشان داشته‌اند، همواره بر اجازه ندادن به قذافی برای ورود به ایران، از آن زمان تا کنون تأکید کرده‌اند. حضرات آیات عظام صافی گلپایگانی، فاضل لنکرانی، یوسف صانعی، وحید خراسانی و دیگر مراجع معظم، همواره بر این نکته تأکید داشته‌اند. به طور نمونه آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی غیر از این که قذافی را رباینده امام موسی صدر می‌دانند، پیش از آن، وی را دشمن امیرالمؤمنین شمرده و او را از جمله اهانت‌کنندگان به حضرت علی علیه السلام می‌دانند.

شهید بزرگوار دکتر مصطفی چمران نیز در این باره می‌گوید:

«قذافی و معاونش جلود نسبت به شیعیان حقد و کینه فراوان دارند. چهار سال پیش، هنگامی که جلود به خلیج فارس رفته بود، در کویت یا ابوظبی به شیعیان ایران اهانت کرد و آنها را خارج از دین نامید»<sup>۱</sup>.

چندی پیش نیز در پی انتشار خبر شایعه دعوت جمهوری اسلامی ایران از رهبر لیبی از سوی دفتر معمر قذافی، مراجع معظم تقلید و خانواده امام و نیز علاقه‌مندان فراوان ایشان اعتراض کردند. از جمله مراجع تقلید پیامهایی به دولت ارسال کردند که تکذیب سفیر ایران در لبنان و سخنگوی وزارت امور خارجه و همچنین معاون پژوهشی وزیر امور خارجه را در پی داشت.

### سخنانی چند از امام خمینی علیه السلام در باره امام موسی صدر

به هر روی، در تاریخ ۴ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ نیز پس از آن که نخست وزیر لیبی به نمایندگی از هیأت لیبیایی، سخنانی ایراد کرد، امام چنین پاسخ دادند:

«چیزی که قضیه‌ای که برای ما و علمای ایران و سایر اقشار به طور معما در آمده است این فاجعه آقای صدر است. من و علمای ایران برای این فاجعه بسیار متأثر هستیم، و این برای ما یک معمای است که این معما حل نمی‌شود الا به دست دولت لیبی».

۱. ر.ک: سید هادی خسروشاهی، یادنامه امام موسی صدر، سخنرانی شهید چمران.

و در همان اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ در دیدار با سفیر سومالی فرمودند: «و اما راجع به آقای صدر، ما از آن وقت که نجف بودیم و این قضیه واقع شد، تا وقتی که پاریس رفتیم و بعد هم به ایران آمدیم، دنبال این قضیه بودیم. آقای صدر در ایران متولد شده است و ایرانی است و با من سابق زیاد دارد و بعد از این که ایرانی است، رفته است به لبنان و ما علاقه داریم، هم به این که ایرانی است و هم به این که در لبنان رئیس مجلس شیعی بوده است، علاقه داشتیم به این که این معما را حل بکنیم، و مکرراً با لیبی اتصال پیدا کردیم بلکه آقای قطب‌زاده را یک دفعه فرستادیم به لیبی دنبال این مطلب و بعد هم که این جا آمدیم هم سفیر لیبی که آمد پیش من، راجع به این مسئله صحبت کردم و هم نخست وزیر که آمد حل این معما را از ایشان خواستم و مع الأسف تا کنون برای ما این معما حل نشده است. امیدوارم که با کوشش دولت ایران و سایر اقشار علاقه‌مند به اسلام، این معما حل بشود»<sup>۱</sup>.

یک سال بعد در سال ۱۳۵۹ نیز با آیت‌الله شمس‌الدین و اعضای کادر مرکزی جنبش امل دیدار کردند و فرمودند:

«آقای صدر یک مردی است که من می‌توانم بگویم او را بزرگ کرده‌ام. (او) به منزله یک اولاد عزیزاست برای من و من امیدوارم که انشاءالله ایشان با سلامت برگردند به محل خودشان، و بسیار مورد تأسف است که ایشان را ما الآن در بین خودمان ... ما امیدواریم که یک روزی با جناب عالی، با آقای سید موسی صدر - سلمه‌الله تعالی - در قدس با هم نماز بخوانیم، انشاءالله. ما مأیوس نیستیم. مسلمین باید با قدرت پیش بروند»<sup>۲</sup>.

به هر روی، با شروع جنگ، قضیه امام موسی صدر پیگیری نشد و موضوع مقاوله نامه مسکوت ماند. اما در دیدار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رئیس‌جمهور وقت، با قذافی، روشن شدن سرنوشت امام موسی صدر، جو مذاکرات را تلخ می‌کند. پس از گذشت چند سال و عدم پیگیری مسئله، با انتخاب حجت‌الاسلام سید محمد خاتمی در سال ۱۳۷۶ ه. ش به ریاست جمهوری به سبب علاقه ایشان به امام صدر و قرابت با خانواده امام صدر، امیدواری برای پیگیریهای جدی و نه مقطعی و شعاری، ایجاد شد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، مقام معظم رهبری هم در پیامی در این باره فرمودند: «یقیناً محروم شدن صحنه لبنان از حضور چنین عنصر ممتاز و ارزشمندی، یک

۱. صحیفه امام، ج ۵، ص ۱۹۸.

۲. همان، ج ۱۲، ص ۳۲۲.

خسارت بزرگ بوده و هست که متأسفانه عکس العمل مناسب خود را از سوی مدعیان طرفداری از حقوق بشر دریافت نکرده و امیدواریم بی خبریها در این قضیه با همت صاحبان همت و مسؤلیت پایان یابد»<sup>۱</sup>.

ایشان در دیدار با خانواده امام صدر نیز فرمودند:

«این وظیفه جمهوری اسلامی است که با جدیت، مسئله را پیگیری کند. در این سالها غفلت شده است، باید جبران کنیم. حال که آقای خاتمی رئیس جمهور هستند با جدیت پیگیری کنند. باید تمامی راهها را تا آخر برویم و لو بلغ ما بلغ»<sup>۲</sup>.

این گونه بود که کمیته ای زیر نظر مستقیم رئیس جمهور و به ریاست رئیس دفتر رئیس جمهور، محمدعلی ابطحی، برای پیگیری مسئله تشکیل شد. ایشان مجموعاً نه بار با مقامات لیبیایی دیدار کرد. وی سه بار به لیبی رفت و با معمر قذافی در این مورد ملاقات کرد، دوبار مسؤولان مربوطه از لیبی به ایران آمدند و چهار بار هم در کشورهای ثالث صحبت کردند. به گفته ابطحی مذاکرات، صریح و جدی بود اما دست اندرکاران این پرونده در لیبی خیلی غیر مسؤولانه و با تعلل فراوان و غیر متعهد به تعهداتشان رفتار کردند.<sup>۳</sup> با وجود این که پس از سالها سیف الاسلام قذافی، فرزند حاکم لیبی، در دیدار با مقامات ایرانی اعتراف کرد که امام موسی صدر و دو همراهش به سبب شرایطی که آن زمان در لیبی حکمفرما بوده، ربوده شده و حتی خود قذافی در سخنرانی سال ۲۰۰۲ به این مطلب اشاره کرد،<sup>۴</sup> اما آنان تلاش می کردند شخص قذافی را مبرا سازند و مسؤلیت را به دوش برخی افراد خود سر و یا افراد غیر لیبیایی افکنند. آنها حتی تلاش کردند با پرداخت پول، قضیه را فیصله دهند!! بالأخره این که در پی تعلل و عدم مسؤلیت مقامات لیبی و تلاش آنان برای سناریوسازی و نه کشف حقیقت، خانواده امام موسی صدر در نامه ای به رئیس جمهور از ایشان خواستند تا مذاکرات را قطع کنند تا بتوان پیگیری را از راه های دیگری چون راه حل قضایی ادامه داد.

۱. یاران امام به روایت اسناد ساواک، امام موسی صدر، ج ۱، پیام رهبر معظم انقلاب به همایش علمی بزرگداشت امام موسی صدر، ۷۸/۳/۸.

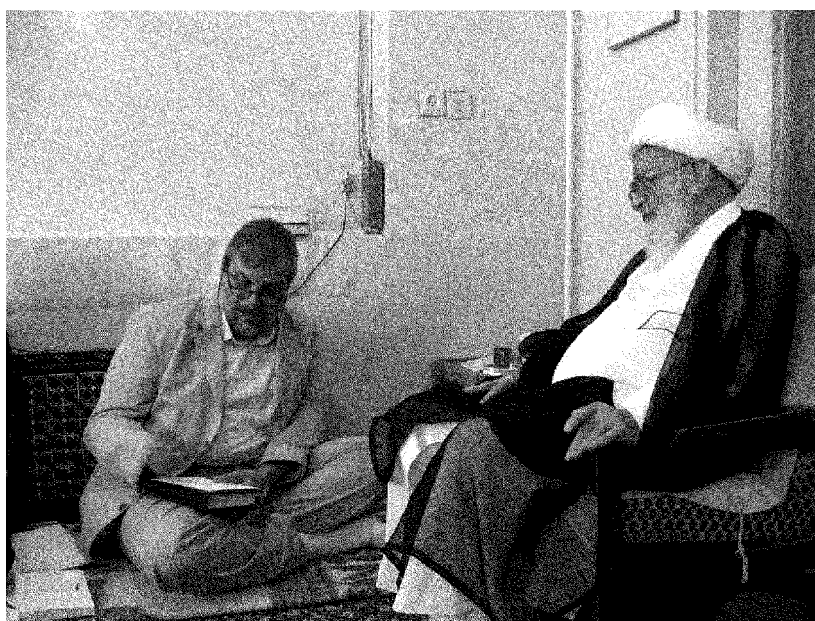
۲. به نقل از خانم رباب صدر، خواهر بزرگوار امام موسی صدر.

۳. وبلاگ حجت الاسلام سید محمدعلی ابطحی ۸۴/۶/۱۲.

۴. ر.ک: به صفحه ۲۷۴ همین کتاب.



دیدار فرزند امام صدر با آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی - شهریور ۱۳۸۴



دیدار فرزند امام صدر با آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی - شهریور ۱۳۸۴

## نامه و امضای نخبگان به آقای خاتمی

در زمان ریاست جمهوری آقای خاتمی، اتفاق مهمی افتاد که تاکنون سابقه نداشته. ۱۹۹ تن از شخصیت‌های طراز اول و نخبگان حوزوی، علمی، دانشگاهی، سیاسی، فرهنگی و هنرمندان کشور از همه جناحها و سلايق در نامه‌ای خطاب به رییس جمهور با ارائه چهار راهکار از ایشان خواستند تا مسئله بودن امام موسی صدر را از رکود، خارج و به طور جدی‌تر پیگیری کنند.

متن این نامه به همراه تمامی امضاهاى آن به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای خاتمی دام عزّه

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

چنان‌که استحضار دارید ۲۵ سال پیش از این، امام موسی صدر رهبر ایرانی تبار شیعیان لبنان در حالی که به دعوت رسمی دولت لیبی عازم آن کشور شده بود، در آن سرزمین ربهوده شد.

مدارک و مستندات محکمه پسند فراوانی بر این امر دلالت دارد که نه تنها تحقیقات میدانی پلیس بین‌الملل، احکام دستگاه‌های قضایی ایتالیا، لبنان و همچنین بیانیّه سازمان عفو بین‌الملل از جمله آنهاست بلکه امروز دولت لیبی خود نیز ناچار از پذیرش این واقعیت شده است. امید آن بود تا سرانجام تلاشهای دولت و مذاکراتی که بیش از شش سال از عمر آن می‌گذرد، رهایی ایشان و لااقل کشف حقایق این ماجرا باشد؛ اما افسوس که هیچ‌یک از این آرزوها تحقق نیافته است. از آن جایی که حفظ مجد تشیع و مقام روحانیت مستلزم حفظ خدمتگزاران آن است، مناسب است دستور فرمایید تا نسبت به موارد پی‌آمده اقدامات مقتضی مبذول گردد.

۱. طرح رسمی پرونده از سوی ایران در مجامع بین‌المللی حقوق بشر.

۲. پیگیری قضایی پرونده از سوی ایران در محاکم بین‌الملل.

۳. بسیج اطلاعاتی کشور جهت کشف تمام حقایق ماجرا.

۴. اتخاذ تدابیر دیپلماتیک شایسته جهت ابراز نارضایتی ایران از عملکرد دولت

لیبی.

این نامه را حضرات آیات سید عبدالکریم موسوی اردبیلی، جعفر سبحانی، علی



مشکینی، عبدالله جوادی آملی، سید رضی شیرازی، عزالدین زنجانی، سید علی محقق داماد، ابراهیم امینی، حسین مظاهری، سید جلال‌الدین طاهری، ابراهیم جناتی، مسلم ملکوتی، محمد علی گرامی و همچنین بزرگان و شخصیت‌های زیر امضا کرده‌اند:

#### الف. امضای علما و مدرّسین حوزه

حضرات آیات و حجج اسلام والمسلمین: صدرالدین حائری شیرازی، سید حسن طاهری خرّم آبادی (عضو سابق فقهای شورای نگهبان) محمد مؤمن (عضو فقهای شورای نگهبان)، رضا استادی (عضو فقهای شورای نگهبان)، ابوالقاسم خزعلی (عضو سابق فقهای شورای نگهبان)، محمد واعظزاده خراسانی (رئیس سابق مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی)، مرتضی بنی فضل (عضو جامعه مدرّسین حوزه علمیّه قم)، محمد امامی کاشانی (امام جمعه موقت تهران)، محمد موسوی بجنوردی، سید علی گلپایگانی، سید علی اصغر دستغیب شیرازی (عضو مجلس خبرگان رهبری)، سید محمد علی موسوی جزایری (نماینده ولیّ فقیه در استان خوزستان)، سید مهدی یثربی کاشانی (امام جمعه کاشان)، احمد محسنی گرکانی (نماینده ولیّ فقیه در استان مرکزی)، زین العابدین قربانی (نماینده ولیّ فقیه در استان گیلان)، علی اصغر مسلمی کاشانی (استاد حوزه)، هادی مروی (معاون قوه قضایه)، صادق لاریجانی (عضو فقهای شورای نگهبان)، سید هادی خسروشاهی (از فضلاء حوزه علمیّه قم و سفیر سابق ایران در واتیکان و مصر)، علی دوانی (پژوهشگر)، سید مرتضی مستجاب الدعواتی (پژوهشگر)، خاموشی (رئیس سازمان تبلیغات اسلامی)، سید هاشم حسینی بوشهری (مدیر حوزه علمیّه قم)، محمد رضا فاکر (عضو جامعه مدرّسین و نماینده مشهد در مجلس شورای اسلامی)، سید احمد خاتمی (عضو جامعه مدرّسین و امام جمعه موقت تهران)، سید حسن ربانی (رئیس دفتر تبلیغات اسلامی حوزه قم)، احمد عابدی (استاد حوزه)، محمد جعفری گیلانی (رئیس سابق دفتر تبلیغات اسلامی حوزه قم)، غلامرضا فیاضی (استاد حوزه)، علیرضا اعرافی (مدیر مرکز جهانی علوم اسلامی)، محمد حسین فلاحزاده (پژوهشگر)، رسول جعفریان (پژوهشگر)، مهدی پیشوایی (پژوهشگر)، مهدی انصاری قمی (پژوهشگر)، عقیقی بخشایشی (پژوهشگر)، محسن قمی (رئیس نهاد نمایندگی ولیّ فقیه در دانشگاه‌ها و معاون ارتباطات بین‌المللی دفتر مقام معظم رهبری)، سید محمد حسن ابوترابی (نماینده و نایب رئیس مجلس)، محمود مهدی پور (سر دبیر مجله فرهنگ کوثر)، محمود شریفی (مسئول پژوهشکده باقرالعلوم)، مهدی مهریزی (پژوهشگر)، سید محمد رضا احمدی بروجردی (پژوهشگر)، محمد باقر پورامینی (سر دبیر مجله

پرسمان)، عبدالرحیم اباذری (پژوهشگر)، محمدهادی مفتاح (رئیس مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه و فرزند شهید آیت الله دکتر مفتاح)، اسدالله بیات، محمدصادق کاملان (استاد دانشگاه)، سید محمدعلی ایازی (پژوهشگر)، محمدتقی فاضل میبیدی (پژوهشگر)، دکتر محسن کدیور (استاد دانشگاه)، مسعود ادیب (استاد دانشگاه)، حمیدرضا شریعتمداری (سر دبیر مجله هفت آسمان)، محمدعلی شاه آبادی (استاد دانشگاه)، سید حسین شرف الدین (استاد دانشگاه)، دکتر سید علی میرموسوی (استاد دانشگاه)، دکتر سید ابراهیم موسوی (استاد دانشگاه)، محمدهادی خالقی (سر دبیر مجله زندگی)، سعید بروجردی (پژوهشگر)، سید ابوالفضل موسویان (سر دبیر مجله نامه مفید) دکتر غلامرضا اعوانی (رئیس انجمن حکمت و فلسفه)،

بسم الله الرحمن الرحيم

جذب آقای خانمی دام مزه ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

چنان که استحضار دارید بیست و پنج سال پیش از این، امام موسی صدر رهبر ایرانی تبار شیعیان لبنان در حالی که به دعوت رسمی دولت لیبی عازم آن کشور شده بوده در آن سرزمین روده شد. مدارک و مستندات محکمه پسند فراوانی بر این امر دلالت دارد، که نه تنها تحقیقات میدانی پلیس بین الملل، احکام دستگاههای قضایی ایتالیا، لبنان و همچنین بیانه سال ۲۰۰۰ سازمان خوار بین الملل از جمله آنها است بلکه امروز دولت لیبی خود نیز ناچار از پذیرش این واقعیت شده است. امید آن بود که سرانجام تلاش های دولت و ملاکراتی که پیش از شش سال از عمر آن می گذرد، رهایی ایشان و لاقط کشف حقایق این ماجرا باشد. اما الموس که هیچ یکه از این آرزوها تحقق نیافته است. از آنجایی که حفظ مجد تشیع و مقام روحانیت مستزحم حفظ خدمتگزاران آن است، مناسب است دستور فرمایید تا نسبت به مواردی که آمده اقدامات مقتضی مبذول گردد:

- ۱- طرح رسمی پرونده از سوی ایران در مجامع بین المللی حقوق بشر
- ۲- پیگیری قضایی پرونده از سوی ایران در محاکم بین المللی
- ۳- بسیج اطلاعاتی کشور جهت کشف تمام حقایق ماجرا
- ۴- اتخاذ تدابیر دیپلماتیک شایسته جهت ابراز نارضایتی ایران از عملکرد دولت لیبی

The image shows a collection of handwritten notes and signatures in Persian. At the top left, there is a circular stamp with the text 'امام موسی صدر' (Imam Musa Sadra) and 'فرماندهی عالی' (High Command). Below this, there are several lines of handwritten text, some of which are underlined or circled. In the center, there is a signature that appears to be 'سید محمدعلی ایازی' (Seyyed Mohammad Ali Ayazi). To the right, there are more handwritten notes, including one that says 'سید محمدعلی ایازی' and another that says 'سید محمدعلی ایازی'. At the bottom, there is a large, bold signature that reads 'سید محمدعلی ایازی'.

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای خاتمی، ریاست محترم جمهوری

۱۴ بهمن ۱۳۸۳ در تهر

همان گونه که آگاهید، بیست و پنج سال پیش از این، امام موسی صدر رهبر ایرانی تبار شیعیان لبنان و شخصیت برجسته جهان اسلام، در توطئه ای پیچیده و خسارت بار ریزیده شد. در طی رنج گذشت، محافل سیاسی، سازمانهای اجتماعی و انبوهی از اندیشمندان در جهان اسلام و خارج از آن همواره بر ضرورت پیگیری جهت آزاد سازی امام صدر، و کشف حقیقت پای فشرده و آسیبهایی را که لبنان، ایران و جهان اسلام در نبود این شخصیت والا متحمل شده اند، بر شمرده اند. استقبال پر شور مردم از میجالی گریختن آن عزیز نیز نشان از جایگاه والای ایشان میان طبقات مختلف جامعه دارد.

امام صدر، که به دعوت رسمی دولت لیبی هازم آن کشور گردید، در آن سرزمین ریزیده شد. مدارک و مستندات رسمی فراوانی بر این امر دلالت دارد، که نه تنها تحقیقات میدانی پلیس بین الملل و احکام دستگاههای قضایی ایتالیا و لبنان و همچنین بیانه سال ۲۰۰۰ سازمان حقوق بین الملل از آن جمله است. بلکه دولت لیبی خود نیز ناچار به پذیرش ریزیده شدن این بزرگوار در قلمرو آن کشور شده است.

از حضرتعالی به عنوان رئیس جمهور و با عنایت به پیوند خویشاوندی و دلبستگی روحی که به افکار آن بزرگوار دارید، انتظار می رفت با اقدامات کارآمد، رهایی ایشان، کشف حقیقت و پایان دادن به سالها درد و رنج شیفتگان آن عزیز در لبنان و ایران را وجهه همت خود سازید. اما علیرغم تلاش های دولت و آخلاق مذاکره ای که بیش از شش سال از عمر آن می گذرد، هیچ یک از این آرزوها تحقق نیافته است. نیک پنداست که پاسداری هر ملت از مفاهیم دینی و ملی خود از نشانه های عزت و سربلندی آن است. ما امضا کنندگان این نامه از حضرتعالی مواردی آمده را خواهیم:

- ۱- طرح رسمی پرونده از سوی ایران در مجامع بین المللی حقوق بشر
- ۲- پیگیری قضایی پرونده از سوی ایران در محاکم بین المللی، از جمله دیوان بین المللی دادگستری.
- ۳- بسیج اطلاعاتی کشور جهت کشف تمام حقیقت و از جمله سرنوشته امام صدر
- ۴- اتخاذ تدابیر دیپلماتیک شایسته جهت ابراز ناراضی ایرانی از عملکرد دولت لیبی

ب. امضای رؤسای دانشگاهها

دکتر محسن غفوری آشتیانی (رئیس پژوهشگاه بین المللی زلزله شناسی و مهندسی زلزله)، دکتر محمد رحیمیان (رئیس سابق دانشگاه تهران)، دکتر ناصر الهی (سرپرست دانشگاه مفید قم)، دکتر دقیق (رئیس دانشگاه کاشان)، دکتر هادی ندیمی (رئیس دانشگاه شهید بهشتی)، دکتر محسن بهرامی (رئیس دانشگاه هوا و فضا)،

دکتر محمدرضا حافظی (رئیس دانشگاه هنر)، دکتر رضا فرجی دانا (رئیس دانشگاه تهران)، دکتر مهدی قاضی (رئیس دانشگاه جامع قم)، دکتر زهرا رهنورد (رئیس دانشگاه الزهرا)، دکتر محمدرضا آقا ابراهیمی (رئیس دانشگاه بیرجند)، دکتر احمد فهیمی فر (رئیس دانشگاه امیرکبیر)، دکتر محمدحسن عباسی (رئیس دانشگاه صنعتی اصفهان)، دکتر طالبی (رئیس دانشگاه اصفهان)، دکتر سعید سهراب پور (رئیس دانشگاه صنعتی شریف)، دکتر سید محمد مهرتاش (رئیس دانشگاه علم و صنعت)، دکتر ارشاد (رئیس دانشگاه شیراز)، دکتر صفایی مقدم (رئیس دانشگاه شهید چمران)، دکتر علی خاکی صدیق (رئیس دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی)، دکتر غلامرضا مصباحی مقدم (سرپرست جامعه الامام الصادق علیه السلام و نماینده مجلس شورای اسلامی و سخنگوی جامعه روحانیت مبارز تهران)، دکتر سعید سمنانیان (رئیس دانشگاه تربیت مدرس).

### ج. امضای فعالان فرهنگی - سیاسی

دکتر ابوالقاسم گرگی (استاد دانشگاه)، دکتر غلامعلی حدّاد عادل (رئیس فرهنگستان زبان فارسی و رئیس مجلس شورای اسلامی)، دکتر محمدرضا بهشتی (استاد دانشگاه و فرزند شهید آیت الله بهشتی)، سید کاظم بجنوردی (رئیس دائرة المعارف بزرگ اسلامی)، دکتر علی مطهری (استاد دانشگاه و فرزند شهید آیت الله مطهری)، دکتر عماد افروغ (نماینده مجلس هفتم و رئیس کمیسیون فرهنگی)، مهندس مهدی چمران (رئیس شورای شهر تهران)، محمّدجواد صاحبی (پژوهشگر)، محمّد جاودان (استاد دانشگاه)، دکتر محمّد مهدی جعفری (پژوهشگر)، دکتر علی قائمی (استاد دانشگاه)، دکتر محمود گلزاری (استاد دانشگاه)، دکتر جواد منصوری (پژوهشگر و مشاور وزیر امور خارجه)، محمّد مهدی عبدخدایی، حسین مهدیان، سید مهدی شجاعی (نویسنده)، نادر طالب زاده (مستندساز)، علی قزوه (شاعر)، دکتر احمد توکلی (نماینده مجلس هفتم)، دکتر علی عباسپور تهرانی (نماینده مجلس شورای اسلامی)، دکتر حسن غفوری فرد (نایب رئیس جامعه اسلامی مهندسين و نماینده تهران در مجلس)، دکتر امیر محیبیان (روزنامه نگار)، دکتر منوچهر متکی (نماینده مجلس هفتم و وزیر امور خارجه)، دکتر مهدی کوچک زاده (نماینده مجلس شورای اسلامی)، دکتر ابوالفضل فاتح (رئیس خبرگزاری ایسنا و معاون وزیر ارتباطات)، مسعود حیدری (رئیس خبرگزاری ایلنا)، محمّد کاظم انبارلویی (روزنامه نگار)، محسن محقق (نهضت آزادی)، سعید ابوطالب ←

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## جناب آقای عالی، ریاست محترم جمهوری

همان گونه که آگاهید، بیست و پنج سال پیش از این، امام موسی صدر رهبر ایرانی تبار شیعیان لبنان و شخصیت برجسته جهان اسلام، در توطئه ای پیچیده و خسارت بار روبرو شده شد. در طی ربع قرن گذشته، محافل سیاسی، سازمانهای اجتماعی و انبوهی از اندیشمندان در جهان اسلام و خارج از آن همواره بر ضرورت پیگیری جهت آزاد سازی امام صدر، و کشف حقیقت پای فشرده، و آسیبهایی را که لبنان، ایران و جهان اسلام در تیرد این شخصیت والا متحمل شده اند، بر شمرده اند. استقبال پر شور مردم از مجالس گرامیداشت آن عزیز نیز نشان از جایگاه والای ایشان میان طبقات مختلف جامعه داد.

امام صدر، که به دعوت رسمی دولت لیبی عازم آن کشور گردید، در آن سرزمین روبرو شد. مدارک و مستندات رسمی فراوانی بر این امر دلالت دارد، که نه تنها تحقیقات میدانی پلیس بین الملل و احکام دستگاههای قضایی ایتالیا و لبنان و همچنین پانزده سال ۲۰۰۰ سازمان ملل بین الملل از آن جمله است، بلکه دولت لیبی خود نیز ناچار به پذیرش روبرو شدن این بزرگوار در قلمرو آن کشور شده است.

از حضرتعالی به عنوان رئیس جمهور و با عنایت به پیوند خویشاوندی و دلبستگی روحی که به افکار آن بزرگوار دارید، انتظار می رفت با اقدامات کارآمد و راهی ایشان، کشف حقیقت و پایان دادن به سالها درد و رنج شیفتگان آن عزیز در لبنان و ایران را وجهه همت خود سازید. اما علیرغم تلاش های دولت و آغاز مذاکراتی که بیش از شش سال از عمر آن می گذرد، هیچ یک از این آرزوها تحقق نیافته است. نیک پنداست که پاسداری هر ملت از مفاهیم دینی و ملی خود از نشانه های حرمت و سرزندگی آن است. ما انصافاً کنتگان این نامه از حضرتعالی موافق آمده و خواهیم:

- ۱- طرح رسمی پرونده از سوی ایران در مجامع بین المللی حقوق بشر
- ۲- پیگیری قضایی پرونده از سوی ایران در محاکم بین المللی، از جمله دیوان بین المللی دادگستری
- ۳- پیج اطلاعاتی کشور جهت کشف تمام حقیقت و از جمله سرنوشته امام صدر
- ۴- اتخاذ تدابیر دیپلماتیک شایسته جهت ابراز نارضایتی ایران از عملکرد دولت لیبی

→ (نماینده مجلس هفتم)، حجت الاسلام سید محمود دعایی (نماینده ولی فقیه در روزنامه اطلاعات)، حجت الاسلام حسین انصاری راد (نماینده مجلس ششم)، ابولفضل حکیمی (نهضت آزادی)، حجت الاسلام ناصر قوامی (نماینده مجلس ششم)، دکتر علی شکوری راد (نماینده مجلس ششم)، دکتر ابراهیم

یزدی (نهضت آزادی و وزیر امور خارجه دولت موقت)، هاشم صباغیان (نهضت آزادی)، مهندس شمس‌الدین وهابی (نماینده مجلس ششم)، احمد بورقانی (نماینده مجلس ششم)، محمد دادفر (نماینده مجلس ششم)، رضا طلایی نیک (نماینده مجلس ششم و هفتم و رئیس کمیته دفاعی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی)، مرتضی خیرآبادی (نماینده مجلس ششم)، ابوالفضل بازرگان (نهضت آزادی)، سید علی آقامیری (نماینده مجلس ششم)، دکتر محمدعلی شیخ (نماینده مجلس ششم)، دکتر محمدعلی کوزه‌گر (نماینده مجلس ششم)، احمد صدر حاج سیدجوادی (نهضت آزادی)، عباس علی‌اللهیاری (نماینده مجلس ششم و هفتم)، غلامرضا مسموعی (نهضت آزادی)، کریم غیاثی (نماینده مجلس ششم)، محمدحسین خلیلی اردکانی (نماینده مجلس ششم)، عزت‌الله سحابی (نهضت آزادی)، محمد توسلی (نهضت آزادی)، مهندس حسین کاشفی (رئیس کمیته اجرایی جبهه مشارکت)، مهندس محمد کیارشی، خانم فخرالسادات محتشمی‌پور (نماینده مجلس ششم)، خانم فاطمه راکعی (نماینده مجلس ششم)، دکتر صادق زیباکلام (استاد دانشگاه)، حجت‌الاسلام هادی قابل (رئیس جبهه مشارکت قم)، محمدحسین بنی‌اسدی (نهضت آزادی)

#### د. امضای حقوقدانان

دکتر سید حسین میرمحمد صادقی (سخنگوی سابق قوه قضائیه)، دکتر سید محمود کاشانی (استاد دانشگاه و فرزند آیت‌الله کاشانی)، دکتر غلام حسین الهام (سخنگوی سابق قوه قضائیه، و سخنگوی دولت و وزیر دادگستری)، دکتر فضل‌الله موسوی (نماینده مجلس هفتم)، دکتر علیرضا صدرا (استاد دانشگاه)، دکتر حسن مرادی (استاد دانشگاه)، دکتر باقر شاملو (استاد دانشگاه)، دکتر جعفر کوشا (استاد دانشگاه)، دکتر مهدی مظاهری (استاد دانشگاه)، دکتر محمدعلی اردبیلی (استاد دانشگاه)، دکتر علی قاسمی (استاد دانشگاه)، دکتر سیامک رهپیک (استاد دانشگاه)، دکتر مرتضی نجفی اسفاد (استاد دانشگاه)، دکتر علی‌اکبر فرجزادی (استاد دانشگاه)، دکتر صفار (استاد دانشگاه)، دکتر نیک فرجام (استاد دانشگاه)، دکتر فرید محسنی (استاد دانشگاه)، نور محمد صبری (وکیل)، حجت‌الاسلام محمدحسین فضائلی (استاد دانشگاه)، حجت‌الاسلام خلیل قبله خوبی (استاد دانشگاه)، فاخرکام (استاد دانشگاه)، رنجبر (استاد دانشگاه)، احمد مظفری (قاضی).

## وعده‌ای پوچ

معاون وقت حقوقی و پارلمانی رئیس جمهور، محمد علی ابطحی، کمی پس از انتشار این نامه، از دستور رئیس جمهور برای رسیدگی به نامه مراجع تقلید و نخبگان خبر داد و وعده داد در ملاقاتی که با مراجع تقلید خواهد داشت، روند رسیدگی به مسئله بودن امام صدر را برای ایشان تبیین خواهد کرد. وی وعده داد در مصاحبه‌ای مطالب را بازگو کند؛<sup>۱</sup> وعده‌ای که هیچ‌گاه تحقق نیافت!!

## انتخاب حجّت الاسلام فاکر به عنوان مسؤل کمیته پیگیری

با تشکیل هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی، خانواده امام موسی صدر شکایتی به کمیسیون اصل نود ارائه داد. زیر نظر این کمیسیون، کمیته‌ای مرکب از یازده نماینده مجلس، مسؤل پیگیری این مسئله شدند. نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی، آیت الله فاکر، رئیس کمیسیون اصل نود را به عنوان مسؤل کمیته و مهندس سعید ابوطالب، نماینده تهران را به عنوان دبیر کمیته پیگیری برگزیدند.

نمایندگان مجلس اسناد و مدارک بودن امام موسی صدر و شواهد و قراین دال بر زندانی بودن ایشان در لیبی، هریک در مصاحبه یا سخنرانیهای خود بر ضرورت پیگیری این مسئله تأکید کردند؛ حجّت الاسلام عسگری نماینده مشهد، دکتر مهدی کوچک زاده نماینده تهران، دکتر عباسی، نماینده گرگان و وزیر تعاون در دولت نهم، دکتر محمدی نماینده آاباده و رئیس کمیته روابط خارجی مجلس شورای اسلامی، فلاحی پیشه، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی، کاظم جلالی و مخبر کمیسیون امنیت ملی مجلس، دکتر عماد افروغ، رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس و نماینده تهران از جمله این نمایندگان هستند.

## نامه تاریخی نمایندگان مجلس درباره پیگیری

بیش از ۱۵۰ تن از نمایندگان مجلس در ۲۶ اسفند ۱۳۸۳ در حرکت تاریخی، نامه‌ای را مبنی بر حمایت و ضرورت پیگیری قضیه امام صدر امضا کردند که از تریبون علنی مجلس خوانده شد. نمایندگان مجلس برای اولین بار، بودن امام موسی صدر را

۱. مصاحبه حجّت الاسلام ابطحی با سایت خبری بازتاب، ۱۳۸۴/۱/۲۲.

«اقدام علیه امنیت ملی ایران» خوانده و آن را «جنایتی علیه بشریت» نامیدند. نمایندگان از دولت خواستند تا جمیع طریق قانونی برای آزاد سازی امام صدر، روشن شدن حقیقت ماجرا و محاکمه آمران و عاملان این جنایت را به کار بندند. متن بیانیه نمایندگان به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

اکنون که پس از ۲۷ سال از ربودن امام موسی صدر در لیبی و ادعاهای متناقض و دروغین مقامات لیبیایی نتایج دادگاه‌های ایتالیا و لیبی و اسناد منابع اطلاعاتی و امنیتی، جملگی مسؤلیت حکومت لیبی در ربودن امام موسی صدر را تأیید و تأکید می‌کند، مجلس شورای اسلامی ایران به نمایندگی از جانب ملت ایران این جنایت علیه انسان و بشریت و این اقدام علیه امنیت ملی ایران را محکوم می‌کند.

امام موسی صدر در تاریخ ۹ شهریور ۱۳۵۷ مطابق با ۳۱ اوت ۱۹۷۸ در یک سفر رسمی به دعوت دولت لیبی در این کشور ربوده شد و هنوز علی‌رغم تمام تلاشهای گوناگون داخلی و خارجی، رهایی نیافته و از صحنه حیات فکری و اجتماعی جامعه اسلامی خصوصاً جامعه شیعه لبنان، به دور نگه داشته شده است.

با توجه به نقش تاریخ ساز این شخصیت در حفظ وحدت لبنان، بازسازی عزت و هویت طایفه شیعه، ایجاد وحدت بین مذاهب اسلامی و گفتگو و همزیستی میان مسلمانان و مسیحیان لبنان و با عنایت به حمایت‌های ایشان از انقلاب اسلامی و جایگاه ویژه ایشان نزد بنیانگذار جمهوری اسلامی، رهبری و مقامات عالی‌رتبه ایران؛

و با توجه به نیاز جامعه اسلامی به منظومه فکری و مجموعه علمی ایشان و با عنایت به وظیفه جمهوری اسلامی در دفاع از حقوق شهروندی ایشان و دفاع از اندیشه آزادی، عدالت و ارزشهای اسلامی؛

مجلس شورای اسلامی ایران وظیفه تاریخی، قانونی، انسانی، ملی و دینی خود می‌داند تا برای رهایی بخشیدن امام موسی صدر از زندانهای لیبی، تمامی راهکارهای قانونی را در داخل و در عرصه‌های بین‌المللی پیگیری نماید و از دولت جمهوری اسلامی ایران می‌خواهد تا جمیع طرق قانونی را برای روشن شدن حقیقت ماجرا، محاکمه آمران و عاملان ربودن امام موسی صدر و آزادسازی ایشان، اقدام نماید.

نمایندگان مردم سربلند ایران  
در مجلس شورای اسلامی، دوره هفتم



### ملاقات سید صدرالدین صدر با دکتر احمدی نژاد

با انتخاب دکتر محمود احمدی نژاد به ریاست جمهوری، سید صدرالدین صدر، فرزند امام موسی صدر، با ایشان دیدار کرد و از طرف خانواده امام موسی صدر خواستار پیگیری جدی و همه جانبه مسئله بودن امام شد. رئیس جمهور در این دیدار گفت: «ما آماده ایم هر کاری که ضرورت داشته باشد، انجام دهیم و پیگیری این قضیه در دستور کار دولت و از اولویتهای من است. ما نباید بگذاریم پیگیری این موضوع به تأخیر بیفتد. چون این مسئله برای من مهم است. موضوع را از طریق نماینده تام الاختیاری که به زودی انتخاب می‌کنم، پیگیری خواهیم کرد»<sup>۱</sup>.

کمی بعد، کمیته‌ای به ریاست حاجت‌الاسلام دکتر سیداحمد موسوی، معاون پارلمانی رئیس جمهور تشکیل و مأمور بررسی این مسئله شد. این کمیته تاکنون چندین جلسه با حضور نمایندگان وزرای خارجه، اطلاعات و برخی نمایندگان مجلس برگزار کرده است.

دکتر الهام، رئیس دفتر وقت رئیس جمهور نیز در سخنانی در ۹ شهریور ۱۳۸۴ و در مراسمی در سالروز بودن امام صدر با ابراز تأسف از این که با گذشت ۲۷ سال هنوز خبری از این شخصیت بزرگ اسلام در دست نیست گفت:

«غیرانسانی‌ترین امور این است که نسبت به سرنوشت ایشان بی تفاوت باشیم. انتظار است نسبت به سرنوشت چنین انسان والا و برجسته‌ای تلاشهای گسترده‌ای در ابعاد حقوقی و سیاسی صورت گیرد»<sup>۲</sup>.

همچنین دکتر الهام، تلاشهای خانواده امام صدر را در این زمینه ارزشمند دانست و بر حمایت از این تلاشها تأکید کرد.

مهندس مهدی چمران، رئیس شورای شهر تهران و از افراد نزدیک به رئیس جمهور نیز اعتقاد دارد:

«اگر گفته شود امام موسی صدر لیبی را ترک کرده یک حرکت غیرقابل انتظار است و تمامی مباحثی که در این زمینه گفته شده ساخته و پرداخته آفرینان است؛ مسؤلیت آن همان‌طور که به عهده دولت لیبی است، به عهده شخص قذافی نیز هست و تاکنون آنها نتوانسته‌اند از این مسئله برهند. این اتهام نیست بلکه یک واقعیت تاریخی است و در مقابل این واقعیت، پاسخی منطقی و درست داده نشده است. دولت

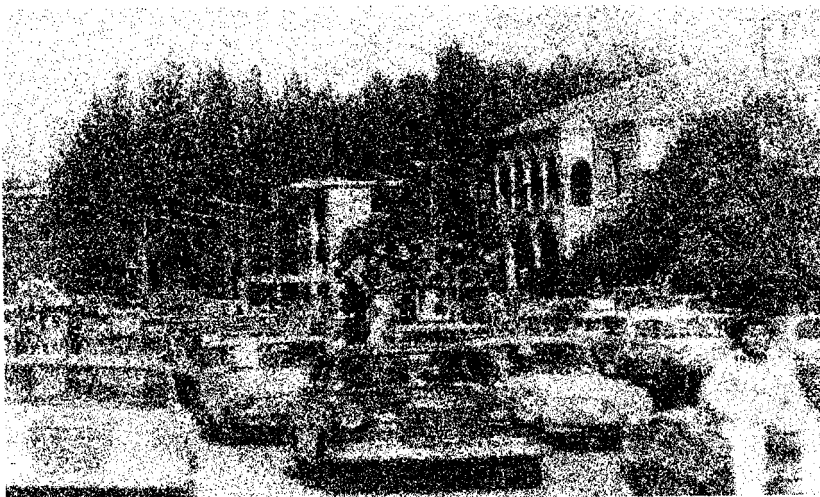
۱. خبرگزاری کار ایران، ۱۳۸۴/۶/۹.

۲. روزنامه کیهان، ۱۳۸۴/۶/۱۰.

لیبی تاکنون حاضر به ارائه پاسخی مستدل و منطقی در این زمینه نشده و با سخنانی سخیف و کوتاه از این مسئله گذشته است؛ اما اکنون زمان اقدامی اساسی در این زمینه است. باید سکوتی که سالیان سال ادامه داشته شکسته شود».



دیدار علمای شیعه و سنی لبنانی با اعضای جبهه پایداری در دمشق  
بومدین، قذافی و حافظ اسد در تصویر مشاهده می شوند.



تظاهرات مردم لبنان در اعتراض به ربودن امام موسی صدر در لیبی

# اسرار تازه‌های از امام موسی صدر

آخرین اطلاعات از امام موسی

## امام موسی صدر زند

کسی که اخیراً زندان لیبی آزاد شده فاش کرد که امام موسی

### هدف از ربو

داری خصومتی است که امکان تشبیه کردن ایشان با هجرتی نیست خصمه آنکه فرد زلفانی با رجا ایشان را در زندان دیده و در جزایر سلول ایشان آفات داشته است.

در حال حاضر فلسطین ها به سبب آوارگی مشهور به اقلیت در جنوب لبنان شده اند از سوی دیگر شیعیان لبنان سابقین مستحق این منطقه می باشند و این طرح که به عنوان فلسطینی ها رکن جنوب لبنان ساکن نمایند همواره مورد مخالفت امام موسی صدر بود و ایشان این استدلال را داشتند که چگونه می توان برای نجات دادن گروهی از آوارگی گروه هجرتی را اقرار کرد؟

حجت الاسلام آقای حاج سید علی آیت‌الله زاده قمی فرزند آیت‌الله العظمی حاج آقا مهدی قمی، وقتی امام موسی صدر، در مراجعت از سفر اخیر خود به پمپک لبنان پرشمن اتفاقات جهت باطن امام موسی صدر و نیز آگاهی‌های بزرگ، در پیوند ریخته شد، ایشان اطلاعاتی را اختصاصاً در اختیار خبرنگار ما اطلاعات تکلیفی قرار داد.

**آیت‌الله زاده قمی: چندبار میخواستند امام موسی صدر را ترور کنند... حتی یکبار که من نیز همراه مساحله کردند و قصد داشتند ما را به قهر دره بیانازند...**



**آیت‌الله زاده قمی که سالها در لبنان و در کنار امام موسی صدر مبارزه کرده است دو سفر اخیرش به ایران، نکات تازه‌ای را از اسرار ربوده شدن امام موسی صدر فاش کرد.**

## موضع قاطع نمایندگان مجلس

۲۱۰ تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز در تاریخ ۱۵ شهریور ۱۳۸۵، بار دیگر در نامه‌ای خطاب به رئیس جمهور، خواستار پیگیری قاطع و جدی این مسئله شدند که متن آن به شرح زیر است:

«بیست و هشت سال پیش امام موسی صدر روحانی متفکر و مصلح انقلابی جهان اسلام در راستای تقاضای بی‌وقفه خود به منظور اعتلای جایگاه مسلمانان در جامعه لبنان و نیز توقف جنگهای داخلی لبنان و جلوگیری از تقسیم کشور، ناگزیر دعوت رسمی حکومت لیبی برای مسافرت به طرابلس و دیدار و گفتگو با رهبران این کشور را پذیرفت و در آن کشور به همراه دو تن از همراهانش روبرو شد. علی‌رغم اظهارات متناقض مقامات لیبیایی در طی دو دهه گذشته، احکام صادره از سوی دستگاه‌های قضایی ایتالیا و لبنان بر روبرو شدن ایشان در لیبی تأکید می‌کرد تا سرانجام قذافی نیز در سال ۲۰۰۲ مسئله بودن امام موسی صدر را در لیبی رسماً تأیید کرد.

با این حال، با گذشت ۲۸ سال از این خیانت بزرگ به جهان اسلام، هنوز تلاشهای جمهوری اسلامی ایران و دولت لبنان برای مشخص شدن سرنوشت امام موسی صدر به ثمر نرسیده است، اما آموزه‌های بلند امام خمینی علیه السلام و وظایف مصرح قانون اساسی، برای دفاع از حقوق شهروندی و مبانی اصولگرایی حکم می‌کند که ضمن پیگیری اقدامات گذشته در شرایط جدید جهان و منطقه خاورمیانه، تلاش همه جانبه‌ای را در سطوح خارجی و داخلی برای آزادسازی آن روحانی مجاهد و عالم فرهیخته آغاز کنیم؛ چرا که دولتها به مقداری که از حقوق شهروندی‌شان دفاع می‌کنند و آن را محترم می‌شمارند نزد جامعه جهانی مقتدر و محترم شناخته می‌شوند.

امروز که نمایندگان ملت بزرگ ایران به حمایت از مردم و نمایندگان مجلس لبنان که با هدف شکستن محاصره این کشور در اعتصاب به سر می‌برند، برخاسته‌اند اعلام عزم ملی برای آزادسازی امام موسی صدر، بشارت به هدیه‌ای شایسته به لبنان سربلند است که رهبر مقاومت پیروز آن سید حسن نصرالله می‌گوید: اگر می‌خواهید به مقاومت لبنان کمک کنید، امام مقاومت را آزاد کنید.

به هر روی، این پیگیریها و بررسی راهکارها بامشاوره‌های مستمر و کلای لبنانی پرونده با مقامات قضایی ایران و یا نمایندگان و سفرای جمهوری اسلامی در مجامع

بین‌المللی برای تقویت اقدامات قضایی در لبنان و مراکز جهانی ادامه دارد و هم‌اکنون راهبردی برای اجرایی شدن این راهکارها در حال طراحی است تا هرچه سریع‌تر حقیقت آشکار شود و عاملان ربودن امام موسی صدر نیز مجازات شوند.

آنچه لازم است که در این جا ذکر شود حمایت ارگانه‌های اطلاع‌رسانی جمهوری اسلامی ایران از پیگیری‌های صورت گرفته در مسئله ربودن امام موسی صدر است. صدا و سیما چندین و چند سریال مستند تهیه کرده که از شبکه‌های مختلف پخش شده است؛ همچنین دهها گزارش درباره سفر ایشان به لیبی و قضیه ربوده شدن در آن کشور از جمله این حمایتهاست. روزنامه‌ها نیز صدها مقاله، خبر، گزارش، تحلیل و ویژه‌نامه در این رابطه چاپ کرده‌اند.

## یزدی: بین ایران و لیبی روابطی برقرار نشده

دبیر کل سازمان امل‌دیروز با دکتر ابراهیم یزدی وزیر امور خارجه دولت موقت جمهوری اسلامی ایران در این دیدار گفت: در کنگره اسلامی رباط مسئله جنوب لبنان و موضوع ناپدید شدن امام موسی صدر رهبر شیعیان لبنان مورد مذاکره قرار گرفت.

دکتر ابراهیم یزدی وزیر امور خارجه دولت موقت جمهوری اسلامی ایران در این دیدار گفت: در کنگره اسلامی رباط مسئله جنوب لبنان و موضوع ناپدید شدن امام موسی صدر را که یک قضیه واحدی است، ما -

صفحه اول - شماره اول

# بنی احمد تلگرافی از اروپا خبر داد امام موسی صدر در لیبی، سالم است

شماره ۲۸ - شماره اول

## اخبار کشور

### امام موسی صدر سالم است

تهران - خبرگزاری فرانسه - یکتا سخنگوی رهبران شیعه قم دیروز اعلام داشت که امام موسی صدر رهبر شیعیان لبنان که از یکماه پیش ناپدید شده و صحیح و سالم است. به گفته این سخنگو خبر مربوط به حال امام موسی توسط پرزیدنت حافظ ایست به اطلاع برادر امام موسی رسانده شده است. سخنگوی مراجع تقلید ام از ارائه جزئیات بیشتر خودداری کرد. از سوی دیگر سیاسی سر کس رئیس جمهوری لبنان دیروز درباره ناپدید شدن امام موسی صدر با پرسزیدنت حافظ ایست گفتگوی تلفنی کرد.

### محاصره

پساریس - خبرگزاری فرانسه جمیع ایرانی آزادی و حقوق بشر اعلام کرد: «الذات محدودی که در عراق علیه حضرت انظلی خمینی بعمل آمده چنان با قوت خود هستند.» این جمیعت در اطلاع روز گذشته در پساریس داد. اخبار مطبوعات تهران مورد بهرچیده شدن تعداد محدود گندهای که در عراقی نسبت به حضرت انجام آوردند، گویا کرده.

کمیته معتقد است که حضرت ایستالسه در نه عراق که از ۱۵ سال به آنجا پسر می برند. جمع



سخنرانی خانم رباب صدر، خواهر امام موسی صدر، در جمع مردم ایران  
که برای اعلام اعتراض به ربودن امام موسی صدر توسط دولت لیبی تجمع کرده بودند.





## فصل یازدهم:

نگاهی به اسناد ساواک

## نگاهی به اسناد ساواک

سازمان اطلاعات و امنیت رژیم شاه، ساواک، همواره با حساسیت ویژه‌ای امام موسی صدر را زیر نظر داشته و به طور جدی و با کمک شبکه‌ای گسترده از منابع و همکاران خود فعالیت‌هایی را پیگیری می‌کرده. این بدان علت بود که امام موسی صدر، حضور و نقش ویژه‌ای در عرصه سیاسی، اجتماعی و دینی خاورمیانه داشته و یکی از خیرسازترین شخصیتها در بیش از دو دهه بوده‌اند. پس از ربودن ایشان نیز تاکنون که قریب سه دهه می‌گذرد، مسئله ربودن وی همچنان جزو اخبار خبرگزاریهای دنیاست.

«مرکز بررسی اسناد تاریخی» وابسته به وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران، اسناد مربوط به فعالیت‌های ساواک را - که در بر دارنده نامه‌نگاریها و گزارشهای مختلف از زندگی امام موسی صدر است - در مجموعه‌ای در سه جلد و بیش از دو هزار صفحه گردآوری و چاپ کرده است که برای محققین و پژوهشگران در مسائل ایران، لبنان و خاورمیانه از منابع بسیار مفید و ضروری است. در این بخش ۲۳ سند از این مجموعه - که درباره ربودن امام موسی صدر است - آمده است.

ربودن ایشان چند ماه پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران روی داد. از سال ۱۹۷۸ (۱۳۵۷) تاکنون که رژیم لیبی عملیات ربودن ایشان را به انجام رساند، کوشیده است تا با بهره‌گیری از سناریوهای مختلف، افراد و گروه‌های مختلف را عامل ربودن ایشان معرفی کند. همان‌طور که در فصول پیشین نیز خوانده‌اید، ابتدا گروهی از لبنانی‌ها را عامل ربودن نامید، سپس گروه‌های فلسطینی چون ابونضال و بعد مافیارا. سپس تلاش کرد تا از فضای هرج و مرج اول انقلاب استفاده کند و رژیم شاه و ساواک را عامل ربودن ایشان معرفی کند؛ اما همان‌گونه که ملاحظه خواهید کرد گزارشهای ساواک

در روزهای آغازین ربودن ایشان حاکی از اطلاع نداشتن ساواک از چگونگی ربودن است. در یکی از همین اسناد آمده است: احتمال دارد که امام صدر ... به طور پنهانی به عراق نزد (امام) خمینی اعزام شده باشد تا خرابکاری را در ایران دامن بزند!!<sup>۱</sup>

سپس در روزهای بعد که منابع آنها تحقیقات بیشتری انجام می دهند، به این نتیجه می رسند که امام موسی صدر در لیبی ربوده شده است.

بنابراین، این مجموعه از اسناد نیز تأیید دیگری هستند بر تحقیقات مفصل نیروهای امنیتی و دستگاه قضایی لبنان و ایتالیا. این اسناد نیز چون بررسیها و احکام دادگاههای لبنان و ایتالیا بر این نکته تأکید می کنند که: امام موسی صدر در لیبی و به دست عوامل رژیم آن کشور ربوده شده و امام موسی صدر زنده است.

۱. امام موسی صدر، یاران امام به روایت اسناد ساواک، کتاب هفدهم، ج ۳، ص ۵۱۲.

به: ۷۱۳

تاریخ: ۵۷/۶/۲۰

از: ۲۱۳

شماره: ۲۱۳/۷۶۸۷

موضوع: سید موسی صدر

سید موسی صدر رهبر شیعیان لبنان که به اتفاق یک شخص دیگر از لیبی دیدن می نمود و سیله عده ای ناشناس ربوده می شود.

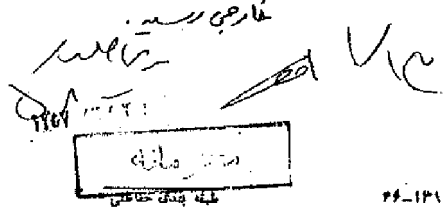
نظریه اداره کل دوم: خبر صحت دارد و به وسیله وسایل ارتباط جمعی اعلام گردید. اقدامات انجام شده: مراتب به عرض تیمسار معاونت اطلاعات خارجی رسید.

موسی صدر - ۵۸

۷۱۳ افقهی

از: ۷۱۳	نسخه: ۷ - منبع
از: ۲۱۳	۸ - منشا
شماره گزارش: ۲۱۳/۷۶۸۷	۹ - تاریخ وقوع: ۲۰/۶/۵۷
تاریخ گزارش: ۲۰/۶/۵۷	۱۰ - تاریخ رسیدن خبر به منبع: ۲۰/۶/۵۷
پیوست: ۴	۱۱ - تاریخ رسیدن خبر برحسب عملیات محل: ۴
گیرندگان خبر: ۶	۱۲ - ملاحظات حفاظتی: ۴
موضوع: سید موسی صدر رهبر شیعیان لبنان که به اتفاق یک شخص دیگر از لیبی دیدن می نمود و سیله عده ای ناشناس ربوده می شود.	

سید موسی صدر رهبر شیعیان لبنان که به اتفاق یک شخص دیگر از لیبی دیدن می نمود و سیله عده ای ناشناس ربوده می شود. نظریه اداره کل دوم: خبر صحت دارد و به وسیله وسایل ارتباط جمعی اعلام گردید. اقدامات انجام شده: مراتب به عرض تیمسار معاونت اطلاعات خارجی رسید.

خارجی رسید  
  
 ۲۶-۱۳۱

به: کلّ دوّم  
از: اسرائیل

تاریخ: ۵۷/۶/۲۳  
شماره: ۵۹۲۱

موضوع: مفقود شدن موسی صدر

السفیر روزنامه چپ‌گرا و طرفدار لیبی چاپ بیروت که از بیست و یکم شهریور ماه مدّعی شده که موسی صدر به خاطر طرفدارانش در مبارزه شیعیان ایران علیه رژیم موجود و کمک به [امام] خمینی توسط سازمانهای امنیتی ایران ربوده شده است علی رغم نظر مقامات لیبی در مورد خروج وی از لیبی، در تاریخ ۱۲ شهریورماه روزنامه مستقبل بیروت النهار نوشته است که نامبرده تا تاریخ ۱۲ شهریور در هتل خود در طرابلس به سر می‌برده و بر اساس اظهار شیعیان لبنان هیچ قرینه‌ای مبنی بر خروج صدر از لیبی در دست نیست و ادّعای ربوده شدن توسط

سازمانهای امنیتی ایران را بیهوده می‌دانند.

بنا به گزارش خبرگزاری ایتالیا اکنون پلیس بین المللی (انترپول) نیز در جستجوی امام صدر می‌باشد.

نظریّه: احتمال دارد که امام صدر در مسافرتش در لیبی ضمن اخذ کمکهای مادّی و دستورات عملی لازم به طور پنهانی به عراق نزد [امام] خمینی اعزام شده باشد تا خرابکاری را در ایران دامن بزند.

با آقای [ناخوانا] فلک فرسا مذاکره شد فرمودند اقدامی ندارد بایگانی شود ۵۷/۶/۲۵

ردیف	شرح	تاریخ
۱	از: ...	۱۳۳۳/۶/۲۳
۲	از: ...	۱۳۳۳/۶/۲۳
۳	از: ...	۱۳۳۳/۶/۲۳
۴	از: ...	۱۳۳۳/۶/۲۳
۵	از: ...	۱۳۳۳/۶/۲۳
۶	از: ...	۱۳۳۳/۶/۲۳

موضوع: مفقود شدن موسی صدر  
السفیر روزنامه چپ‌گرا و طرفدار لیبی چاپ بیروت از بیست و یکم شهریورماه مدعی شده که موسی صدر بخاطر طرفدارانش در مبارزه شیعیان ایران علیه رژیم موجود و کمک به [امام] خمینی توسط سازمانهای امنیتی ایران ربوده شده است علی‌رغم نظر مقامات لیبی در مورد خروج وی از لیبی در تاریخ ۱۲ شهریورماه روزنامه مستقبل بیروت النهار نوشته است که نامبرده تا تاریخ ۱۲ شهریور در هتل خود در طرابلس به سر می‌برده و بر اساس اظهار شیعیان لبنان هیچ قرینه‌ای مبنی بر خروج صدر از لیبی در دست نیست و ادّعای ربوده شدن توسط سازمانهای امنیتی ایران را بیهوده می‌دانند بنا به گزارش خبرگزاری ایتالیا اکنون پلیس بین المللی (انترپول) نیز در جستجوی امام صدر می‌باشد.

نظریّه: احتمال دارد که امام صدر در مسافرتش به لیبی در ...  
کامراه، مابقی و دستورات عملی لازم به طور پنهانی به عراق ...  
مجلس اعزام شده باشد تا خرابکاری را در ایران دامن بزند.  
با آقای [ناخوانا] فلک فرسا مذاکره شد فرمودند اقدامی ندارد بایگانی شود ۵۷/۶/۲۵

در: ...  
تاریخ: ۱۳۳۳/۶/۲۵  
شماره: ۵۹۲۱

به: مدیریت کل اداره سوّم ۳۱۲

تاریخ: ۵۷/۶/۲۵

از: قم

شماره: ۲۱/۱۶۳۴ هـ

پیرو شماره: ۵۷/۶/۲۳ هـ ۲۱/۱۶۱۰

رضا صدر شب گذشته از تهران ضمن تماس با آیت الله شریعتمداری در باره سید موسی صدر اظهار می دارد به دلایل زیر موسی از لیبی خارج نشده است:

- ۱ - دولت لیبی مدّعی است سید موسی روز ۳۱ اوت (۸ شهریور) با آیتتالیا به ایتالیا رفته در صورتی که دولت ایتالیا قبول نمی کند و می گوید به روم وارد نشده و از طرفی دستگاه آی - یو - پی (T.U.P) هم می گوید که نام سید موسی در لیست مسافرین آیتتالیا ثبت نشده است.
- ۲ - برابر اعلام هتلی که سید موسی در طرابلس در آن هتل اقامت داشته تاریخ ترک هتل سه روز بعد از تاریخی است که دولت لیبی می گوید این کشور را ترک کرده است.

۳ - سید موسی بنا به دعوت لیبی و به خاطر جشن انقلاب آن کشور به لیبی رفت و در صورتی که ادّعای لیبی در مورد خروج او صحّت داشته باشد چرا دو روز قبل از برگزاری جشن، لیبی را ترک نموده.

۴ - تماس سید موسی از ۱۵ روز قبل از این که اعلام شود گم شده با خانواده اش قطع شده... قبلاً هر روز یک بار با خانواده خود تماس می گرفته و بنابر این، قطعاً تحت نظر بوده که نتوانسته با خانواده خود ارتباط برقرار نماید.

۱- دولت لیبی مدّعی است سید موسی روز ۳۱ اوت (۸ شهریور) با آیتتالیا به ایتالیا رفته در صورتی که دولت ایتالیا قبول نمی کند و می گوید به روم وارد نشده و از طرفی دستگاه آی - یو - پی (T.U.P) هم می گوید که نام سید موسی در لیست مسافرین آیتتالیا ثبت نشده است.

۲ - برابر اعلام هتلی که سید موسی در طرابلس در آن هتل اقامت داشته تاریخ ترک هتل سه روز بعد از تاریخی است که دولت لیبی می گوید این کشور را ترک کرده است.

۳ - سید موسی بنا به دعوت لیبی و به خاطر جشن انقلاب آن کشور به لیبی رفت و در صورتی که ادّعای لیبی در مورد خروج او صحّت داشته باشد چرا دو روز قبل از برگزاری جشن، لیبی را ترک نموده.

۴ - تماس سید موسی از ۱۵ روز قبل از این که اعلام شود گم شده با خانواده اش قطع شده... قبلاً هر روز یک بار با خانواده خود تماس می گرفته و بنابر این، قطعاً تحت نظر بوده که نتوانسته با خانواده خود ارتباط برقرار نماید.

رضا صدر اضافه می‌نماید که لیبی برای رد گم کردن، دروغ پردازی می‌نماید و این که مجله انگلیسی نوشته ایران دخالت دارد، دروغ است.

بعضی هم گفته‌اند: اسرائیل با مسیحیان لبنان دخالت دارد که صحیح نمی‌باشد. رییس جمهور لبنان حافظ اسد و یاسر عرفات با لیبی تماس گرفته‌اند، [امام] خمینی هم یک تلگراف سرد و خشکی به یاسر عرفات مخابره [کرده]؛ ولی یاسر جواب خیلی گرمی داده مبنی بر این که سید موسی برادر اوست و یاسر با خانواده صدر هم دو، سه بار تماس گرفته است. ضمناً دکتر آزمون اظهار می‌دارد ناپدید شدن سید موسی مربوط به گروه جرج حبش با همکاری لیبی می‌باشد. امکان دارد مسبب اصلی دولت لیبی باشد، برای این که دزدیدن یک هیأت کار تروریست‌ها نمی‌تواند باشد و کار یک دولت مانند لیبی است.

رضا صدر می‌افزاید که از طرف روحانیون نجف و تهران اقداماتی در جریان است و جوانان ایرانی پاریس گفته‌اند می‌بایست تلگرافی هم برای قذافی مخابره شود و خودم از مقامات دولتی ایران خواستار شده‌ام که از سرویس اطلاعاتی کشورهای خارج و حتی روسیه کمک گرفته شود و قرار است به سفیر شوروی در تهران هم مراجعه شود.

شریعتمداری اظهار می‌دارد با آقای مجد (امکان دارد منظور مجدالدین محلاتی باشد) از شیراز با آقای آزمون در ارتباط هستیم و رضا صدر می‌گوید: چون سید موسی صدر از تابعیت ایران خارج شده، دولت نمی‌تواند رسماً

با خانواده...  
رضا صدر...  
اینکه...  
خالت...  
مخفی...  
نمی...  
خفا...  
آن...  
نه...  
این...  
نه...  
برای...  
مستند...

اقدامی نماید و در خاتمه قرار می‌شود برای الجزایر و پاپ هم اگر صلاح باشد تلگرافاتی تهیه و کمک خواسته شود.

توضیح این‌که: در تماسهای دیگری که در مورد موسی صدر با دستگاه شریعتمداری حاصل می‌شود، مبنای نتیجه‌گیری می‌شود که با تماسهایی که با آقای آزمون گرفته شده چنان‌که از طرف دولت ایران اقداماتی برای رهایی یک روحانی شیعه مانند موسی صدر به عمل آید، در شرایط کنونی حُسن اثر خواهد داشت.  
استحضاراً معروض

رییس سازمان اطلاعات و امنیت قم - باصری نیا

گوینده: زند و کیلی

گیرنده = کُندری

ساعت ۰۹۰۰ روز ۲۵ - ۶ - ۵۷

در بولتن درج شود ۳۷/۶/۲۵

محترماً با آقای فلک فرسا

مذاکره شد فرمودند اقدامی ندارد

در پرونده موسی صدر بایگانی

شود

سید منیر ۱/۷/۵۷

۴۶۴۲۲

گزارش در ارتباط با...  
میرا...  
نویسنده...  
تاریخ...  
موضوع...  
کپی در...  
استحضاراً معروض

جایگاه... ۰۳

گزارش...  
تاریخ...  
موضوع...  
کپی در...  
۴۹۴۲۲





اطلاعاتی که مقامات مجلس شیعیان در باره واقعه پنهان شدن امام موسی صدر در اختیار دارند به شرح زیر است:

ایشان به اتفاق شیخ محمد یعقوب یکی از روحانیون شیعه لبنان و سید عباس بدرالدین رییس یکی از آژانسهای خبر لبنان به دعوت قذافی به طرابلس عزیمت می نمایند. سفارت لیبی در بیروت سه عدد بلیط (بیروت - طرابلس - بیروت) در اختیار آنان می گذارد و در روایت صادره نوشته است که به دعوت رسمی دولت لیبی این روایت اعطا شده که فتوکپی بلیط و روایت را مجلس شیعیان تهیه نموده اند.



برخلاف انتظار، پس از ورود آقای صدر به طرابلس که مورد استقبال رییس تشریفات قرار گرفت، دیگر هیچ گونه خبری از ایشان در دست نیست و وسایل ارتباط جمعی لیبی اساساً خبر ورود آقای صدر و همراهان را منتشر نمی سازد. دولت لیبی مدعی است که سید موسی و همراهان با هواپیمای آل ایتالیا روز ۳۱ اوت با پرواز ساعت بیست و پانزده دقیقه طرابلس را به مقصد رم ترک کرده است ولی دلیلی وجود دارد که این ادعا صحیح نیست:

۱- یکی از اعضای سفارت لیبی که در طرابلس بوده به مجلس شیعیان اطلاع داده که روز ۳۱ اوت تا نیمه های شب در هتل

اداره  
شماره  
تاریخ  
پرست

#### اطلاعاتی که مقامات مجلس شیعیان در باره واقعه پنهان شدن امام

موسی صدر در اختیار دارند شرح زیر است :

ایشان باتفاق شیخ محمد یعقوب یکی از روحانیون شیعه لبنان و سید عباس بدرالدین رییس یکی از آژانسهای خبر لبنان به دعوت قذافی به طرابلس عزیمت میکنند. سفارت لیبی در بیروت سه عدد بلیط ( بیروت - طرابلس - بیروت ) در اختیار آنان میگذارد و در روایت صادره نوشته است که سید موسی در بیروت رسمی دولت لیبی این روایت اعطا شده که فتوکپی بلیط و روایت را مجلس شیعیان تهیه نموده اند .

بر خلاف انتظار پس از ورود آقای صدر به طرابلس که مورد استقبال رییس تشریفات قرار گرفت دیگر هیچگونه خبری از ایشان در دست نیست و وسایل ارتباط جمعی لیبی اساساً خبر ورود آقای صدر و همراهان را منتشر نمی سازد. دولت لیبی مدعی است که سید موسی و همراهان با هواپیمای آل ایتالیا روز ۳۱ اوت با پرواز ساعت بیست و پانزده دقیقه طرابلس را به مقصد رم ترک کرده است ولی دلیلی وجود دارد که این ادعا صحیح نیست :

۱- یکی از اعضای سفارت لیبی که در طرابلس بوده به مجلس شیعیان اطلاع داده که روز ۳۱ اوت تا نیمه های شب در هتل محل اقامت در خدمت امام - موسی بوده و شرح متوسطی از شخصیت نامبرده بهمان دایره و به مجلس شیعیان با داشتن رهبری چون آقای صدر تهریك گفته است .

۲- داماد آقای حسین الحسینی ( نماینده شیعه پارلمان و عضو شورای عالی شیعیان ) که در لیبی بوده روز دوم سپتامبر برای دیدن آقای صدر به هتل محل اقامت ( فندق الناطق ) مراجعه میکند باو میگوید که

محل اقامت در خدمت امام موسی بوده و شرح مبسوطی از شخصیت نامبرده بیان داشته و به مجلس شیعیان با داشتن رهبری چون آقای صدر تبریک گفته است.

۲- داماد آقای حسین الحسینی (نماینده شیعه پارلمان و عضو شورای عالی شیعیان) که در

لیبی بوده روز دهم سپتامبر برای دیدن آقای صدر به هتل محل اقامت (فندق الشاطی) مراجعه می‌کند، به او می‌گویند ایشان در این جا هستند ولی در این ساعت خارج هتل رفته‌اند، او هم شرحی نوشته و اضافه می‌کند فردا مجدداً شرفیاب خواهم شد. روز سوم سپتامبر که به هتل مزبور رفته است به او گفته‌اند آقا و همراهان دیشب هتل را ترک کردند.

محافل مجلس شیعیان، قطع و یقین دارند که امام موسی قربانی یک توطئه شده که به دست قذافی اجرا گردیده است و آنان احتمالات زیر را می‌دهند:

۱ - سید موسی با جرج حبش اختلاف داشت و در این اواخر به او حمله می‌کرد. همزمان با دیدار صدر از لیبی، جرج حبش در طرابلس بوده و دوبار با قذافی ملاقات داشته و قذافی تنها منبع کمک مالی به دارو دسته جرج حبش محسوب می‌گردد و برای اتحاد شوروی، قذافی و جرج حبش خیلی مهمتر از سید موسی صدر می‌باشند.

۲ - طرحی برای اسکان نیم میلیون فلسطینی مقیم لبنان در جنوب لبنان وجود دارد که امام موسی به شدت با آن مخالف بوده و عقیده آن مخالف بوده و عقیده داشت با اجرای طرح مزبور، وضع معاشی شیعیان بدتر از وضع کنونی آنان خواهد شد.

ایران  
شماره  
تاریخ  
پرست



وزارت امور خارجه

بیر اینجا هستند ولی در این ساعت خارج هتل رفته اند او هم شرحی نوشته و اضافه میکند فردا مجدداً شرفیاب خواهم شد. روز سوم سپتامبر که به هتل مزبور رفته است با او گفته اند آقا و همراهان دیشب هتل را ترک کردند.

محافل مجلس شیعیان قطع و یقین دارند که امام موسی قربانی یک توطئه شده که به دست قذافی اجرا گردیده است و آنان احتمالات زیر را می‌دهند :

۱- سید موسی با جرج حبش اختلاف داشت و در این اواخر با حمله می‌کرد همزمان با دیدار صدر از لیبی، جرج حبش در طرابلس بوده و دو بار با قذافی ملاقات داشته و قذافی تنها منبع کمک مالی به دارو دسته جرج حبش محسوب می‌گردد و برای اتحاد شوروی قذافی و جرج حبش خیلی مهمتر از سید موسی صدر می‌باشند.

۲- طرحی برای اسکان نیم میلیون فلسطینی مقیم لبنان در جنوب لبنان وجود دارد که امام موسی به شدت با آن مخالف بود و عقیده داشت با اجرای طرح مزبور، وضع معاشی شیعیان خیلی بدتر از وضع کنونی آنان خواهد شد. گفته میشود بشرط خلع سلاح فداییان، اسرائیل نیز با این طرح موافق است و بنا بر این نیز کردن امام موسی صدر از صحنه لبنان، اجرای طرح تا حدی آسان می‌گردد.

گفته می‌شود به شرط خلع سلاح فداییان، اسرائیل نیز با این طرح موافق است و بنا بر این، دور کردن امام موسی صدر از صحنه لبنان، اجرای طرح تا حدی آسان می‌گردد.

تهران - خبرگزاری یونایتد پرس

تاریخ: ۲۲ سپتامبر ۱۹۷۸

## کوشش در جهت یافتن امام موسی صدر

مقامهای روحانی روز پنجشنبه گفتند روحانیون مسلمان قدرتمند ایران می‌خواهند هیأتی را به نزد سرهنگ معمر قذافی رهبر لیبی که بنا به عقیده آنان موسی صدر رهبر روحانی شیعه‌های لبنان را نزد خود نگهداشته است بفرستند.

یک رهبر بلندپایه شیعه - که تقاضا کرد نامش فاش نشود - به یونایتد پرس گفت: «ما معتقدیم که قذافی موسی صدر را نزد خود نگهداشته است، ما فکر می‌کنیم آن طور که در گزارشهای خارجی آمده امام صدر در ایران باشد».

## گوشش در جهت یافتن امام موسی صدر

این منبع گفت: تحقیقهای

نمایندگان روحانیون در اروپای غربی توطئه لیبی را نشان می‌دهد که می‌خواهد چشم جهانیان را در مورد این که امام در کجا به سر می‌برد، فرو بندد.

او در باره ادعای لیبی مبنی بر این که امام صدر و دو همراه لبنانی‌اش با آیتالیا در روز ۳۱ اوت از تریپولی به سوی رم پرواز کرده‌اند به بحث پرداخت و گفت مدارک ایتالیایی‌ها نشان نمی‌دهد که امام وارد این کشور شده باشد.

این منبع گفت: امام صدر در تریپولی بوده است تا در جشنهای روز ملی لیبی که در روز ۲ دسامبر برگزار می‌شد شرکت نماید. چگونه ممکن است که او زودتر از این تاریخ تریپولی را ترک گفته باشد؟

وی گفت روحانیون ایران به این تحقیق پرداخته‌اند که ممکن است امام با قذافی دعوا کرده و تصمیم گرفته است قبل از جشنهای ملی، آن‌جا را ترک نماید و جا برای [ناخوانا]

۱۳۵۷/۷/۱ نشریه ۱۸۷ خبرگزاری پارس

۱. سند ناقص در پرونده درج شده است.

تهران - خبرگزاری یونایتد پرس - ۲۲ سپتامبر ۱۹۷۸  
مقامهای روحانی روز پنجشنبه گفتند روحانیون مسلمان قدرتمند ایران می‌خواهند هیأتی را به نزد سرهنگ معمر قذافی رهبر لیبی که بنا به عقیده آنان موسی صدر رهبر روحانی شیعه‌های لبنان را نزد خود نگهداشته است بفرستند.  
یک رهبر بلندپایه شیعه - که تقاضا کرد نامش فاش نشود - به یونایتد پرس گفت: «ما معتقدیم که قذافی موسی صدر را نزد خود نگهداشته است، ما فکر می‌کنیم آن طور که در گزارشهای خارجی آمده امام صدر در ایران باشد».

این منبع گفت تحقیقهای نمایندگان روحانیون در اروپای غربی توطئه لیبی را نشان می‌دهد که می‌خواهد چشم جهانیان را در مورد این که امام در کجا به سر می‌برد، فرو بندد.

او در باره ادعای لیبی مبنی بر این که امام صدر و دو همراه لبنانی‌اش با آیتالیا در روز ۳۱ اوت از تریپولی به سوی رم پرواز کرده‌اند به بحث پرداخت و گفت مدارک ایتالیایی‌ها نشان نمی‌دهد که امام وارد این کشور شده باشد.

این منبع گفت: امام صدر در تریپولی بوده است تا در جشنهای روز ملی لیبی که در روز ۲ دسامبر برگزار می‌شد شرکت نماید. چگونه ممکن است که او زودتر از این تاریخ تریپولی را ترک گفته باشد؟

وی گفت روحانیون ایران به این تحقیق پرداخته‌اند که ممکن است امام با قذافی دعوا کرده و تصمیم گرفته است قبل از جشنهای ملی، آن‌جا را ترک نماید و جا برای [ناخوانا]

۱۳۵۷/۷/۱ نشریه ۱۸۷ خبرگزاری پارس

عکس - ۱۷/۷/۱

بیروت - خبرگزاری یونایتد پرس

تاریخ: ۱۷ سپتامبر ۱۹۷۸

اعتراض رهبران مذهبی لبنان به ناپدید شدن امام موسی صدر

رهبران مذهبی مسلمان در لبنان روز یکشنبه درخواست کردند که برای اعتراض به ناپدید شدن اسرارآمیز پیشوای روحانی ۹۰۰۰۰۰ مسلمان شیعه این کشور، روز سه‌شنبه آینده در مساجد لبنان بست بنشینند.

این درخواست سه روز پس از آن که مسلمانان با یک اعتصاب عمومی یک روزه برای ناپدید شدن رهبر خود حقیقتاً غرب بیروت را فلج کردند، صورت می‌گیرد.

امام موسی صدر رهبر شیعیان، آخرین بار بیش از دو هفته قبل که عازم یک دیدار رسمی از لیبی بود دیده شد. تلاشهای شدید دولت لبنان و رهبران کلیسا برای یافتن وی بی نتیجه مانده است. درخواست بست نشستن در مساجد حاکی از این است که یک مأمور تحقیق دولت لبنان که اوایل روز یکشنبه از لیبی مراجعت کرده است نتوانسته است اطلاعات بیشتری را در باره رهبر شیعیان ایرانی الاصل لبنان، در اختیار بگذارد.

محرمانه

خبرگزاری رهبران مذهبی لبنان به ناپدید شدن امام موسی صدر

بیروت - خبرگزاری یونایتد پرس - ۱۷ سپتامبر ۱۹۷۸

رهبران مذهبی مسلمان در لبنان روز یکشنبه درخواست کردند که برای اعتراض به ناپدید شدن اسرارآمیز پیشوای روحانی ۹۰۰۰۰۰ مسلمان شیعه این کشور، روز سه‌شنبه آینده در مساجد لبنان بست بنشینند. این درخواست سه روز پس از آنکه مسلمانان با یک اعتصاب عمومی یک روزه برای ناپدید شدن رهبر خود حقیقتاً غرب بیروت را فلج کردند، صورت می‌گیرد. امام موسی صدر رهبر شیعیان آخرین بار بیش از دو هفته قبل که عازم یک دیدار رسمی از لیبی بود دیده شد. تلاشهای شدید دولت لبنان و رهبران کلیسا برای یافتن وی بی نتیجه مانده است. درخواست بست نشستن در مساجد حاکی از این است که یک مأمور تحقیق دولت لبنان که اوایل روز یکشنبه از لیبی مراجعت کرده است نتوانسته است اطلاعات بیشتری را در باره رهبر شیعیان ایرانی الاصل لبنان، در اختیار بگذارد.

دولت لبنان هیچ‌یک از این سه نام را تأیید نکرد. اوایل یک وی رپورتر می‌گفته شد که او با احتمالاً سه نام به رهبران مراجعت کرده است تا با روحانیون شیعه مخالف سخنرانی‌های تبلیغی کنند. نامی از ژنرال‌هاست حاکی از آنست که ایران سخنرانی‌ها را در مساجد لبنان و مراکز مذهبی با نام او خواهد کرد. خبر آن پس از آنکه امام موسی صدر اطلاع داد که یکی از این نام‌ها نام وی است، تأیید کرد.

سخنرانی‌ها در مراکز مذهبی در لبنان و اردن به حقیقت روشن شد. کلام رپورتر و یافته شده است. رهبران مذهبی که وی در اردن سخنرانی کرد، از این لبنان تمسیر نمود. سخنرانی‌ها در مساجد حاکی از آنست که در لبنان بود. اگرچه هدف از این سخنرانی‌ها روشن نیست.

شماره ۱۶۳ خبرگزاری مساسی ۱۳۵۷/۹/۲۸

Handwritten signature and date: ۱۷ سپتامبر ۱۹۷۸

شماره: ۵۷/۷/۸ - ۱۵/۱۳۱۸ - ۸/۳۲۰


تاریخ: ۵۷/۷/۴

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

پیرو نامه شماره ۱۷/۵۳۳ - ۳/۴۵۷۰ مورخ ۵۷/۷/۱ بنا به گزارشهای تلگرافی سفارت شاهنشاهی در بیروت که از شرف عرض پیشگاه مبارک ملوکانه گذشته است، خبر مربوط به ناپدید شدن موسی صدر رییس شورای عالی شیعیان لبنان کلیه رویدادهای لبنان و حتی منطقه<sup>۱</sup> را تحت الشعاع قرار داده است.

روزنامه السفير با عنوان درشت در صفحه اول خود نوشته: آیا حوادث ایران با معمای ناپدید شدن صدر ارتباط دارد؟ و می پرسد: ایران و حوادث هولناکی که در این کشور می گذرد در این حادثه چه نقشی می تواند داشته باشد، به ویژه که موسی صدر هیچ وقت خط مشی خلاف خود را با رژیم حاکم در ایران پوشیده نداشته و با مراجع تقلید مذهبی ایران هماهنگی کرده است.

۷۰۱  
۷۸



وزارت امور خارجه  
محرمانه

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

از سوی دیگر رادیو صدای لبنان معتقد است موسی صدر تاکنون موفق به ترک لیبی نشده، زیرا مجلس عالی شیعه تاکنون نتوانسته شماره و تاریخ پرواز هواپیمای او را به مقصد رم تعیین نماید.

روزنامه النهار می نویسد: اطلاعات دولت حاکی است، موسی صدر خاک لیبی را ترک نگفته و در حالی که هیأت نظامی و سیاسی لبنان به<sup>۲</sup>

بهر روز اطلاعاتی که در دسترس است، در این باره به شما اطلاع خواهد داد.

بنا بر آنچه در گزارشهای تلگرافی وزارت امور خارجه در بیروت که در تاریخ ۱۷/۵۳۳ مورخ ۵۷/۷/۱ بنا به گزارشهای تلگرافی سفارت شاهنشاهی در بیروت که از شرف عرض پیشگاه مبارک ملوکانه گذشته است، خبر مربوط به ناپدید شدن موسی صدر رییس شورای عالی شیعیان لبنان کلیه رویدادهای لبنان و حتی منطقه را تحت الشعاع قرار داده است.

روزنامه السفير با عنوان درشت در صفحه اول خود نوشته: آیا حوادث ایران با معمای ناپدید شدن صدر ارتباط دارد؟ و می پرسد: ایران و حوادث هولناکی که در این کشور می گذرد در این حادثه چه نقشی می تواند داشته باشد، به ویژه که موسی صدر هیچ وقت خط مشی خلاف خود را با رژیم حاکم در ایران پوشیده نداشته و با مراجع تقلید مذهبی ایران هماهنگی کرده است.

از سوی دیگر رادیو صدای لبنان معتقد است موسی صدر تاکنون موفق به ترک لیبی نشده، زیرا مجلس عالی شیعه تاکنون نتوانسته شماره و تاریخ پرواز هواپیمای او را به مقصد رم تعیین نماید.

روزنامه النهار می نویسد: اطلاعات دولت حاکی است، موسی صدر خاک لیبی را ترک نگفته و در حالی که هیأت نظامی و سیاسی لبنان به

۵۸  
۱۳۵۷/۷/۱۹

۱. تاریخ: ۵۷/۷/۸ شماره: ۱۵/۱۳۴۶ - ۸/۳۲۰ سازمان اطلاعات و امنیت کشور پیرو نامه شماره ۱۳۵۷/۷/۴ مورخ ۱۵/۱۳۲۰ در مورد ناپدید شدن موسی صدر فتوایی گزارشی تلگرافی سفارت شاهنشاهی در کویت که از شرف عرض پیشگاه ملوکانه گذشته است و حاوی انعکاس این خبر در مطبوعات کویت می باشد جهت اطلاع به پیوست ایفاد می گردد.

از طرف وزیر امور خارجه

گیرنده: اداره دوم ستاد بزرگ ارتستاران موسی صدر - ۵۸

۷۱۳ افقهی

پیوستی در ضمایم آمده است.

۲. متأسفانه سند به صورت ناقص در پرونده می باشد.

تاریخ: ۱۳۵۷/۷/۱

### جناب آقای ظلی معاون سیاسی وزارت امور خارجه

شب گذشته سفیر پاکستان در دربار هاشمی اظهار می‌داشت که چند روز پیش هنگامی که اعلیحضرت ملک حسین در اروپا به سر می‌بردند والا حضرت امیر حسین ولیعهد و نایب السلطنه صالح السنوسی عبدالسیّد سفیر لیبی در عمان را که به خانواده سلطنتی پیشین لیبی

وابستگی نزدیک دارد به دربار احضار نموده نگرانی شدید و ناراحتی عمیق دولت اردن را در مورد ناپدید شدن موسی صدر ابراز داشته خواستار اطلاعات دقیق و جامعی در مورد وی گردیدند.

سفیر پاکستان به نقل از والا حضرت ولیعهد اردن گفتند که کلام معظم له در سفیر لیبی آنچنان اثر گذاشت که وی به شدت ناراحت شده بلادرنگ به ناسزاگویی به دولت متبوع خویش پرداخت.

والا حضرت امیرحسین در این جا متذکر می‌گردند که او نماینده رسمی دولت لیبی در دربار هاشمی است و چون

### جناب آقای ظلی معاون سیاسی وزارت امور خارجه

دانشگاه گذشته سفیر پاکستان در دربار هاشمی اظهار می‌داشت که چند روز پیش هنگامیکه اعلیحضرت ملک حسین در اروپا به سر می‌بردند والا حضرت امیرحسین ولیعهد و نایب السلطنه صالح السنوسی عبدالسیّد سفیر لیبی در عمان را که به خانواده سلطنتی پیشین لیبی وابستگی نزدیک دارد به دربار احضار نموده نگرانی عمیق و ناراحتی عمیق دولت اردن را در مورد ناپدید شدن موسی صدر ابراز داشته خواستار اطلاعات دقیق و جامعی در مورد وی گردیدند. سفیر پاکستان به نقل از والا حضرت ولیعهد اردن گفتند که کلام معظم له در سفیر لیبی آنچنان اثر گذاشت که وی به شدت ناراحت شده بلادرنگ به ناسزاگویی به دولت متبوع خویش پرداخت. والا حضرت امیرحسین در اینجا متذکر می‌گردند که وی به شدت ناراحت شده بلادرنگ به ناسزاگویی به دولت متبوع خویش پرداخت. والا حضرت امیرحسین در اینجا متذکر می‌گردند که وی به شدت ناراحت شده بلادرنگ به ناسزاگویی به دولت متبوع خویش پرداخت.

موسی صدر در کشور وی مفقود گردیده لازم است که لیبی از سرنوشت وی و علت ناپدید شدنش اشخاصی را که به این مسئله علاقه‌مندند آگاه سازد. سفیر لیبی قول می‌دهد که موضوع را از مرکز سؤال نموده نتیجه را متعاقباً به عرض برساند.

به: ۷۱۳

تاریخ: ۵۷/۷/۱۰

از: ۲۱۳

شماره: ۲۱۳/۱۳۳۶۹

۱- آترتون در مورّخه ۵۷/۷/۵ به عثمان وارد و با اعلیحضرت ملک حسین ملاقات نمود. نامبرده ضمن ملاقات خود به مدّت ده دقیقه در زمینه مسئله کمپ دیوید و اقدامات صلح آمیز کارتر با ملک حسین مذاکراتی به عمل آورده است.

۲- اعلیحضرت ملک حسین و حافظ اسد برای حلّ مسئله ناپدید شدن موسی صدر هر کدام فعالیت چشمگیری را آغاز نموده اند.

۳- قذافی به هنگام توقّف در اردن و ملاقات با ملک حسین اظهار داشته که برای شخصیت اعلیحضرت همایون شاهنشاهی آریامهر احترام فراوانی قایل می باشد و ملک حسین طی نامه ای که جهت وی به سفیر این کشور داده خاطر نشان ساخته است که چنانچه نسبت به شاهنشاه آریامهر مؤمن می باشد، معظمّ له نسبت به سرنوشت موسی صدر بسیار علاقه مند هستند و نماینده ای برای کمک به نزد این جانب (ملک حسین) فرستاده اند که حتی آماده است به تریپولی بیاید.

۴- ملک حسین در مورد این که آیا قذافی پس از اعلام

خیلی دیرینه

۶۶-۱۳۰

۱- تاریخ تولد	۲۱/۱۲/۱۳۰۲
۲- تاریخ وفات	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۳- تاریخ ازدواج	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۴- تاریخ تولد فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۵- تاریخ وفات فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۶- تاریخ تولد فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۷- تاریخ وفات فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۸- تاریخ تولد فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۹- تاریخ وفات فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۱۰- تاریخ تولد فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۱۱- تاریخ وفات فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۱۲- تاریخ تولد فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۱۳- تاریخ وفات فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۱۴- تاریخ تولد فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۱۵- تاریخ وفات فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۱۶- تاریخ تولد فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۱۷- تاریخ وفات فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۱۸- تاریخ تولد فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۱۹- تاریخ وفات فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۲۰- تاریخ تولد فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۲۱- تاریخ وفات فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۲۲- تاریخ تولد فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۲۳- تاریخ وفات فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۲۴- تاریخ تولد فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۲۵- تاریخ وفات فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۲۶- تاریخ تولد فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۲۷- تاریخ وفات فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۲۸- تاریخ تولد فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۲۹- تاریخ وفات فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۳۰- تاریخ تولد فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۳۱- تاریخ وفات فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۳۲- تاریخ تولد فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۳۳- تاریخ وفات فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۳۴- تاریخ تولد فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۳۵- تاریخ وفات فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۳۶- تاریخ تولد فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۳۷- تاریخ وفات فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۳۸- تاریخ تولد فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۳۹- تاریخ وفات فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۴۰- تاریخ تولد فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۴۱- تاریخ وفات فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۴۲- تاریخ تولد فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۴۳- تاریخ وفات فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۴۴- تاریخ تولد فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۴۵- تاریخ وفات فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۴۶- تاریخ تولد فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۴۷- تاریخ وفات فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۴۸- تاریخ تولد فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۴۹- تاریخ وفات فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۵۰- تاریخ تولد فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۵۱- تاریخ وفات فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۵۲- تاریخ تولد فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۵۳- تاریخ وفات فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۵۴- تاریخ تولد فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۵۵- تاریخ وفات فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۵۶- تاریخ تولد فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۵۷- تاریخ وفات فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۵۸- تاریخ تولد فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۵۹- تاریخ وفات فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۶۰- تاریخ تولد فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۶۱- تاریخ وفات فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۶۲- تاریخ تولد فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۶۳- تاریخ وفات فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۶۴- تاریخ تولد فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۶۵- تاریخ وفات فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۶۶- تاریخ تولد فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۶۷- تاریخ وفات فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۶۸- تاریخ تولد فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۶۹- تاریخ وفات فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۷۰- تاریخ تولد فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۷۱- تاریخ وفات فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۷۲- تاریخ تولد فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۷۳- تاریخ وفات فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۷۴- تاریخ تولد فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۷۵- تاریخ وفات فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۷۶- تاریخ تولد فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۷۷- تاریخ وفات فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۷۸- تاریخ تولد فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۷۹- تاریخ وفات فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۸۰- تاریخ تولد فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۸۱- تاریخ وفات فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۸۲- تاریخ تولد فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۸۳- تاریخ وفات فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۸۴- تاریخ تولد فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۸۵- تاریخ وفات فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۸۶- تاریخ تولد فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۸۷- تاریخ وفات فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۸۸- تاریخ تولد فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۸۹- تاریخ وفات فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۹۰- تاریخ تولد فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۹۱- تاریخ وفات فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۹۲- تاریخ تولد فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۹۳- تاریخ وفات فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۹۴- تاریخ تولد فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۹۵- تاریخ وفات فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۹۶- تاریخ تولد فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۹۷- تاریخ وفات فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۹۸- تاریخ تولد فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۹۹- تاریخ وفات فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲
۱۰۰- تاریخ تولد فرزند	۱۰/۱۲/۱۳۰۲

۱- آترتون مورّخه ۵۷/۷/۵ بهمان وارد و با اعلیحضرت ملک حسین ملاقات نمود. نامبرده ضمن ملاقات خود به مدّت ده دقیقه در زمینه مسئله کمپ دیوید و اقدامات صلح آمیز کارتر با ملک حسین مذاکراتی به عمل آورد.

۲- اعلیحضرت ملک حسین و حافظ اسد برای حلّ مسئله ناپدید شدن موسی صدر هر کدام فعالیت چشمگیری را آغاز نموده اند.

۳- قذافی به هنگام توقّف در اردن و ملاقات با ملک حسین اظهار داشته که برای شخصیت اعلیحضرت همایون شاهنشاهی آریامهر احترام فراوانی قایل می باشد و ملک حسین طی نامه ای که جهت وی به سفیر این کشور داده خاطر نشان ساخته است که چنانچه نسبت به شاهنشاه آریامهر مؤمن می باشد، معظمّ له نسبت به سرنوشت موسی صدر بسیار علاقه مند هستند و نماینده ای برای کمک به نزد این جانب (ملک حسین) فرستاده اند که حتی آماده است به تریپولی بیاید.

۴- ملک حسین در مورد این که آیا قذافی پس از اعلام

خیلی دیرینه

۶۶-۱۳۰

موسی صدر در تاریخ ۷۸/۹/۲ (۵۷/۶/۱۱) از خاک لیبی به مقصد رم اقدام به آزاد ساختن موسی صدر بکند، اظهار داشته قذافی شخص نامتعدالی است و همه کار از او برمی آید. ۷۱۳ افقهی.



تهران - یونایتد پرس

تاریخ: ۲۹ سپتامبر

**تلگرام برای کارتر**

یک گروه سیاسی مخالف ایرانی روز پنج شنبه از پرزیدنت کارتر درخواست کرد برای پیدا شدن امام موسی صدر رهبر شیعیان لبنان «تدابیر مؤثری» اتخاذ نماید. دکتر سیف‌الدین نبوی رهبر حزب لیبرال اسلامی در تلگرامی خطاب به کارتر اظهار داشت: من به نام حقوق بشر و احترام جهانی به مذهب از شما درخواست می‌کنم برای تضمین امنیت و رفاه «امام موسی صدر» از طریق یک نماینده آمریکا در لیبی تدابیر مؤثری اتخاذ نمایید. در پرونده شخصی موسی صدر به کلاسه ۴۶۴۲۲ بایگانی شود.

روحانی

۵۷/۷/۱۲

\*\*\*

**تلگرام برای کارتر**

تهران - یونایتد پرس - ۲۹ سپتامبر

یک گروه سیاسی مخالف ایرانی روز پنج شنبه از پرزیدنت کارتر درخواست کرد برای پیدا شدن امام موسی صدر رهبر شیعیان لبنان «تدابیر مؤثری» اتخاذ نماید. دکتر سیف‌الدین نبوی رهبر حزب لیبرال اسلامی در تلگرامی خطاب به کارتر اظهار داشت: من به نام حقوق بشر و احترام جهانی به مذهب از شما درخواست می‌کنم برای تضمین امنیت و رفاه «امام موسی صدر» از طریق یک نماینده آمریکا در لیبی تدابیر

مؤثری اتخاذ نماید.

در پرونده شخصی موسی صدر کلاسه ۴۶۴۲۲ بایگانی شود.

\*\*\*

*روحانی*  
۵۷/۷/۱۲

۲۱۲  
بایگ  
شماره

[به: ۷۱۳]

تاریخ: ۵۷/۷/۱۰

[از: ۲۱۳]

شماره: ۲۱۳/۴۸۶

هیأت ریسه مجلس عالی شیعیان لبنان از خیر مربوط به سالم بودن موسی صدر که از قول حافظ اسد انتشار یافته و از تهران مخابره شده است کاملاً بی اطلاع می باشد و نسبت به صحت خبر، تردید دارند. قرار است یک هیأت از رهبران شیعه لبنان با حافظ اسد ملاقات نموده و تقاضای کمک بیشتری برای پیدا شدن موسی صدر از وی نمایند و توضیح بیشتری در مورد

خبری که از قول برادر موسی صدر پخش شده از رییس جمهوری سوریه بخواهند.

ضمناً اعتصاب غذای تعدادی از پیروان موسی صدر در لبنان ادامه دارد و نگرانی شدید نسبت به سرنوشت وی در بین شیعیان حکمفرماست.

نظریه رهبر عملیات: هر گونه خبری در این زمینه متعاقباً به آگاهی خواهد رسید.

نظریه نمایندگی: تحقیقات در مورد سرنوشت موسی صدر ادامه دارد و گزارشهای لازم متعاقباً به آگاهی خواهد رسید.

نظریه اداره کل دوم: هرگونه خبری در این مورد پس از حصول، اعلام خواهد شد.

سید موسی صدر - ۵۸

۷۱۳ افقهی

**خیلی مترماتره**

کتابخانه ملی ایران  
گزارش خبر

۱- شماره کتاب	۲- تاریخ ثبت	۳- شماره کتاب	۴- تاریخ ثبت
۴۱۲	۱۳۳۷	۲۱۳/۴۸۶	۱۳۳۷
۴۱۳	۱۳۳۷	۲۱۳/۴۸۶	۱۳۳۷
۴۱۴	۱۳۳۷	۲۱۳/۴۸۶	۱۳۳۷
۴۱۵	۱۳۳۷	۲۱۳/۴۸۶	۱۳۳۷
۴۱۶	۱۳۳۷	۲۱۳/۴۸۶	۱۳۳۷
۴۱۷	۱۳۳۷	۲۱۳/۴۸۶	۱۳۳۷
۴۱۸	۱۳۳۷	۲۱۳/۴۸۶	۱۳۳۷
۴۱۹	۱۳۳۷	۲۱۳/۴۸۶	۱۳۳۷
۴۲۰	۱۳۳۷	۲۱۳/۴۸۶	۱۳۳۷

حضرت رئیس مجلس عالی شیعیان لبنان از خبر مربوط به سالم بودن موسی صدر که از قول حافظ اسد انتشار یافته و از تهران مخابره شده است کاملاً بی اطلاع می باشد و نسبت به صحت خبر، تردید دارند. قرار است یک هیأت از رهبران شیعیان لبنان با حافظ اسد ملاقات نموده و تقاضای کمک بیشتری برای پیدا شدن موسی صدر از وی نمایند و توضیح بیشتری در مورد سرنوشت موسی صدر از وی بخواهند.

نظریه رهبر عملیات: هرگونه خبری در این زمینه متعاقباً به آگاهی خواهد رسید.

نظریه نمایندگی: تحقیقات در مورد سرنوشت موسی صدر ادامه دارد و گزارشهای لازم متعاقباً به آگاهی خواهد رسید.

نظریه اداره کل دوم: هرگونه خبری در این مورد پس از حصول، اعلام خواهد شد.

سید موسی صدر  
۱۳۳۷/۷/۱۰

کتابخانه ملی ایران  
کتابخانه ملی ایران

[به:] ۷۱۳

تاریخ: ۵۷/۷/۱۸

[از:] ۲۱۳

شماره: ۲۱۳/۴۵۷

موسی صدر

تندروهای سوریه و گروههای دست چپی و افراطی لبنان و سوریه به سرهنگ قذافی تفهیم کرده‌اند که گم شدن موسی صدر و اتهامی که در این مورد به رژیم لیبی وارد شده به ضرر سیاست لیبی در بسیاری از کشورهای مسلمان تمام خواهد شد و چون موسی صدر مورد علاقه و توجه میلیونها شیعه در ایران و لبنان و افغانستان و سایر کشورهاست لیبی و مخصوصاً رژیم قذافی در بسیاری از کشورهای مسلمان اعتبار خود را از دست خواهد داد و سیاست به

اصطلاح پیشرو و به اصطلاح ترقی قذافی که می‌خواهد از جنبشهای مثلاً ملی در کشورهای مختلف ایران حمایت کند، با مشکلات غیر منتظره‌ای روبه‌رو خواهد شد و لیبی باید کوشش کند که از این اتهام نجات یابد؛ زیرا محافل مذهبی ایران و شیعیان آن کشور و مخصوصاً رهبران شیعه که قدرت و نفوذ زیادی پیدا کرده‌اند از رژیم لیبی به شدت عصبانی و ناراحت بوده که به صلاح لیبی و سیاست این کشور نیست.

اینک با توجه به تجزیه و تحلیل فوق، لیبی یک سلسله اقدامات تازه‌ای را آغاز نموده و هیأتی را برای پیدا کردن موسی صدر و روشن نمودن سرنوشت وی به ایتالیا اعزام داشته و کوشش می‌نماید حتی الامکان خود را از اتهام وارده پاک سازد.

نظریه رهبر عملیات: خبر صحیح به نظر می‌رسد و هرگونه خبری در این مورد متعاقباً به آگاهی خواهد رسید.

۲۱۴/۷  
 سرادار در صورت نیاز از طریق  
 هم‌رشتن  
 شرح در پیش  
 ۵۲/۲/۲۲  
 ۵۲ مرداد ۵۷

۲۱۴  
 ۲۱۴/۴۱۷  
 ۵۷/۷/۱۸

تندروهای سوریه و گروههای دست چپی و افراطی لبنان و سوریه به سرهنگ قذافی تفهیم کرده‌اند که گم شدن موسی صدر و اتهامی که در این مورد به رژیم لیبی وارد شده به ضرر سیاست لیبی در بسیاری از کشورهای مسلمان تمام خواهد شد و چون موسی صدر مورد علاقه و توجه میلیونها شیعه در ایران و لبنان و افغانستان و سایر کشورهاست لیبی و مخصوصاً رژیم قذافی در بسیاری از کشورهای مسلمان اعتبار خود را از دست خواهد داد و سیاست به اصطلاح پیشرو و به اصطلاح ترقی قذافی که می‌خواهد از جنبشهای مثلاً ملی در کشورهای مختلف ایران حمایت کند، با مشکلات غیر منتظره‌ای روبه‌رو خواهد شد و لیبی باید کوشش کند که از این اتهام نجات یابد؛ زیرا محافل مذهبی ایران و شیعیان آن کشور و مخصوصاً رهبران شیعه که قدرت و نفوذ زیادی پیدا کرده‌اند از رژیم لیبی به شدت عصبانی و ناراحت بوده که به صلاح لیبی و سیاست این کشور نیست.

اینک با توجه به تجزیه و تحلیل فوق، لیبی یک سلسله اقدامات تازه‌ای را آغاز نموده و هیأتی را برای پیدا کردن موسی صدر و روشن نمودن سرنوشت وی به ایتالیا اعزام داشته و کوشش می‌نماید حتی الامکان خود را از اتهام وارده پاک سازد.

نظریه رهبر عملیات: خبر صحیح به نظر می‌رسد و هرگونه خبری در این مورد متعاقباً به آگاهی خواهد رسید.

نظریه رییس نمایندگی: شایعه مفقود شدن موسی صدر در لیبی بین شیعیان لبنان نفرت و عصبانیت خاصی علیه لیبی و قذافی و رژیم وی به وجود آورده است.

نظریه اداره کل دوم: هرگونه گزارشی در زمینه فوق، پس از حصول به آگاهی خواهد رسید.

موسی صدر - ۵۸  
 ۷۱۳ افقهی

شماره: ۳۳۴

تاریخ: ۱۳۵۷/۷/۲۶

اقدامات سوریه به نفع موسی صدر

پيرو: ۵۷/۷/۱۰ - ۲۱۳/۴۸۶

حافظ اسد و رژیم سوریه برای جلب حمایت شیعیان لبنان و راضی نمودن آنها دو اقدام زیر را انجام داد: ۱- پذیرفتن نمایندگان شیعیان لبنان توسط حافظ اسد و وعده مساعدت همه جانبه توسط رییس جمهوری سوریه به رهبران شیعه و هیأت رییس مجلس اعلای شیعیان لبنان که تا حدودی موجب رضایت آنان گردید.

۲- موافقت و حتی ایجاد تمهیدات توسط سوریه و مقامات امنیتی این کشور برای برگزاری تظاهرات بسیار عظیم روز ۵۷/۶/۳۰ در برابر هتل شرایتون دمشق که قذافی در آن حضور داشت و تا حدی موجب ناراحتی قذافی نیز گردید ولی ظاهراً رهبران سوریه به قذافی فهمانده اند که هرگاه از ورود شیعیان به سوریه ممانعت می شد برای سیاست سوریه در لبنان زیان و ضرر داشت و از سوی دیگر این تظاهرات در برابر شرایتون سوریه و موافقت مقامات سوریه با تظاهرات ثابت خواهد کرد که نه لیبی و نه سایر کشورهای جبهه پایداری در مفقود شدن موسی صدر دخالتی نداشته اند.



تظاهرات فوق که با ورود بیش از پانزده هزار شیعه لبنانی در بیش از یک هزار اتوبوس و مینی بوس و وسایل مختلف نقلیه و بدون تشریفات معمول کنترل مرزی انجام شد، در نوع خود بی نظیر بود و چون سوریه همه نوع تمهیدات را برای ورود مردم و برگزاری تظاهرات فراهم کرده بود، شیعیان لبنان از موافقت سوریه برای این تظاهرات راضی و سپاسگزار شده اند ولی اکثریت مردم نسبت به نقش لیبی و رهبران آن کشور در مورد سرنوشت موسی صدر، بدبین و عصبانی هستند.

نظریه رهبر عملیات: موسی صدر روابط بسیار نزدیکی با حافظ اسد داشت و به طور قطع در راه اجرای هدفهای سوریه در لبنان مؤثر بوده است.

نظریه رییس نمایندگی: در مورد موسی صدر و سرنوشت وی تحقیقات بیشتر انجام و نتیجه گزارش خواهد شد.

نظریه اداره کل دؤم: تحقیقات در این زمینه ادامه و هرگونه خبری پس از حصول، اعلام خواهد شد.

اصل در ۳۵ - ۱۰۶/۷۰۲ - ۵۸

شماره: ۱۵/۱۵۷۶ - ۸/۳۲۰

تاریخ: ۱۳۵۷/۸/۷

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

بنا به گزارش سفارت شاهنشاهی در بیروت، مجله الحوادث در شماره مورخ ۱۳ اکتبر ۱۹۷۸ خود طی مقاله‌ای تحت عنوان: «آیا ناپدید شدن سید موسی صدر و دشمنی معمر قذافی نسبت به طایفه شیعه رابطه‌ای وجود دارد؟» به بحث و بررسی پیرامون ناپدید شدن موسی صدر و نقشی که نامبرده می‌توانست در اتحاد مسلمانان و به خصوص وحدت جنوب لبنان داشته باشد. پرداخته است.

فتوکی مقاله مذکور همراه با ترجمه فارسی آن جهت اطلاع به پیوست ایفاد می‌گردد.

از طرف وزیر امور خارجه  
گیرنده:



اداره دوم ستاد

بزرگ ارتشتاران

موسی صدر - ۵۸

۷۱۳ افقهی

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

بنابه گزارش سفارت شاهنشاهی در بیروت، مجله الحوادث در شماره مورخ ۱۳ اکتبر ۱۹۷۸ خود طی مقاله‌ای تحت عنوان «آیا ناپدید شدن سید موسی صدر و دشمنی معمر قذافی نسبت به طایفه شیعه - رابطه‌ای وجود دارد؟» به بحث و بررسی پیرامون ناپدید شدن موسی صدر و نقشی که نامبرده می‌توانست در اتحاد مسلمانان و خصوصاً وحدت جنوب لبنان داشته باشد، پرداخته است.

فتوکی مقاله مذکور همراه با ترجمه فارسی آن جهت اطلاع به پیوست ایفاد می‌گردد.

امضاء:   
گیرنده: ۵۸ - ۲۲  
اداره دوم ستاد بزرگ ارتشتاران

۱۳۵۷ / ۸ / ۱۸



تاریخ: ۵۷/۹/۴  
شماره: ۲۱۳/۷۰۹

[به]: ۷۱۳  
[از]: ۲۱۳

موسی صدر

اینک به نظر می‌رسد که قذافی تصمیم دارد قریباً سید موسی صدر را که در زندان اوست آزاد کند و اقدامات حافظ اسد و یاسر عرفات به نتیجه رسیده است. در روز اخیر شایعاتی در دمشق و بیروت انتشار یافته که موسی صدر آزاد شده و به دمشق رسیده است. منشأ این شایعات کشورهای عربستان سعودی و قطر بوده و خبر از آن نقاط انتشار یافته است ولی هنوز صحت این شایعه تأیید نشده و حتی آزادی موسی صدر مورد تأیید نیست ولی احتمال آزادی قریب الوقوع وی زیاد است.

نظریه رییس عملیات: خبر فوق تا کنون تأیید نشده است.

نظریه رییس نمایندگی: کلیه گزارشهای واصله حاکی از گرفتاری موسی صدر در لیبی می‌باشد.

نظریه اداره کل دوم: تعیین صحت یا سقم خبر، مستلزم وصول اطلاعات تکمیلی است.  
موسی صدر

۷۱۴	۱	۲۳
۲۱۴	۲	۲۳
۲۱۴	۳	۲۳
۵۷/۹/۴	۴	۲۳
۵۴	۵	۲۳
۵۴	۶	۲۳

۱- نامه شماره ۱۱۰۱ مورخ ۲۳/۷/۵۷  
۲- شماره ۱۱۰۲ مورخ ۲۳/۷/۵۷  
۳- شماره ۱۱۰۳ مورخ ۲۳/۷/۵۷  
۴- شماره ۱۱۰۴ مورخ ۲۳/۷/۵۷  
۵- شماره ۱۱۰۵ مورخ ۲۳/۷/۵۷  
۶- شماره ۱۱۰۶ مورخ ۲۳/۷/۵۷

اینک نظر می‌گردد که قذافی تصمیم دارد قریباً سید موسی صدر را که در زندان اوست آزاد کند و اقدامات حافظ اسد و یاسر عرفات به نتیجه رسیده است. در روز اخیر شایعاتی در دمشق و بیروت انتشار یافته که موسی صدر آزاد شده و به دمشق رسیده است. منشأ این شایعات کشورهای عربستان سعودی و قطر بوده و خبر از آن نقاط انتشار یافته است ولی هنوز صحت این شایعه تأیید نشده و حتی آزادی موسی صدر مورد تأیید نیست ولی احتمال آزادی قریب الوقوع وی زیاد است.

نظریه رییس نمایندگی: کلیه گزارشهای واصله حاکی از گرفتاری موسی صدر در لیبی می‌باشد.

تولید اداره کل دوم: [مهر و امضا]  
[مهر و امضا]

[به:] ۷۱۳

تاریخ: ۵۷/۹/۲۰

[از:] ۲۱۳

شماره: ۲۱۳/۶۹۷

**اعزام دو نفر از نزدیکان [امام] خمینی به لیبی**

[امام] خمینی دو نفر از نزدیکان خود را به لیبی فرستاده است تا در مورد سرنوشت موسی صدر تحقیق کنند و در صورتی که نامبرده در لیبی به سر می‌برد، تقاضای آزادی او را بنمایند ولی نامبردگان نتوانسته‌اند در مأموریت خود توفیق به دست آورند ولی خبرهای قبلی در مورد موسی صدر در لیبی و زنده بودن وی تأیید شده است.

شیعیان لبنان از ادامه این وضع ناراضی و نگران هستند و قرار است در روزهای آینده یک هیأت از رهبران مجلس اعلای شیعیان لبنان به دمشق مسافرت نموده و با حافظ اسد ملاقات کنند و از رییس جمهوری سوریه بخواهند اقدامات بیشتری برای پیدا شدن موسی صدر و مراجعت وی به لبنان به عمل آورد، شیعیان لبنان تهدید کرده‌اند هرگاه نسبت به سرنوشت موسی صدر تصمیم قطعی اتخاذ نشود اعتصاب عمومی خواهند کرد و مشکلات تازه‌ای برای دولتین لبنان و سوریه به وجود خواهند آورد.

۷۱۴	۱ -	نظریه رهبر عملیات: خبر، صحیح به نظر می‌رسد و هرگونه اطلاع جدیدی در این مورد متعاقباً به عرض خواهد رسید.
۱۱۴ - ۲	۸ -	نظریه رییس نمایندگی: با آن که زنده بودن موسی صدر از کلیه منابع تأیید شده ولی پاره‌ای از منابع نگران آن هستند که با ادامه وضع کنونی و ابهامی که در سرنوشت موسی صدر وجود دارد در مرحله آخر او را سر به نیست کنند و چون نمی‌توانند غیبت طولانی او را توجیه کنند وی را به قتل برسانند.
۲۱۳/۶۹۷ - ۳	۹ -	نظریه اداره کل دوم: نظریه رییس نمایندگی مورد تأیید است.
۵۷/۹/۲۰ - ۴	۱۰ -	خبر فوق از عرض تیمسار معاونت اطلاعات خارجی گذشت، مقرر فرمودند (بولتن) ۳۳۴ اقدام سؤال شود زند - سؤال شد اقدامی نکرده‌اند ۹/۴
۵۷/۹/۲۰ - ۵	۱۱ -	
۵۷ - ۶	۱۲ -	

خطی در دفتر تهران در تاریخ ۱۳/۹/۵۷ است. در مورد سرنوشت موسی صدر تحقیق کنند و در صورتی که نامبرده در لیبی به سر می‌برد، تقاضای آزادی او را بنمایند ولی نامبردگان نتوانسته‌اند در مأموریت خود توفیق به دست آورند ولی خبرهای قبلی در مورد موسی صدر در لیبی و زنده بودن وی تأیید شده است.

تاریخ: ۱۳/۹/۵۷  
 شماره: ۲۱۳/۶۹۷  
 موضوع: اعزام دو نفر از نزدیکان امام خمینی به لیبی

تاریخ: ۱۳/۹/۵۷  
 شماره: ۲۱۳/۶۹۷  
 موضوع: اعزام دو نفر از نزدیکان امام خمینی به لیبی



به: ۳۳۴

تاریخ: ۵۷/۹/۲۹

از: دمشق

پیرو: ۵۷/۹/۲۷ - ۳۳۳/۴۰۲۷

شماره: ۸۱۰

به موجب اطلاعاتی که در اختیار این نمایندگی است و از سه ماه قبل به طور منظم به اداره کل دوّم گزارش آن داده شده است، موسی صدر در لیبی در زندان سرهنگ قذافی به سر می برد و تا یک هفته قبل زنده و سالم بوده است. حافظ اسد و یاسر عرفات و بعضی شخصیت های عرب برای نجات وی اقدام کرده اند و قذافی وعده داده بود در عید قربان او را آزاد کند ولی تاکنون به وعده های خود وفا نکرده است. علت دشمنی قذافی با موسی صدر به دو دلیل است:

- ۱ - قذافی به علت تعصبات شدید سنی گری، با مذهب شیعه به شدت دشمنی دارد.
- ۲ - پولهایی که قبلاً در اختیار موسی صدر قرار داده در جهت هدفهای سیاسی قذافی خرج نشده و برای شیعه های لبنان خرج کرده و به همین دلیل موسی صدر را توقیف کرده است.

در یک هفته گذشته بعضی نگرانیها نسبت به سرنوشت موسی صدر بین طرفداران وی پیدا شده و بیم آن دارند که او را در لیبی به قتل برسانند ولی تلاش برای آزادی او ادامه دارد. [امام] خمینی نیز عواملی نزد قذافی فرستاده ولی نتیجه نگرفته است. نمایندگی گزارشهای مشروح در مورد سرنوشت موسی صدر به ۲۱۳ ارسال داشته است. صابر

مذاکره شد ۵۷/۹/۳۰

ردیف	شرح	تاریخ
۱	از ۳۳۳	۲۷/۹/۵۷
۲	از ۳۳۴	۲۹/۹/۵۷
۳	از ۳۳۵	۳۰/۹/۵۷
۴	از ۳۳۶	۱/۱۰/۵۷
۵	از ۳۳۷	۲/۱۰/۵۷
۶	از ۳۳۸	۳/۱۰/۵۷
۷	از ۳۳۹	۴/۱۰/۵۷
۸	از ۳۴۰	۵/۱۰/۵۷
۹	از ۳۴۱	۶/۱۰/۵۷
۱۰	از ۳۴۲	۷/۱۰/۵۷
۱۱	از ۳۴۳	۸/۱۰/۵۷
۱۲	از ۳۴۴	۹/۱۰/۵۷

موسس اطلاعاتی در این باره این نامه است و از سه ماه قبل منظم به اداره کل دوّم گزارش آن داده شده است. موسی صدر در زندان سرهنگ قذافی در لیبی و تا یک هفته قبل زنده و سالم بوده است. حافظ اسد و یاسر عرفات و بعضی شخصیت های عرب برای نجات او اقدام کرده اند و قذافی وعده داده بود در عید قربان او را آزاد کند ولی تاکنون به وعده های خود وفا نکرده است. علت دشمنی قذافی با موسی صدر به دو دلیل است:

- ۱ - قذافی به علت تعصبات شدید سنی گری، با مذهب شیعه به شدت دشمنی دارد.
- ۲ - پولهایی که قبلاً در اختیار موسی صدر قرار داده در جهت هدفهای سیاسی قذافی خرج نشده و برای شیعه های لبنان خرج کرده و به همین دلیل موسی صدر را توقیف کرده است.

در یک هفته گذشته بعضی نگرانیها نسبت به سرنوشت موسی صدر بین طرفداران وی پیدا شده و بیم آن دارند که او را در لیبی به قتل برسانند ولی تلاش برای آزادی او ادامه دارد. [امام] خمینی نیز عواملی نزد قذافی فرستاده ولی نتیجه نگرفته است. نمایندگی گزارشهای مشروح در مورد سرنوشت موسی صدر به ۲۱۳ ارسال داشته است. صابر

مذاکره شد ۵۷/۹/۳۰

به: ۳۳۴  
از: قاهره

تاریخ: ۵۷/۹/۳۰  
شماره: ۹۵۵

پرو: ۵۷/۹/۲۷-۳۳۴/۴۰۲۷

۱- طبق اخباری که تاکنون در دست می باشد موسی صدر همچنان در لیبی است و تاکنون از آن کشور خارج نگردیده است.

۲- تحقیقات بیشتری در دست اجراست و به محض دریافت نتیجه اعلام خواهد گردید.

نظریه نمایندگی: شایعاتی

وجود داشت که نامبرده از

لیبی به فرانسه بازگشته

است ولی به نظر می رسد که

این شایعات صحیح نیست.

رییس نمایندگی قاهره

۴۶۴۲۲ سید موسی صدر

شماره پرونده	موضوع پرونده
۱-۹	مجلس شورای اسلامی
۲-۹	کمیسیون عالی
۳-۹	کمیسیون عالی
۴-۹	کمیسیون عالی
۵-۹	کمیسیون عالی
۶-۹	کمیسیون عالی
۷-۹	کمیسیون عالی
۸-۹	کمیسیون عالی
۹-۹	کمیسیون عالی
۱۰-۹	کمیسیون عالی
۱۱-۹	کمیسیون عالی
۱۲-۹	کمیسیون عالی

۱- حقوق نامبرده تاکنون در دست نیست و در دست مسئولین است و تاکنون از آن کشور خارج نگردیده است.

۲- تحقیقات بیشتری در دست اجراست و به محض دریافت نتیجه اعلام خواهد گردید.

نظریه نمایندگی: شایعاتی وجود داشت که نامبرده از لیبی به فرانسه بازگشته است ولی به نظر می رسد که این شایعات صحیح نیست.

رییس نمایندگی قاهره  
۴۶۴۲۲ سید موسی صدر

کمیته پیگیری سرنوشت امام موسی صدر

فصل دوازدهم:

بررسیهای سازمان عفو بین الملل

## بررسی‌های سازمان عفو بین‌الملل

نقض حقوق بشر و تجاوز به حقوق و آزادی‌های اساسی انسانها، خصوصاً از سوی دولت‌ها و یافتن راه‌های مؤثر برای جلوگیری از این وضع و تضمین حقوق افراد، دغدغه مهم نظام بین‌المللی امروز است.

امروز، جامعه جهانی پس از تشکیل سازمان ملل متحد و براساس منشور ملل متحد، برخی از این حقوق را مقبولیت جهانی بخشیده و همه دولت‌ها و حکومتها را به رعایت و احترام به این قوانین فرا خوانده است. در واقع اصول اساسی حقوق بشر به عنوان دستاورد مجموعه تمدن و فرهنگ بشری، مورد پذیرش همه نظامهای فکری است. جفایی که برخی حکومتها در حق اتباع خود یا دیگران روا می‌دارند و یا قوانینی که وضع و اجرا می‌کنند، امر مهمی است که جامعه جهانی نمی‌تواند نسبت به آن بی‌تفاوت باشد.

لیبی از کشورهایی است که پرونده تیره‌ای در زمینه حقوق بشر دارد. گزارشهای مختلف و مکرر سازمانهای مدافع حقوق بشر، نشان می‌دهد که همواره از این عملکرد مستمر لیبی معترض بوده‌اند و قطعنامه‌های مختلفی را صادر کرده‌اند. به طور نمونه در گزارش سالانه سازمان عربی حقوق بشر در سال ۱۹۸۷ درباره وضع حقوق بشر و محاکم لیبی آمده است:

«نظام قضایی کشور لیبی، مطابق با سایر نظامهای قضایی در سایر کشورها نیست. آنچه در لیبی وجود دارد محاکم انقلابی‌اند و احکام آنها پس از صدور قابل تجدید نظر خواهی نیست. خطرناکتر این که برخی زندانیانی که محاکمه شده‌اند و حتی بعضاً دوران محکومیت خود را نیز سپری کرده‌اند، به همان جرم مجدداً محاکمه و حتی به اعدام

محکوم می‌شوند.

لیبی حکم به تصفیه معارضین لیبی که در خارج از کشور به سر می‌برند داده است و هنگامی که سازمان عفو بین‌الملل گروهی را برای بررسی این موضوع به لیبی فرستاد، مسؤولین لیبی اعلام کردند بنابر نظریهٔ سوم در کتاب سبز معمر قذافی، مردم در مصدر امور هستند و همین مردم از طریق کمیته‌های انقلابی که عضو آن هستند چنین حکمی را صادر کرده‌اند و حکومت نیز خود را به اجرای آن ملتزم می‌داند!!».

همچنین در صفحهٔ ۲۲۴ گزارش سالیانهٔ همین سازمان در سال ۱۹۹۴ آمده است:

«حقوق بشر در لیبی همچنان در حالتی است که سبب نگرانی بسیار شدید شده است. به رغم الحاق لیبی به بسیاری از معاهدات بین‌المللی دربارهٔ حقوق بشر، هیچ‌یک از این قوانین در محاکم کشور لیبی اجرا نمی‌شوند. لیبی حتی پس از آن‌که قانون اساسی کشور خود را در سال ۱۹۷۷ ملغاً اعلام کرد تاکنون بدون قانون اساسی مانده است. و اکنون چون منظومهٔ کاملی از جفاکنندگان به اصول حقوق بشر به طور جزئی و کلی شده است. آن‌هم با پایمال کردن همهٔ تضمینهای متعلق به حقوق اساسی و محدود کردن آزادیهای عمومی و اخلاقی در نظام قضایی».

همچنین کمیتهٔ حقوق بشر در سازمان ملل متحد - که متشکل از هجده نفر از مطلقاً همین

دربارهٔ حقوق بشر است - در سال ۱۹۹۴ چنین گزارش می‌دهد:

«کمیته، نگرانی خود را از اطلاعاتی که سازمان ملل از منابع موثق دربارهٔ وجود شکنجه و محکومیت‌های بدون محاکمه و نیز زندانی کردن طویل‌مدت برخی افراد بدون آن‌که محاکمه شوند، ابراز می‌دارد. افرادی که گفته می‌شد ناپدید شده‌اند (بند شمارهٔ ۹ از سند سازمان ملل متحد به شمارهٔ (2) (m/ccpr/52/com/lib/))».

همچنین بند ۱۳۱ همان گزارش دربارهٔ زندانی کردن خودسرانهٔ افرادی است که گفته

می‌شد ناپدید شده‌اند و خبری از آنها در دست نیست.

هرچند چنین گزاره‌هایی تازمانی که پیگیری مناسب و ارادهٔ سیاسی به همراه نداشته باشند، ضمانت اجرایی لازم را ندارند؛ اما این گزاره‌ها خود اسنادی قابل توجه و اعتنا هستند. از سوی دیگر تجربه نشان داده که همین گزاره‌ها تأثیر خود را بر افکار عمومی به جای گذاشته‌اند؛ به طور مثال لیبی در اثر همین فشارها مجبور شد در سال ۲۰۰۱ م بیش از ۱۳۰ زندانی سیاسی را از زندانهای خود آزاد کند. جالب آن‌که این زندانیان بین

هیجده تا سی و یک سال زندانی بوده‌اند و خانواده‌های آنها هیچ اطلاعی از نحوهٔ ربودن، زندانی شدنشان و حتی محل نگهداری آنان نداشتند.

لیبی، مشهورترین کشور دنیا در زمینهٔ ناپدیدشدگی اجباری است. اعلامیهٔ حمایت از همهٔ اشخاص در قبال ناپدیدشدگی اجباری - که مجمع عمومی سازمان متحد طیبی قطننامهٔ شمارهٔ ۴۷/۱۳۳ در تاریخ ۱۸ سپتامبر ۱۹۹۱ صادر کرده است - ناپدیدشدگی اجباری را چنین می‌داند:

«اشخاصی بر خلاف میلشان توقیف، بازداشت یا ربوده شده یا به شکل دیگری از آزادیهای خود محروم گردند و این کار توسط مأموران دولتی یا گروه‌های سازمان یافته یا اشخاص عادی که از طرف یا با رضایت و حمایت مستقیم یا غیرمستقیم دولت عمل می‌کنند، صورت گیرد؛ در حالی که هیچ اطلاعاتی در مورد سرنوشت یا مکان نگهداری آنان داده نشده و به این حقیقت که آنان از آزادی خود محروم شده‌اند اعتراف نشود، که این مسأله افراد مذکور را خارج از محدودهٔ حمایت قانون قرار می‌دهد.»

سازمان عفو بین‌الملل<sup>۱</sup>، سازمانی غیردولتی است که در سال ۱۹۶۱ با تلاش جمعی از حقوق‌دانان و سیاستمداران در لندن تأسیس شد و بعدها به کشورهای دیگر گسترش یافت. بودجهٔ این سازمان از محل کمکهای داوطلبانه تأمین می‌شود. سازمان عفو بین‌الملل همه ساله گزارشگرانی را به همهٔ کشورها می‌فرستد و دربارهٔ اوضاع حقوق بشر در آن کشورها گزارش تهیه می‌کند.

این سازمان از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۵ در گزارشهای خود از لیبی به مسئلهٔ ربوده‌شدگان اجباری و ربودن امام موسی صدر در این کشور اشاره می‌کند. در این فصل، گزارشهای این سازمان را مرور می‌کنیم.

## گزارشهای سازمان عفو بین‌الملل در بارهٔ لیبی

الف. گزارش سال ۲۰۰۱

همزمان با «روز جهانی ناپدیدشدگان اجباری»، سازمان عفو بین‌الملل انجام

تحقیقات پیگیر و منطبق با معیارهای بین‌المللی را دربارهٔ سرنوشت ربوده‌شدگان و ناپدیدشدگان اجباری خواستار شد. سازمان عفو بین‌الملل در این روز اعلام کرد: «طی دهه‌های گذشته صدها نفر در خاورمیانه و شمال آفریقا ناپدید شده‌اند».

بخشی از این گزارش به لبنان مربوط می‌شود که قضیهٔ امام موسی صدر و دو همراه وی شیخ محمد یعقوب و روزنامه‌نگار، عباس بدرالدین، مورد توجه قرار گرفته و تصریح شده که آنان در روزی که قرار بود با سرهنگ معمر قذافی دیدار کنند، در لیبی ناپدید شده‌اند و دولت لیبی اصرار دارد که آنان به ایتالیا سفر کرده‌اند؛ در حالی که تحقیقات انجام شده از سوی دولت ایتالیا ثابت کرده است که آنان به خاک ایتالیا وارد نشده‌اند و ادعاهای سران لیبی در خصوص قضیهٔ ناپدید شدن امام موسی صدر با تحقیقات قاضی ایتالیایی در تعارض است.

گزارش سازمان عفو بین‌الملل دربارهٔ امام موسی صدر چنین آورده است:

«امام موسی صدر از علمای برجستهٔ شیعیان بود که در ایران متولد شده است. وی در روز ۳۱ اوت ۱۹۷۸ برای آخرین بار به همراه شیخ محمد یعقوب و عباس بدرالدین در طرابلس در لیبی مشاهده شد و از آن تاریخ تاکنون آنان ناپدید شده‌اند. قرار بود امام موسی صدر که در آن زمان پنجاه سال داشت در روز ناپدید شدنش با سرهنگ معمر قذافی دیدار کند. حکومت لیبی مدعی شده که موسی صدر، لیبی را به مقصد ایتالیا ترک کرده است؛ اما این ادعا با تحقیقات انجام شده از سوی دولت ایتالیا - که دیوان عالی این کشور نیز آن را تأیید کرده - در تعارض است».

در پایان گزارش، سازمان همهٔ کشورها را به انجام تحقیقات پیگیر و منطبق با معیارهای بین‌المللی در خصوص موارد «ناپدیدشدگی اجباری» به منظور محاکمهٔ عادلانهٔ مسؤولین و متهمان این قبیل وقایع فراخوانده است.

#### ب. گزارش سال ۲۰۰۲

در گزارش سال ۲۰۰۲ سازمان عفو بین‌الملل، پیگیری مسائل مربوط به حقوق بشر که این سازمان در سال ۲۰۰۱ در سراسر جهان انجام داده، منتشر گردیده است. در بخش مربوط به کشورها و وضعیت حقوق بشر در هر یک از کشورهای ذکر شده در گزارش، مورد بررسی قرار گرفته است. در بخش مربوط به کشور لیبی آمده است:

«دهها زندانی سیاسی از زندانها آزاد شده‌اند اما صدها نفر دیگر هنوز زندانی هستند که در میان آنان افرادی که احتمالاً به سبب اظهار عقیده دستگیر شده‌اند و بسیاری دیگر که بدون اتهام و بی محاکمه زندانی هستند، به چشم می‌خورند. برخی از آزادشدگان سیزده سال در زندان به سر برده و بخشی از این مدت را در بازداشتگاه انفرادی سپری کرده‌اند».

همچنین گزارش مذکور، به مواردی از محاکمه‌های سیاسی در لیبی و شکنجه و بدرفتاری با زندانیان نیز اشاره شده است. در بخش «ناپدیدشدگان» گزارش مذکور آمده است:

«هنوز از سرنوشت برخی از افرادی که در سالهای گذشته ناپدید شده‌اند اطلاعی در دست نیست؛ از جمله آنان امام سید موسی صدر است که در جریان دیدار از لیبی در سال ۱۹۷۸ ناپدید شد و نزدیکان وی در این خصوص شکوائیه‌ای نیز علیه سران حکومت لیبی به دولت لبنان ارائه کرده‌اند».

#### ج. گزارش سال ۲۰۰۳

در گزارش سال ۲۰۰۳ سازمان عفو بین‌الملل، از قذافی نقل کرده است که وی رسماً به ناپدید شدن امام صدر در لیبی اعتراف کرده و صدها زندانی سیاسی هنوز در زندانهای لیبی به سر می‌برند.

در این گزارش و در بخش مربوط به لیبی آمده است:

«قذافی در سخنرانی سالیانه خود در روز اول سپتامبر ۲۰۰۲ رسماً اعتراف کرد که امام صدر در جریان سفری در سال ۱۹۷۸ در لیبی ناپدید شده است».

سازمان عفو بین‌الملل در گزارش سالیانه خود با ذکر این موضوع، انتقادات متعددی را بر بسیاری از کشورهای جهان سؤم از جمله کشورهای عربی وارد کرده است. این سازمان در گزارش سال ۲۰۰۳ - که به فعالیت‌های سال ۲۰۰۲ سازمان مربوط می‌شود - گفته است که وضعیت حقوق بشر در شمال آفریقا ناگوارتر شده است.

در این گزارش با اشاره به استمرار شکنجه، محاکمه‌های ناعادلانه و اعدامهایی که با محاکمه یا بدون محاکمه انجام می‌شود، چنین آمده است:

«نقض‌کنندگان حقوق بشر، هنوز از مصونیت برخوردار هستند و قربانیان و خانواده‌های آنان همچنان از حقوق خود برای اجرای عدالت محروم مانده‌اند».



این گزارش همچنین به وضعیت زندانیان سیاسی و ناپدید شدگی اجباری اشاره نموده و نامشخص بودن سرنوشت هزاران نفر از آنان را مورد تأکید قرار داده است. این سازمان در گزارش خود دربارهٔ لیبی با اشاره به آزادی تعدادی از زندانیان سیاسی، می‌افزاید: «اما هنوز صدها نفر از آنان در زندانها به سر می‌برند».

اعتراف دولت لیبی از آن رو حایز اهمیت است که پس از ۲۴ سال انکار و نفی حقیقت، قذافی به صراحت به این موضوع اعتراف کرده است. قذافی و دیگر مسؤولین ایتالیایی از زمان ناپدید شدن امام و یارانش همواره بر این ادعا پافشاری می‌کردند که آنان در روز ۳۱ اوت ۱۹۷۸ لیبی را ترک کرده و به ایتالیا رفته‌اند.

#### د. گزارش سال ۲۰۰۴

چهار تن از ناظران سازمان عفو بین‌الملل در تاریخ ۱۴ تا ۲۹ فوریهٔ ۲۰۰۴ به لیبی سفر کردند. بازرسان سازمان در پایان این سفر که پس از پانزده سال به لیبی داشتند، با ابراز خرسندی از وعده‌های سران حکومت لیبی، اظهار امیدواری کردند که مسؤولان لیبیایی به پیشنهادهای مطرح شده از سوی سازمان توجه کنند. این بازرسان از حکومت لیبی خواستند تا با تدوین راهکارهای منطقی در راستای اصلاحات در عرصهٔ حقوق بشر، گام بردارد و دغدغه‌های نگران‌کننده و طولانی‌مدتی را که نقض حقوق بشر را برای همگان به یک مسئلهٔ مهم تبدیل کرده، از میان بردارد. در آخرین روز حضور ناظران سازمان عفو بین‌الملل در لیبی با سرهنگ معمر قذافی، رهبر لیبی، دیدار کردند. آقای کلودیو کاردونه، رئیس هیأت اعزامی به لیبی، در این دیدار گفت:

«این که پس از پانزده سال بار دیگر به لیبی بازمی‌گردیم موجب خرسندی است. ما خوشحالیم از این که مسؤولان لیبیایی اجازهٔ بازدید در کشور و به ویژه دیدار با زندانیان را برای ما فراهم کردند. ما انتظار جدی داریم که دولت لیبی برای همکاری با سازمان، تصمیم جدی بگیرد و این مستلزم بررسی موارد نقض حقوق بشر در گذشته و انجام اصلاحات در آینده است».

در این سفر، نمایندگان سازمان عفو بین‌الملل از سران رژیم لیبی خواستند که قوانین و نظام حقوقی لیبی را به گونه‌ای اجرا کنند که با قوانین بین‌المللی حقوق بشر، کاملاً هماهنگی داشته باشد.

#### مسائل مربوط به حقوق بشر

از جمله مسائلی که نمایندگان سازمان درباره آن بحث و گفتگو کردند، محکومیت گروهی از اعضای اخوان المسلمین بود که به موجب قانون شماره ۷۱ مصوب سال ۱۹۷۲ که تشکیل احزاب سیاسی را جرم به شمار آورده به حبس محکوم شده‌اند. نمایندگان سازمان توانستند در این گفتگوها اثبات کنند که نامبردگان به علت فعالیت‌های سیاسی خشونت‌آمیز محکوم نشده‌اند؛ از این رو، آزادی آنان از زندان ضرورت دارد. نمایندگان سازمان اعلام کردند که سازمان عفو بین‌الملل در خصوص بازداشت‌های انفرادی طویل‌مدت و بدون ارتباط با جهان خارج - که در سطح گسترده از سوی نیروهای امنیتی لیبی اجرا شده و با قوانین ملی و بین‌المللی تعارض دارد - نگران است. این نوع بازداشت‌ها انجام شکنجه را تشدید می‌کند و این همان موضوعی است که شهادت‌های مت‌عدد شاهدان عینی بر آن تأکید دارد.

در مرحله دیگری از این سفر نمایندگان سازمان خواستار بازدید از زندانها و دیدار با برخی از زندانیان شدند و با تعدادی از زندانیان دیدارهای طولانی داشتند و به خصوص از زندان ابو سلیم طرابلس بازدید کردند؛ اما به علل نام‌معلومی اعضای هیأت اعزامی اجازه دیدار با برخی دیگر از زندانیان را نیافتند که از جمله آنان می‌توان به « احمد عبدالقادر الثلثی » اشاره کرد که در سال ۱۹۸۶ دستگیر شد و نمایندگان سازمان عفو بین‌الملل در سال ۱۹۸۸ با وی دیدار کردند اما خانواده او از سال ۱۹۹۶ از سرنوشت وی اطلاعی ندارند.

اعضای این هیأت همچنین بر ضرورت کشف حقایق مربوط به ناپدیدشدگیهای طویل‌مدت که در شرایط گوناگون در داخل و خارج لیبی رخ داده، تأکید کردند. روبروده‌شدگان مورد نظر عبارتند از سه لیبیایی به نامهای: « جاب الله مطر »، « غرات

یوسف المقریف» و «منصور کیخیا» و نیز رهبر شیعه‌یان لبنان «امام موسی صدر» و دو همراه وی به نامهای «شیخ محمد یعقوب» و «عباس بدرالدین».

### ه. گزارش سال ۲۰۰۵

بخش مربوط به لیبی و ربودن امام موسی صدر بدین شرح است:  
 «ناظران بین‌المللی حقوق بشر به ویژه سازمان عفو بین‌الملل بار دیگر اجازه حضور در لیبی یافتند. مسوولان لیبیایی در طول سال اعلام کردند که چند برنامه اصلاحی در این کشور آغاز شده است، از جمله برچیده شدن دادگاه‌های ملی. در عین حال تاکنون پیشرفت قابل توجهی در خصوص کشف حقیقت درباره تعدادی از زندانیان در سالهای گذشته حاصل نشده و تلاش مؤثری در راستای بررسی موارد نقض حقوق بشر از جمله آدم‌رباییهای انجام شده در گذشته مشاهده نمی‌شود. تعدادی از دستگیرشدگان سالیان قبل همچنان در زندان به سر می‌برند. هنوز هم فعالیتهای سیاسی غیرمسلحانه قانوناً جرم محسوب می‌شود. هنوز هم نیروهای امنیتی این کشور، افرادی را بدون اعلام قبلی و به بهانه‌های سیاسی دستگیر می‌کنند و بدون آنکه اتهام مشخصی بر آنان وارد شده باشد، مدت‌های طولانی آنان را بدون ارتباط با جهان خارج در بازداشت نگه می‌دارند. انجام محاکمه‌های ناعادلانه در دادگاه ملی هنوز ادامه دارد.

سردمداران لیبی تاکنون از بررسی و جلوگیری از موارد نقض حقوق بشر در سالهای گذشته سر باز زده‌اند از جمله زندانهای سیاسی طویل‌مدت ناپدیدشدگان و ربوده‌شدگان و مرگهایی که در دوران بازداشت افراد، اتفاق افتاده است.

در ماه اوت گذشته انجام تحقیقاتی در لبنان و در خصوص ناپدید شدن امام موسی صدر آغاز شد. او که از علمای برجسته شیعیان است، با دو تن از همراهانش در سال ۱۹۷۸ در لیبی ناپدید شده‌اند. این تحقیقات پس از ارائه شکوائیه‌ای از سوی خانواده (ناپدیدشدگان) به محاکم لبنان آغاز شد و وکلای خانواده امام موسی صدر هجده تن از مسوولان عالی‌رتبه لیبی را مورد اتهام قرار دادند. دادستان کل لبنان نیز مقرر داشت که نامبردگان برای ارائه توضیحات در ماه مارس ۲۰۰۵ در برابر دادگاه حاضر شوند».



فصل سیزدهم:

نگاهی به سخنان قذافی درباره  
ربودن امام موسی صدر

## نگاهی به سخنان قذافی در بارهٔ ربودن امام موسی صدر

معمّر قذافی ۳۷ سال است که پس از کودتای اوّل سپتامبر ۱۹۶۹ علیه ملک سنوسی، پادشاه لیبی - که در آن زمان برای دیداری به ایتالیا رفته بود - بر این کشور حاکم شده است. برخی از مورّخین گفته‌اند:

«نسب قذافی به فرقهٔ «اباضیه» - که نوادگان خوارج زمان حضرت علی علیه السلام هستند - باز می‌گردد. وی همواره داعیهٔ رهبری جهان عرب را داشته و مروج و طرفدار پان عربیسم بوده است!!».

در سال ۱۳۵۰ ه. ش. به دنبال ادّعای امیر نشین شارجه بر جزایر سه گانهٔ ایرانی، رژیم لیبی به حمایت از این امیر نشین پرداخت و روابط ایران و لیبی رو به سردی نهاد. با به رسمیت شناخته شدن حقّ تاریخی ایران بر جزایر مزبور در تاریخ ۱۳۵۰/۹/۹، رژیم لیبی به همراه سه کشور عربی دیگر، در آن زمان علیه ایران به شورای امنیت سازمان ملل متحد شکایت کرد که با توجه به حمایت کشورهای غربی از رژیم حاکم بر ایران، این شکایت به جایی نرسید و مختومه اعلام شد.<sup>۱</sup>

از دی ماه سال ۱۳۵۱ ه. ش. دولت لیبی به طور علنی به حمایت از گروه‌های تجزیه طلب در جنوب پرداخت!<sup>۲</sup> و تحت نام «جبههٔ آزادی بخش اهواز و عربستان» در نقشه‌های جغرافیایی که در لیبی چاپ شد، علاوه بر این که نام «خلیج فارس» را به «خلیج عربی» تغییر داد!! منطقهٔ خوزستان را به عنوان یک ناحیهٔ عربی که باید به اعراب برگردد، ذکر کرد!!<sup>۳</sup>

۱. ذوالفقار امیرشاهی، مباحث کشورها و سازمانهای بین‌المللی / ۱۰۰، لیبی، چاپ اوّل، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۷، ص ۸۷-۸۸.

۲. همان.

۳. مصاحبه با دکتر یزدی، وزیر امور خارجهٔ دولت موقت، خبرگزاری کار ایران، ۱۳۸۳/۱۰/۲۶.

۴. برای اطلاع بیشتر از این اقدامات ر. ک: مقالهٔ «رابطهٔ ایران و لیبی، صید در بی صیاد» به آدرس

اینترنتی <http://www.baztzb.com/print.php?d=58004>.

پس از سفر امام موسی صدر به لیبی و ربودن ایشان و همراهانشان در این کشور، قذافی در سخنانی شیعیان لبنان را «متّحدان اسرائیل» نامید و به شدت به امام موسی صدر حمله کرد؛ اما پس از مدّتی با چرخش ۱۸۰ درجه‌ای به تمجید از شیعیان و امام صدر پرداخت. مصاحبه‌ها، سخنرانیها و مواضع عکس‌گوییهای مختلف قذافی نشان‌دهندهٔ تناقض‌گوییهای اوست که در این جا به نقل تعدادی از آنها اکتفا می‌کنیم. در این بخش با مطالعهٔ این سخنان و مواضع، به خوبی تناقض‌گوییهای او را ملاحظه می‌کنیم.

نکتهٔ دیگری که اهمّیت دارد این است که با پیگیریهای منظم و فشارهای قضایی و سیاسی، می‌توان لیبی را وادار به عقب‌نشینی کرد. در همین بخش نیز خواهیم خواند که قذافی مرتّباً بر خروج امام صدر از لیبی تأکید می‌کرد؛ اما در سخنرانی سال ۲۰۰۲ صراحتاً اعتراف کرد که ممکن است امام موسی صدر در لیبی ربوده شده باشد. هرچند که پس از چندی مجدّداً همان مواضع پیشین را تکرار کرد.

### سخنان معمر قذافی در سال ۱۹۸۴<sup>۱</sup>

«... شیعیان که گروهی از افراد فقیر و تهیدست و تحت ستم هستند ... در واقع شیعیان لبنان که همواره تحت ستم بوده‌اند ... به قدری مورد ستم قرار گرفتند که با اسرائیل متحد شدند (!) موسی صدر که علیه او صحبت می‌کنند، اوّلین کسی بود که به دستور شاه با اسرائیل پیمان بست! چون شاه بود که موسی صدر را به رهبری شیعیان لبنان منصوب کرد!! صدر تابع ساواک بود و شیعیان را وادار کرد که بر ضدّ اعراب با اسرائیل همکاری کنند تا از ستم خلاص شوند. پس شیعیان یک قشر فقیر هستند که جز تفنگهایشان هیچ چیز ندارند. همین شیعیان وارد جنگ شدند و در مدّت کوتاهی به طور غیرمنتظره نیروهای ملی لبنان را به پیروزی رساندند و به دریا رسیدند. ریگان<sup>۲</sup> به قدری عصبانی شد که (ناو) بزرگ نیوجرسی را به منطقه فرستاد.

... در واقع شکست نیروهای امریکا در لبنان به دست نیروهای ملی‌گرای لبنانی، شکست بزرگ اعراب را جبران کرد و کرامت و نیروی از دست رفته را به آنان بازگرداند. اعتماد به نفس را به اعراب بازگرداند... اعرابی که خود را شکست خورده می‌دانستند ... حالا هم شمارش معکوس برای اعراب آغاز شده است ... همان نکته‌ای که در اجلاس پنجم گفتیم الآن دارد محقّق می‌شود...».

۱. ضبط شده از تلویزیون لیبی.

۲. رئیس جمهور وقت آمریکا.



معمّر قذافی، رهبر لیبی

### سخنان قذافی در سال ۲۰۰۲

الف. مصاحبه قذافی با شبکه الجزیره در تاریخ ۲۰۰۲/۳/۲۶  
قذافی:

«... از رفتن به جهنم هم باکی ندارم!».

در مصاحبه‌ای که سامی حداد، مجری برنامه «لقاء خاص» (دیدار ویژه) شبکه الجزیره قطر، با سرهنگ معمّر قذافی انجام داد، موضوعاتی همچون اجلاس سران عرب و مسئله ربودن امام موسی صدر و دو همراه او در لیبی، مورد بحث قرار گرفت. این بخش از مصاحبه را با هم می‌خوانیم:

مجری: ... بازمی‌گردیم به پرسش اول، لطف کنید توضیح دهید که چرا به بیروت نرفتید؟



قذافی: اولاً ما در عمان قرار گذاشتیم که اجلاس سران در بیروت برگزار نشود مگر این که برخی از پرونده‌ها مختومه شده باشد. برادران سوری و لبنانی هم قول دادند که آن پرونده‌ها را مختومه کنند اما این طور نشد؛ شاید هم این کار از توان آنان خارج بود... به هر حال یکی از شروطی که در این باره معین کرده بودیم محقق نشد؛ چون ما بدون انجام آن تعهدات هرگز برگزاری اجلاس در بیروت را نپذیرفته بودیم و به عللی که شاید از اختیار برادران سوری و لبنانی هم خارج بود، این شرایط محقق نشد و این یک موضوع حاشیه‌ای است.

مجری: در مورد عدم حضور در بیروت گفتید که برادران لبنانی و سوری وعده داده بودند که پرونده‌ها مختومه شود اما هیچ پرونده‌ای مختومه نشد و امیل لحود، رئیس جمهور لبنان نیز تأکید کرد که این یک مسئله امنیتی است... بدین معنا که اگر برخی از سران جنبش امل بخواهند در این باره صحبت کنند...

قذافی: ... نه نه! من از رفتن به بیروت و یا رفتن به جهنم هم نمی‌ترسم. ممکن است همه بترسند اما من نه! اگر بحث ترسیدن در میان باشد من اولین کسی هستم که می‌رود...

مجری: باز می‌گردیم به موضوع رفتن به بیروت... عده‌ای معتقدند که رفتن شما به بیروت به خاطر این است که شما دولت لبنان را به نوعی یک حکومت بی‌اقتدار و غیرمستقل می‌دانید و همه لبنان را «نیبه بری» و جنبش امل و مشکلات موجود در آن می‌بینید. آنها هم می‌خواهند کمیته‌ای برای پیگیری مسئله ربودن امام موسی صدر که در سال ۱۹۷۸ م و در جریان سفر وی به لیبی اتفاق افتاد، تشکیل دهند.

قذافی: این حرفها از نظر من بیهوده و بی‌معناست؛ حتی این اشخاص یا اشیایی (!) را هم که نام بردید نمی‌شناسم و از آن بی‌خبرم. آنها را نمی‌شناسم و برایم هیچ اهمیتی ندارند. من در سطحی نیستم که دربارهٔ موضوعات پیش پا افتاده و بی‌اهمیتی مثل اینها صحبت کنم...

### سخنان قذافی در تاریخ ۳۱ اوت ۲۰۰۲

ب. سرهنگ قذافی در سخنرانی روز شنبه ۳۱ اوت ۲۰۰۲ در شهر سبها، با اشاره به قضیهٔ امام موسی صدر پس از سالها، برای نخستین بار این موضوع را مورد بحث قرار داد. این نخستین بار است که قذافی، این گونه آشکار و صریح دربارهٔ مسئله امام موسی صدر موضعهٔ معکوبی می‌کند.

بخش مربوط به امام موسی صدر دقیقاً مطابق با عباراتی که قذافی بیان کرده بدین

شرح است:

«نکته‌ای هم درباره‌ی موسی صدر بگویم؛ موسی صدر که ... نمی‌دانم چه سالی (!) به دعوت ما به لیبی آمد؛ یعنی ما برایش دعوتنامه فرستادیم، مثل همه‌ی شخصیت‌های دیگری که در جشنهای سالگرد انقلاب لیبی شرکت می‌کنند؛ مثل همین که در این اواخر برپا شد. آمد و ناپدید شد و تقریباً (!) دو خبرنگار هم با او بودند؛ در لیبی ناپدید شد و ما نمی‌دانیم که چطور شد که ناپدید شد. گفته می‌شود که به رم رفتند و در آن جا ناپدید شدند؛ البته در آن دوره که جنگ سرد و نبردهایی بین شیعه و سنی و بین مسیحیان و مسلمانان و بین فلسطینی‌ها و لبنانی‌ها و سوری‌ها در جریان بود و همان طور که می‌دانیم با هم درگیر بودند و ترورها و آدم‌ربایی‌های بسیاری انجام گرفت؛ مثلاً کمال جنبلاط - که از رهبران خیلی خیلی مهم دروزی‌های لبنان بود - رفته بود و ولی تا حالا کسی از او صحبت نکرده و مراسم بزرگداشت هم برای کمال جنبلاط برگزار نشده.

(صدر) برابر اشغال لبنان مقاومت کرد و گردانهای مقاومت لبنان را تشکیل داد و از دوستان ما بود و من بارها با او ملاقات کرده بودم و برای حضور در سالگرد انقلاب (لیبی) او را دعوت کردم و او ناپدید شد و این یک مصیبت است، واقعاً که مصیبت بزرگی است! چون ما یکی از سمبل‌های مقاومت و پایداری را از دست دادیم و یکی از مردان بزرگ امت اسلامی را از دست دادیم و این ضرر بزرگی است (چون او کسی بود که تلاش‌ها و فعالیت‌های بسیار داشت) همانطور که کمال جنبلاط را از دست دادیم. کمال جنبلاط ترور شد و نمی‌دانیم چه کسی او را ترور کرد و مسئله‌اش تمام شد، اما این یکی (امام صدر) رفته بود و نمی‌دانیم چگونه او را ربودند. ای کاش! شما می‌دانستید که چه شخص و یا گروهی مسؤول ربودن اوست و یا چه کسی می‌تواند ما را کمک کند. از طرفی ما او را دعوت کردیم و از طرف دیگر، لیبی را متهم کردند؛ یعنی کسی او را دعوت کرد و او آمد و ناپدید شد و الآن می‌بینیم که می‌خواهند چهره‌ی لیبی را خدشه‌دار کنند، لیبی را در معرض اتهام قرار دهند. باید هر کس را که با این مسئله در ارتباط است بازجویی کنند. باید معلوم شود که موسی صدر چطور رفته بود. این موضوع ما را نگران کرده. فکر ما را پریشان کرده. باید در این رابطه به راه حلی برسیم، باید حدس‌های مختلف را مطرح کنیم و به نتیجه برسیم. چرا لیبی را که او را دعوت کرده

متهم می‌کنند؟ خصوصاً آن‌که بین ما و او (امام صدر) هیچ اختلافی نبود؛ چون او از یاران لیبی بود (!)، او از کسانی بود که ما آنان را تأیید می‌کنیم، آمد و ناپدید شد و حالا می‌آیند و لیبی را بدنام می‌کنند. اگر کسی بود که بین او و لیبی دشمنی وجود داشت، ممکن بود بشود لیبی را متهم کرد، اما این شخص، دوست لیبی بود و یک مرد انقلابی بود و از مردان بزرگ و مهم بود که او را از دست دادیم و این یعنی یک زیان و ضرر بزرگ».



## فصل چهاردهم:

راهکارهای مجلس شورای اسلامی  
برای پیگیری قضیه امام موسی صدر

## راهکارهای مجلس شورای اسلام برای پیگیری قضیه امام موسی صدر

- مجلس شورای اسلامی، افزون بر این گزارش مفصل، راهکارهایی را در یازده بند برای پیگیری هدفمند و مؤثر قضیه امام موسی صدر با رویکرد حل قضیه و ان شاء الله آزادی ایشان و همراهانشان بدین شرح ارائه می‌کند:
۱. این آدم‌ربایی، اقدامی علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است و باید قوانین و مقررات و طرح‌هایی متناسب با موضوع امنیت ملی در راستای پیگیری قضیه تدوین شود.
  ۲. اقدام برای پیگیری قضایی در دادگاه‌های بین‌المللی و مراجع قضایی جهانی.
  ۳. ارائه شکایت و تقاضای رسیدگی به پیگیری پرونده امام موسی صدر در کشورهای که قانون بررسیهای دعوای ضد تروریست و آدم‌ربایی دارند.
  ۴. حمایت همه‌جانبه از اقدام قضایی جاری در لبنان.
  ۵. طرح پرونده امام موسی صدر در سازمان ملل، سازمان کنفرانس اسلامی، سازمان کنفرانس سران عرب و موارد نظیر آن.
  ۶. اطلاع‌رسانی گسترده در سطح جهان و از طرق گوناگون با هدف تبیین جایگاه و نقش امام در لبنان و منطقه و نیز جلب افکار عمومی نسبت به این آدم‌ربایی و عواقب جبران‌ناپذیر آن.
  ۷. بررسی وضعیتهای و راههای گوناگون مذاکره و همکاری با ایتالیا به منظور جلوگیری از هرگونه تبنانی میان دولت ایتالیا و حکومت لیبی.
  ۸. تشکیل کمیته ویژه جمع‌آوری اطلاعات از سازمانهای اطلاعاتی و امنیتی جهانی در وزارت اطلاعات.

۹. تخصیص بودجه لازم از سوی مجلس شورای اسلامی برای تحقق نیازهای مالی طرح پیگیری.
۱۰. رایزنیهای گوناگون با مقامات کشورهای اسلامی و عربی دیگر به منظور اعمال فشار بر ربایندگان.
۱۱. اتخاذ سیاست ملی مناسب و یکپارچه در همه قلمروهای همکاری جمهوری اسلامی ایران با لیبی و کاهش سطح همکاریها.





## فهرست اعلام، اماکن، سازمانها و...

- استانلی اورلندو: ۱۱۸، ۱۳۹، ۱۵۸.
- استراسبورگ: ۳۵.
- استفانو داندريا: ۷۸.
- اسرائيل: ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۴۴، ۴۸، ۴۹، ۵۵، ۶۵، ۶۷، ۶۹، ۷۱، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۱۴، ۱۱۶، ۱۹۷.
- ۲۳۹، ۲۴۳، ۲۷۱.
- اسعد المقدم: ۱۷۵.
- اسماعيل صدر: ۶۸.
- افغانستان: ۲۹، ۲۵۱.
- الياس سرکيس: ۵۳، ۶۹، ۱۰۸، ۱۷۰، ۲۵۴.
- الازهر: ۴۱، ۱۹۷، ۱۹۸.
- الاسبوع العربي (مجله): ۸۶.
- امام خميني علیه السلام (آيت الله - روح الله الموسوي): ۲۰، ۴۲، ۴۳، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۲۰۷، ۲۰۹، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۲۸، ۲۳۵، ۲۳۷، ۲۳۹، ۲۵۷.
- امپراتوری عثمانی: ۲۴.
- ام صدری: ۵۲.
- امير حسين وليعهد: ۲۴۷.
- امير عبدالله: ۴۲.
- اميل لحدود: ۲۷۳.
- انجمنهای اسلامی: ۴۱.
- اندونزی: ۲۹.
- انقلاب اسلامی ایران: ۱۵، ۴۱، ۴۳، ۵۵، ۱۰۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۵، ۱۹۴، ۲۰۷، ۲۰۸.
- انقلاب عراق: ۶۸.
- اوبر: ۷۴.
- اهل بيت علیهم السلام: ۳۰.
- ایتالیا: ۱۲، ۱۳، ۲۲، ۵۱، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۸، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵.
- آفریقا: ۳۴، ۴۱، ۶۷، ۱۱۶، ۲۰۲، ۲۶۳، ۲۶۴.
- آلمان: ۱۱۴.
- آلیتالیا (شرکت هواپیمایی): ۵۶، ۵۷، ۶۳، ۶۴، ۶۸، ۷۳، ۷۷، ۸۳، ۸۷، ۹۲، ۹۴، ۹۵، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۱۸، ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۸، ۱۴۱، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۵۶، ۱۷۸، ۱۸۸، ۲۳۸، ۲۴۴.
- آمریکا: ۵۵، ۶۷، ۷۱، ۱۱۴، ۱۱۶، ۱۹۵، ۲۰۱، ۲۴۹، ۲۷۱.
- آمریکای جنوبی: ۷۲.
- آمستردام: ۷۲.
- آنتیبا: ۳۴.
- «الف»
- ابراهيم خليفه عمر: ۱۴۵، ۱۵۹، ۱۶۱.
- ابوظبی: ۵۴، ۲۱۲.
- احمد الاطرش: ۱۸۴.
- احمد الحطاب: ۵۷، ۶۲، ۱۴۴، ۱۴۶، ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۸۴.
- احمد پاشا جزار: ۲۴.
- احمد شحاتی: ۵۰، ۵۳، ۶۰، ۶۲، ۶۸، ۱۰۷، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۸۴.
- احمد مسعود صلاح: ۱۴۴، ۱۴۷، ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۸۴.
- اخبار خلیج (روزنامه): ۴۸.
- اخبار لبنان (خبرگزاری): ۵۱.
- ارامنه: ۳۳.
- ارتدوکس: ۳۳.
- اردکان: ۲۱.
- اردن: ۴۸، ۱۰۷، ۲۰۰، ۲۴۷، ۲۴۸.
- اروپا: ۲۷، ۴۱، ۲۴۷.
- اروپای غربی: ۲۴۴.

- بو لونیایا: ۱۴۵، ۱۴۷، ۱۶۱، ۹۱، ۸۸، ۸۷، ۸۶، ۸۴، ۸۳، ۸۲، ۷۹، ۷۸، ۷۷، ۷۶، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۰۸، ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۷۴، ۱۷۶، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۴، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۹، ۲۱۶، ۲۲۴، ۲۲۸، ۲۳۵، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۴۲، ۲۴۴، ۲۵۱، ۲۶۳، ۲۶۵، ۲۷۰، ۲۷۸.
- ایران: ۱۳، ۱۶، ۲۳، ۲۸، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۵۴، ۵۵، ۶۵، ۶۸، ۶۹، ۷۱، ۷۶، ۷۸، ۷۹، ۹۹، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۴، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۸۶، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۸، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۶، ۲۲۴، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۱، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۷، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۴، ۲۵۱، ۲۶۳، ۲۷۰، ۲۷۸، ۲۷۹، ۷۷، اینترنتیل.
- «پ»
- پاپ: ۳۴، ۴۱، ۲۰۹، ۲۴۰، پارس (خبرگزاری): ۱۲۳، ۲۴۴، پاریس: ۵۰، ۵۲، ۵۴، ۵۵، ۵۷، ۸۳، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۱۱، ۱۳۰، ۱۳۵، ۱۴۳، ۱۵۱، ۱۶۳، ۱۶۵، ۲۱۳، ۲۳۹، پاکستان: ۲۴۷، پایزی سبیرا (روزنامه): ۷۲، پروتستان: ۳۳، پیامبر اسلام ﷺ: ۱۹۵، پیر جمیل: ۵۹.
- «ت»
- تایلند: ۲۹، تبریز: ۵۵، ترکیه: ۴۱، تریبولی: ۲۴۴، ۲۴۸، تل زعتر: ۶۹، تهران: ۱۵، ۲۱، ۲۵، ۷۶، ۷۹، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۸۸، ۲۰۶، ۲۱۷، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۳، ۲۲۵، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۵۰، «ج»
- جبل الشیخ: ۶۹، جبل عامل: ۲۵، ۲۸، ۳۳، ۳۷، ۶۵، ۶۹، ۱۰۶، ۲۰۷، جبهه صمود: ۱۹۷، جبهه ملی آزادی بخش الجزایر: ۴۸، جرج حبش: ۲۳۹، ۲۴۳، الجزایر: ۳۴، ۴۸، ۴۹، ۵۶، ۶۰، ۶۶، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۷۵، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۴۰، بادکوبه ای (آیت الله شیخ صدرا): ۲۲، باسکارا (شهر): ۱۴۵، ۱۴۷، ۱۶۱، باصری نیا: ۲۴۰، باگنولو: ۱۱۸، بانپولو رابرت ریچارد: ۱۴۰، ۱۵۹، ۱۷۸، بحرین: ۴۸، بروجودی (آیت الله): ۱۵، ۲۲، بروش (روزنامه): ۱۰۰، بروکسل: ۷۲، بریگادهای سرخ (سازمان): ۱۱۴، بطیشیه: ۶۹، بعلبک: ۳۹، ۴۰، بلال الحسن: ۱۷۵، بنت جبیل: ۳۷، بنی امیه: ۲۴، بنی عباس: ۲۴.

- الجزیره (شبکه تلویزیونی): ۱۸۶، ۲۷۲.
- جعفر سبحانی: ۲۳، ۲۱۶.
- جمهوری اسلامی ایران: ۱۵، ۱۶، ۷۶، ۹۹، ۱۸۸، ۲۰۵، ۲۰۹، ۲۱۲، ۲۱۶، ۲۲۴، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۴، ۲۷۸، ۲۷۹.
- جنیش امل: ۱۳، ۳۳، ۵۹، ۱۱۹، ۱۲۰، ۲۰۴، ۲۰۶، ۲۱۳، ۲۷۳.
- جنیش فلسطینی فتح: ۳۶، ۱۰۹.
- جویا: ۳۷.
- جولیو تامانی نی: ۷۶.
- «ج»
- چدرونی آلبرتو: ۱۳۴.
- چین: ۲۹.
- «ح»
- حاتم ماضی: ۱۸۲.
- حافظ اسد: ۴۰، ۴۱، ۶۶، ۱۲۰، ۲۲۶، ۲۳۹، ۲۴۸، ۲۵۰، ۲۵۲، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷.
- حجّت کوه کمره ای: ۲۰.
- حرکت المحرومین: ۳۲.
- حزب الله لبنان: ۲۹، ۱۸۶، ۱۸۷.
- حسین طباطبایی قمی (آیت الله العظمی): ۱۹۷.
- حسین میر محمد صادقی: ۱۸۹، ۲۲۲.
- حسین نوری همدانی: ۲۳.
- حسین الحسینی: ۱۹۶، ۲۰۴، ۲۴۲.
- حسینی: ۵۲.
- حضرت زهرا علیها السلام: ۴۴.
- حمید: ۴۳، ۵۲.
- الحوادث (مجله): ۲۵۳.
- حورا: ۴۳.
- «خ»
- خاچیک بابکیان: ۱۷۰، ۱۷۱.
- خانه دختران: ۲۷، ۲۸.
- خدام: ۴۰.
- خریش (کار دینال): ۳۴، ۷۴.
- خلده: ۷۸.
- خلیج فارس: ۵۴، ۵۵، ۲۰۴، ۲۱۲، ۲۷۰.
- «د»
- دارالفتوی (مجلس): ۲۹.
- دانشکده حقوق: ۱۵، ۲۱.
- دانشگاه تهران: ۱۵، ۲۱.
- درسهایی از مکتب اسلام (نشریه): ۲۳.
- دروزی ها: ۳۰، ۲۷۴.
- دکتر آزمون: ۲۳۹، ۲۴۰.
- دکتر شریعتی: ۴۳.
- دکتر عصام: ۵۲.
- دکتر ابراهیم یزدی: ۲۰۵، ۲۲۱، ۲۷۰.
- دمشق: ۵۶، ۵۹، ۶۲، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۱۱۰، ۱۱۲، ۱۱۶، ۱۱۶، ۲۲۶، ۲۵۲، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷.
- دورانت جوزه: ۸۹، ۱۳۴، ۱۳۶، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۷۸.
- دومینیکو نوسترو: ۱۴۹، ۱۶۸.
- دونسلمان ژوزفین: ۵۷، ۱۱۸، ۱۴۱، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۷۸.
- الدو مورو: ۱۲۳.
- دیرالمخلص: ۳۴.
- «ر»
- الرأی العالم (روزنامه): ۱۹۶.
- رشید کرامی: ۴۰.
- رفله منسی: ۲۷.
- رم: ۵۷، ۶۰، ۶۱، ۶۳، ۶۵، ۶۸، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۷، ۷۹، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۶، ۸۷، ۹۲، ۹۴، ۹۵، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۳۵، ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۷، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۷، ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۷۶، ۱۷۸، ۱۸۶، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۲، ۲۴۲، ۲۴۴، ۲۴۶، ۲۴۸، ۲۷۴.
- روبرت ریچارد: ۱۷۸.
- روز جهانی ناپدید شدگان اجباری: ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۵.
- روسیه: ۵۵، ۶۷، ۲۳۹.
- روم: ۲۳۸.
- رویتر (خبرگزاری): ۷۴.

- ریاض: ۱۰۷، سید حسن نصرالله: ۱۸۷، ۲۲۸.
- ریگان: ۲۷۱، سید حسین میرمحمد صادقی: ۱۸۹، ۲۲۲.
- سید رضا صدر: ۲۰، ۲۳۸، ۲۳۹.
- سید عباس موسوی: ۲۹.
- سید عبدالکریم موسوی اردبیلی: ۲۱، ۲۳، ۲۱۱، ۲۱۶.
- سید عبدالهادی شیرازی: ۲۲.
- سید عبدالله شیرازی (آیت الله العظمی): ۱۹۷، ۱۹۸، ۲۰۰.
- سید محسن حکیم: ۲۲.
- سید محمد باقر صدر (آیت الله): ۲۲، ۴۳، ۷۰.
- سید محمدعلی موحد ابطحی (آیت الله): ۲۲، ۴۲.
- سید محمود طالقانی (آیت الله): ۱۹۷، ۲۰۲.
- سید مرتضی جزایری: ۲۳.
- سید مرتضی خسروشاهی (آیت الله): ۴۵.
- سید مهدی روحانی: ۲۱.
- سید موسی شبیری زنجانی: ۲۱.
- سید هادی خسروشاهی: ۲۱، ۵۱، ۵۴، ۱۹۸، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۹، ۲۱۲، ۲۱۷.
- سیسرون (خیابان): ۱۴۵.
- سیف الدین نبوی: ۲۴۹.
- «ش»
- الشاطی (هتل): ۵۰، ۵۳، ۵۴، ۱۰۲، ۱۰۷، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۴۷، ۱۵۷، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۸، ۱۷۵، ۲۴۳.
- شاه: ۴۱، ۴۲، ۷۲، ۱۹۵، ۲۳۴، ۲۷۱.
- شاهنشاهی: ۲۴۸، ۲۵۳.
- شبلی ملاط: ۱۸۵.
- شحور: ۶۸.
- شرایتون (هتل): ۶۶، ۶۷، ۷۲، ۲۵۲.
- شرف الدین (سید عبدالحسین - آیت الله العظمی): ۱۵، ۲۲.
- الشرق الاوسط: ۴۹، ۱۰۰.
- شریعتمداری (آیت الله العظمی): ۱۹۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰.
- الشعب (روزنامه): ۱۴۸.
- شفیق الوزان: ۱۷۰.
- شوروی: ۲۰۱، ۲۳۹، ۲۴۳.
- شیخ حسن خالد: ۲۹، ۳۵، ۳۹.
- زامبوکو مارگریتا: ۸۸، ۱۱۹، ۱۵۳، ۱۵۴.
- زوتو دوناتو: ۱۳۱، ۱۴۱، ۱۷۸.
- زهرا بدرالدین: ۱۳۷.
- زهرا موسی یزبک: ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴.
- «ژ»
- ژاپن: ۲۹.
- «س»
- ساتلایت (هتل): ۶۳، ۷۷، ۸۳، ۹۵، ۱۳۱، ۱۳۷.
- ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۷۶.
- سازمان عفو بین الملل: ۱۳، ۲۱۶، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۷.
- سازمان ملل متحد: ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۷۰.
- سالواتوره وکیونی: ۱۲۹، ۱۴۸.
- سامی حداد: ۲۷۲.
- ساواک: ۱۳، ۴۱، ۱۹۷، ۲۱۴، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۷۱.
- سبها: ۲۷۳.
- سدرونی آلبرتو: ۹، ۱۱۹، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۷۸.
- سعید ابوظالب: ۱۴، ۱۸۸، ۲۲۰، ۲۲۳.
- السفیر (روزنامه): ۱۰۸، ۱۹۶، ۲۳۷.
- سکروکارو: ۷۳.
- سلسله ابویان: ۲۴.
- سلطانی طباطبایی (آیت الله العظمی): ۲۰، ۲۱.
- سلیم الحص: ۵۱، ۶۲، ۱۰۸.
- سلیمان کتانی: ۴۴.
- سمیح الحاج: ۱۹۱.
- سوریه: ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۸، ۵۹، ۶۵، ۶۶، ۹۹، ۱۰۶.
- ۱۰۷، ۱۱۰، ۱۲۱، ۱۸۸، ۱۹۵، ۱۹۷، ۱۹۹، ۲۰۳، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۶.
- سهیل عبدالصمد: ۱۸۵، ۱۹۱.
- سیاهپوستان مسلمان آمریکا: ۶۷.
- سید ابوالقاسم خوبی (آیت الله العظمی): ۲۲.
- سید احمد خوانساری: ۲۰.
- سید حسن طباطبایی قمی (آیت الله العظمی): ۲۰۱، ۲۰۲.

- شیخ عبدالامیر قیلان: ۶۶، ۶۸، ۶۹، ۷۰.  
 شیخ عبدالحلیم زین: ۶۶.  
 شیخ عبدالحلیم محمود: ۱۹۷، ۱۹۸.  
 شیخ عبدالکریم حائری یزدی (آیت الله العظمی): ۲۰.  
 شیخ عقل: ۳۰.  
 شیخ عیسی خاقانی: ۲۴۱.  
 شیخ مجدالدین محلاتی: ۲۱، ۲۳، ۲۳۹.  
 شیخ محمد منتظری: ۱۲۲.  
 شیخ محمد مهدی شمس الدین (آیت الله): ۵۹، ۷۷.  
 ۶۱، ۶۳، ۶۴، ۷۲، ۷۳، ۷۶، ۷۷، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۷، ۸۹، ۹۰، ۹۲، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۱۰۰، ۱۰۲، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۲۰، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۲، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۸، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۵، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۶۳، ۲۶۷.  
 عبدالرحمن محمد غویلا: ۱۴۴، ۱۵۹، ۱۸۴.  
 عبدالرحیم اباذری: ۳۲، ۴۱، ۴۲، ۲۱۸.  
 عبدالسلام جلّود (سرگرد): ۵۳، ۵۴، ۵۹، ۶۲، ۷۹، ۹۴، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۳، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۷۶، ۱۸۴، ۲۰۱، ۲۱۱، ۲۱۲.  
 علی عبدالسلام التریکی: ۶۶، ۱۲۱، ۱۲۴، ۱۸۴.  
 عدنان عضوم: ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۵.  
 عراقی: ۵۵، ۶۸، ۲۳۵، ۲۳۷.  
 عربستان: ۴۲، ۴۸، ۱۰۷، ۱۴۶، ۲۵۵.  
 عصام مکی: ۵۶.  
 علامه طباطبایی: ۲۰.  
 علی دوانی: ۲۳، ۲۱۷.  
 علی حجتی کرمانی: ۲۴، ۲۷، ۳۱.  
 علی ناصر محمد: ۶۶.  
 عثمان: ۲۰۰، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۷۳.  
 عمر مسیکه: ۸۲، ۹۴، ۱۷۶.  
 عیسی البعباع: ۱۸۴.  
 عیسی مسعود عبدالله المنصوری: ۱۴۵، ۱۴۷، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۸۴.  
 عین البنیة: ۳۳.
- شیخ عبدالامیر قیلان: ۶۶، ۶۸، ۶۹، ۷۰.  
 شیخ عبدالحلیم زین: ۶۶.  
 شیخ عبدالحلیم محمود: ۱۹۷، ۱۹۸.  
 شیخ عبدالکریم حائری یزدی (آیت الله العظمی): ۲۰.  
 شیخ عقل: ۳۰.  
 شیخ عیسی خاقانی: ۲۴۱.  
 شیخ مجدالدین محلاتی: ۲۱، ۲۳، ۲۳۹.  
 شیخ محمد منتظری: ۱۲۲.  
 شیخ محمد مهدی شمس الدین (آیت الله): ۵۹، ۷۷.  
 ۶۱، ۶۳، ۶۴، ۷۲، ۷۳، ۷۶، ۷۷، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۷، ۸۹، ۹۰، ۹۲، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۲۰، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۲، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۸، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۵، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۶۳، ۲۶۷.  
 شیخ مرتضی آل یاسین: ۲۲.  
 شهاب الدین حسینی مرعشی نجفی: ۱۹۷، ۱۹۸.  
 شیراز: ۴۱، ۲۳۹.
- «ص»
- صادق طباطبایی: ۲۰۵.  
 صادق قطب زاده: ۱۹۷، ۲۱۳.  
 صالح السنوسی عبدالسیّد: ۲۴۷.  
 صالح شرف الدین: ۶۸.  
 صدرالدین صدر (آیت الله العظمی): ۲۰، ۶۸.  
 صدری: ۵۲.  
 صور: ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۹، ۳۴.  
 صهیونیست: ۳۷.  
 الصیاد (مجله): ۱۱۷.  
 صیدا: ۶۶، ۶۹.
- «ط»
- طرابلس: ۵۰، ۵۱، ۵۳، ۵۷، ۶۰، ۶۳، ۶۴، ۷۱، ۷۳، ۷۴، ۷۶، ۷۷، ۸۳، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۹۴، ۹۵، ۹۸، ۱۰۰، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۴، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۵، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۳، ۱۶۵، ۱۶۷، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۸۶، ۲۲۸، ۲۳۷، ۲۳۸.

کالزتا: ۱۶۸.	«غ»	غوارنه: ۶۹.
کانتینو سرجیو: ۱۱۸، ۱۴۰، ۱۵۸، ۱۷۸.	«ف»	فابرو (پانسیون): ۱۴۵.
کاوور (میدان): ۱۴۵.		فالانژها: ۷۰.
کبوشین (کلیسا): ۳۳.		فاینانشل تایمز (روزنامه): ۱۹۶.
کنائب (حزب): ۵۹.		فداییان: ۲۴۳.
کفرشوبا: ۶۹.		فرانسه: ۲۱، ۲۴، ۴۲، ۴۹، ۵۲، ۵۴، ۶۰، ۶۱، ۷۵.
کمال جنیلاط: ۲۷۴.		۷۶، ۷۹، ۸۵، ۸۶، ۹۵، ۱۰۲، ۱۱۱، ۱۱۶، ۱۲۱.
کمپ دیوید: ۵۵، ۲۴۸.		۱۳۰، ۱۵۱، ۱۵۷، ۱۶۵، ۱۶۷، ۱۷۵، ۱۷۶، ۲۵۸.
کمیته دفاع از جنوب: ۳۶.		فلاح شرف‌الدین: ۳۷.
کنگره اسلامی لیبی: ۴۹.		فلسطین: ۳۲، ۳۶، ۴۴، ۵۸، ۵۹، ۶۶، ۷۰، ۱۰۹.
کنگره جماهیری خلق لیبی: ۴۹.		۱۲۰، ۱۵۰، ۱۹۴، ۱۹۵.
کوجیانی لیچیا: ۱۳۹، ۱۷۸.		فنار بیاقوت: ۶۹.
کولانجلو پی‌یترو: ۹۰، ۱۱۹، ۱۳۴، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۷۸.		فیدل آلفردو: ۱۱۸، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۵۹، ۱۷۸.
کویت: ۵۴، ۵۵، ۱۰۹، ۱۲۴، ۲۱۲، ۲۴۶.		فیلیپین: ۶۷، ۱۱۶.
کیهان: ۷۹، ۲۲۵.		فیومیچینو (فرودگاه): ۹۲، ۹۸، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۱۴.
«گ»		۱۱۵، ۱۲۹، ۱۳۱، ۱۳۷، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۵۰.
گروندا: ۷۴.		۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۷، ۱۷۶.
گریگوار حداد: ۳۴.		۱۷۸.
گلپایگانی (آیت‌الله‌العظمی): ۱۹۷، ۲۰۰.		فؤاد پطرس: ۱۲۴.
«ل»	«ق»	
لئوناردو داوینچی: ۱۰۰.		قانای جلی: ۳۷.
لبنان: در اکثر صفحات.		القانیان: ۲۰۱.
لوسین جرج: ۴۲.		قاهره: ۳۵، ۱۰۷، ۱۱۸، ۱۴۰، ۱۹۸.
لوموند (روزنامه): ۴۲، ۵۵، ۱۲۰.		قرآن: ۳۰، ۴۵، ۱۹۹، ۲۰۰.
لیبی: در اکثر صفحات.		قطر: ۲۴۱، ۲۵۵، ۲۷۲.
لیطانی (رود): ۱۰۶.		قم: ۲۰، ۲۱، ۲۳، ۵۵، ۶۸، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۹۸، ۲۰۳.
«م»		۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۹، ۲۱۱، ۲۱۷، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۲.
مارگاریتا گراند: ۱۰۳.		۲۳۸.
مارگریتا بونیفر: ۱۸۷.	«ک»	
مارمارون: ۳۴.		کاتولیک: ۳۳.
ماریوت (هتل): ۷۲.		کاجیانی لیچیا: ۱۵۸.
مالت: ۶۳، ۶۴، ۶۷، ۷۷، ۸۳، ۹۲، ۹۵، ۱۰۰، ۱۱۶.		کلودیو کادرونه: ۲۶۵.
۱۳۱، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۵۰، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۶۷، ۱۷۶.		کارتز: ۲۴۸، ۲۴۹.
۲۵۴.		کاردونه آندره: ۱۴۰، ۱۵۸، ۱۷۸.
ماندرونه کارمینه: ۱۴۰، ۱۵۸.		کاشان: ۲۸، ۲۱۷، ۲۱۹.
مجدالدین محلاتی: ۲۱، ۲۳، ۲۳۹.		

- مجلس اعلاى شيعيان: ۱۱، ۱۳، ۲۹، ۳۰، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۹۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۴، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۸۰، ۱۸۵، ۱۸۸، ۱۹۸، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۵۲، ۲۵۶.
- المجلس الاسلامى الشيعى الاعلى: ۳۱.
- المحرر (روزنامه): ۴۲.
- مجلس شورى اسلامى: ۱۳، ۱۶، ۱۸۶، ۱۸۸، ۲۱۷، ۲۲۰، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۸، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹.
- مجمع بحوث اسلامى: ۳۵.
- محسن كماليان: ۳۶.
- محقق داماد (آيت الله العظمى): ۲۰، ۴۴.
- محمد خليفه صهبون: ۱۴۵، ۱۴۷، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۸۴.
- محمد صلاح يحيوى: ۴۸.
- محمد على الرحبى: ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۸۴.
- محمد قبانى: ۱۷۵.
- محمد محمود ولد داده: ۱۴۵، ۱۴۷، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۸۴، ۱۶۱.
- محمود محمد بن كوره: ۴۹، ۱۰۷، ۱۸۴.
- محمود واعظزاده خراسانى: ۲۳، ۲۱۷.
- مدرسه صنعتى جبل عامل: ۲۵، ۳۳، ۳۷.
- مدينة الطب: ۲۸.
- مراكش: ۱۲۴.
- المرغانى التومى: ۱۴۴، ۱۴۶، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۸۴.
- المساجيرو (نشریه): ۷۷، ۱۱۵.
- المستقبل (روزنامه): ۱۹۶.
- مسجد الصفا: ۳۸، ۴۰.
- مسجد حضرت ولّى عصر (عج): ۴۱.
- مشهد مقدّس: ۲۰۰، ۲۰۲.
- مصر: ۳۴، ۳۶.
- مصطفى چمران: ۲۵، ۲۶، ۲۸، ۵۱، ۵۴، ۲۱۲، ۲۲۰.
- مصطفى خمينى: ۴۳.
- مصطفى سليمان: ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴.
- مطهرى (آيت الله): ۴۱، ۱۲۳.
- مطران جورج حداد: ۳۴.
- معروف سعد: ۶۹.
- معمّر قذّافى: ۱۲، ۱۳، ۴۴، ۴۸، ۴۹، ۵۱، ۵۳، ۵۴، ۵۶، ۵۹، ۶۰، ۶۲، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۹، ۱۰۳، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۶، ۱۲۱، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۵۱، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۸، ۱۷۷، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۹۶، ۱۹۷، ۲۰۰، ۲۰۶، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۶، ۲۲۸، ۲۳۹، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۸، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۷، ۲۶۱، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴.
- مغرب: ۳۴، ۷۹.
- مفتّح: ۴۱، ۲۱۸.
- مقاومت: ۳۲.
- ملك حسين بن طلال: ۵۵، ۲۴۷، ۲۴۸.
- مناخيم بگين: ۶۹.
- منتدى النشر: ۲۲.
- منح الصلح: ۱۷۵.
- موريتانى: ۱۳۳، ۱۴۵، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۵۲، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۷۸.
- مولود قاسم نايب بالقاسم: ۲۰۳.
- مهدي سرحدى: ۱۴.
- مهدي فرخيان: ۲۵.
- مهندس يوسف مروه: ۴۵.
- «ن»
- ناصر مكارم شيرازى (آيت الله): ۲۱، ۲۳.
- ناقوره: ۳۶.
- نيطيه: ۶۶.
- نبيعه: ۶۹.
- نبيه برى: ۱۸۶، ۲۷۳.
- نبيه فرحات: ۷۳، ۸۲.
- نجف اشرف: ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۹، ۴۱، ۴۲، ۶۸، ۱۲۰، ۱۹۵، ۱۹۷، ۲۳۹.
- الندوة اللبنانتيه (مؤسسة فرهنگى): ۳۴.
- نزار على: ۵۲، ۱۰۲، ۱۳۰، ۱۳۵، ۱۵۱، ۱۶۲، ۱۶۵.

- نزار فرحات: ۵۰، ۶۰، ۱۳۰، ۱۶۷، ۱۶۸.
- نصوح مرعب: ۸۲.
- النهار (روزنامه): ۴۸، ۱۱۶، ۲۳۷، ۲۴۶.
- نیکولاس لئوناردو: ۱۳۴، ۱۳۶، ۱۵۳، ۱۷۸.
- نیکولوزی لئوناردو: ۹۰، ۹۱.
- «و»
- واتیکان: ۴۱، ۲۰۹، ۲۱۷.
- والنته الساندرو: ۱۴۱، ۱۵۹، ۱۷۸.
- الوطن العربی (رادیو): ۵۳.
- ویشی (شهر): ۱۶۵.
- «ه»
- هابر زیگفردو: ۱۳۵، ۱۵۳.
- الهادی ابراهی الصداوی: ۱۴۴، ۱۴۷، ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۸۴.
- هاشمی رفسنجانی: ۲۱، ۴۲، ۲۱۱.
- هالیدی این (هتل): ۶۳، ۶۵، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۷.
- ۸۲، ۸۴، ۹۲، ۹۵، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۲، ۱۱۴، ۱۱۵.
- ۱۱۶، ۱۱۹، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۳۵، ۱۳۷.
- ۱۳۸، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵.
- ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۰، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۷، ۱۷۶، ۱۷۸.
- هانری کربن: ۴۴.
- هواری بومدین: ۴۸، ۶۶، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۷۵، ۲۰۲.
- ۲۰۳، ۲۲۶.
- هابر زیگفریدو: ۹۱، ۱۷۸.
- «ی»
- یاسر عرفات: ۳۹، ۴۰، ۶۶، ۶۸، ۱۰۶، ۱۰۹، ۱۹۴.
- ۱۹۵، ۱۹۷، ۲۳۹، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۷.
- یمن: ۶۶.
- یوسف الخوری: ۳۴.
- یوسف صانعی (آیت الله): ۲۱، ۲۱۲.
- یونایتد پرس (خبرگزاری): ۱۲۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۹.